فتاوی

دار العلوم دیوبند

مدلل و مکمل

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمه الله

تصحیح ترجمه وترتیب جدید

مولانا الحافظ محمّد أحمد الحقانی الأفغانی غفرالله له

جلد دوم (۲)

مکتبه حنفیه

کاسی رود ، کوئته . فون: 2662510 - 081

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اوّل

حوت ۱۳۸۸ \ ربيع الأوّل ۱۴۳۱ \ مارج 2010

Maktabah Hanafiyah	مكتبه حنفيه
Publishing Organization	مؤسسه انتشارات
AL - ILM Computers	العلم كمپيوترز
Composing Organization	كمپوزنگ مركز

Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone : 0812662510 كاسى رود، حاجى غيبى چوک، كوئته ، شمارهٔ تليفون:

AL-ILM Computers, Quetta. Mob: 03218016371 العلم كمپيوترز ، كوئته ، پاكستان ، شمارهٔ تليفون:

فهرست فتاوی دار العلوم ديوبند جلد دوم

فتاوی دار العلوم دیوبند

مدلل و مکمل

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمہ اللہ

تصحیح ترجمه وترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد أحمد الحقانی الأفغانی غفر اللہ له

جلد دوم (۲)

مکتبه حنفیه

کاسی روډ ، کوټه . فون: 2662510 - 081

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اوّل

حوت ۱۳۸۸ \ ربيع الأوّل ۱۴۳۱ \ مارچ 2010

Maktabah Hanafiyah	مكتبه حنفيه
Publishing Organization	مؤسسه انتشارات
AL - ILM Computers	العلم كمپيوترز
Composing Organization	كمپيوزنگ مركز

Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone : 0812662510 :كاسى رود، حاجى غيبى چوک، كوئته ، شمارهٔ تليفون

AL-ILM Computers, Quetta. Mob: 03218016371 :العلم كمپيوترز ، كوئته ، پاكستان ، شمارهٔ تليفون

فهرست فتاوی دار العلوم دیوبند جلد دوم



بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الحمد لله وكفى وسلام على عباده الذين اصطفى:

این یک سخن پوشیده نیست که دنیا بسیار به سرعت پیش روان است هر دور وزمان براي خود خصوصیات جداگانه دارد دور موجوده یک حقیقت معلوم است که به نزد خاکسار پالیدن دریافت عاجل حتی الإمکان اساني وسهولت است با این همه تلاش وجستجو هر شخصي خواه به فقه وفتاوی اشنائي داشته باشد ویا نه تنقید وتبصره بر هر حکم حق أول وفریضه او ست دریافت اساني وسرعت کردن در طبیعت انساني چنین ممزوج ومخلوط گردید که هیچ کدام لفظ را بدون آن خوش ندارد هر شخص وهر جاي را که مشاهده نمائید میدانید که از راه ورسم ورفتار زمانه بسیار مرعوب است از همین سبب تفکر، تدبر، دور اندیشي ومعامله فهمي رو به اختتام است، غور وفکر بالکل سطحي مانده است وقتیکه من فکر میکنم که نتیجه وانجام این نظر سرسري دین آخري، مکمل وخوش کرده خداوند است وهیچ کدام انسان آئین وقوانین این دین مقدس را نساخته بلکه خالق کائنات أصول وقوانین این دین را به حکمت کامله خود ساخته است که تشریح وتوضیح آن را رحمت عالم ﷺ در دور بیست وسه ساله نبوت خود کرده واصحاب کرام ﷺ به عملي ساختن آن را روشن وصفا کرده اند، وهیچ قسم صعوبت را درآن باقي نمانده وبعد از آن أئمۀ مجتهدین وعلماء أمت در پرتو کتاب الله وسنت رسول الله ﷺ این دفعات ومراحل را مدون ساختند که تفصیل آن در حصۀ اول این کتاب من حیث مقدمه بیان شده مگر مطابق نشر ووسعت حالات درآن زیادت رخ میداد وقتیکه مسائل نو وجدید پیدا مي شد، علماء راسخین في العلم راجع به آن تلاش میکردند وعوام را ازآن خبردار مي ساختند ودر آینده نیز مطابق احوال همین قسم خواهد شد واین سلسله به هیچ منزل استاد ومتوقف نمیشود مگر بسیار جاي تعجب است که با وجود شناخت ومشاهده همه این چیزها به علماء امت اتهام والزام تنگ نظري، کم مایگي وبي خبري زده میشود واین پروپاگند مکروه به زبان خاص وعام جاری است بلکه زیادتر از این یک طبقه حضرات تعلیم یافته که صلاحیت دور بیني ودین فهمي درآنها نیست به دنبال وعقب آن کسي روان میشوند که آنها دین حق خداوند را مطابق ذوق وخواهش غلط خود من حیث حلقه منسوخ شده پیش میکنند وبه تحریف معنوي گرفتار لعنت شده اند حالا

براي عوام وخواص امت چه قسم یقین داده شود که طبقه علماء ذمه دار امت از زمانۀ وتیز قدمي زمانه یک لحظه هم غافل وبي خبر نیستند وانگشتان این علماء همیشه به نبض رفتار زمانه ونظر دور بینانه ایشان به رخ زیباي دور جدید مانده شده است وآنها میدانند که در عملی ساختن امور دیني مطالبه کسالت به شدت جاريِ است واین گیله وشکایت عام است که گویا علماء دین مطابق تقاضاي زمانه رفتار نمیکنند وشکایات ما را نمیشنوند ازاین جهت دنیا روز به روز درباره ما بر گمان میشود با وجود این شکایات والزامات پیشنهاد این طبقه را مثل پیشنهاد پیروان مسحیان وپیروان مذاهب دیگري میدانند که از علماء وپیشوایان خود میکردند وعلماء امت محمدي ﷺ آن تاریخ مختل را ثبت کرده اند ونمیخواهند که آن تاریخ مختل ضد کتاب وسنت در امت محمد ﷺ تکرار شود وعلماء این امت میدانند که علماء بني اسرائیل وغیره چه قسم براي خوش ساختن عوام نقشه دین ومذهب خود را مختل وویران کردند وبالاخره دین خداوند را به چه چیز مبدل ساختند آیا علماء این امت احساس آن ذمه واري عظیم الشان را ندارند که از طرف خداوند خداوند ﷻ ورسول پاک ﷺ بدوش شان مانده شده نتیجه همین احساس است که علماء دین به مردانگي کامل به مقام خود استاد مانده اند واین اعمال را محکم کرده اند که درکتاب الله وسنت رسول ﷺ براي شان مناسب دیده ودر روشني این کتابُ مقدس وسنت مطهر آن حضرت ﷺ زنگي خود را بدون ترس وهراس فساق وفجار بسر مي برند رحمة الله علیهم واز خداوند پاک تمنا داریم که در این استقامت ومردانگي ایشان بقدر موي سر فرق پیش نشود این سخن از این جهت به زبانم میاید که اگر از مطالبه عوام کدام ترس وهراس کرده شود ومطابق تقاضاي عوام کدام قدم برداشته شود ممکن است که دین به ملعبه اطفال مبدل شود وشیشه تقدس ووقار او میده، میده خواهد شد راپور کمیشن پاکستان اجتهاد مسخ کننده منکرین حدیث وتعبیرهاي غلط جماعات دیگر روشن فکر دیني وانجام لرزه خیز آنها در نظر چشم ما موجود ومحسوس است این یک سخن جدا است که انقلاب زمانه کدام ذمه واري جدید را بدوش علماء قائمین بالحق وراسخین في العلم انداخته است ایشان بجا اوردن آن را فرض خود میدانند ودر این سلسله که برای ایشان کدام عمل مناسب است انشاء الله همیشه آن را دوام خواهد داد خوب یاد داشته باشید که (الدین یسر) اساني نام دوم دین است که نه درآن کمبود است نه سخن نه تنگي ونه زیادت بلکه در ریشه آن برابري ومساوات است ومطابق گذارشات وروزگار هر دور

قوت بي فناء است دين در ذات خود بسيار صفائي وجاذبيت دارد از طرف پيغبر اكرم ﷺ به مصلحين دين هدايت وارشاد شده: كه اساني كنيد سختي نكنيد خوش خبري دهيد ونفرت آور نباشيد كدام همه گيري، رفق وسهولت كه در احكام دين موجود است هر كس آن را ميداند در باب طهارت حكم استعمال آب است مگر در حال نبودن آب ويا در صورت عدم قدرت به استعمال آب خاك پاى قائم مقام آن شده است كه هم براى وضوء وهم براي جنابت كفايت ميكند كه به خاك يا آن چيز يك در حكم دو دفعه دست خود را ميزند بار أول دستها را به روي خود وبار دوم هر دو دست را تا ارنجها مسح ميكندكدام مناسبت كه در بين خاك واب مرموز است شايد به آن افراد معلوم باشد كه علم داردند كه اين هر دو يعني آب وخاك در پيدائش ونشو ونموى اساني، ومخلوق ديگري چه سهم دارد نماز در تمام عبادات يك عبادت عظيم المرتبه است وآن قدر عام است كه براي هيچ مسلمان عاقل وبالغ معاف نيست، يا اينكه قيام در نماز فرض است مگر وقتيكه قدرت قيام را كسي نداشته باشد برايش اجازه است كه به قاعده نماز خود را اداء كند وبه قاعده نيز قدرت ندارد دراز يافته ونماز خود را اداء نمايد هم چنين نماز به جماعت سنت مؤكده بلكه واجب است مگر وقتيكه عذر شرعي برايش پيش آيد اجازه ترك جماعت برايش داده شده هم چنين براي مقيم ضرور است كه تمام نماز فرض وسنت خود را اداء كند مگر براي مسافر در اين باره اساني اختيار شده كه در فرض چهار ركعتهي صرف دو ركعت بخواند وسنت برايش معاف است، ودر هيئت تركيبي نماز، شرائط وصفات آن هيچ كدام مشكل ودشواري وجود ندارد وچيزي را كه دائما ضرور گردانيده تمام آن نافع وزندگي ايشان را زيبا وپاكيزه ميسازد، مختصر اينكه دين هم آسان است وهم در وقت كم اداء ميشود واين سهولتها كم وبيش در تمام عبادات حاصل است كاشكي تمام مسلمانان بطريقه كامل از دين واقف باشند تا بدانند كه اسلام بكدام اندازه دين اساني وسهولت است وبكدام اندازه به خواهشات ونفسيات انسان نزديك است در ترتيب اين حصه نيز لحاظ تمام آن امور نگاه شده كه تفصيل آن در حصه اول آمده است در اول اراده بود كه تمام كتاب الصلاة در يك جلد ويا دو جلد ترتيب شود مگر براي سهولت واساني مردم در جلدهاي متعدد تهيه كرده شد در حذف مسائل تكراري دراين جلد هم اهتمام شده است مگر در بعض مسائل از جهت اهميت واختلاف نوعيت سوالات مطابق ضرورت تكرار صرف براي نام است مطلب تكرار اين

نیست که گویا یک سوال وجواب تکرار شده بلکه سائل هم شخص دیگري است والفاظ سوال وجواب نیز بدل ومتفاوت است ودر دو وقت نوشته شده آیا از نسیان بشري کسي محفوظ است که این خاکسار از آن محفوظ بماند ودعواه کند که از غلطي ونسیان بشري مصئون ومحفوظ است فکر تا حدیکه میتوانستم در جد وجهد، محنت وخواري خود هرگز کوتاهي نکرده ام کامیابي بدست رب العزت است دعاء است که الله تعالی خدمت این حقیر را قبول کند واین خدمت را در نظر علماء وقیع وپسندیده وبراي عوام قابل استفادۂ عظیم بگرداند وبه معیت آن براي مرتب این مجموعه را ذریعه فلاح ونجات دنیا وآخرت ثابت کند.

به امید دعا محمد ظفیر الدین غفر له پوره نودیهاري

دار الافتاء دار العلوم دیوبند ۱۵ ربیع الثاني سنة ۱۳۸۳ هـ



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله واصحابه أجمعين.

كتاب الصلاة

أهميت نماز وفضائل آن

سوال: (۱) **برای مسلمانان هر طبقه صورت پابندي نماز چيست**؟ پابندي هر طبقه مسلمانان به نماز چه قسم شده ميتواند؟

جواب: الله تعالى فرموده است: وإنها لكبيرة إلا على الخاشعين الذين يظنون أنهم ملاقوا ربهم وانهم إليه راجعون، [۱] ترجمه: وبيشک نماز وزمين است مر به آن مردم نيست که عاجزي ميکنند کسانيکه يقين دارند که ايشان به الله ﷻ ملاقات ميکنند وايشان به خدا باز ميگردند، پس معلوم شد که اول فكر خوف خداوند بر خوف قيامت وأحوال قيامت وپيش شدن به بارگاه إلهي را در دل خود پيدا كنند ودر آن فكر كنند وبازآن بشارت وثواب که در أحاديث پيغمبر اكرم ﷺ براي نماز گذاران ثابت شده مطالعه نمايند ويا بشنوند وفضائل نماز را در حضور مشاهده كنند اميد است که به اين طريق شوق نماز برايش پيدا خواهد شد واگر به اين حديث شريف غور وفكر كند که "أحب الاعمال الى الله ادومها" [۲] يعني عمل محبوبترين به نزد الله تعالى آن است که بر آن مداومت كرده شود وهم چنين در اين حديث شريف غور وفكر كنند که رسول پاک ﷺ گفته: أرأيتم لو أن نهرا بباب احدكم يغتسل فيه كل يوم خمسا هل يبقى من درنه شيء قالوا لا يبقى من درنه قال فذلک مثل صلاة الخمس يمحو الله بهن الخطايا، رواه البخاري ومسلم [۳] ، حاصل اين حديث شريف اين است که نبي كريم ﷺ از اصحاب كرام ﷺ سوال كرد که اگر پيش روي دروازه كسي يک نهر باشد که در يک روز پنج دفعه درآن غسل كند آيا به بدن او كدام چرک باقي خواهد ماند اصحاب ﷺ گفتند که باقي نخواهد ماند حضور ﷺ فرمود که همين مثال پنج وقت نماز است که به آن انسان ازگناه پاک ميشود پس ان شخص نمازگذار پخته ومحكم خواهد شد ووقتاً فوقتاً يعني هميشه در تحقيق

(۱) البقرة ركوع ۳ آيت : ٤٥\٤٦. ظفير

(۲) مشكوٰة باب القصد في العمل، الفصل الاول ص ۱۱۰. ظفير

(۳) مشكوٰة كتاب الصلوٰة ص ٥٧. ظفير

مسائل نماز مشغول خواهد بود وبه حکم: من جد وجد، ضرور در کوشش خود کامیاب خواهد شد، پس ضرور شد که کدام احادیث در بلندي مقام وفضلیت نماز وارد شده ان را درکتاب الصلاة مشکوة شریف مطالعه کند ویا ازکسي دیگري بشنود واگر این شخص به زبان عربي نمیداند در این صورت کتاب (مظاهر حق) ترجمهٔ مشکوة مذکوره بهره ومنفعت خواهد رسید وشوق نماز در دلش پیدا خواهد شد وکسیکه به این قسم مطالعه وغیره توان ندارند مردم دیگري که در این مسائل واقف اند براي شان توضیح دهند ومسائل خوف وبشارت را از ترجمه آیات وأحادیث براي شان بیان کنند پس ضرور است که به حکم: وذکر فإن الذکری تنفع المؤمنین، [۱] براي آنها این نصائح نافع وممد شود این نصایح نه تنها در مسائل وفضائل نماز بلکه به اتباع تمام احکام نافع است.

سوال: (۲) **کسیکه به پابندی نمازها را اداء نمیکند برای او ثواب داده میشود یا نه؟** کسیکه بعض نمازها را ترک میکند وبعض نمازها را اداء میکند براي او ثواب نمازهاي اداء شده داده میشود یا نه؟

جواب: ثواب نمازهاي اداء شده برایش داده میشود وبراي نمازترک شده برایش عذاب است. [۲]

سوال: (۳) **آیا نماز شخص رشوت خور مقبول است؟** یک شخص علاوه از معاش ماهانه رشوت میگیرد نماز او مقبول است یا نه؟

جواب: نمازش مقبول است وثواب نماز برایش حاصل میشود وگناه رشوت به گردن او است، قال تعالی: وآخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحًا وآخر سیئًا. [۳] الآیة

سوال: (٤) **اگر متعلقین نمازگذار نماز نخوانند آیا به این سبب بالایش کدام جرم عائد است؟** (الف) مسلمانان یک محله چنین انتظام کرده اند که کسي کدام نماز را ترک کند جرمانه را اداء کند وهمراه تارک نماز قطع تعلقات میکنند در این محله زید نماز میخواند مگر متعلقین او تارک الصلاة اند وقتیکه به زید گفته شد زید در جواب گفت که آنها نماز نمیخوانند من چه کنم مجبوري است باز برایش گفته شد که تعلقات را با آنها قطع کن زید در جواب گفت

(۱) الذاریات رکوع ۲ . ظفیر

(۲) وتارکها عمدًا مجانة ای تکاسلا فاسق یحبس حتی یصلی وقیل یضرب حتی یسیل منه الدم وعند الشافعي بصلاة واحدة حدًا وقیل کفر (الدر المختار علی هامش رد المحتار، کتاب الصلوٰة ج۱ ص۳۲٦، ط.س. ج۱۰ ص۳۲٦). ظفیر

(۳) سورة التوبة، رکوع ۱۳ ظفیر

که این قسم هم کرده نمیتوانم مجبوري أست.

(ب) این گفتار زید که مجبوري است قابل عفوه است یا نه؟

سوال: (۵) (۱) **امامت این قسم شخص جائز است یا نه؟** وقتیکه زید همراه تارک الصلاة تعلقات داشته باشد پیش به عقب زید نماز خواندن جائز است یا نه؟

سوال: (٦) (۲) **همراه این قسم شخص تعلقات نگاه شود یا نه؟** همراه زید تعلقات نگاه شود یا نه؟

سوال: (۷) (۳) **کسی که نماز نخواند جرمانه مالی از او جائز است یا نه؟** به خاطر به نماز آوردن مردم از این قسم أثر کار گرفتن در شریعت جائز است یا نه؟

جواب: (۱) اگر زید به متعلقین خود نصیحت کرد وانها قبول نکردند بر ذمه زید مؤاخذه نیست، قال الله تعالى: ولا تزر وازرة وزر اخرٰی [1] وقال تعالى: لا تكلف إلا نفسک وحرض المؤمنین. [2]

جواب: (۲) امامت زید در این صورت مکروه نیست به عقب او نماز جائز است.

جواب: (۳) در تعلقات داشتن با زید هیچ گناه نیست.

جواب: (٤) در باره نماز موافق قوت خوب نصیحت کامل لازم است مگر جرمانه مالي در این باره جائز نیست واین عمل را ترک کنند یعني جریمه مالي را نگیرند. [3]

تنبیه: وترساندن تارک الصلاة به هر قسم مناسب است واگر نصیحت را قبول نکنند در این صورت قطع تعلقات ومقاطعه با او مناسب است بلکه ضرور است. [4]

سوال: (۸) **آیا ذکر الله از نماز فرض بهتر است؟** یک گروه از صرفیان میگویند که ذکر الله تعالی از نماز پنجگانه وفرائض دیگر افضل واولی است اگر کسي در ذکر مشغول باشد ونماز

---

(۱) سورة بنی اسرآئیل، رکوع ۲. ظفیر (۲) سورة النسآء رکوع ۱۱. ظفیر

(۳) لا یاخذ مال في المذهب بحر، وفیه عن البزازیة قیل یجوز ومعناه ان یمسکه مدة لینزجر ثم یعیده له فان أیس من توبته صرفه إلى ما یرى، وفي المجتبى انه كان في ابتداء الاسلام ثم نسخ (درمختار) قوله: لا یاخذ مال قال في الفتح وعن ابی یوسف یجوز التعزیر للسلطان باخذ المال وعندهما وباقي الائمة لا یجوز آهـ ومثله فی المعراج فظاهره ان ذلک روایة ضعیفة عن ابی یوسف قال في الشرنبلالیة ولا یفتى بهذا لما فیه من تسلیط الظلمة على اخذ مال الناس الخ (ردالمحتار باب التعزیر مطلب في التعزیر باخذ المال ج ۳ ص۲٤٦، ط. س. ج۱ ص۲٦۱). ظفیر

(٤) وتارکها عمداً مجانة ای تکاسلا فاسق یحبس حتی یصلي الخ وقیل یضرب حتٰی یسیل منه الدم (الدر المختار علٰی هامش رد المحتار، کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۲٦، ط.س. ج۱ ص۳۵۲). ظفیر

فرض از او فوت شود قضائي نماز بر او لازم نيست وگناهكار نميشود واز آية مباركه: إن الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر ولذكرالله اكبر استدلال ميكنند آياقول وزعم ايشان صحيح است يا نه؟

جواب: اين قول آنها باطل است چنانكه در حديث صحيحين ذكر شده: وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال سألت النبي ﷺ أي الاعمال أحب إلى الله قال الصلاة بوقتها قلت: ثم ايّ؟ قال: برّ الوالدين؟ قلت: ثم اي؟ قال الجهادفي سبيل الله [1] وقال الله تعالى: حافظوا على الصلوات والصلاة والوسطى [2]، وباتفاق امت نماز فرض قطعي است وذكر الله تعالى بدون نماز وغيره از جمله مستحبات است، واتفاق بر آن است كه فرض از مستحب بهتر وافضل است ومعناى آية مباركه اين است چون كه نماز متضمن ذكر الله است لهذا از غير ان بهتر است قال في الكمالين: فالصلاة لما كان كلها مشتملة بذكر الله تعالى تكون اكبر الخ [3].

سوال: (٩) **از جهت تجربات ساينسى فوت كردن نماز جائز است يا نه؟** اگر در تجربه خانه ساينسي در تجربه مشغول باشد ووقت نماز هم باشد آيا اين شخص انقدر مجبور است كه نماز را فوت كند وهمراه نمازهاي ديگر قضائي آن را ببرد؟

جواب: از اين سبب فوت كردن نماز جائز نيست. [4]

سوال: (١٠) **نمازها چه وقت فرض شده؟** آيا نماز خاص در شب معراج فرض شده؟

جواب: نماز خاص در شب معراج فرض شده مثلي كه در احاديث صحيحه ثابت شده در اين قسمت ترجمهٔ اردوي مشكوة شريف يعني مظاهر حق را مطالعه فرمائيد. [5]

---

(١) مشكوٰة كتاب الصلٰوة فصل اول ص ٥٨ . ظفير

(٢) سورة البقرة ركوع ٣١. ظفير

(٣) برحاشيه تفسير جلالين ص٣٣٩: وفى عبارة ابى السعود: ولذكر الله اكبر اى الصلٰوة اكبر من سائر الطاعات (ايضاً ٣٣٨). ظ

(٤) وتاركها عمداً مجانة اى تكاسلا فاسق يحبس حتى يصلى الخ (الدر المختار على هامش رد المحتار، كتاب الصّلٰوة ج١ ص٣٢٦، ط.س. ج١ ص٣٥٢) ولا جمع بين فرضين فى وقت بعذر الخ فان جمع فسد لو قدم الفرض على وقته وحرم لوعكس اى اخره عنه الا لحاج بعرفة ومزدلفة (ايضا ج١ ص٣٥٥، ط.س. ج١ ص٣٨٢). ظفير

(٥) هي فرض عين على كل مكلف بالاجماع فرضت فى الاسراء ليلة قبل السبت سابع عشر رمضان قبل الهجرة بسنة ونصف وكانت قبله صلاتين قبل طلوع الشمس وقبل غروبها، شمنى (در المختار) انهم اختلفوا فى اى سنة كان الاسراء بعداتفاقهم على انه كان بعد البعثة الخ (ردالمحتار كتاب الصلٰوة ج ١ ص٣٢٥، ط.س. ج١ ص٣٥٢) به متعلق معراج در آخر يک حديث دراز ميايد: ثم فرضت عليَّ الصلاة خمسين صلاة كل يوم فرجعت فمررت على موسى فقال: بما أمرت ؟ قلت : أمرت بخمسين صلاة كل يوم . قال : إن أمتک لا تستطع خمسين صلاة كل يوم وإني والله قد جربت الناس قبلک وعالجت بني إسرائيل أشد المعالجة فارجع إلى ربک فسله التخفيف لأمتک فرجعت فوضع عني عشرا فرجعت إلى موسى فقال مثله فرجعت فوضع عني عشرا فرجعت إلى موسى فقال مثله فرجعت فوضع عني عشرا فرجعت =

الباب الاول فی المواقیت وما یتصل بها

فصل أول در بیان أوقات نماز

سوال: (۱۱) **أذان صبح وجمعه**: جماعت نماز صبح باید به کدام مقدار وقت پیش از طلوع آفتاب استاد شود ودیگر اینکه أذان صبح به کدام مقدار وقت از جماعت صبح پیش اداء شود؟

جواب: در شامي ذکر شده: قال ابو حنيفة: يؤذن للفجر بعد طلوعه [۱] يعني بعد از صبح صادق آذان کردن بهتر است اگر فوراً بعد از صبح اذان نگويد پس ان بگويد غرض اين است تمام وقت نماز وقت أذان هم است کما في الشامي: ولعل المراد بيان الاستحباب وإلا فوقت الجواز جميع الوقت الخ [۲] وجماعت صبح در وقت اسفار بهتر است يعني کدام وقت که خوب روشني شود مقدار اين را در الدر المختار چنين نوشته است که از طلوع آفتاب آنقدر پيش نماز را شروع کند که چهل آيات به ترتيل خوانده شود فرضاً اگر به دوباره خواندن نماز ضرورت پيش گردد که پيش از طلوع آفتاب إعاده شده بتواند [۳] غرض اين است که نيم ساعت پيش از طلوع آفتاب جماعت کننده. فقط

سوال: (۱۲) **در قطب شمالي وجنوبي طريقه پابندی أوقات نماز**: پابندئ أوقات نماز در قطب شمالي وجنوبي چه قسم شده ميتواند در اين ممالک تا سه ماه آفتاب نمي خيزد على هذا القياس تا سه ماه غروب آفتاب نميشود در اين جاها نماز چه قسم اداء گردد؟

جواب: احکام اين قسم جاها رانيز فقهاء بيان ونوشته کرده اند که درآن جاها باندازه کردن وقت نماز اداء گردد [۴] مثليکه در حديث آمده که در وقت ظهور دجال يک روز به اندازه يک سال خواهد بود در اين باره پاک حضرت محمد ﷺ در جواب سوال أصحاب کرام رضی الله عنهم گفت که

= إلى موسى فقال مثله فرجعت فوضع عني عشرا فأمرت بعشر صلوات كل يوم فرجعت إلى موسى فقال مثله فرجعت فأمرت بخمس صلوات كل يوم الخ متفق عليه (مشكوٰة باب في المعراج فصل اول ص ٥٢٨). ظفير

(۱) رد المحتار، باب الاذان ص ۳۵۷، ط.س. ج۱ ص۳۸۵. ظفير

(۲) ايضاً، ط.س. ج۱ ص۳۸۵. ظفير

(۳) والمستحب لرجل الابتداء في الفجر باسفار والختم به هو المختار بحيث يرتل اربعين اية لم يعيده بطهارة ولو فسد (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلوٰة ج ۱ ص۳۳۹، ط.س. ج۱ ص۳٦٦). ظفير

(٤) وفاقد وقتهما كبلغار فان فيها يطلع الفجر قبل غروب الشفق في أربعينية الشتاء مكلف بهما فيقدر لهما ولا ينوي القضاء (در المختار) وقد وجد وهو ما تواطئت عليه اخبار الاسراء من فرض الله تعالى الصلوٰة خمسا بعد ما امر اولا بخمسين ثم استقر الامر على الخمس شرعاً عاما لاهل الافاق لا تفصيل بين قطر وقطر. ظفير

باندازه کردن وقت نمازها را اداء کنید [۱] مطلب حدیث شریف این است که در هر بیست چار ساعت پنج نماز را اداءکنید بان مقدار وقت که در ممالک عادي نمازها اداء میگردد یعني در بین یک نماز تا نماز دیگر آن قدر وقفه شود مثلیکه در ممالک عادي وقفه میشود یعنی درممالک عام که کدام فاصله وقت در بین نمازها مراعت میشود در ممالک قطب شمالي وقطب جنوبي همان فاصله را عملي کند ودر بیست وچهار ساعت نماز پنجگانه را اداء نمایند ودر کدام ممالک که شش ماه روز وشش ماه شب میباشد به نزد محققین نیز همین حکم است که به اندازه کردن وقت وفاصله بین نمازها در بیست وچهار ساعت نماز پنجگانه را اداء نمایندد. [۲]

سوال: (۱۳) **وقت مستحب نماز صبح:** درباره نماز صبح دربین یک تعداد مردم اختلاف است در حیدرآباد طلوع آفتاب در ساعت پنج بجه وچهل وپنج دقیقه میباشد وغروب آفتاب به چهار دقیقه کم هفت بجه میباشد از این جهت در این جا شب وروز برابر میباشد مگر مردم اکثر این جا به أثر اختلاف نماز صبح را در تاریکي یعني چهار ونیم بجه نماز میخوانند وبعض مردم نماز صبح را در روشني بعد از پنج بجه مبخوانند لهذا کدام وقت که در مذهب حنفي اصح ومتفق علیه باشد آن را به ما معرفي وتحریر فرمائید.

جواب: در نماز صبح به نزد احناف اسفار مستحب است واز لفظ مستحب معلوم میشود که در تاریکي نیز جواز دارد مگر در روشني مستحب است معناي اسفار این است که بعد از أذان صبح روشني پیدا وتاریکي دور شود وقتیکه آفتاب به پنج بجه وچهل وپنج دقیقه طلوع میکند در این وقت بعد ازپنج بجه وقت مناسب وعمده اسفار یعني روشني است [۳] وکسانیکه چهار ونیم بجه

---

(۱) روی انه ﷺ صلی الرعد وسلم وذکر الدجال قلنا ما لبثه في الارض قال اربعون یوما، یوم کسنة ویوم کشهر ویوم کجمعة وسائر ایامه کایامکم قلنا یا رسول الله فذلک الیوم الذی کسنة اتکفینا فیه صلاة یوم قال لا، اقدروا له. رواه مسلم الخ (رد المحتار، کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۷، ط.س. ج۱ ص۳۶۲). ظفیر

(۲) قال الرملي في شرح المنهاج ویجري ذلک فیما لو مکثت الشمس عند قوم مدة اهـ ح، قال في إمداد الفتاح قلت وکذلک یقدر لجمیع الآجال کالصوم والزکاة والحج والعدة وآجال البیع والسلم والإجارة وینظر ابتداء الیوم فیقدر کل فصل من الفصول الأربعة بحسب ما یکون کل یوم من الزیادة والنقص کذا في کتب الأئمة الشافعیة ونحن نقول بمثله إذ أصل التقدیر مقول به إجماعا في الصلوات الخ (رد المحتار، کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۷، ط.س. ج۱ ص۳۶۲). ظفیر

(۳) عن رافع بن خدیج قال قال رسول الله ﷺ اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر رواه الترمذی وابو داؤد والدارمی (مشکوٰة، باب تعجیل الصلٰوة ص۶۱). ظفیر

صبح نماز میخوانند قابل ملامتي نیستند چرا که خواندن نماز در تاریکی نیز از احادیث ثابت شده [۱] اختلاف صرف در افضلیت وعدم افضلیت است در جواز وعدم جواز کدام اختلاف نیست: والمستحب للرجل الابتداء في الفجر باسفار والختم به هو المختار "در المختار" وفي انشامي قوله باسفار اي في وقت ظهور النور وانکشاف الظلمة [۲] الخ. فقط

سوال: (۱٤) **مقیاس الظل**: در دائره، هندیه اندازه کردن سایه از سر مناسب است ویا از بیخ وسایه أصلي درکدام صورت میباشد؟

جواب: مقیاس سایه که در وقت زوال میباشد آن را سایه اصلي گفته میشود در هر دو صورت یک اندازه را نشان میدهد باقي دائرهٔ هندیهٔ وفيء الزوال یعني سایه زوال وسایه مثل ومثلین که درشرح وقایه تشریح شده آیان وبه حق نزدیک است. [۳] فقط

سوال: (۱۵) **وقت پیشین وامام صاحب**: آیا رجوع امام ابوحنیفة ازمثلین وقت پیشین، والشفق هو البیاض، واز جواز مسح جراب که منعل یا مجلد باشد ثابت است یا نه؟

جواب: در باره وقت پیشین از سایه مثلین ودر وقت شام ازشفق ابیض ثابت نیست ودر این باره قول امام صاحب أصح واحوط است کما حققه العلامة شامي [٤] وبه جراب منعل یا مجلد جواز مسح ثابت ومسلم است [٦]. فقط

سوال: (۱٦) **آیا اوقات وقت نماز در قرآن کریم ثبت است**؟ زید استدلال میکند که نماز صبح، شام وخفتن به آیت کریمه: اقم الصلاة طرفي النهار وزلفا من اللیل، ثابت شده آیا از کدام آیت قران شریف اوقات نماز پنجگانه صریحا ثابت میشود یا نه؟

---

(۱) وعن عائشة قالت کان رسول الله ﷺ لیصلی الصبح فتصرف النساء متلفعات بمروطهن مایعرفن من الغلس، متفق علیه (ایضا ص۶۰). ظ

(۲) ردالمحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳۳۹، ط.س. ج۱ ص۳۶۶. ظفیر

(۳) شرح وقایة، کتاب الصلٰوة ص ۱٤٤ و۱٤۵. ظفیر

(٤) الشفق وهو الحمرة عندهما وبه قالت الثلاثة وإلیه رجع الإمام کما في شروح المجمع وغیرها فکان هو المذهب (درمختار) قوله: و إلیه رجع الإمام أي إلی قولهما الذي هو روایة عنه أیضا الخ ورده المحقق في الفتح بأنه لا یساعده روایة ولا درایة وقال تلمیذه العلامة قاسم في تصحیح القدوري إن رجوعه لم یثبت الخ فثبت أن قول الإمام هو الأصح الخ (ردالمحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳۳٤ – ۳۳۵، ط.س. ج۱ ص۳۶۱). ظفیر

جواب: در آية كريمه: أقم الصلاة طرفي النهار وزلفاً من الليل [1] فرضيت پنج نماز ثابت ميگردد به اين قسم كه در يک طرف روز نماز صبح است ودر طرف دوم يعني از أول آفتاب تا غروب آفتاب نماز پيشين ونماز ديگر ونماز شام مراد است وازكلمۀ: زلفا من الليل، نماز خفتن مراد است چرا كه حصۀ أول روز تا زوال است وحصۀ دوم روز بعد از زوال تا غروب آفتاب است واگر در حصۀ دوم يعني از زوال تا غروب آفتاب وقت نماز پيشين ووقت نماز ديگر مراد شود در اين صورت مراد از زلفاً من الليل نماز شام وخفتن مراد ميشود ومفسرين كرام از آيت كريمۀ: فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السماوات والارض وعشيا وحين تظهرون [2] اوقات نماز پنج گانه را مراد كرده اند.

سوال: (۱۷) **وقت آخر پيشين به نزد احناف:** به نزد احناف وقت نهائي نماز پيشين ازكدام وقت تا كدام وقت است تا يک مثلي سايه ويا تا دو مثلي سايه يعني نماز پيشين دركدام وقت فوت ميشود كه بقسم قضائي خوانده شود ونماز ديگر تا كدام وقت خوانده شود؟

جواب: قال في الدر المختار: وقت الظهر من زواله الخ إلى بلوغ الظل مثليه وعنه مثله وهو قولهما وزفر والائمة الثلاثة قال الامام الطحاوي وبه نأخذ وفي غرر الاذكار هو المأخوذ به وفي البرهان وهو الاظهر الخ وفي الشامي قوله إلى بلوغ الظل مثليه هذا هو ظاهر الرواية عن الامام نهاية وهو الصحيح بدائع ومحيط وينابيع وهو المختار غياثيه واختاره الامام المحبوبي وعول عليه النسفي وصدر الشريعة تصحيح قاسم واختاره اصحاب المتون وارتضاه الشارحون، فقول الطحاوي وبقولهما نأخذ لايدل على انه المذهب الخ ثم قال وقد قال في البحر لا يعدل عن قول الامام إلى قولهما الخ [3] پس معلوم شد كه راجح به نزد احناف قول امام اعظم است ووقت پشين تا دو چند شدن سايه است بدون سايه أصلي يعني سايه چاشت ووقت ديگر بعد از مثلين است.

سوال: (۱۸) **سبب ممانعت نماز دروقت طلوع وغروب:** دروقت طلوع آفتاب وغروب آفتاب

---

(۱) أو جوربيه ولو من غزل أو شعر الثخينين الخ والمنعلين ما جعل على أسفله جلدة والمجلدين (درمختار) ما ذكره المصنف من جوازه على المجلد والمنعل متفق عليه عندنا (ردالمحتار باب المسح على الخفين ج۱ ص۲۴۹، ط.س. ج۱ ص۲۶۹). ظفير

(۱) سورة هود ركوع : ۱۰ . ظفير

(۲) سورة الروم ركوع : ۲ . فسبحان الله حين تمسون الخ قيل المراد بالتسبيح هنا الصلوات الخمس فقوله حين تمسون صلاة المغرب والعشاء وقوله وحين تصبحون صلاة الفج وقوله وعشيا صلاة العصر وقوله حين تظهرون صلاة الظهر كذا قال الضحاک وسعيد بن جبير وغيرهما الخ (فتح القدير للشوكاني ج۴ ص۳۱۱). ظفير

(۳) رد المحتار، كتاب الصلٰوة ج ۱ ص ۳۳۲ ، ط.س. ج۱ ص۳۵۹. ظفير .

چرا خواندن نماز ممنوع است؟

جواب: در حدیث شریف آمده که در این اوقات کافران به أفتاب عبادت میکنند از این جهت در این اوقات نماز نخوانید.[۱]

سوال: (۱۹) **نماز دیگر در وقت غروب نیم آفتاب جائز است یا نه**؟ نماز فرض دیگر در وقت غروب آفتاب که نصف آفتاب غائب شده باشد ونیم آن بیرون باشد جائز است یا نه؟

جواب: نماز دیگر در این وقت جائز است یعني اگر آفتاب در حال مذکوره هم باشد نماز دیگر در آن روا است وباید نماز را اداء کند[۲] مگر قصداً این عمل را نکند که گناه است.

سوال: (۲۰) **وقت نماز پیشین ونماز جمعه**: أذان پیشین وأذان جمعه همیشه پاو بالا دوازده بجه وجماعت این دو نماز به دوازده ونیم بجه جائز است یا نه؟

جواب: در اوقات وموسمهاي مختلف حکم مختلف میشود پیش از زوال وقت نماز پیشین ووقت نماز جمعه نیست در موسم گرمي در نماز پیشین تأخیر مستحب است ودر نماز جمعه در هر موسم تعجیل مستحب است مگر متوجه باشند که وقت داخل شود پیش از دوازده ونیم بجه اذان جمعه گفته نشود وجماعت نماز جمعه به یک بجه اداء شود ودر موسم گرمي در نماز پیشین تأخیر عمل نیک است[۳] اذان پیشین موسم گرمي یک ونیم بجه یا دو بجه ونماز پیشین موسم گرمي پاو بالا دوبجه یادونیم بجه اداء شود ونماز پیشین موسم زمستان یک ونیم بجه اداء شوذ

سوال: (۲۱) **وقت نماز شام از چه وقت تا چه وقت دوام میکند**؟ وقت شام در رمضان شریف وغیره صرف به غروب آفتاب میشود یا تاریک شدن ضرور است؟

جواب: وقت نماز شام همیشه به غروب آفتاب داخل میشود ووقت افطار روزه رمضان وغیره نیز به غروب آفتاب داخل میشود در کتاب الصوم درمختار ذکر شده: هو امساک من المفطرات الخ في وقت مخصوص وهواليوم (الدرالمختار) اي اليوم الشرعي من طلوع الفجر إلى الغروب والمراد

---

(۱) قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ولا تحينو بصلوتكم طلوع الشمس ولا غروبها فإنها تطلع بين قرني الشيطان، متفق عليه، وفي رواية قال ثم اقصر عن الصلاة حتى تطلع الشمس حتى ترتفع فإنها تطلع حين تطلع بين قرني شيطان وحينئذ يسجد لها الكفار (مشكوة باب اوقات النهى ص۹٤). ظفير

(۲) لا تجوز الصلوة عند طلوع الشمس ولا عند قيامها ولا عند غروبها الخ الآ عصر يومه عند الغروب (هدايه فصل في الاوقات التى تكره فيها الصلوة ص ۸۰ ج ۱). ظفير

(۳) والمستحب في الفجر باسفار الخ وتاخير ظهر الصيف بحيث يمشي في الظل مطلقا الخ وجمعة كظهر اصلا واستحبابا في الزمانين لانها خلفه. (درالمختار) لكن جزم في الاشباه انه لا يسن لها الابراد الخ (ردالمحتار كتاب الصلاة ج۱ ص۳٤۰، ط.س ج۱ ص۳٦٦). ظفير

بالغروب زمان غيبوبة جرم الشمس بحيث تظفر الظلمة في جهة الشرق الخ ج۲ ص۸۰، شامي [۱] حواله اين صفحات شامي است كه مطبعهٔ مجتبائي دهلي آن را چاپ كرده ودر حاشيه مطبعهٔ شامي است فقط دار الخلافه مكتبه عثمانيه است.

سوال: (۲۲) **در انتظار هيچ كس وقت مستحب ضائع نشود:** در نزديک خانه يک شخص يک مسجد است ودر محله مردمي مسلمان ديگري نيز زياد اند مگر همان شخص كه نزديک مسجد سكونت دارد ميگويد كه تا من به مسجد حاضر نشوم امام مسجد جماعت را شروع نكند در اكثر جاها اين عمل ديده شده كه به خاطر انتظار يک شخص جماعت در وقت مكروه اداء شده حالا امام در وقت مقرره جماعت كند يا براي أن شخص انتظار نمايد؟

جواب: در وقت مستحب نماز مناسب است انتظار شخص مذكور كرده نشود اگر خوف فساد وفتنه باشد در اين صورت فقهاء اجازه انتظار را داده است. [۲] فقط

سوال: (۲۳) **وقت خفتن در نيني تال:** در علاقه نين تال وقت نماز شام مطابق وخت مدارس به هفت بجه وبيست دقيقه ميشود حالا به همين اعتبار وقت نماز خفتن به چند بجه ميشود ووقت انتهائي صلاة وتر وپس شبي كدام خواهد بود؟

جواب: اگر آفتاب به هفت بجه وبيست دقيقه غروب كند در اين صورت وقت خفتن به هشت بجه وپنجا وچهار دقيقه داخل خواهد شد واگر آفتاب به پنج بجه و۲۲ دقيقه يا چهل ونه دقيقه صبح صادق خواهد بود، وهمين وقت براي پس شبي وقت آخري است.

سوال: (۲٤) **وقت ظهر إلى المثلين:** ما قولكم فى وقت الظهر عند الحنفية هل هو باق الى المثلين او خرج مع ظل واحد امامنا ابو حنيفة رحمه الله تعالى هل رجع الى قول الصاحبين يعنى الى المثل والى هذا القول مال وافتى مولانا الفاضل عبد الحى اللكنوى رحمه الله تعالى فى مجموع فتاواه فان رجع باى قول يعمل وما حكم قوم احناف يصلون عند ختم المثل هل يجوز فان جاز فلا كراهة او معها وما حكم اقتداء غير المقلد هل يجوز، وترجمة الخطبة بغير العربى وبجوازه افتى بعض علمآء مدراس هل هو بلا كراهة او معها ؟

الجواب: قال فى الدرالمختار: ووقت الظهرمن زواله الى بلوغ الظل مثليه وعنه مثله وهوقولهما الخ

---

(۱) رد المحتار كتاب الصوم جلد ثانى ص ۱۱۰. ط.س ج۱ ص۳۷۱. همين ردالمحتار به نام شامى مشهور است ظفير

(۲) رئيس المحلة لا ينتظر مالم يكن شريرا والوقت متسع (الدر المختار باب الاذان ص۳۷۲ ج۱. ط.س. ج۱ ص۴۰۰). ظفير

وفی رد المحتار: قوله: (إلى بلوغ الظل مثليه) هذا ظاهر الرواية عن الامام. نهاية، وهو الصحيح بدائع ومحيط وينابيع، وهو المختار غياثية. واختاره الامام المحبوبي وعول عليه النسفي وصدر الشريعة. تصحيح قاسم. واختاره أصحاب المتون، وارتضاه الشارحون، فقول الطحاوي: وبقولهما نأخذ، لا يدل على أنه المذهب، وما في الفيض من أنه يفتى بقولهما في العصر والعشاء مسلم في العشاء فقط على ما فيه، وتمامه في البحر. الخ وفيه ايضًا: قال فی البحر لا يعدل عن قول الامام الى قولهما او قول احدهما الا بضرورة من ضعف دليل او تعامل بخلافه الخ وقد قال قُبيله: ان الادلة تكافئت ولم يظهر ضعف دليل الامام بل ادلته قوية ايضًا الخ [1] فالحاصل ان وقت الظهر ضعف يبقی الی المثلين والامام ابو حنيفة رحمه الله ما رجع فی هٰذا الی قول الصاحبين بل يروی عنه كقولهما ولكن ظاهر الرواية خلافه فما يروٰی بعد المثل فهو اداء والاحسن الاحوط ما فی السراج عن شيخ الاسلام: ان الاحتياط ان لا يؤخر الظهر الی المثل وان لا يصلی العصر حتٰی يبلغ المثلين ليكون مؤديا للصلٰوتين فی وقتهما بالاجماع الخ شامی [2].

وفی اقتداء غير المقلد قيلٌ وقالٌ وتفصيلٌ واجمالٌ فالاحوط تركه الا بضرورة داعية.

وترجمة الخطبة بغير العربی مكروهة علی التحقيق صرح به فی المسوّٰی والمصفّٰی شرح الموطاء وجوازه بغير العربی مختلف فيه فالحذر كل الحذر من اختلاف فانه خلاف الاحتياط. فقط

سوال: (۲۵) **فاصله در بين اذان واقامت شام**: زيد مطابق معمول اذان شام را اداء كرد وبعد ازآن دعاء أذان را قرآئت نمود ومطابق مسلک حنفي تأخير كرد وبعد ازآن اقامت نمود بعد از وضوء تازه به نماز تيار وآماده بود وخادم امام مسجد يعنی بكر ونماز گذاران ديگر بعد از نماز به زيد گفت كه شما يک اندازه انتظار هم نميكنيد فوراً به نماز استاد ميشويد در حاليكه زيد بعد از وقفه جائزه اقامت كرده بود زيد ويک نماز گذار ديگر در جواب گفتند چونكه وقت كم است لذا تأخير خوب نيست گوش نميگرفت سوال اين است كه در بين اذان واقامت نماز شام چه مقدار تأخير وفصل مناسب است ويا تعجيل ووصل مناسب است ودر زمان رسول اكرم ﷺ در بين اقامت وأذان كدام نماز ازكدام حديث صحيح فيصل ثابت شده ويا نه؟

جواب: اقول وبالله التوفيق قال فی در المختار: وقبل صلٰوة مغرب لكراهة تاخيره الا يسيرًا [3] الخ

---

(۱) رد المحتار، كتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۲ – ۳۳۳، ط.س. ج۱ ص۳۶۹. ظفير

(۲) رد المحتار، كتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۳، ط.س. ج۱ ص۳۶۹. ظفير

وفیه ایضاً ویجلس بینهما بقدر ما یحضر الملازمون مراعیا لوقت الندب الا فی المغرب، فیسکت قآئماً قدر ثلٰث اٰیات قصار ویکره الوصل اجماعًا الخ [(۱)] وفی الشامی ویستحب التحول للاقامة الی غیر موضع الاذان وهو متفق علیه [(۲)] وایضًا فی الشامی قوله وقبل صلٰوة مغرب علیه اکثر اهل العلم منهم اصحابنا ومالک واحد الوجهین عن الشافعی لما ثبت فی الصحیحین وغیرهما مما یفید انه ﷺ کان یواظب علی صلٰوة المغرب باصحابه عقب الغروب ولقول ابن عمر رضی الله عنه ما رأیت احدًا علی عهد رسول الله ﷺ یصلیهما، رواه ابوداؤد وسکت عنه والمنذری فی مختصره واسناده حسن وروی محمد عن ابی حنیفة عن حماد انه سئل ابراهیم النخعی عن الصلٰوة قبل المغرب قال فنهی عنها وقال ان رسول الله ﷺ وابا بکر وعمر لم یکونوا یصلونها وقال القاضی ابوبکر بن العربی: اختلف الصحابة فی ذٰلک ولم یفعله احد بعدهم فهذا یعارض ما روی من فعل الصحابة ومن امره ﷺ بصلاتهما، لانه إذا اتفق الناس علی ترک العمل بالحدیث المرفوع لا یجوز العمل به لانه دلیل ضعفه علی ما عرف في موضعه، ولو کان ذٰلک مشتهرا بین الصحابة لما خفي علی ابن عمر، أو یحمل ذٰلک علی أنه کان قبل الامر بتعجیل المغرب، وتمامه في شرح المنیة وغیرهما. الخ [(۳)] از این روایات کتابهاي فقه معلوم شد که در بین أذان واقامت نماز شام هیچ قسم نماز خواندن مناسب نیست واین هم معلوم شد که کدام وقفه بعد از اذان در خواندن دعاء مأثوره وتحول من الاذان الی موضع الاقامة میگذرد همین فاصله کفایت میکند ودافع وصل مکروه است واین سخن واضح است که خواندن سه آیات کوتاه در وقت کم از نیم دقیقه خوانده میشود غرض این است که در عبارات مذکوره جواب تمام سوالات واضح میشود. فقط

سوال: (۲٦) **وقت نماز خفتن:** در این زمان در رمضان المبارک اکثر مردم در نماز خفتن بسیار تعجیل میکنند بطور عام مطابق ساعت ریل که شفق سرخ هنوز باقي باشد اذان میکنند وپیش از ۹ نه بجه نماز میکنند دریافت طلب این امور است: آیا اذان خفتن پیش از وقت یعني پیش از داخل شدن وقت جائز است؟ در بین أذان شام وخفتن کدام اندازه فاصله ضرور ومحتاط است؟ در مذهب حنفي که أذان شام به هفت ونیم بجه کرده شود در این صورت أذان خفتن چه

---

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار، کتاب الصلٰوة ص۳٤۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۷٦. ظفیر

(۱). و(۲). رد المحتار، باب الاذان ج۱ ص۳٦۲ ، ط.س. ج۱ ص۳۸۹. ظفیر

(۳) رد المحتار، کتاب الصلٰوة، ج۱ ص۳٤۹، ط.س. ج۱ ص۳۷٦. ظفیر

مقدار وقت بعد از اذان شام كرده شود؟

جواب: در روز پانزده وبيست ماه جون آفتاب به هفت بجه وبيست وهفت دقيقه غروب ميكند وقت نماز خفتن موافق مذهب حنفي به ۹ نه بجه وچهار دقيقه داخل ميشود پس معلوم شد كه فاصله بين اذان شام وأذان خفتن يا داخل شدن وقت خفتن در تاريخهاي مذكوره يک ساعت وسى هفت دقيقه موافق مذهب حنفي محسوب شده در تاريخهاي مذكوره أذان خفتن پيش او ۹ بجه به نزد احناف جواز ندارد البته به قول صاحبين جائز است ويک قول ديگري امام را نيز نوشته كرده مگر در شامي گفته شده كه احتياط درآن است كه به قول امام صاحب عمل كرده شود واز غروب شفق ابيض پيش نماز خفتن خوانده نشود [۱] واذان خفتن در هيچ مذهب پيش از دخول وقت خفتن جائز نيست. [۲]

سوال: (۲۷) **دروقت نماز پيشين ونماز جمعه تفاوت است يا نه**؟ وقت نماز جمعه چه وقت شروع ميشود وبه حساب ساعت مدارس چند بجه وقت نماز جمعه داخل ميشود در حال موجوده وقت زوال تا كدام وقت ميباشد ايا نماز جمعه پيش از دخول وقت شده ميتواند وقت نماز پيشين ووقت نمار جمعه به يک حساب است يا در بين اين هر دو كدام تفاوت ميباشد؟

جواب: وقت نماز جمعه ووقت نماز پيشن باهم كدام تفاوت ندارد، وقت اين دو نماز بعد از زوال آفتاب شروع ميشود پيش از زوال آفتاب نه نماز جمعه جائز است ونه نماز پيشين [۳] در اين جا به ساعت مدارس تقريبا دوازده ونيم بجه زوال ميشود وقت زوال آنجا را نظر كنيد غالباً درآنجا هم زوال به همين وقت ويا نزديكتر به اين وقت خواهد بود وبعد از زوال نماز جمعه جائز ميگردد وپيش ازآن جواز ندارد. فقط

سوال: (۲۸) **آيا وقت نماز جمعه تا دو نيم بجه ميباشد يا نه**؟ آيا وقت نماز جمعه تا دو نيم بجه ميباشد ويانه؟ اكثر مردم پنجاب اعتراض ميكنند كه براي نماز جمعه وقت دو نيم بجه صحيح نيست؟

---

(۱) فثبت ان قول الامام هو الاصح ومشى عليه فى البحر (رد المحتار كتاب الصلوٰة جلد اول ص۳۳۵، ط.س. ج۱ ص۳٦۱). ظفير

(۲) فيعاد اذان وقع قبله كالاقامة خلافا للثاني في الفجر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳۵۸، ط.س. ج۱ ص۳۸۵). ظفير

(۳) وجمعته كظهر اصلا واستحبابا فى الزمانين لانها خلفه (الدرالمختار على هامش رد المحتار كتاب الصلوٰة جلد اول ص۳٤۰، ط.س. ج۱ ص۳٦۷). ظفير

جواب: وقت نماز جمعه مانند وقت نماز پیشین است که از زوال آفتاب شروع میشود وبنا بر اختلاف قولین تا یک چندي ویا دو چند شدن سایه هر چیز باقي میباشد لکن در نمازجمعه تعجیل مستحب وبهتر است مثلا به وقت ریلوي دوازده ونیم بجه زوال آفتاب میشود پس تا یک بجه ویا یک ونیم بجه خواندن نماز جمعه مناسب است مگر قصدا تأخیر کردن آن همه وقته تا دونیم بجه عمل پسندیده ومشروع نیست [1] در شامي ذکر شده: لکن جزم الاشتباه أنه لا یسن لها الابراد الخ [2]. فقط

سوال: (۲۹) **<u>وقت مستحب نماز خفتن</u>**: وقت بهتر نماز خفتن کدام است که براي عوام درآن تکلیف نباشد؟

جواب: در حصهٔ سوم أول شب نماز خواندن خفتن مستحب است اگر به أثر کدام ضرورت پیشتر از آن خوانده شود هیچ خرج نیست. [3]

سوال: (۳۰) **<u>در ابر احاطه کننده اندازه اوقات نماز</u>**: در موسم بانها در قریه ها ودهات چنین واقعه پیش میشود که چندین روز افتاب دیده نمیشود ونه درآنجاها ساعت ووسیله دیگري است که ذریعه آن وقت معلوم گردد در این حالت براي معلوم کردن وقت نماز مردم بسیار به تکلیف میباشند خصوصا در نماز پیشین ودیگر پس در این حالت مردم نماز پیشین ودیگر را چه قسم اداء کنند واگر یک نماز را اداء کردند وبعدا آفتاب معلوم شد ونماز را که به فکر وتحري خوانده بودند بي وقت بود در این صورت اعاده آن ضرورت یا نه؟

جواب: در این قسم حالت وقت را به فکر خود تخمین وأندازه وموافق ظن غالب نماز را اداء نمایند اگر خطائي آن ظاهر نشد نماز صحیح است واگرخطائي آن ظاهر وثابت شد دراین صورت اعاده نماز ضرور ولازم است. [4] فقط

---

(۱) وجمعته کظهر اصلا واستحبابا فی الزمانین لانها خلفه (درمختار) أصلا أي من جهة أصل وقت الجواز وما وقع في آخره من الخلاف، قوله واستحبابا في الزمانین أي الشتاء والصیف ح، لکن جزم في الأشباه من فن الأحکام أنه لا یسن لها الإبراد الخ وقال الجمهور ولیس بمشروع لأنها تقام بجمع عظیم فتاخیرها مفض إلى الحرج ولا کذلک الظهر (ردالمحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳٤۰، ط.س. ج۱ ص۳٦۷). ظفیر

(۲) رد المحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص۳٤۰، ط.س. ج۱ ص۳٦۷. ظفیر

(۳) وتاخیر عشاء الى ثلث اللیل قیده في الخانیة وغیرها بالشتاء اما الصیف فیندب تعجیلا (درمختار) قوله: في الخانیة الخ وفي الهدایة وقیل في الصیف یعجّل کیلا تقلل الجماعة (ردالمحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳٤۱ ، ط.س. ج۱ ص۳٦۸) ویستحب تعجیل المغرب في کل زمان کذا في الکافي وکذا تاخیر العشاء الى ثلث اللیل الخ وفي یوم الغیم بنور الفجر الخ ویعجل العشاء کیلا یمنع مطر اوثلج عن الجماعة هکذا في محیط السرخسي هذا في الازمنة کلها (عالمکیري مصري الباب الاول في المواقیت فصل ثاني ج۱ ص٤۸، ط. ماجدیة ج۱ ص۵۱). ظفیر =

سوال: (۳۱) **خواب شدن پیش از نماز خفتن که جماعت فوت نشود**: اگر شخص بعد از نماز شام خواب شود ودر وقت نماز خفتن بیدار شد ونماز را اداء نمود آیا در نماز خفتن اوکدام خلل پیش نخواهد شد؟

جواب: درنماز خفتن اوکدام نقصان پیش نمیشود مگر پیش ازنماز خفتن خوابیدن خوب نیست. [۱]

سوال: (۳۲) **فاصله بین أذان شام واذان خفتن**: در بین أذان شام وخفتن چه مقدار فاصله ضرور است ایا در کدام جا که به حساب ساعت آفتاب نماز شام به هفت بجه وپانزده دقیقه أداء میشود اگر در همان جا به هشت بجه نماز بخوانند صحیح است یا نه وشنیده ایم که در بین اذان شام واذان خفتن یک ساعت وبیست وپنج دقیقه فاصله ضرور است حکم آن چیست؟

جواب: بعد از غروب آفتاب به نزد امام أبو حنیفة وقت نماز خفتن در آن وقت داخل میشود که شفق سفید غائب شود [۲] مقدار فاصله بین أذان شام وخفتن دربعض موسمها یک ساعت وبیست وچهار دقیقه یا بیست وپنج دقیقه میاشد ودر بعض موسمها یک ساعت وبیست وهفت دقیقه ودر بعض موسمها زیادتر از این هم میاشد پس در بین أذان شام وخفتن کمتر از یک نیم ساعت فاصله مناسب نیست وبرای احتیاط پاو کم دوسا عت فاصله خوب است وطلوع آفتاب وغروب آن وصبح صادق وغیره در هر وقت وزمان در جنتري معلوم شده میتواند. فقط

سوال: (۳۳) **وقت أول نماز دیگر به نزد امام صاحب**: به نزد امام اعظم صاحب وقت نماز دیگر روایت یک مثل شدن سایه معتبر ومفتی به است یا روایت دو چند شدن سایه یا در هر دو فتوی عمل به یک درجه صحیح ومعتبر است؟

جواب: به نزداحناف فتوی به هر دوقول صحیح ومعتبر است [۳] احتیاط زیاد دران است که سایه

---

(٤) واذا كان اليوم يوم غيم فالمستحب فى الفجر والظهر والمغرب تاخيرها يعنى بالتاخير عدم التعجيل اول الوقت لا التاخير الشديد الذى يشك بسببه فى بقآء الوقت وذلك لان التعجيل فى الفجر يؤدى الى تقليل الجماعة بسبب الظلمة وربما تقع قبل الوقت وكذا فى الظهر والمغرب لا يؤمن بالتعجيل من وقوعهما قبل الزوال والغروب، قال فى المحيط المراد من تاخير المغرب قدر ما يحصل التيقن بالغروب الخ (غنية المستملي شرط خامس ص۲۳٤). ظفير

(۱) قال في البرهان ويكره النوم قبلها والحديث بعدها لنهي النبي صلى الله عليه وسلم عنهما الخ وقال الطحاوي إنما كره النوم قبلها لمن خشي عليه فوت وقتها أو فوت الجماعة فيها وأما من وكل نفسه إلى من يوقظه فيباح له النوم (ردالمحتار كتاب الصلاة تحت قول وتاخير عشاء الى ثلث الليل ج۱ ص۳٤۱، ط.س. ج۱ ص۳٦۸). ظفير

(۲) وأول وقت المغرب إذا غربت الشمس وآخر وقتها مالم يغب الشفق الخ ثم الشفق هو البياض الذي في الأفق بعد الحمرة عند أبي حنيفة رحمه الله تعالى وعندهما هو الحمرة (هدايه كتاب الصلاة باب المواقيت ج۱ ص۷۷ – ۷۸). ظفير =

درچند شود بعدا نماز دیگر خوانده شود ومشائخ ما نیز به همین فتوی عمل میکنند. فقط

سوال: (٣٤) **نماز صبح کدام وقت اداء شود؟** بعد از نماز صبح چه اندازه وقت مناسب است؟

جواب: مذهب امام ابو حنیفة این است که نماز صبح در اسفار بهتر ومستحب است.[1] یعني تأخیر خوب است به این معنی که بعد از اداء کردن نماز آن قدر وقت باقي باشد که ضرورت اعاده کردن نماز پیش از طلوع آفتاب درآن شده بتواند، وبعد از اعاده نماز تا طلوع آفتاب مقدار بیست ویا پانزده دقیقه وقت هم باقي بماند. فقط:

سوال: (٣٥) **اوقات نماز در لندن:** در کدام منطقه که سه بجه روز میاید ودر ۹ بجه شب میشود یعني در لندن شب وروز به همین حساب است که از این جهت درآن هجده ساعت روز وشش ساعت شب میاشد آیا در این جا نماز شام را بعد از غروب آفتاب اداء کند ویا به حساب دوازده ساعت اداء شود وهم نماز خفتن بکدام ترتیب وکدام وقت اداء شود؟

جواب: نماز شام را به غروب لندن بخواند وتمام نمازها را به حساب همان جاي اداء کند. فقط

سوال: (٣٦) **اوقات مستحب در روزهای باران:** وقت مستحب براي نمازهاي پنجگانه در روزهاي باراني به حساب ساعت به چند بجه میشود؟.

جواب: در اوقات شرعا وسعت زیاد است از این جهت به ساعت ودقیقة معین کردن وقت آن ضرور نیست وشرعا کدام وقت خاص براي آن مقرر نشده که گویا با این ساعت واین دقیقه خاص نماز فلان وفلان خوانده شود حکم شریعت این است که نماز آنقدر مؤخر نشود که وقت مکروهه داخل شود وبه فکر خود وقت مستحبه را مراعت کند مثلا نماز پیشین را از یک بجه تا سه بجه که نماز گذاران در آن حاضر شوند صحیح است مگر از یک بجه تأخیر واز سه بجه تقدیم بهتر است مثلا در این عصر وزمان اگر در موسم باران دو بجه یا دو نیم بجه یا کمي بعد از ان نماز پیشین خوانده شود بهتر است ونماز دیگر در روز باران از ساعت پنج بجه تا شش بجه خوانده شود یعني در میان پنج وشش بجه بخوانند واگر نماز صبح را به پنج بجه وپانزده

---

(٣) ووقت الظهر من زواله الی بلوغ الظل مثليه وعنه مثله وهو قولهما الخ وبه يفتى (درمختار) قوله إلى بلوغ الظل مثليه هذا ظاهر الرواية عن الإمام وهوالصحيح بدائع ومحيط وينابيع وهو المختار غياثية واختاره الإمام المحبوبي الخ وفي رواية عنه أيضا أنه بالمثل يخرج وقت الظهر ولا يدخل وقت العصر إلا بالمثلين ذكرها الزيلعي وغيره الخ (ردالمحتار كتاب الصلاة ج١ ص٣٣٢، ط.س. ج١ ص٣٥٠). ظفير

(١) والمستحب للرجل الابتداء في الفجر باسفار والختم به هو المختار بحيث يرتل اربعين اية ثم يعيده بطهارة لو فسد (الدرالمختار على هامش ردالمحتار، كتاب الصلوة ج١ ص٣٣٩، ط.س. ج١ ص٣٦٦). ظفير

دقیقه یا پنج ونیم بجه بخوانند کدام حرج نیست چرا که آفتاب نزدیک فرا رسیدن شش بجه طلوع میکند اگر به ساعت پنج ونیم بجه نماز خوانده اعاده نماز ضرور شود، [۱] در همین نیم ساعت اداء شده میتواند غرض اینکه در نماز صبح خوب تاخیر واسفار بهتر است قال ﷺ (اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر). [۲] کتبه بنده عزیز الرحمٰن عفي عنه

سوال: (۳۷) **اگر نماز در رمضان در وقت اول خوانده شود بدی ندارد:** اگر در رمضان شریف بعد از پس شب نماز صبح در اول وقت خوانده شود جائز است ویا نه؟

جواب: جائز است هیچ کدام حرج در آن نیست [۳]. فقط

سوال: (۳۸) **برای افطار در نماز شام گنجایش تأخیرات است یا نه؟** اگر مردم به مسجد طعام بیاورند وپیش از اداء نماز آن را بخورند ودر نماز کمي تأخیر بیاید جائز است یا نه اگر یک شخص به این معمول اعتراض کند وبه مردم بگوید که طعام را بعد از نماز بخورید وروزه را بعد از أذان به خرما افطار نمائید وفورا به نماز استاد شوید واین شخص ناراض شود ونماز خود را به تنهائي بدون جماعت بخواند در این صورت شرعا چه حکم است؟

جواب: به سبب افطار کردن روزه شرعا یک اندازه تأخیر جائز است در این عمل کدام حرج نیست مردم به اطمینان روزه را افطار کنند آب را بنوشند وطعامیکه به پیش شان موجود است آن را بخورند وبعدا نماز خوانند وشخصیکه از این معمول ناراض شده وبدون جماعت به تنهائي نماز خواند او خطائي کرده براي او لازم است که در جماعت شریک شود واین تأخیر اندک که به سبب افطار روزه معمول است به خلاف شرع نداند [۴] واین عینا حکم شریعت است. فقط

---

(۱) این اوقات به حساب منطقه دیوبند وما حول دیوبند است ودر مقامات دور وبعید المسافة تفاوت میکند لهذا ضرور است که در هر حال وهر موسم این فرق وتفاوت مراعت شود.

(۲) مشکوٰة شریف، کتاب الصلٰوة. ظفیر

(۳) وقت صلٰوة الفجر الخ من اول طلوع الفجر الثاني الخ الی قبیل طلوع ذکاء (الدرالمختار علی هامش رد المحتار، کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۱ – ۳۳۲، ط.س. ج۱ ص۳۵۹) عن قتادة عن انس ان النبی ﷺ وزید بن ثابت تسحرا فلما فرغا من سحورهما قام نبی الله ﷺ الی الصلٰوة فصلی قلنا لانس رضی الله عنه کم کان بین فراغهما من سحورهما ودخولهما فی الصلٰوة قال قدر مایقرء الرجل خمسین آیة. رواه البخاری (مشکوٰة باب تعجیل الصلٰوة. فصل اول ص ٦٠) محمد ظفیر الدین غفر له

(۴) اگر در وقت گنجایش باشد وبه سبب یک کار ضرروري کمي وتأخیر بیاید در این عمل قطعاً کدام بدي نیست: ووقت المغرب الی غیوبة الشفق (عالمگیری کشوری اوقات الصلٰوة ج۱ ص۴۹، ط. ماجدیة ج۱ ص۵۰) عن ابی ایوب قال قال رسول الله ﷺ لا یزال امتی بخیر او قال علی الفطرة مالم یؤخروا المغرب الی ان تشتبک النجوم. رواه ابوداؤد (مشکوٰة باب تعجیل الصلٰوة فصل ثانی ص٦١) از این حدیث نیز معلوم شد تا وقتیکه ستاره هاي زیاد در اسمان پیدا ونشر نشود در تأخیر هیچ بدي نیست: وفی القنیة یکره تاخیر المغرب عند =

سوال: (۳۹) **مقدار فاصله در بین شام وخفتن**: در مذهب حنفي بعد از غروب آفتاب يعني بعد ازنماز شام تا وقت اول خفتن كدام اندازه وقفه ضرور است كه به نزد احناف متفق عليه باشد دوم اينكه در روزهاي تابستان وزمستان فاصله بين وقت شام وخفتن به يک مقدار معين است يا از روي ساعات ودقيقها كم وزياد ميشود؟

جواب: وقت خفتن بعد از غائب شدن شفق شروع ميشود ودرباره شفق امام اعظم وصاحبين اختلاف دارند به نزد صاحبين به غائب شدن شفق احمر وقت خفتن داخل ميشود وبه نزد امام اعظم صاحب به غائب شدن شفق ابيض وقت خفتن شروع ميشود [1] ظاهر است كه عمل به قول امام اعظم احوط واولى است كما في الشامي: وقوله أحوط [2] بعد از اين واضح باشند كه شفق ابيض بعد از غروب آفتاب تقريبا يک ونيم ساعت بعد غائب ميشود ودر اين باره در زمستان وتابستان چند دقيقه تفاوت ميباشد، مثلا در جنتري طلوع وغروب كه مطابق مذهب حنفي ترتيب شده درج ميباشد كه در روز أول اگست سال ۱۹۲۱ طلوع افتاب به هفت بجه وهفده دقيقه ميشد ووقت خفتن مطابق مذهب امام اعظم صاحب به هشت بجه وچهل هفت دقيقه ميباشد از اين عبادت معلوم ميشود كه فاصله بين شام وخفتن يک ونيم ساعت است وبتاريخ ۳۱ اگست سال ۱۹۲۱ عروب آفتاب به شش بجه وچهل وهشت دقيقه ووقت خفتن ۸ بجه وسيزده دقيقه ميباشد در اين وقت فاصله بين شام وخفتن يک ساعت وبيست وپنج دقيقه است غرض اين است كه هميشه در بين غروب آفتاب وغروب شفق تقريبا همين قدر فاصله ميباشد، پس در اين صورت تقريباً يک ونيم ساعت بعد از غروب آفتاب وقت خفتن داخل ميشود وموافق مذهب صاحبين نظر به قول امام اعظم صاحب دوازده دقيقه پيشتر وقت خفتن داخل ميشود يعني كدام وقت كه به نزد امام صاحب وقت خفتن داخل ميشود به نزد صاحبين دوازده دقيقه پيشتر از آن وقت خفتن داخل ميشود چرا كه فاصله در بين شفق أحمر وشفق أبيض دوازده دقيقه ميباشد كما في الشامي: ذكر العلامة المرحوم الشيخ خليل الكاملي الخ: إن التفاوت بين الفجرين وكذا بين الشفقين الاحمر والابيض إنما هو ثلث درج [3] الخ ويک درجه چهار دقيقه است پس سه درجه

= محمد" وفي رواية عن ابى حنيفة" ولا يكره في رواية الحسن عنه ما لم يغب الشفق والاصح انه يكره الا من عذر كالسفر والكون على الاكل ونحوهما الخ والذى اقتضته الاخبار كراهة التاخير الى ظهور النجوم وما قبله مسكوت عنه فيوعلى الاباحة (غنية المستملي ص۲۳۳) ظ

(۱) ثم الشفق هو البياض الذى في الافق بعد الحمرة عند ابى حنيفة وعندهما هو الحمرة (هداية، باب المواقيت جلد اول ص ۷۸) ظفير

(۲) رد المحتار كتاب الصلوٰة ج۱ ص۳۳۵، ط س، ج۱ ص۳٦۱ ظفير

به دوازده دقيقه مساوي شده است.

سوال: (٤٠) **مسئله فیء الزوال:** بعض مردم غیرمقلد میگویند که مسئله فیء الزوال هیچ اصل ندارد چرا که در مدینه منوره فیء الزوال نبود؟

جواب: گرفتن مثل یا مثلین بدون سایه اصلي یعني فیء الزوال یک مسئله متفق علیه وتحقیق این مسئله در کتابهاي فقه موجود است من شاء فلیراجع إلیها یعني کسي که وضاحت این مسئله را خواسته باشد به کتابهاي فقه مراجعه کند.[1]

سوال: (٤١) **مقدار وقت شام وقرائت دراز:** امام مسجد سورت دواز را که مردم ازآن به تنگ میشود خوانده میتواند یا نه؟

جواب : به مذهب امام اعظم صاحب از غروب آفتاب تا غائب شدن شفق ابیض وقت شام باقي میباشد که مقدار آن تقریبا یک ساعت وپانزده دقیقه ویا کمي زیاتر یعني چند دقیقه زیاتر است [2] وبه نزد صاحبین تاغائب شدن شفق أحمر وقت شم باقي میباشد که از مقدار ذکر شده دوازده دقیقه کم میباشد [3] ودر نماز شام وخواندن قصار شام مستحب است واز سوره لم یکن تا آخر قرآن شریف هر سورت قصار مفصل است پس خواند صورت بسیار دراز در نماز شام خوب نیست وخلاف سنت است.[4]

سوال: (٤٢) **وقت نماز صبح بعد از صبح صادق:** اگر چهار بجه صبح شود پس وقت أصلي جماعت صبح کدام خواهد بود؟

جواب: مثلا اگر صبح صادق به چهار بجه داخل شود جماعت صبح به پنج بجه وپانزده دقیقه یا ازاین هم تاوقت بعدي صحیح شده میتواند غرض این است که ازطلوع آفتاب ده ویا پانزده دقیقه

---

(٣) رد المحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص٣٣٢، ط.س. ط.س. ج١ ص٣٥٩. ظفیر

(١) ووقت الظهر من زواله ... الی بلوغ الظل مثلیه ... سوی فیئ یکون للاشیاء قبل الزوال ویختلف باختلاف الزمان والمکان ... (در المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة ج١ ص٣٣٣، ط.س. ج١ ص٣٥٩). ظفیر

(٢) لم الشفق هو البیاض الذی فی الافق بعد الحمرة عند ابی حنیفة وعندهما هو الحمرة (هدایه، باب المواقیت جلد اول ص ٧٨). ظفیر

(٣) ووقت المغرب منه الی غروب الشفق وهو الحمرة عندهما (در المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص٣٣٤، ط.س. ج١ ص٣٦١). ظفیر

(٤) ویسن فی الحضر لامام ومنفرد والناس عنه غافلون طوال المفصل من الحجرات الی آخر البروج فی الفجر والظهر ومنها الی آخر لم یکن اوساطه فی العصر والعشآء وباقیة قصاره فی المغرب ای فی کل رکعة (ایضاً، فصل فی القرآئة جلد اول ص٥٠٣، ط.س. ج١ ص٥٣٩ – ٥٤٠). ظفیر

پیشتر از نماز فارغ شوند.[1] فقط

سوال: (٤٣) **تاخیر درنماز:** امام مسجد این جا در نمازها تأخیر میکند تا اینکه زردي آفتاب ظاهر میشود ودر نماز پیشین تا دو چندي سایه تأخیر میکند ونماز دیگر را درآن وقت میکند که به شام یک ساعت مانده باشد ومیگوید که در نمازها تأخیر لازم است حال آنکه در قرآن شریف تأکید اول اوقات وارد شَدَہ است.

جواب: امام صاحب مسجد شما که درکدام اوقات نماز صبح، پیشین ودیگر را ادا کند موافق مذهب حنفي وموافق کتابهاي فقه میباشد در نماز صبح خوب اسفار کردن ودر نماز دیگر آن مقدار تأخیر که یک ساعت ویا پاو کم یک ساعت وقت به شام مانده باشد مستحب است ودر موسم گرمي در نماز پیشین سردي کردن وتأخیر مستحب است مگر پیش از دو چند شدن سایه اشیاء نماز را بخواند[2] حکم وفضلیت اسفار در نماز صبح وتأخیر در نماز دیگر وسردي کردن در نماز پیشین موسم گرمي در أحادیث شریف وارد شده است ووقت أول وآخر هر نماز معروف ومشهور است، مگر اوقات بهتر آن است که مذکور شده.[3]

سوال: (٤٤) **وقت نماز شام:** آیا بمجرد تاریکي وقت نماز شام داخل میشود یا به زوال سرخي شرقي ودر بلاد ما به فاصله شش کروه یک کوه در جانب مغرب بسیار بلند واقع است پس در این چه قسم وقت نماز شام معلوم میگردد؟

جواب: وقت مغرب بغروب آفتاب شروع میشود وبه مجرد غروب تاریکي شرقي محسوس میگردد وبه همین اعتبار افطار روزه نماز شام از شارع علیه السلام ثابت شده است وشما باید

---

(١) وقت صلٰوة الفجر الخ من طلوع الفجر الثانی الخ الی قبیل طلوع ذکاء الخ والمستحب للرجل الابتداء فی الفجر باسفار والختم به هو المختار بحیث یرتل اربعین اٰیة ثم یعیده بطهارة لو فسد (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة ج١ ص٣٣١، ط.س. ج١ ص٣٥٩). ظفیر

(٢) ویستحب فی صلٰوة الفجر الاسفار بها بان نصلی فی وقت ظهور النور وانکشاف الظلمة والغلس الخ لقوله ﷺ اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر رواه الترمذی وقال حدیث حسن الخ ثم استحباب الاسفار عندنا عام فی الازمنة کلها الا فی صلٰوة الفجر یوم النحر بمزدلفة فان المستحب فیها التغلیس اجماعًا الخ ویستحب ایضا عندنا الابراد بالظهر فی الصیف لما تقدم من الحدیث اذا اشتد الخ فابردوا بالصلٰوة الخ وهو عام فی جمیع البلاد بجمیع الناس لاطلاق الحدیث ویستحب ایضا عندنا تاخیر العصر فی کل الازمنة الاّ یوم الغیم مالم تتغیر الشمس الخ کما ورد عنه ﷺ فی حدیث بریدة رضی الله عنه انه ﷺ صلی العصر والشمس مرتفعة بیضآء نقیة (غنیة المستملی ص٢٣٠). ظفیر

(٣) والمستحب للرجل الابتدآء فی الفجر باسفار والختم به الخ وتاخیر ظهر الصیف مطلقًا الخ وتاخیر عصر صیفا وشتاء توسعة للنوافل ما لم یتغیر ذکاء الخ وتاخیر عشآء الی ثلث اللیل الخ (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص٣٣٩، ط.س. ج١ ص٣٦٦). ظفیر

نقشه طلوع وغروب را که مجرب اکثر بلاد است داشته باشید هرگاه موافق ان نقشه غروب معلوم شود وعلایم تاریکي شرقي محسوس گردد نماز مغرب را باید اداء کنید وانتظار زوال سرخي را باید نکنید. [1] فقط

سوال: (٤٥) **نماز ظهر درمثل دوم:** دیده ودانسته اداء کردن نماز ظهر را درمثل دوم چه قسم است؟

جواب: وفي الشامي عن الطحاوي عن الحموي عن الخزانة: الوقت المکروه في الظهر ان یدخل في الاختلاف [2] پس معلوم شد که درنماز ظهر آنقدر تأخیر کردن که در حد اختلاف داخل شود یعني سایه هر چیز به یک مثل برسد مکروه است وفیه قبیله: والاحسن ما في السراج عن شیخ الاسلام أن الاحتیاط أن لا یؤخر الظهر إلی المثل الخ. [3] فقط

سوال: (٤٦) **فاصله بین اذان وجماعت نماز خفتن:** بعد از اذان خفتن چه قدر وقت بعد از جماعت کردن مناسب است؟

جواب: در نماز خفتن تأخیر مستحب است وبعد از أذان کدام حد واندازه وقت نیست بلکه بعد از اذان که به هر اندازه وقت بگذرد ونماز خوانان حاضر شوند نماز جماعت در همان وقت اداء شود یا جماعت را در آن وقت بخوانند که باتفاق نماز خوانان به غرض سهولت تعین شده باشد مثلا هشت ونیم بجه یا نه ۹ بجه یا چه قدرکم وزیاد جماعت کرده شود. [4]

سوال: (٤٧) (١) **نماز دیگر در روز ابر الود:** اگر آفتاب در ابر پوشیده وپنهان باشد که اندازه مثلین سایه شده نمیتواند واختلاف ساعتهاي مساجد هم ظاهر است در این صورت نماز دیگر به کدام اندازه وچه قسم خوانده شود؟

سوال (٤٨) (٢) **اندازه فاصله در بین نماز دیگر وشام:** فاصله مفتٰی به واتفاقي در بین شام ودیگر به کدم اندازه است؟

سوال: (٤٩) (٣) **اگر نماز دیگر دو ساعت پیش از نماز شام خوانده شود چه حکم است؟**

---

(١) واول وقت المغرب اذا غربت الشمس بالاجماع. (غنیة المستملی ص٢٢٦). ظفیر

(٢) رد المحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص٣٤٠، ط.س. ج١ ص٣٥٩. ظفیر

(٣) رد المحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص٣٣٣، ط.س. ج١ ص٣٥٩. ظفیر

(٤) ویجلس بینهما (ای بین الاذان والاقامة) بقدر ما یحضر الملازمون مراعیا لوقت الندب الا فی المغرب فیسکت قائما قدر ثلاث ایات قصار ویکره الوصل اجماعا (الدرالمحتارعلی هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص٣٦٢، ط.س. ج١ ص٣٨٩). ظفیر

اگر نماز دیگر دو ساعت پیش از شام خوانده شود آیا اعاده دوباره آن لازم است یا نه؟

جواب: (۱ تا ۳) نظر به اختلاف موسم اوقات نماز هم مختلف میگردد چونکه حالا روزها بسیار کلان است لهذا خواندن نماز دیگر دو ساعت پیش از شام جائز است چرا که در روزهاي کلان وقت دیگر از دو ساعت پیش از شام داخل میشود یعني دو ساعت پیش از شام سایه دو چند میشود وعینا وقت دیگر داخل میگردد وغروب آفتاب به هفت بجه وبیست وهشت ویا بیست ونه دقیقه میباشد از این عبارت معلوم شد که در موسم گرمي درین دو مثل شدن سایه ودر بین مغرب از دو ساعت زیاد است وبه همین قسم در ماه مئ وجون هم در بین دو مثل شدن سایه ودر بین مغرب فاصله به دو ساعت نزدیک است، واختلاف بین ساعتها یا دو یا چهار دقیقه میباشد لهذا در روز ابر احتیاط لازم است مثلا در نقشه وقت دو چند شدن سایه به پنج وبیست وسه دقیقه میباشد یعني وقت دیگر داخل میشود لهذا در این باره احتیاط کرده شود که از پنج ونیم بجه تا پاو کم شش بجه نماز دیگر اداء شود. فقط

سوال: (۵۰) **نماز خفتن درآخر شب بعد از خواب کردن جائز است یا نه؟** اگر یک شخص نماز خفتن را بعد ازخواب در وقت دو بجه یا سه بجه اداء کند این عمل شرعا چه قسم است؟

جواب: در حدیث شریف امده که پاک حضرت ﷺ پیش از نماز خفتن خواب کردن را مکروه مي گفت ودرکتابهاي فقه واضح بیان شده که بعد از نیم شب نماز خواندن خفتن مکروه است لهذا این عادت آن شخص خوب نیست بلکه این عادت مکروه وممنوع است وبهتر این است که نماز خفتن را پیش از خواب اداء کند [(۱)].

سوال: (۵۱) **تأخیر در جماعت از وقت مقرره:** در مساجد اوقات نمازها تعین شده ومتصل زنگ ساعت جماعت استاد میشود اگر کدام مقتدی پیش از زنگ ساعت نیت سنت را بسته کرده باشد ودر این وقت آواز زنگ شنیده شود در این وقت امام مسجد تا فراغت آن شخص انتظارکند یانه اگر انتظارکند ممکن است که شخص دیگري هم براي نفل ویاسنت نیت بسته کند

---

(۱) ویستحب تعجیل المغرب الخ وتاخیر العشاء الی ما قبل ثلث اللیل الخ والتاخیر الی نصف اللیل مباح لان دلیل الکراهة وهو تقلیل الجماعة عارضه دلیل الندب وهو قطع السمر براحد فیثبت الاباحة الی النصف والی النصف الاخیر مکروه (هدایه، باب المواقیت جلد اول ص۷۹) وتاخیرها الی ما بعده ای بعد نصف اللیل الی طلوع الفجر مکروه اذا کان بغیر عذر الخ ام اذا کان بعذر فالضرورات تُبیح المحظورات (غنیة المستملی ص ۲۲۳، ردالمحتار ط.س. ج۱ ص۳۶۸). ظفیر

وبه همين طرز اين عمل جاري خواهد بود در اين باره شرعا چه حكم است؟

جواب: اين مسئله واضح براي تمام مردم معلوم است كه اوقات نماز شرعا وسيع وفراخ است در وقتهاي نماز تنگي نيست وقتيكه نماز در وقت مستحب اداء شود بهتر است، واستحباب تأخير وتعجيل در كتابهاي فقه مفصل ذكر شده كه در فلان نماز تأخير مستحب است ودر فلان نماز تعجيل اگر بعد از آن براي انتظام وسهولت كدام وقت مقرر ومعين ميگردد در اين صورت شرعاً كدام تنگي وحرج نيست لكن وقت مقرر شده ومعين را آنقدر حتمي ولازمي نگردانند كه از جهت كدام ضرورت امكان دو يا سه دقيقه تأخير هم در آن ميباشد چرا كه اين كدام حكم شرعي نيست كه گويا در فلاني ساعت وفلاني دقيقه ضرور جماعت استاد شود اين سخن به نظام ومصالح خود بناء شده [1] اگر براي آن شخص كه نيت بسته كرده دو يا سه دقيقه انتظار شود در اين قسمت ممانعت شرعي وجود ندارد بلكه أولى وبهتر است تا اينكه ان شخص هم واجد فضيلت جماعت شود ومراعت مقتديان شرعاً ستايش وبهتر بيان شده لكن ان قسم رعايت نيست كه درآن براي مردم زياد حرج باشد غرض اين است كه در اين قسم امور به هر قسم كه مصلحت ومقتضاي غلام باشد موافق شريعت به آن عمل كنند از روي شريعت هر طرف گنجايش ميسر است. [2]

سوال: (٥١) **وقت نماز ديگر وبحث ومثلين**: در اين جا امام يک مسجد كه خود را حنفي ميگويد نماز ديگر را بعد از دو چندي سايه اداء ميكند چونكه اكثريت مقتديان شوافع اند آنها ميخواهند كه جماعت را به يک چندي سايه اداء كنند لهذا به درخواست مقتديان توجه امام بطرف قول صاحبين مبذول گرديد امام صاحب مسجد درخواست آنها را قبول نميكند آيا به مذهب امام أبو حنيفة وقول صاحبين وقت ديگر از چه وقت شروع ميشود وبه نزد احناف نماز ديگر به يک چندی سايه صحيح ميشود يا نه؟

---

(١) ينتظر المؤذن الناس ويقيم للضعيف المستعجل ولا ينتظر رئيس المحلة وكبيرها كذا في معراج الدراية ينبغي أن يؤذن في أول الوقت ويقيم في وسطه حتى يفرغ المتوضئ من وضوئه والمصلي من صلاته والمعتصر من قضاء حاجته كذا في التارخانية (عالمگيري مصري الباب الثاني في الاذان فصل ثاني ج١ ص٥٣، ط. ماجدية ج١ ص٥٧). ظفير

(٢) رئيس المحلة لا ينتظر مالم يكن شريرا او الوقت متسع (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ج١ ص٣٧٢، ط.س. ج١ ص٤٠٠) ويجلس بينهما بقدر ما يحضر الملازمون مراعيا لوقت الندب الا في المغرب فيسكت قائما ثلاث آيات (ايضا ج١ ص٣٦٢. ط س ج١ ص٣٨٩). ظفير

جواب: مذهب صاحبين اين است كه وقت ديگر به يک چندي سايه شروع ميشود ودر يک روايت از امام أبو حنيفة نيز همين قول نقل شده ومذهب أئمه ثلاثه ديگر نيز همين است ودر الدر المختار گفته است كه مأخوذ به مفتى به ومعمول به همين قول است [1] مگر علامه شامي در رد المحتار نقل كرده در ظاهر الرواية از امام صاحب اين است كه وقت ديگر به دوچندي سايه شروع ميشود ودر بدائع وغيره نوشته است كه همين قول صحيح ميباشد. قوله: إلى بلوغ ظل كل شيء مثليه الخ هذا ظاهر الرواية عن الامام نهاية وهو الصحيح بدائع ومحيط وينابيع وهو المختار غياثيه واختاره الامام المحبوبي وعول عليه النسفي وصدر الشريعة الخ [2] عرض اين است كه بدون شک احتياط زياد در قول ومذهب امام صاحب است واگر نماز ديگر به يک چندي سايه خوانده شود خوف آن است كه نماز پيش از دخولي وقت اداء شده باشد مگر وقتيكه سايه دو چندي برسد باتفاق تمام امامان نماز درآن صحيح است وبه مذهب شوافع نيز در اين وقت كدام كراهيت نيست لهذا براي شوافع مناسب نيست كه امام حنفي را به نماز خواندن در يک مثلي سايه مجبور كنند چرا كه به نزد شوافع هم تا دو چند شدن سايه تاخير نماز كراهيت نمىآيد وبه اتفاق نماز درآن صحيح است وآنها از اين جهت به يک مثلي تأكيد واز دو مثلي مخالفت ميكنند كه البته به قول ظاهر الرواية امام اعظم نماز صحيح نميشود: قال فى الشامى والاحسن ما فى السراج عن شيخ الاسلام ان الاحتياط ان لايؤخر الظهر الى المثل وان لا يصلى العصر حتى يبلغ المثلين ليكون مؤديا للصلاتين فى وقتهما بالاجماع الخ شامى جلد اول ص ٤٤٠. فقط

سوال: (٥٣) **ابتداء وقت شام:** وقت شام از غروب آفتاب شروع ميشود يا چه وقت در اين باره قول مفصل كدام است؟

جواب: وقت أول شام بعد از غروب آفتاب شروع ميشود به اتفاق علماء كما نقل في السوال من الدلائل وهذا لاخفاء فيه ولا خلاف. [3] فقط

سوال: (٥٤) **اگردرمقتديان احناف باشند وهم شوافع دراوقات نماز كدام مذهب مراعات**

---

(١) ووقت الظهر من زواله الخ إلى بلوغ الظل مثليه وعنه مثله وهو قولهما وزفر والأئمة الثلاثة قال الإمام الطحاوي وبه نأخذ وفي غرر الأذكار وهو المأخوذ به وفي البرهان وهو الأظهر لبيان جبريل وهو نص في الباب وفي الفيض وعليه عمل الناس اليوم وبه يفتى (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصلاة ج١ ص٣٣٢ – ٣٣٣، ط.س. ج١ ص٣٥٩). ظفير

(٢) رد المحتار كتاب الصلوٰة جلد اول ص٣٣٣، ط.س. ج١ ص٣٥٩. ظفير

(٣) ووقت المغرب منه اى بعد الغروب الي غروب الشفق (الدرالمحتار على هامش ردالمحتار كتاب الصلوٰة ج١ ص٣٣٤، ط.س. ج١ ص٣٦١) ط

شود؟ فی بلدة کثیر الاحناف ودونهم الشوافع وامام اهل المذهبین حنفی ففی هذه الصورة هل یعین وقت الظهر وانتهائه وشروع وقت العصر علی مذهب الحنفی او علی مذهب الشافعی وکیف الفتوٰی ؟

الجواب: وفی المسئلة الثانیة ینبغی ان یراعی الامام فی اوقات الصلٰوة مذهب الامام الاعظم رضی الله عنه فان الاحتیاطَ فی صلٰوة الظهر والعصر فی مذهبه رضی الله تعالیٰ عنه کما فی رد المحتار: والاحسن ما فی السراج عن شیخ الاسلام ان الاحتیاط ان لا یؤخر الظهر الی المثل وان لا یصلی العصر حتی یبلغ المثلین لیکون مؤدیا للصلاتین فی وقتهما بالاجماع الخ. [1] فقط

سوال: (۵۵) **وقت نماز شام وخفتن**: کدام وقت شام میشود ووقت خفتن از چه وقت شروع میشود یک صاحب میگوید که وقت خفتن ۹ بجه میشود ویک صاحب میگوید که وقت خفتن هشت ونیم بجه میشود آیا سوال به موسم گرمي جون وجولای متعلق است یا نه؟

جواب: مذهب امام ابو حنیفه رحمة الله علیه این است که بعد از غائب شدن سفیدي وقت خفتن شروع میشود وسفیدي بعد از سرخي میباشد غائب شدن سفیدي در زمان موجوده به ۹ بجه نزدیک است لهذا وقتیکه نماز شام هفت ونیم بجه باشد وقت خفتن به ۹ بجه نزدیک میباشد چرا که در این زمان فاصله بین شام وخفتن تقریبا یک ونیم ساعت است پس قول ان شخص که وقت خفتن را به ۹ بجه میداند صحیح است در این زمان وقت خفتن به مذهب صحیح امام ابو حنیفة به هشت ونیم بجه داخل نمیشود البته صاحبین که شفق را سرخي میدانند موافق مذهب ایشان هشت ونیم بجه وقت خفتن داخل میشود مگر به هشت ونیم بجه نفر به اصل مذهب امام أبو حنیفة وقت خفتن داخل نمیشود اگر چه به قول صاحبین که از امام صاحب هم روایت شده مگر قول صحیح آن است که شفق به نزد امام صاحب سفیدي است که بعد از سرخي ظاهر میشود مطابق آن وقت خفتن در آن وقت داخل میشود که سفیدي غائب گردد واین وقت به ۹ بجه نزدیک میباشد یعني چهار دقیقه به ۹ بجه باقي میباشد این سخن صحیح است که دربین شام وخفتن کدام وقت دیگري نیست مگر هر وقت که وقت شام تا غائب شدن سفیدي است ووقت خفتن بعد از سفیدي داخل شود بعداً ازآن هیچ اشکال باقي نمي ماند. [2]

---

(۱) رد المحتار کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۳، ط.س. ج۱ ص۳۵۹. ظفیر

(۲) در الدر المختار آمده: ووقت المغرب منه (ای الغروب) الی غروب الشفق وهو الحمرة عندهما وبه قالت الثلاثة ووقت العشاء والوتر =

سوال: (۵۶) **وقت نماز پیشین عندالاحناف کدام است:** وقت پیشین که بدون سایه اصلي به دو چندي سا یه است این موضوع را باحادیث صحیحه تحریر فرمائید؟

جواب: علامه شامي گفته: أن الادلة تكافأت ولم يظهر ضعف دليل الامام، بل أدلته قوية أيضا كما يعلم من مراجعة المطولات وشرح المنية.[1] اقول: وقد استدل شارح المنية لقول الامام بحديثين صحيحين حيث قال وله حديث ابى هريرة ﷺ عنه ﷺ اذا اشتد الحر فابردوا بالصلٰوة فان شدة الحر من فيح جهنم، رواه الستّة. وعن ابى ذر ﷺ قال كنا مع النبى ﷺ فى سفر فاراد المؤذن فقال له ابرد ثم اراد ان يؤذن فقال له ابرد حتٰى ساوى الظل التلول فقال النبى ﷺ ان شدة الحر من فيح جهنم رواه البخارى،[2] ثم بين وجه الاستدلال بالحديثين[3] فراجعه. فقط

سوال: (۵۷) **وقت دیگر:** در این جا بعض مردم نماز را به یک مثلي سایه میکنند ومیگویند که وقت أول همین است وحصۂ دوم آن مردم اند که در جماعت شریک نمیشوند مي نشینند وبسیار وقت بعد جماعت میخوانند در این صورت سخن صحیح کدام است؟

جواب: احتیاط در این است که نماز دیگر پیش از دو چند شدن سایه خوانده شود وهمین مذهب امام أبو حنیفة است واز أحادیث ثابت شده مثلیکه در شرح منیه أحادیث صحیحه را راجع به مذهب امام صاحب براي دلیل نقل کرده در شامي ذکر شده: فيه انّ الادلة تكافئت ولم يظهر ضعف دليل الأمام بدلالته قوية أيضا كما يعلم من مراجعة المطولات وشرح المنية الخ[4] پس بنده نیزآن عمل میکند مثل کساني که به یک مثلي سایه نماز دیگر را نمیخوانند بلکه به دومثلي سایه

= منه الى الصبح (در المختار على هامش رد المحتار ج۱ ص۳۷۳، ط.س. ج۱ ص۳۶۱) در ردالمحتار آمده: قال فى الاختيار الشفق البياض وهو مذهب الصديق ومعاذ بن جبل وعآئشة ﷺ مخ ته ليكي: قال العلامة قاسم فثبت ان قول الامام هو الاصح (ج۱ ص۳۷۶، ط.س. ج۱ ص۳۶۱) واول وقت صلوة المغرب اذا غربت الشمس بالاجماع ايضا وأخر وقتها مالم يغب الشفق اى الجزء الكائن قبيل غيبوبة الشفق من الزمان وهو اى المراد بالشفق هو البياض الذى فى الافق الكائن بعد الحمرة التى تكون فى الافق عند ابى حنيفة " وقالا اى ابويوسف" ومحمد" وهو قول الائمة الثلاثة رواية اسد بن عمر وعن ابى حنيفة" ايضًا المراد بالشفق هو الحمرة نفسها لا البياض الذى بعدها الخ ولا وقت مهمل بينهما فبخروج وقت المغرب يدخل وقت العشاء اتفاقا (غنية المستملى ص۲۲۶ – ۲۲۷). ظفير

(۱) رد المحتار كتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۳، ط.س. ج۱ ص۳۵۹. ظفير

(۲) غنية المستملى ص۲۲۶. ظفير

(۳) شارحِ منیه نوشته است: وجه الاستدلال بالحديث الاول ان شدة الحر فى ديارهم اذا كان ظل الفيئ وبالثانى بانه صرح بان الظل قد ساوى التلول ولا قدر بدرك لفيئ الزوال ذلک الزمان فى ديارهم فثبت انه ﷺ صلى الظهر حين صار ظلّ الشيء مثله (غنية المستملى ص۲۲۶ ردالمحتار ط.س. ج۱ ص۳۵۹). ظفير

(۴) رد المحتار كتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۳، ط.س. ج۱ ص۳۵۹. ظفير

انتظار میکنند چرا که در عبادات احتیاط لازم است اگر در یک مثلي سایه نماز دیگر خوانده شود احتمال دارد که نماز را پیش از دخول وقت خوانده باشد واگر در دو مثلي سایه نماز دیگر خوانده شود بدون شک واحتمال شبه در وقت اصلي خود نماز خوانده میشود پس معلوم است که یک عمل اشتباهي به خلاف احتیاط است خصوصا در أمور عبادات وبتأخیر نماز عصر أحادیث متعدد وارد شده اگر نماز دریک مثلي سایه خوانده شود آن فضائل که در احادیث بیان شده نیز ترک میشود لذا کساني که در یک مثلي جماعت فهماندن انها مناسب است که انها نیز نماز دیگر را در دو مثلي بخوانند براي اینکه در این وقت همه شان شریک شوند [1]. فقط

سوال: (۵۸) **تحقیق وقت پیشین**: جواب جناب در لفافه به ما رسید مگر از جهت عدم کفایت جواب شک به جای خود باقي مانده بنده سوال کرده بود که حدیث أبو هریرة مرویه موطاء امام: صل الظهر إذا کان ظلک مثلک بصراحة النص مثبت إلی المثلین وقت ظهر است یا نه شما به حواله ایضاح الادلة ما را موقوف ومحول کردید لهذا ایضاح الادلة را مطالعه کردم پس مفهوم نص دلالة حدیث مذکور یعني دلالة النص بقاء وقت ظهر بعد از یک مثلي سایه نشان داده شده به این عبارت ص۳۳۳: صل الظهر إذا کان ظلک مثلک که از این عبارت به شرط انصاف این مطلب مفهوم میشود که بعد از یک مثلي سایه نیز وقت ظهر باقي میباشد انتهٰی ص۱۳٤. مگر تحدید وقت ظهر به مثلین از حدیث مذکور مراد نیست، ص۱۳۸، وقت نماز پیشین اگر چه بطور یقیني تا یک مثلي سایه است مگر به أثر ضرورت یا کدام غفلت اگر براي کسي در این وقت یقیني اداء نماز باتفاق نه افتد براي او لازم است که در مابین مثلین نماز را اداء کند اگر چه مثلین وقت احتمالي است مگر باز هم از اوقات دیگري عمده است، ص۱٤٦، مطلب این نیست که وقت مذکوره بالیقین وقت ظهر است مثلیکه بقاء وقت ظهر یک مثلي یقیني نمیگوئیم که این مذهب صحیح نیست ما به صحت این قول اقرار میکنیم، ص۱٤۷، وآن را روایت أبو هریرة وأبو ذر رضي الله عنهما وغیره میدانم از احادیث معلوم میشود که در وقت ظهر زیادت شده است وبه همین قسم مولانا مدظله در تقریر درس ترمذي در منقوله مولوي اصغر حسین میفرماید که از این احادیث سخن روشن ومیداني بدست نمیاید بدون حدیث جبرئیل که او سخن را میداني کرده

---

(۱) قال المشائخ ینبغی ان لا یصلی العصر حتٰی یبلغ المثلین ولا یؤخر الظهر الی ان یبلغ المثل لیخرج من الخلاف فیهما الخ (غنیة المستملی ص ۲۲۵)، ظفیر

لهذا سخن عمده این است که وقت ظهر تا یک مثلي است وبه همین قسم مولانا تهانوي در (الاقتصار) میفرماید ص۷۱: که از حدیث ابو ذر ثابت میشود که وقت ظهر بعد از یک مثلي هم باقي میباشد وحضرت گنگوهي قدس سره سه در مکاتیب رشیدیه ص۲۲ بنام مولوي صدیق أحمد صاحب تحریر نموده که مثل به نزد بنده بسیار قوي است از روایت حدیث ثبوت مثل میشود ثبوت مثلین در حدیث نیست، در فتاوی رشیدیه جلد دوم ص۱٤: الجواب: این عبارت از بستان المحدثین وتفسیر مظهري از مثلین بطور قطعي وصریح نفي میشود. لهذا مذهب مثلین مرجوح است ومذهب یک مثلي قوي ومعمول به اکثر فقهاء است وبه همین قسم قطب الدین خان صاحب مرحوم در تنویر الحق در زیر حدیث ابو هریرة ﷺ میفرماید: که از این حدیث ثابت شد که وقت ظهر تا دو مثلي دلالت میکند ومولوي ارشاد حسین صاحب رامپوري در (انتصار الحق) میفرماید وهم این کلام حضرت ثناء الله پاني پتي را ذکر میکند و: وآخر وقت الظهر فلم یوجد في حدیث صحیح ولا ضعیف أنه لا یبقی بعد ظل کل شيء مثله ولهذا خالف أبا حنیفة في هذه المسئلة صاحباه ووافقا الجمهور، اگر معناي ان این باشد که در یک حدیث هم بطور صراحت این لفظ نیست که بعد از یک مثلي وقت ظهر باقي میباشد مسلم است وبراي ما مضر نیست چرا که عدم ذکر صراحت نه برای ثبوت ضرور است ونه مدعاء ما آن است ومولانا عبد الحي صاحي مرحوم در تعلیق الممجد علی موطاء امام محمد میفرماید: والانصاف في هذا المقام أن احادیث المدثل صریحة وأخبار المثلین لیست بصریحة انتهی، حاصل این است که از کلام حضرات اکابر ثابت میشود که حدیث مذکور وهیچ یک حدیث در باره مثلین وقت ظهر بصراحت النص موجود نیست اگرچه از طرق ثلاثة یعني اشارة النص، دلالة النص، واقتضاء النص حضرات فقهاء استشهاد واستنباط کرده اند واین توجیه در کلام حضرت مولانا گنگوهی رحمه الله ازمکالب رشیدیه ص۲٤ منقول شده که ثبوت دو مثل از حدیث ثابت نیست.

و از فتاوی رشیدیه جلد سوم ص ۹٤ بطور قطعي وصریحي نفي مثلین شده لهذا قول زید که حدیث مذکوره در باره توقیت ظهر إلی المثلین بصراحت النص است به نزد شما وبه نزد مولانا محمود الحسن صاحب مدظله العالي صحیح است ویا نه؟

جواب: در فتاوی رشیدیه جلد سوم ص ٦٤ در جوابات سوالات عشرة این تحقیق شده است که مسئله (۹) را بخاري روایت کرده: عَنْ أَبِي ذَرّ قَالَ كُنَّا مَعَ النَّبِيّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ فَأَرَادَ

الْمُؤَذِّنُ أَنْ يُؤَذِّنَ فَقَالَ لَهُ أَبْرِدْ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يُؤَذِّنَ فَقَالَ لَهُ أَبْرِدْ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يُؤَذِّنَ فَقَالَ لَهُ أَبْرِدْ حَتّٰى سَاوَى الظِّلُّ التُّلُولَ، اگر دل کسي ميخواهد مشاهده کند که آنها بعد از یک مثلي نماز خوانده اند يعني بعد از یک مثلي وقت ظهر باقي بود لهذا آنها نماز خوانده اند بعد از این روایت صحیح طعن کردن جهالت است از این تقریر مولانا گنگوهي رحمة الله علیه صفا ظاهر میگردد که بعد از یک مثلي سایه وقت ظهر باقي میباشد وبعدا از أحادیث دیگری ثابت میگردد که تا دخول وقت نماز دیگر وقت ظهر باقي میباشد ودر بین وقت ظهر ودیگر حد فاصل ووقت مهمل نیست لهذا باقي ماندن وقت ظهر تا دو مثلي سایه ثابت شد وبعد از اینکه از حدیث بخاري باقي ماندن وقت ظهر تا دو مثلي ثابت شده به این معنی که بعد از یک مثلي هم وقت ظهر دوام دارد بعد از این قسم سوال کردن که این ثبوت صراحة یا دلالة یا اشارة است بي فائده میباشد چرا که هر کدام آنها وجوب را افاده میکند کدام حکم که باشاره ویا دلالت نص ثابت شود در حکم آن است که بصراحت ثابت شده باشد وافاده وجوب را میکند شما نظر کنید که زدن ودشنام کردن والدین را که درآیة مبارکه: و لا تقل لهما أف، به دلالت نص ثابت شد مگر حکم حرمتش به مثل حرمت (أف) است یعني هر قسم تکلیف آوردن به مادر وپدر آن قسم حرام است مثلیکه گفتن أف در مقابل آنها حرام است اگر چه ضرب وشتم وغیره در آیه مبارکه ذکر هم نشده مگر حرمت آن از اف هم سخت واشد است پس این قسم تحقیق کردن که این ثبوت باشاره است یا به دلالت بي فائده میباشد الخ وتمام أقوال، عبارات وروایات این مسئله پیش نظر شما است به جستجوي وپالیدن مکرر آن چه حاجت است همین قدر بدانید که این مسئله ثابت است کفایت میکند مگر کوبیدن دیگران به آن جهالت است کما قال المحقق الگنگوهي قدس سره العزیز، فقط والله تعالی اعلم.

سوال: (٥٩) **<u>ثبوت پنج وقت نماز از قرآن کریم</u>:** نماز پنج وقته درکدام آیه قرآن کریم ذکر شده است؟

جواب: قال الله تعالی: وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ، فی الجلالین [1] طرفی النهار الغداة والعشيّ: أي الصبح والظهر والعصر وَزُلَفاً

---

(١) جلالین مطبوعه مجتبائی.

جمع زلفة. أي طائفة مّن الليل أي المغرب والعشاء. وقال تعالى: فَسُبْحَانَ اللهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ، قال في الجلالين: حِينَ تُمْسُونَ وفيه صلاتان: المغرب والعشاء وَحِينَ تُصْبِحُونَ وفيه صلاة الصبح وَعَشِيًّا وفيه صلاة العصر وَحِين تُظْهِرُونَ وفيه صلاة الظهر. (۱) وفي الحديث عن عبادة بن الصامت رضي الله عنه قال قال رسول الله ﷺ خمس صلٰوة افترضهن الله تعالى من احسن وضوئهن وصلاهن لوقتهن واتم ركوعهن وخشوعهن كان له على الله عهد ان يغفر له الحديث رواه احمد وابوداؤد وغيرهما (۲) وعن ابى امامة رضي الله عنه قال رسول الله ﷺ صلوا خمسكم وصوموا شهركم وادوا زكوٰة اموالكم واطيعوا أُمرائكم تدخلوا جنة ربكم رواه احمد والترمذى. (۳)

از این آیات واحادیث فرضیت پنج نماز واضح است وبه همین قسم أيات وأحاديث ديگري به فرضيت پنج نماز نصوص يقيني ميباشد ورکعتهای هر نماز نیز معروف ومشهور وقطعي است وانکار ازآن کفر است. فقط

سوال: (۶۰) **حكم بلغاريا:** در فتاوى محمدي مع شرح ديوبندى تصنيف مولانا أصغر حسين صاحب نوشته است كه بلغاريا يک شهر است نوشته شده در مختار وشامي كه كتابهاي معتبر فقه است اين مسئله در آن نوشته شده معلوم نيست كه آن شخص چرا انكار ميكند اگر انكار ميكند كه در بلغاريا اين قسم نميشود پس واضح باشد كه بلغاريا ومربوطات آن يک منطقه بسيار فراخ است شايد درآن مناطق يک حصه ومنطقه باشد كه اين حالت در آن پيش ميايد فقهاء كرام نيز بنابر تجربه ومشاهده اين حالت را نوشته كرده كه انكار كردن از ان جهالت ونادانى است باقي ميماند اين سخن كه دركدام جا كه وقت خفتن نباشد در ان جا نماز خفتن لازم است يا نه مذهب بعض فقهاء اين است كه نماز خفتن در آن جا فرض نيست چرا كه درآنجا وقت خفتن نيست مثليكه مولوي اصغر حسين صاحب در فتاوى محمدي نيز همين قسم نوشته است مگر فقهاء محققين مثل ابن الهمام وغيره ميگويند كه نماز خفتن درآن جا فرض است اگر چه وقت خفتن هم در آن جا نباشد دليل شان اين است كه خداوند پاک جل جلاله بر تمام بندگان خود پنج نماز را

---

(۱) جلالين ص۳۴۲. ظفير

(۲) و(۳) مشكوٰة، كتاب الصلوٰة ص ۵۸. ظفير

فرض کرده است پس این پنج نماز بر هر مسلمان هر جا که باشد فرض است مثلیکه در حدیث دجال وارد شده که در وقت ظهور دجال یک روز باندازه یک سال دراز خواهد بود اصحاب کرام ﷺ عرض نمودند که در این وقت خواندن نمازها بکدام حال خواهد بود رسول پاک ﷺ فرمود که در این وقت نماز باندازه وقت خوانده میشود یعني در وقت مقدر شده باندازه یک شب وروز پنج نماز خوانده شود که در بیست وچهار ساعت باید پنج نماز خوانده شود.[1]

سوال: (٦١) (١) **وقت نماز ومقدار قرات درآن:** یک شخص نماز صبح را در آن وقت میخواند که از صبح صادق تا طلوع آفتاب نیم وقت گذشته ونیم وقت مانده باشد ودر نماز چهل آیات ویا زیاتر از آن میخواند وشخص دیگر سنت صبح را میخواند ومي نشنید ودر جماعت شریک نمیشود وقتیکه جماعت ختم شود بعد از آن جماعت جدا میکند آیا در آین دو نوع عمل کدام شان موافق مذهب امام اعظم است؟

سوال: (٦٢) (٢) **در اقتداء شافعي نماز صبح را در اول وقت بخواند یانه**؟ اگر مردم شافعي مذهب بعد از أذان صبح در وقت أول صبح به جماعت استاد شوند ایا اشتراک احناف در این جماعت لازم است یا نه؟

سوال: (٦٣) (٣) شخصي که به تقاضای خواهش نفساني خود در وقت آخر جماعت دوم میکند آیا همان شخص در حکم آیتهاي ذیل میاید یا نه: ومن یعص الله ورسوله، ومن لم یحکم بما أنزل الله، الآیة.

سوال: (٦٤) (٤) آیا این سخن صحیح است که در هر موسم به شروع حصه هفتم شب صبح صادق میشود.

جواب: (١) در مذهب امام اعظم صاحب نماز صبح در روشني مستحب است ودر حدیث شریف نیزاین استحباب تأکید وتحکیم شده: اسفروا بالفجر فإنه اعظم للاجر[2] موافق این حدیث شریف از طلوع آفتاب نیم ساعت پیش شروع کردن جماعت سحر کافي است دوم وقتیکه با این عمل

---

(١) وفاقد وقتهما كبلغار فإن فيها يطلع الفجر قبل غروب الشفق في أربعينية الشتاء مكلف بهما فيقدر لهما ولا ينوي القضاء لفقد وقت الأداء به أفتى البرهان الكبير واختاره الكمال وتبعه ابن الشحنة في ألغازه فصححه فزعم المصنف أنه المذهب وقيل لايكلف بهما لعدم سببهما وبه جزم في الكنز والدرر والملتقى وبه أفتى البقالي ووافقه الحلواني والمرغيناني الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار مطلب في فاقد وقت العشاء كاهل بلغار ج١ ص٣٣٦، ط.س. ج١ ص٣٦٢) وانظر تحقيق المسائل في ردالمحتار. ظ

(٢) مشكوٰة، باب تعجيل الصلوٰة ص ٦١. ظفير

در بین نماز خوانان تفرق وجدائي پیدا میشود وقتیکه مسلمانان در جماعت اول شریک نمیشوند ودر بر پاکردن جماعت دوم مرتکب کراهیت میشوند چرا این قسم عمل میکنند که خلاف مذهب هم باشد وبه سبب آن دربین مسلمانان تفرق وجدائي ایجاد میگردد ومقتدیان کدام جماعت که احناف نباشند ضرور است که براي آن امام شافعي مذهب ویا امام غیر مقلد مقرر شود شخصي که عملي او خلاف مذهب حنفي است.

جماعت دوم به نزد احناف خواه نخواه مکروه است، مگر وقتیکه اهل محله ونماز گذاران احناف باشند در این صورت بخلاف ایشان برای شافعي وشخص غیر مقلد عجله پسندي مناسب نیست واین آیتها که سائل آن را در سوال سوم درج کرده در باره کفار ومعاندین اسلام است اگر مسلمانان مصداق این آیات قرار داده شود این هم در ذات خود یک گمراهي است در هر موسم در حصه هفتم شب صبح صادق شروع نمیشود واین مقرره غلط است در شبهاي زمستان که شب تقریبا چهارده ساعت میباشد در این وقت ازصبح صادق تا طلوع آفتاب یک ساعت وبیست ودو دقیقه وقت میباشد اگر حصۀ هفتم شب همیشه صبح صادق شود در این صورت لازم است که از صبح صادق تا طلوع آفتاب دو ساعت وقت باشد در حالیکه چنین نیست أهل تجربه ومشاهده عامه وقواعد حسابیه مخالف این قول است ونسبت دادن این سخن به مذهب حنفي نیز غلط است که گویا نماز جماعت در وقت اندر میانه بین صبح صادق وطلوع آفتاب اداء گردد این سخن نه در مذهب امام صاحب است ونه به نزد محققین احناف قابل اعتبار است در الدر المختار ذکر شده: والمستحب للرجل الابتداء في الفجر بالإسفار والختم به هو المختار بحیث یرتل أربعین آیة ثم یعیده بطهارة لو فسد وقیل یؤخر جدا لأن الفساد موهوم، قوله: قیل یؤخر جدا الخ قال في البحر وهو ظاهر اطلاق الکتاب ای الکنز لکن لا یؤخرها بحیث یقع الشک في طلوع الشمس الخ. [1] فقط

سوال: (٦٥) <u>وقت نماز خفتن بدل از غروب آفتاب بعد از چه مقدار داخل میشود</u>؟ وقت نماز خفتن بعد از غروب آفتاب بعد از چند ساعت داخل میشود ودرکدام کتاب فقه وقتي تخمیني خفتن موافق مذهب احناف نوشته شد؟ بعض مردم میگویند که بعد از یک ونیم ساعت وقت خفتن داخل میشود وبعض مردم از این مقدار انکار میکنند.

---

(۱) مطالعه کنید: رد المحتار کتاب الصلوٰة ج۱ ص۳۲۹، ط.س. ج۱ ص۳٦٦ بعد مطلب طلوع الشمس من مغربها. ظفیر

جواب: در کتابهاي فقه این قدر نوشته شده که به غائب شدن شفق ابیض به نزد امام صاحب وقت خفتن داخل میشود [۱]، حساب دقیقه وساعت در کتابهای فقه نیست، این سخن به مشاهده تعلق دارد که آیا بعد از غروب آفتاب چند ساعت پس سفیدي شفق غائب میشود وحالا مقدار این وقت موافق نوشته أهل تجربه ماهای دسمبر، جنوري وفروري تقریبا یک ونیم ساعت است ودر تابستان بعض اوقات دو سه یا چهار دقیقه زیاد میشود ودر بعض موسم کم میشود.

سوال: (٦٦) **وقت سحر ودیگر کدام است وعمل حضرت گنگوهی چه بود؟** اوقات نماز گنگوهي صاحب یعني پیش از طلوع آفتاب در کدام وقت سحر ونماز دیگر را چه مقدار وقت پیش از غروب آفتاب اداء میکرد این اوقات را به حساب ساعت ودقیقه به ما تحریر فرمائید اگر به انتظار جماعت نماز صبح نیم ساعت پیش از طلوع آفتاب خوانده شود بهتر است یا اینکه در اول وقت آن را بخواند وبعدا در جماعت شریک شود در مشارق الانوار یک حدیث شریف ذکر شده که یک زمان خواهد آمد که مردم در نا وقتي نماز میخوانند درآن وقت شما نمازهاي خود را اداء کند وبعدا در جماعت هم شریک شوید آیا حالا همان زمانه است یا نه واین حدیث قابل عمل است؟

جواب: براي اوقات نماز مقرر کردن ساعت ودقیقه نیست در نماز سحر ودیگر به نزد احناف تأخیر بهتر است در نماز دیگر آنقدر تأخیر کرده شود که در حد کراهیه داخل نشود یعني وقت مکروهه داخل نشود مثلا یک ساعت یا پاو کم یک ساعت باید به غروب آفتاب مانده باشد ونماز دیگر اداء شود بهتر است [۲]، ودر نماز سحر اسفار مستحب است ودر حدیث نیز همین قسم آمده است بناء اگر نماز صبح را نیم ساعت ویا پاو کم یک ساعت پیش از طلوع آفتاب بخواند این عمل بیسار خوب ووقت ثواب است خصوصا درآن صورت که منتظر جماعت باشد تا اینکه نیم ساعت به طلوع آفتاب مانده باشد جماعت اداء شود این عمل بسیار خوب است [۳]،

---

(۱) واول وقت العشاء اذا غاب الشفق وأخر وقتها ما لم يطلع الفجر الثاني (هدايه باب المواقيت) لم الشفق هو البياض الذى =
= في الافق بعد الحمرة عند ابى حنيفة ﵁ (ايضا، ط.س. ج۱ ص۳٦۱). ظفير

(۲) وتاخير عصر صيفا وشتاء توسعة للنوافل مالم يتغير ذكاء بان لا تحار العين فيها في الاصح (در المختار على هامش رد المحتار ج۱ ص۳٤۱، ط.س. ج۱ ص۳٦۷). ظفير

(۳) والمستحب للرجل الابتداء في الفجر باسفار والختم به هو المختار بحيث يرتل اربعين آية ثم يعيده بطهارة لو فسد (درمختار) قوله وفي الفجر اى صلاة الفرض، باسفار اى في وقت ظهور النور وانكشاف الظلمة الخ لقوله ﷺ اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر رواه الترمذي وحسنه (ردالمحتار ج۱ ص۳۳۹، ط.س. ج۱ ص۳۵۵). ظفير

حضرت مولانا رشید احمد صاحب گنگوهی نیز همین قسم میکرد وکدام حدیث را که شما از مشارق الانوار نوشته کرده اید مطلب این حدیث چنین نیست که تأخیر نماز صبح باسفار وتأخیر نماز دیگر تا وقت مستحب ممنوع است بلکه مطلب حدیث شریف این است که کدام وقت مردم آنقدر تأخیر کنند که وقت مکروهه داخل شود از این صورت، حکم این است که شما تنها نماز بخوانید این حکم براي آن نیست که نیم ساعت پیش نماز خوانده شود بلکه این عمل موافق حدیث است.

سوال: (٦٧) **نماز صبح در تاریکی بهتر است یا در روشني**: یک نفر نماز صبح را در تاریکي به مردم جماعت داد یک مولوي صاحب گفت که همان صبح در روشني بهتر است وجماعت دهنده براي دلیل این آیت را بیان کرد: فسبحه وادبار النجوم، مطلب ومراد این آیه کریمه چیست؟

جواب: در حدیث شریف آمده که: اسفروا بالفجر فإنه اعظم فی للاجر، الحدیث [1]، یعني نماز صبح را در روشني بخوانید از جهت اینکه درآن بسیار ثواب است ومذهب امام أبو حنیفه نیز همین است که خواندن نماز در روشني بهتر است وبه قول بعض مفسرین ازآیه مبارکه: فسبحه وادبار النجوم، دو رکعت سنت صبح مراد است وضحاک میگوید که مراد از آیه مذکور نماز فرض صبح مراد است، معالم التنزیل.

سوال: (٦٨) **وقت ظهر درتابستان کدام است**: در این عصْر در موسم تابستان وقت نماز ظهر به چند بجه مناسب است؟

جواب: در زمستان وتابستان ویا هر موسم وقت ظهر بعد از زوال آفتاب شروع میشود وتا دو مثل شدن سایه باقي میباشد وزوال آفتاب تقریبا دوازده ونیم بجه میشود، در این صورت وقت نماز ظهر از دوازده ونیم بجه شروع وتا بعد از سه بجه باقي میباشد ودر "جیت هار" از این هم تا ناوقت ظهر خواهد بود حاصل این است که باید در نماز ظهر وقت مستحب یعني تأخیر مراعت شود اگر چه نماز همیشه بعد از دوازده ونیم بجه نیز جائز است در این عصر از دو بجه تا سه بجه وقت خوب ومناسب نماز ظهر است، اگر دو نیم بجه یا پاو کم سه بجه ویا تا سه بجه موافق وقت ریلوي نماز ظهر کرده شود بسیار وقت خوب ومناسب است در این کدام حرج نیست وپاو

---

(۱) رواه الترمذی عن رافع بن خدیج (مشكوٰة باب تعجیل الصلٰوة). ظفیر

بالا دو بجه ودو نیم بجه نیز وقت خوب است غرض این است که ازدو بجه تاسه بجه همه خوب وقت است کدام وقت که میخواهید نماز بخوانید به جنگ وجدال هیچ حاجت نیست. فقط

سوال: (٦٩) **درموسم زمستان جماعت صبح چه وقت مناسب است:** درموسم زمستان که طلوع آفتاب هفت بجه میشود جماعت صبح چه وقت مناسب است به حساب ساعت ودقیقه براي ما نوشته فرمائید؟

جواب: اگر جماعت صبح از طلوع آفتاب نیم ساعت پیش کرده شود بسیار خوب است مثلا در این وقت که افتاب پاو بالا هفت بجه طلوع میکند اگر جماعت صبح به پاو کم هفت بجه خوانده شود بسیار سخن عمده است ووقت سحر از طلوع صبح صادق شروع وبه طلوع آفتاب ختم میشود تا وقتیکه گنجایش نماز وجماعت باشد تأخیر کردن جائز است ش ودر ما بین این وقت که در هر وقت آن نماز خوانده شود خوب است مگر مذهب امام أبو حنیفه این است که خوب روشني شود بعد از آن جماعت صبح اداء شود ودر تعین ایت وقت به حد خاص تعین ساعت ودقیقه ضرور نیست [1]. فقط

سوال: (٧٠) **وقت ظهر وجمعه:** نماز ظهر ونماز دیگر به موجب مذهب مختار امام اعظم صاحب د رکدام وقت مناسب است وقت اول کدام ووقت آخر کدام است ووقت نماز جمعه از کدام وقت تا کدام وقت میباشد؟

جواب: وقت ظهر به نزد امام ابو حنیفة تا دومثل شدن سایه است وقت نماز دیگر بعد ازدو مثل شدن سایه شروع میشود واداء کردن نماز ظهر پیش از دو مثل شدن سایه مناسب است ونماز دیگر بعد از دو مثل شدن سایه مناسب است مگر بهتر این است که بعد از شروع شدن وقت تأخیر زیاد نکنید تا یک مثل شدن سایه نماز ظهر رابخوانید وبعد از دو مثلي سایه کمي بعد نماز دیگر را بخوانید، وقت نماز جمعه مثل وقت نماز ظهر است که بعد از زوال آفتاب شروع میشود وتا کدام وقت که وقت ظهر است وقت نماز جمعه نیز تا همان وقت میباشد. فقط

سوال: (٧١) **در لاپ لیند نماز وروزه چه قسم اداء شود؟** درجزیرهٔ لاپ لبند که شش ماه روز

---

(١) في الدر المختار والمستحب للرجل الابتداء في الفجر باسفار والختم به وهو المختار وقال في ردالمحتار اى وقت ظهور النور وانكشاف الظمه سمي به لانه يسفر اى يكشف عن الاشياء والحاصل انه حد الاسفار ان يمكنه اعادة الطهارة ولو من حدث اكبر واعادة الصلاة على الحالة الاولى قبل طلوع الشمس (ردالمحتار ج١ ص٣٣٩، ط.س. ج١ ص٣٦٦). ظفير

ومدۃ شش ماہ شب میباشد درآن جا نماز پنج وقتہ چہ قسم اداء گردد ودر ماہ مبارک رمضان روزہ چہ قسم گرفتہ شود ودر گرفتن روزہ رمضان شرط ماہ رمضان است ویا نہ اگر شرط باشد ماہ رمضان چہ قسم معلوم گردد؟

جواب: نمازها را باندازه کردن اوقات بخواند مثلا در بیست وچهار ساعت نمازهای شب وروز باندازه مقرره جدا کند وپنج نماز را تکمیل نماید ودرباره روز رمضان بلاد اقرب خود را مراعت کند از این لحاظ ماه رمضان براي شان معلوم خواهد شد.

فصل ثاني اوقات مكروهه

يعني آن وقتهاي كه اجازه نماز در آن نيست

سوال: (٧٤) **در روز جمعه در وقت چاشت نفل جائز است يانه؟** ان الصلٰوة النافلة نصف النهار يوم الجمعة هل تباح او تكره ؟

جواب: اقول وبالله التوفيق ان الاحتياط فى عدم التنفل فى ساعة الزوال يوم الجمعة كما عليه الشروح والمتون ومذهب الامام راجح من حيث الدليل فينبغى عليه التعويل. [١]

سوال: (٧٣) **در وقت استواء آفتاب نماز جائز است يا نه؟** نوافل چاشت در وقت دوازده بجه جائز است يا نه؟ ودر جنتري اسلامي وقت زوال يا وقت نماز قضائي را دوازده بجه وبيست وچهار دقيقه نوشته است؟

جواب: در وقت زوال نوافل وهيچ قسم نماز جواز ندارد ونه در آن وقت نماز جائز است كه وقت زوال در ما بين نماز بيايد پس دركدام ساعت كه زوال به دوازده بجه وبيست وچهار دقيقه ميشود مطابق آن اگر نوافل يا نماز قضائي را به اين قسنم بخواند كه از زوال پيشتر از نماز فارغ شود جائز است مگر هر وقت كه وقت زوال نزديک شود درآن وقت هيچ نماز را شروع نكند براى اينكه در ما بين نماز وقت زوال عارض نشود [٢]. فقط

---

(١) لا تجوز الصلٰوة عند طلوع الشمس ولا عند قيامها فى الظهيرة ولا عند غروبها لحديث عقبة بن عامر" الخ (هدايه باب المواقيت جلد اول ص٨٠). وكره تحريماً الخ صلٰوة مطلقا الخ مع شروق الخ واستوآء الاّ يوم الجمعة على قول الثانى المصحح المعتمد كذا فى الاشباه (در المختار) رواه الشافعى فى مسنده نهى عن الصلٰوة نصف النهار حتى تزول الشمس الا يوم الجمعة. قال الحافظ بن حجر فى اسناده انقطاع الخ قوله المصحح المعتمد اعتراض بان المتون والشروح على خلافه الخ شراح الهدايه انتصروا لقول الامام واجابوا عن الحديث المذكور الخ (رد المحتار كتاب الصلٰوة ج١ ص ٢٤٣ – ٢٤٥، ط.س ج١ ص٣٧٠ – ٣٧١). ظفير

(٢) وكره تحريما وكل ما لا يجوز مكروه صلاة مطلقا ولو قضاء او واجبة او نفلا او على جنازة وسجدة تلاوة وسهو لا شكر مع شروق الخ =

سوال: (٧٤) (١) **در وقت صبح بدون سنت ونماز قضائی نوافل جائز نیست**: براي من معلوم است که در وقت سحر علاوه ازنماز مقرره صرف نماز قضائي که فرض وواجب يعني وتر هم شده میتواند دراین باره اطمینان مزيدي راميخواهم که بعض جاهلان دراین وقت نفل ميخوانند وبعد از نماز فرض سنت هم ميخواند که در وقت جماعت آن را کرده نمیتوانست.

سوال: (٧٦) (٢) **بعد ازنماز دیگر خواندن نفل جائز نیست**: بعد ازنماز دیگر مثل بعد ازنماز صبح نفل ممنوع است درباره هم آن چیزها را سوال میکنم که درباره نماز صبح کرده ام اگر حکم بعد از نماز دیگر با حکم وقت بعد از نماز صبح تفاوت داشته باشد راجع به آن اطلاع میخواهم؟

جواب: (١) بعد از طلوع صبح صادق بدون سنت صبح ونماز قضائي اقسام نوافل ديگري به هيچ صورت جائز نیست وبعد از اداء فرض صبح اعاده دو رکعت سنت صبح هم جائز نیست در در المختار ذکر شده: وکره نفل الخ ولو سنة الفجر بعد صلاة الفجر وصلاة العصر الخ ولايكره قضاء فائتة ولو وترا الخ [1]، ومراد از اين کراهیت کراهیت تحريمي است: قال في الشامي والكراهية ههنا تحريمية أيضا كما صرح به في الحلية ولذا قال في الخانية والخلاصة بعدم جواز والمراد عدم الحل لا عدم الصحة كما لايخفى. [2]

جواب: (٢) بعد از نماز دیگر نیز بدون خواندن نماز قضائي اقسام ديگري نوافل جائز نیست [3].

سوال: (٧٧) **آيا وقت بعد ازظهر مثل بعد ازنماز دیگر وصبح است؟** مثلیکه بعد العصر وبعد الفجر خواندن هر قسم نوافل ممنوع است آيا هم چنین بعد از نماز ظهر هم هيچ کدام نفل جائز نیست واگر جائز باشد جواز آن درکدام کتاب فقه ثابت است ویا نه؟

جواب: نه اینطور نیست، بعد از عصر وبح نوافل درست نیست.

= واستوآء (الدرالمختار على هامش رد المحتار كتاب الصلٰوة ج١ ص ٣٤٣ – ٣٤٤ ، ط.س. ج١ ص٣٧٠) لما روى مسلم وغيره من حديث عقبة بن عامر ثلث ساعات كان رسول الله ﷺ ينهانا ان نصلي فيهن او نقبر موتانا حين تطلع الشمس بازغة حتى ترتفع وحين يقوم قائم الظهيرة حتى تميل الشمس وحين تضيف للغروب حتى تغرب (غنية المستملي ص٢٣٥). ظ

(١) الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلٰوة ص ٣٤٧ ج١، ط.س. ج١ ص٣٧٤. ظفير

(٢) رد المحتار كتاب الصلٰوة ص ٣٤٨ ج١، ط.س. ج١ ص٣٧٥. ظفير

(٣) واما الوقتان الاخران الخ فانه يكره فيهما التطوع فقط ولا يكره فيهما الفرض الخ وهما أى الوقتان المذكوران ما بعد طلوع الفجر الى ان ترتفع الشمس فانه يكره في هذا الوقت النوافل كلها الا سنة الفجر الخ وما بعد صلٰوة العصر الى غروب الشمس لحديث ابن عباس الخ (غنية المستملي ص٢٣٧ ج١). ظفير

سوال: (٧٨) **آیا پیش از سنت نوافل جائز است یا نه؟** پیش از دورکعت سنت صبح خواندن نوافل جائز است یا نه؟

جواب: بعد از طلوع صبح صادق پیش از دورکعت فرض بدون دو رکعت سنت دیگر جواز ندارد [١].

سوال: (٧٩) (١) **در نصف روز جمعه خواندن نفل جائز است ویا نه؟** آیا در نیم روز جمعه خواندن نوافل جائز است یا نه؟

سوال: (٨٠) (٢) **آیا سنت جمعه در نیم روزی روز جمعه جائز است یا نه؟** ایا سنت جمعه را در نصف النهار کرده میتواند یانه؟

جواب: (١) به مذهب امام اعظم صاحب جائز نیست وامام ابو یوسف آن را جائز میگوید مگر احتیاط زیاد در قول امام اعظم صاحب است. [٢] فقط

جواب: (٢) کرده نمیتواند. [٣] فقط

سوال: (٨١) **به اثر پرکالي وضوء نه شکست لهذا به اعاده نماز ضرورت نیست؟** بعد از نماز تهجد تسبیحات خواندم بر سر پاي نشسته بودم که پرکالي بر سرم آمد بعد از وقت کم دیدم که وقت سنت است ویقین داشتم که وضوء من نه شکسته سنت خواندم وبه مسجد رفتم بعدا شک برایم پیدا شد که وضوء ام شکسته خواهد بود یا نه لهذا دوباره وضوء نمود بعدا دو رکعت سنت را نیز اعاده کردم ودر جماعت فرض شریک شدم شرعاً جائز است یا نه؟

جواب: کدام سنت را که قبلا خوانده بودید صحیح بود واعاده آن ضرور نبود [٤] وجائز هم نبود لکن از جهت بي علمي که چیزي شده است درآن کدام مؤاخذه وعذاب نیست [٥]. فقط

---

(١) وکذا الحکم عن کراهية نفل وواجب لغيره لافرض وواجب لعينه بعد طلوع فجر سوی سنته لشغل الوقت به تقديرا (ايضا ج١ ص٣٤٨، ط.س. ج١ ص٣٧٥) لما روى مسلم عن حفصة ﵂ قالت كان رسول الله ﷺ اذا طلع الفجر لا يصلي الا ركعتين خفيفتين (غنية المستملي ج١ ص٣٣٧). ظفير

(٢) وكره تحريما الخ صلاة مطلقا ولو قضاء او واجبة او نفلا الخ مع شروق الخ واستواء الا يوم الجمعة على قول الثاني المصحح المعتمد كذا في الاشباه (در المختار) لكن شراح الهداية انتصروا لقول الامام واجابوا عن الحديث المذكور باحاديث النهي عن الصلوة وقت الاستوآء (ردالمحتار ط.س. ج١ ص٣٧٠ – ٣٧١). ظفير

(٣) وجمعة كظهر اصلا واستحبابا في الزمانين لانها خلفه (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصلاة ج١ ص٣٤٠، ط.س. ج١ ص٣٦٧). ظفير

(٤) از این جهت که وضوء اش شکسته بود: وفي الخانية النعاس لا ينقض الوضوء وهو قليل نوم (رد المحتار نواقض الوضوء ج١ ص١٣٢) چونکه وضوء او باقي بود لهذا کدام نماز را که به آن وضوء اداء نموده جائز شد اعاده آن ضرور نیست والله اعلم.

سوال: (٨٢) **در قضائی سنت ظهر از چه جهت فرق است؟** این چه سبب است که قضائي سنت ظهر بعد از فرض ظهر متصل خوانده میشود وقضائي سنت صبح بعد از فرض صبح متصل خوانده نمیشود وبعد از طلوع افتاب خواندن آن جائز است واگر این دو رکعت بالکل ترک شود نیز کدام عذاب ومؤاخذه نیست؟

جواب: فرق آن از این جهت است که وقت ظهر باقي است ووقت نماز صبح بعد ازطلوع آفتاب باقي نمیماند.[1] فقط

سوال: (٨٣) **در وقت زوال وچاشت حکم نفل وتلاوت چیست؟** در عین وقت زوال وچاشت نفل وتلاوت قرآن شریف چیست؟

جواب: در وقت زوال واستواء تلاوت قران شریف جائز است ونوافل به نزد امام ابو حنیفة جائز نیست وامام ابو یوسف صاحب در این وقت نوافل را جائز میگوید، در الدر المختار ذکر گردیده: وکره صلاة مطلقا تحریما ولو قضاء او واجبة أو نفلا الخ مع شروق الخ واستواء إلا یوم الجمعة على قول الثاني المصحح المعتمد الخ وفي الشامي لکن شراح الهدایة انتصروا لقول الامام[2] واحتیاط در قول امام اعظم میباشد وقول وسیع وفراخ قول امام ابو یوسف است. فقط

سوال: (٨٤) **بعد از طلوع آفتاب متصل نماز جائز نیست:** به متصل طلوع آفتاب نماز خواندن جائز است ویا نه آیا وقت اشراق آن است که آفتاب یک نیزه بالا شود؟

جواب: متصل طلوع آفتاب خواندن نماز جائز نیست مناسب است در کن وقت نماز خوانده شود که آفتاب به مقدار یک نیزه ویا دو نیزه بلند شود.[3]

سوال: (٨٥) **بعد از نیم شب خواندن نماز مکروه تحریمی است یا نه؟** خواندن نماز خفتن بعد از نیم شب مکروه تحریمي است ویا نه واگر بعد از نیم شب خوانده شود واجب الاداء است ویا نه یعني نماز او اداء میشود یا نه مولانا عبد الحي صاحب در مجموعه فتاوی ص٣٣ جلد اول

---

(٥) چرا که در این وقت بدون سنت صبح براي هیچ قسم نفل اجازه نیست: وكذا الحكم من كراهة نفل الخ بعد طلوع فجر سوى سنته (الدرالمختار على هامش رد المحتار كتاب الصلٰوة ج١ ص٣٤٩، ط.س. ج١ ص٣٧٥). ظفير

(١) وقت صلاة الفجر الخ من اول طلوع الفجر الثاني الخ الى قبيل طلوع ذكاء ووقت الظهر من زواله الخ الى بلوغ الظل مثليه (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصلاة ج١ ص٣٣١، ط.س. ج١ ص٣٥٩). ظفير

(٢) رد المحتار كتاب الصلٰوة جلد اول ص ٣٤٣، ط.س. ج١ ص٣٧٠. ظفير

(٣) مكروه تحريما الخ مع شروق الخ واستواء (درمختار) قوله مع شروق الخ ما لم ترتفع الشمس قدر رمح (رد المحتار كتاب الصلاة ج١ ص٣٤٤، ط.س. ج١ ص٣٧٠ – ٣٧١). ظفير

فرموده است که مکروه تحریمي است وخواندن نماز خفتن بعد از نیم شب واجب الاداء است واگر آن را اعاده نکند گناهکار خواهد بود ومولانا أشرف علي صاحب در زیور بهشتي نوشته کرده است که وقت نماز خفتن تا صبح صادق باقي میباشد وبعد از نیم شب مکروه است وثواب آن کم میشود پس در این دو تحریر کدام تحریر صحیح است؟

اگر نماز خفتن بعد از نیم شب خوانده شود اعاده آن لازم است یا نه واگر اعاده آن واجب نباشد پس مطلب فتوی مولوي عبد الحي صاحب چیست؟

جواب: بعد ازنیم شب خواندن نماز خفتن مکروه است بعض علماء آن را مکروه تحریمي وبعض علماء آن را مکروه تنزیهي میگویند: فإن أخرها إلى ما زاد إلى النصف کره لتقلیل الجماعة، الدر المختار، قوله: کره أي تحریما کما یأتي تقییده في المتن أو تنزیها وهو الاظهر کما نذکره عن الحلیة شامي، [1] ثم قال تحت قول الماتن تحریما کذا في بحر عن القنیة لکن في الحلیة أن کلام الطحطاوي یشیر إلى أن الکراهة تأخیر العشاء تنزیهیة وهو الاظهر، [2] شامي. پس کدام علماء که آن مکروه تحریمي میگویند به نزد انها واجب الاداء است وکسانیکه ان را مکروه تنزیهي میگویند به نزد انها واجب الاداء نیست چرا که میلان مکروه تنزیهي به طرف خلاف اولی است از قول علامه شامي وروایت حلیه معلوم شد که کراهیة تنزیهي آن ظاهر است وسبب آن کراهیة این است که در آن تقلیل جماعت خفتن به میان میاید یعني کسي که نماز خفتن را در نیم شب بخواند از این جهت مکروه است که در جماعت خفتن تعداد نماز گذاران کم میشود واین از این تنها خواندن ترک جماعت است وهم یک تفریق اندازي نه اینکه در این وقت کدام خرابي است، پس معلوم شد که مولانا عبد الحي صاحب آن را به این سبب واجب الاداء میگوید که مکروه تحریمي است ودر اعاده آن احتیاط است اشرف علي صاحب که آن را مکروه تنزیهي میگوید آنها قول دوم را اختیار کرده که واضح وظاهر است وهمین قول به حق هم نزدیک است که گویا مکروه تنزیهي است واعاده آن ضرور نیست.

سوال: (٨٦) <u>**وقت ابتدائی ظهر کدام است آیا در ساعت یازده نماز ظهر جائز است یا نه؟**</u> وقت اول ظهر کدام است اگر کسي به أثر شدت ضرورت نماز ظهر را در یازده بجه بخواند

---

(١) رد المحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص ٣٤١، ط.س. ج١ ص٣٦٨. ظفیر

(٢) رد المحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص٣٤٢ ، ط.س. ج١ ص٣٦٨. ظفیر

نمازش صحیح خواهد بود یا نه؟

جواب: وقت اول ظهر یعني ابتداء وقت ظهر بعد از زوال آفتاب است که در این زمان مطابق وقت ریلوي تقریبا دوازده ونیم بجه زوال میشود وخواندن نماز ظهر یازده بجه به هیچ صورت نماز ظهر اداء اشده نمیتواند [۱]، بعد از گذشتن وقت نماز بطریقه قضائي نماز جواز دارد مگر پیش از وقت خواندن نماز به هیچ صورت جواز ندارد. [۲]

سوال: (۸۷) **تحقیق خواندن دو نماز دریک وقت**: زید خرد را اهل حدیث میگوید وبکر حنفي است هر دوي شان باتفاق سفر میکنند زید در وقت ظهر هم نماز ظهر را خواند وهم نماز دیگر بکر بالاي زید اعتراض کرد که وقت نماز دیگر داخل نشده وشما نماز دیگر را اداء کردید زید در جواب گفت که جمع کردن نماز ظهر ونماز دیگر در اکثر احادیث آمده وحضور سرور عالم ﷺ در سفر وخانه نماز ظهر ونماز دیگر را در وقت ظهر اداء میکرد به لحاظ اینکه به امت من آساني باشد وبراي دلیل حدیث مسلم را پیش میکند که براي ملاحظه ارسال خدمت است ومیگوید اگر به یک حدیث قناعت وتسلي شما حاصل نمیشود احادیث دیگري را هم پیش کرده میتوانم ویا اینکه شما دربارهٔ عدم جواز آن از کتابهاي معتبر کدام حدیث را به من پیش کنید که گویا رسول الله ﷺ جمع بین صلاتین را نکرده وآنرا منع کرده زید میگوید: که در جمع کردن دو نماز در یک وقت قول حضور ﷺ موجود است وقول امام صاحب این است که دو نماز را در یک وقت جمع نکنید وقتیکه حدیث موجود باشد چرا به قول امام صاحب عملا کرده شود حال آنکه إمام صاحب میگوید که درصورت دریافت حدیث که قول من ازآن مخالف باشد قول مرا ترک کنید در این وقت براي بکر که حنفي مذهب است چه عمل مناسب است اگر در باره عدم جواز آن احادیث باشد آن را به حوالهٔ کتابهاي معتبر مفصل تحریر فرمائید حضرت ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله ﷺ در مدینه منوره نماز ظهر؟ نماز دیگر را در یک وقت اداء کرد در حالیکه وقت خوف وسفر هم نبود ابو الزبیر گفته که من از سعید رضی الله عنه سوال کردم که رسول الله ﷺ به چه سبب دو نماز را در یک وقت اداء کرد سعید گفته

---

(۱) ووقت الظهر من زواله ای میل ذکاء عن کبد السمآءالی بلوغ الظل مثلیه (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار کتاب الصلوٰة جلد اول ص۳۳۲، ط.س. ج۱ ص۳۵۹). ظفیر

(۲) وشرط فی ادائها الخ دخول الوقت واعتقاد دخوله (در المختار) لوقت ای وقت المکتوبة واعتقاد دخوله او ما یقوم مقام الاعتقاد من غلبة الظن فلو شرع شاکا فیه لا تجزیه (رد المحتار باب شروط الصلوٰة ج۱ ص۴۲۱، ط.س. ج۱ ص۴۵۱). ظفیر

که من از ابن عباس سوال کردم مثلیکه شما ازمن سوال کردید ابن عباس برایم گفت که حضرت پیغمبر ﷺ در این عمل خود اراده کرده بود که در امت من براي کسي حرج پیش نشود، رواه مسلم.

جواب: نحمده ونصلي علی رسوله الکریم، جمع کردن دو نماز باین شکل که نماز دیگر را در وقت ظهر اداء کند ویا نماز ظهر را در وقت عصر اداء کند این عمل نه در سفر جائز است ونه درخانه از رسول ﷺ در سفر وحضر خواندن دو نماز در یک وقت باین شکل ثابت نشده حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که همیشه درخدمت آن حضرت ﷺ حاضر میبودکه مسواک، تکیه وغیره آن حضرت ﷺ بدست او بود وآب وضوء آن حضرت ﷺ را هم در اکثر اوقات تیار میکرد از همین جهت لقب صاحب السواک والوسادة والطهارة بر او مانده شده بود او فرموده است: قال ما رایت رسول الله ﷺ جمع بین الصلاتین إلا بجمع، رواه البخاري ومسلم، ترجمه من ندیده ام که آن حضرت ﷺ دو نماز را در یک وقت خوانده باشد مگر در مزدلفه که نماز شام وخفتن را در یک وقت خوانده است رواه البخاري ومسلم [1] ودر روایت نسائي ذکر شده عن عبد الله قال: کان رسول الله ﷺ یصلي الصلاة لوقتها إلا بجمع وعرفات، ترجمه: از حضرت عبد الله ابن مسعود روایت شده که رسول ﷺ همیشه نماز را در وقت خود میخواند مگر در مزدلفه وعرفات واز خود ابن عباس رضی الله عنه که روایت او براي جوار بین الصلاتین پیش کرده شده روایت کرده من جمع بین الصلاتین من غیر عذر فقد أتیٰ بابا من الکبائر رواه الترمذي [2] ترجمه: کسي که جمع کرد دو نماز را بدون عذر گناه کلان کرده رواه الترمذي، البته در اسناد این حدیث ضعیف است که ترمذي آن را بیان کرده واین سخن را هم پیوسته با او نوشته کرده که عمل جمهور امت با وجود ضعف این حدیث به همین حدیث عمل میکنند یعني جمع بین الصلاتین را بدون عذر جائز نمیدانند که از این سبب به ضعف این حدیث جبیره مانده شد یعني در جبیرهٔ پوشیده شده علاوه ازین خاتم الحفاظ حافظ ابن حجر عسقلاني شافعي در تلخیص تخریج زیلعي ص۱۳۱ میفرماید: واخرجه البیهقي عن عمر مرفوعاً، ترجمه واین روایت را بیهقي از حضرت عمر به قسم مرفوع روایت کرده وبعد از همین قدر گفتار مختصر سکوت کرده در

---

(۱) نصب الراية للزيلعي ج۲ ص۱۹٤. ظفير

(۲) نصب الراية للزيلعي ج۲ ص۱۹۳. ظفير

اسناد وغيره اين حديث هيچ بحث نكرده پس معلوم شد كه اگر در اسناد اين حديث شربف كدام نقص مي بود ضرور آن را بيان ميكرد بعد ازنقل اسناد ترمذي ان را ضعيف گفته است وبه همين قسم از ابن عباس بنا بر اسناد صحيحه روايت شده عن طاؤوس عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: لا يفوت صلاة حتى يجيء وقت الاخرى رواه الطحاوي واسناده صحيح [١] ترجمه طاووس از ابن عباس رضي الله عنهما روايت كرده كه فرموده است كه هيچ كدام نماز فوت نميشود تا وقتيكه وقت نماز ديگري نيايد رواه الطحاوى. اين حد يث را طحاوي روايت كرده پس معلوم شد كه هر گاه وقت نماز ديگري داخل شود نماز ترک شده وقت قبل از فوت شده ياد ميشود اگر جمع بين صلاتين جائز باشد دراين صورت براي نماز فوت شده هيچ معنى نيست، معناي اعاده نماز فوت شده همين است كه نماز در وقت خود خوانده نشود ووقت آن تمام شود در اين صورت نماز ترک شده بنام نماز فوت شده ياد ميگردد نه اينكه آن را بكدام نماز غيره ضم كند وبنام جمع بين صلانين آن را ياد كند كسانيكه جمع بين صلاتين را عملي ميكنند معلوم نيست كه نماز فوت شده به نزد آنها كدام نماز خواهد بود از حضرت أبو هريرة رضي الله عنه روايت شده عن عبد الله بن موهب قال: سئل أبو هريرة رضي الله عنه ما التفريط في الصلاة قال أن تؤخر حتى يجيء وقت الاخرى رواه الطحاوي [٢]، ترجمه: از حضرت عبد الله بن موهب روايت است كه‌از حضرت أبو هريره رضي الله عنه سوال كرده شد كه تفريط در نماز چيست او فرمود كه در نماز تأخير شود تا آنكه وقت نماز ديگر داخل شود طحاوي ص٩٨، از اين دلائل وآحاديث معلوم شد كه تأخير كردن نماز از وقت خودش تفريط وتقصير است.

واز أبو قتاده مرفوعا روايت است ان رسول الله ﷺ قال: أما أنه ليس في النوم تفريط إنما التفريط على من لم يصلي حتى يجيء وقت الاخرى رواه مسلم وغيره [٣] ترجمه: رسول الله ﷺ فرموده است اگر به سبب خواب كدام نماز اتفاقا بماند درآن تقصير نيست البته تفريط وقصور بر آنكس است كه بيدار باشد وتا آن وقت نماز نخواند كه وقت نماز ديگري بر آن داخل شود مسلم وغيره اين حديث را روايت كرده است، وامام طحاوي فرموده است كه حضور ﷺ اين سخن را

---

(١) شرح معانى الآثار باب الجمع بين الصلوتين ج١ ص٩٨. ظفير

(٢) شرح معانى الآثار باب الجمع بين الصلوتين ج١ ص٩٨. ظفير

(٣) نصب الراية للزيلعى جلد دوهم ص ١٩٤. ظفير

درآن وقت فرموده بود که در سفر بود ومخاطبين اين حكم هم مسافرين بودند از اين حديث شريف واضح شد که در اين حكم صرف حضر داخل نيست بلكه در سفر نيز همين حكم است از اين جهت در سفر نيز تأخير كردن يک نماز از وقت خود وخواندن آن در وقت نماز ديگري تفريط وتقصير است آيا براي آن مردم شرم نيست که به رسول الله ﷺ نسبت ميكدند که گويا آن حضرت ﷺ يک نماز را از وقت خود كشيده ودر وقت نماز ديگري آن را اداء كرده است ومرتكب تفريط وتقصير شده است: تعالى شان النبوة عنه، علاوه از اين بسيار شهادات قرآن كريم واحاديث بر اين حقيقت موجود است که شارع عليه السلام براي هر نماز وقت جدا را مقرر كرده است که تأخير كردن هر نماز از آن وقت مقرره هرگز جائز نيست قال الله تبارک وتعالى: إن الصلاة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا [1] ترجمه: محافظت كنيد بر تمام نمازها وبر نماز ميانه در تفسير اين آيه مفسرين بسيار چيزها را بيان كرده اند که درآن جمله اين معنى را نيز روشن ساخته اند که نماز را در وقت خود اداء كنيد، واز حضرت ابن عمر رضي الله عنه روايت شده: أن رسول الله قال: الوقت الأول من الصلاة رضوان الله والاخر عفو الله رواه الترمذي [2] ترجمه: بيشک رسول الله ﷺ فرموده است که وقت أول نماز رضاء الله تعالى است، ووقت آخر نماز معافي الله تعالى است اين حديث را ترمذي روايت كرده يعني كسي که در وقت اول مستحب نماز ميخواند الله تعالى براي او معافي ميكند واو را مأخوذ نميكند از اين حديث واضح معلوم ميشود که اگر نماز را بالكل از وقت خود بكشد باز براي او در قانون شرعي معافي نيست الله تعالى او را مأخوذ ميكند اين يک مسئله جدا است که الله به رحمت خود مثل گناهان ديگري اين گناه را نيز معاف كند مگر به استناد حديث شرعا مرتكب جرم شده، از اين چند آيات قرآن عظيم الشان واحاديث نبوي به حمد الله تعالى به نهايت وضاحت ثابت شد که جمع كردن دو نماز به اين معنى که يكي را در وقت ديگري بخواند نه در حضر جائز است ونه در سفر در اين وقت به همين چند ايات واحاديث اكتفاء ميكنيم چرا که براي اهل انصاف اين هم ازكفايت بالا تر است واگر بعد از اين هم به اسناد ودلائل ضرورت پيدا شود شايد گذارشات ديگري ارائه خواهد شد آيا كدام حضرت است که بعد از اين روايات صحاح وحسان به اين گفتار تيار وآماده

---

(١) سورة النساء ركوع ١٥. ظفير

(٢) مشكوة باب تعجيل الصلوة ص ٦١. ظفير

شود که گویا بر عدم جواز جمع بین الصلاتین هیچ دلیل نیست بلکه این صرف قول امام صاحب است وآن حدیث شریف مسلم را که ابن عباس رضی الله عنهما آن را روایت مذکور متروک العمل مثلیکه امام ترمذي در علل صغری خود ص۲۵۷ فرموده است که این روایت حضرت ابن عباس را در امت هیچ کس نگرفته که علت آن هم درکتاب ترمذي بیان شده وآن روایات که از خود حضرت ابن عباس رضی الله عنهما به خلاف جمع الصلاتین ذکر شده شاهد آن است که خود ابن عباس رضی الله عنهما نیز جمع بین الصلاتین را به معناي مذکوره جائز نمیگوید، واین عمل چه قسم جایز دیده خواهد شد در حالیکه پاک حضرت صلی الله علیه وسلم آن را تفریط وتقصیر گفته است از این بیان معلوم شد که در حدیث مذکوره ابن عباس از جمع کردن دو نماز این مطلب نیست که گویا یک نماز در وقت نماز دیگري اداء شود بلکه مطلب این است که به غرض سهولت یک نماز را در وقت آخرش ونماز دوم را در وقت أولش اداء کند براي اینکه صورة در بین جمع کردن دو نماز سهولت پیدا شود وبکشیدن نماز از وقت خود به حکم حدیث شریف مرتکب تفریط وتقصیر هم نشود وبه مراعت این شکل در بین هر دو قسم احادیث تعارض نیز مدفوع ومرفوع خواهد شد واین سخن اجتهاد وقیاس خود ساخته ما نیست بلکه در مسلم نیز در بعض طرق روایت خود ابن عباس تصریح آن موجود است که از روایت مذکوره چند سطر بعدتر است، وهي هذه عن جابر بن زید عن ابن عباس رضی الله عنهما قال صلیت مع النبي صلی الله علیه وسلم ثمانیا جمیعا وسبعا جمیعا، قلت: یا ابا الشعثاء اظنه اخر الظهر وعجل العصر اخر المغرب وعجل العشاء قال وانا أظن ذلک رواه مسلم [1]، ترجمه: از حضرت جابر بن زید روایت است وأو از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده او میگوید که من نماز خواندم همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم هشت رکعت در یک جا وهفت رکعت را در یک جا یعني نماز شام وخفتن را من عرض کردم که اي ابو الشعثاء (اسم کنیه حضرت ابن عباس رضی الله عنهما است) من گمان میکنم که شما این نمازها را دریک وقت جمع نکرده اید بلکه نماز ظهر را مؤخر ونماز دیگر را مقدم کرده اید وبه همین قسم نماز شام را مؤخر ونماز خفتن را مقدم کرده اید حضرت ابن عباس رضی الله عنهما گفت که من هم به همین گمان هستم این روایت واضح بیان کرد که در روایت ابن عباس رضی الله عنهما بدون جمع بین الصلاتین دیگر هیچ مراد نیست که یک نماز رادرآخروقت خودش ونماز دیگر را دراول وقت خودش به این قسم اداء کرده شدکه صورة

(۱) مسلم شریف باب الجمع بین الصلوتین فی السفر جلد اول ص۲٤٦. ظفیر

جمع شده است.

از همین جهت حافظ الدنیا حافظ ابن حجر عسقلاني با وجود اینکه یک شخص شافعي مذهب است وجمع بین الصلاتین را جائز میگفت مگر در این روایت قبول کرد که مراد از جمع بین الصلاتین به آن شکل صحیح است که احناف آن را توجیه وتوضیح کرده اند که عبارت از جمع صوري است به همین قسم در کدام روایات دیگري که جمع بین الصلاتین ثابت شده مراد ازآن جمع صوري است براي اینکه در میان احادیث ثبوت عدم جواز جمع بین الصلاتین واحادیث ثبوت جمع بین الصلاتین کدام تعارض ومخالفت پیش نشود وهر دو اقسام احادیث مذکوره عملي شود وترک عمل ومخالفت هیچ کدام کرده نشود از همین جهت قاضي شوکانی که از جمله اهل ظواهر است به ظاهر حدیث عمل میکند ومقلد هیچ کدام امام نیست ومردم غیر مقلد ازکتابهاي او تقلید میکنند ومغز تقریر وتحریر آنها از کتابهاي قاضي شوکاني است قبلا در نیل الاوطار جمع بین الصلاتین را جائز میگفت مگر وقتیکه نوبت غور وتتبع روایات به پیش آمد از آن قول وعمل خود بازگشت ورجوع نمودند وبعدا یک رساله را بنام تشنیف السمع في ابطال ادلة الجمع تصنیف کردند که در آن تصنیف ادلۀ جمع بین الصلاتین را باطل کرده اند وحقیقت عدم جواز بین الصلاتین را ثابت کرده اند امید است که به نظر انصاف وتأمل آن را ملاحظه فرمایند واز فکر وتصور سابقه خود رجوع نمایند در این وقت به همین قدر گذارش اکتفا میکنیم واگر به این گذارش وادله قناعت وتسلي حاصل نشود ان شاء الله بعد از این راجع به این موضوع خدمت زیاد وادلۀ فراوان تقدیم خواهد شد به شرط اینکه.مقصود آن تحقیق حق باشد نه کدام معارضه ومجادله، والله یهدي من یشاء إلی سواء السبیل. فقط

سوال: (۸۸) **<u>آیا خواندن نماز ظهر ودیگر در یک وقت جائز است</u>**: آیا خواندن نماز ظهر وعصر در یک وقت جائز است ویا نه؟ اگر بخواهد که تمام وقت نماز عصر براي کاروبار دنیائي فرصت زیاد برایش پیدا شود، پس درکدام وقت جمع کردن نماز ظهر ونماز عصر جائز است؟

جواب: اداء کردن نماز ظهر ونماز عصر تنها در وقت ظهر جائز نیست واگر این عمل را انجام داد صرف نماز ظهر او اداء گردیده ونماز عصر او فوت شده واعاده آن به ذمه او باقي است به نزد احناف صرف در عرفات أیام حج براي حج کننده جمع کردن نماز ظهر ونماز عصر در وقت

ظهر جائز أست در غير آن در هيچ جا ودر هيچ وقت خواندن نماز ظهر ونماز عصرَ در وقت ظهر جائز نيست وهمين قسم نماز شام وخفتن بدون مزدلفه در هيچ جا وهيچ وقت جمع شده نميتواند [۱]، وشرط جمع كردن اين دو نماز آن است كه شخص مشغول اداء احكام حج باشد واگر كسي مشغول اداء فريضه حج نباشد براي او جائز نيست.

الباب الثاني في الاذان

سوال: (۸۹) **<u>بر فرش مسجد اذان دادن جائز است يا نه</u>؟** اگر به فرش مسجد استاد شود وأذان گويد حكم آن چيست؟

جواب: أذانهاي پنجگانه به فرش مسجد جائز است مگر بهتر آن است كه در بيرون مسجد به كدام جاي بلند استاد شود واذان گويد. [۲]

سوال: (۹۰) **<u>حكم آن مؤذن چيست كه در نظافت وألفاظ أذان احتياط نميكند</u>؟** كدام مؤذن كه نظافت بدن ولباس خود را مراعت نميكند وألفاظ اذان او بكلي غلط باشد مقرر كردن اين قسم مؤذن جائز است يا نه؟

جواب: مقرر كردن اين مؤذن جائز نيست وأذان او دوباره اعاده شود. [۳]

سوال: (۹۱) **<u>اگر اذان را در يک مسجد ونماز در مسجد ديگر بخواند حكم آن چيست</u>؟** اگر مؤذن مؤظف در يک مسجد اذان بگويد وبه خانه، خود برود ونماز را در مسجد ديگري بخواند اين عمل جائز است يا نه؟

جواب: اين عمل خوب نيست. [۴]

سوال: (۹۲) **<u>اگر دريک مسجد اذان بگويد ودرمسجد ديگري امامت كند اين عمل جائز است يا نه</u>؟** بكر در يک مسجد امام ودر مسجد ديگري مؤذن است ولتيكه در يک مسجد

---

(۱) ولا جمع بين فرضين في وقت بعذر سفر ومطر خلافا للشافعي وما رواه محمول على الجمع فعلا، لا وقتا فان جمع فسد ولو قدم الفرض على وقته حرم لوعكس اي اخره عنه وان صح بطريق القضاء الا لحاج بعرفة ومزدلفة (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلوة جلد اول ص۳۵٤، ط.س. ج۱ ص۳۸۱ – ۳۸۲). ظفير

(۲) وينبغي ان يؤذن على المئذنة او خارج المسجد ولايؤذن في المسجد كذا في فتاوی قاضي خان والسنة ان يؤذن في موضع عال يكون اسمع لجيرانه يرفع صوته (عالمگيري كشوری الباب الثاني في الاذان جلد اول ص٥٤، ط. ماجدية ج۱ ص٥٥). ظفير

(۳) ويستحب ان يكون المؤذن عالما بالسنة تقيا فيكره اذان الجاهل والفاسق الخ (غنية المستملي ص۳٥۹). ظفير

(٤) والافضل ان يكون المؤذن هوالمقيم (عالمگيري كشوری الباب الثاني في الاذان جلد اول ص٥۲، ط. ماجدية ج۱ ص =

= ٥٤) اي لحديث من اذن فهو يقيم (ردالمحتار جلد اول ص۳٦۷) ظفير

اذان بگوید میرود در مسجد دیگري نماز میدهد آیا این عمل جائز است ودر اذان او کدام حرج نیست؟

جواب: در اذان هیچ نقص نیست وامامت او هم در مسجد دیگري جائز است [1]. فقط

سوال: (۹۳) **در وقت دفن مرده وقحط ومرض وباء أذان ثابت است یا نه؟** در زمان عروض قحط ومرض وباء ودفن مرده وبعض حوادث غیره اذان گفتن چه قسم است؟

جواب: در عروض این حوادث از شارع علیه السلام واز افعال وأقوال سلف صالحین ثابت نشده لهذا این عمل بدعت است [2].

سوال: (۹٤) اذان پسر نابالغ جائز است یانه؟ اذان پسر نابالغ جائز است ویانه؟

جواب: اگر بچه مراهق یعني به بلوغ نزدیک باشد پس أذان او بدون کراهیت جائز است [3]. فقط

سوال: (۹۵) **در مابین مسجد أذان جائز است یا نه؟** أذان پنج وقته وأذان جمعه در مابین مسجد جائز است یا نه؟

جواب: هیچ کدام اذان در مسجد مکروه نیست خصوصاً أذان خطبه در مسجد پیش روي خطیب مسنون است [4]. فقط

سوال: (۹٦) **حکم أذان پسر هشت ساله چه قسم است؟** أذان گفتن پسر چند ساله جائز است یک پسر هشت ساله نماز هم میخواند ومراعت نظافت یعني پاکي ونا پاکي را نیز میکند أذان این قسم پس نابالغ جائز است یا نه؟

جواب: اگر بچه مراهق وقریب البلوغ باشد در این صورت أذان او بدون کراهیة باتفاق صحیح است وغیر مراهق که عاقل باشد بازهم در ظاهر الروایت در اذان اوکراهیت نیست ودر بعض روایات مکروه است در الدر المختار ذکر شده: ویجوز بلا کراهیة اذان صبي مراهق وفي الشامي

---

(۱) وان اذن رجل واقام آخر إن غاب الاول جاز من غير كراهة وان كان حاضرا يلحقه الوحشة باقامة غيره يكره وان رضى به لايكره عندنا كذا في المحيط (عالمگيري كشورى الباب الثاني في الاذان الفصل الاول جلد اول ص۵۲، ط. ماجدية ج۱ ص٥٤. ظفير

(۲) في الاختصار على ماذكر من الوارد اشارة الى انه لايسن الاذان عند إدخال الميت في قبره كما هو المعتاد الآن وقد صرح ابن حجر في فتاويه بانه بدعة ومن ظن انه سنة قياسا على ندبهما للمولود الحاقا لخاتمة الامر بابتدائه فلم يصب آه (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ص۸۳۷ ج۱، ط.س. ج۲ ص۲۳۵). ظفير

(۳) ويجوز بلا كراهة اذان صبي مراهق (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۳، ط.س. ج۱ ص۳۹۱). ظفير

(٤) ويوذن ثانيا بين يديه اي الخطيب. ظفير

قوله: صبي مراهق، المراد به العاقل وإن لم يراهق كما هو ظاهر البحر وغيره وقيل يكره لكنه خلاف ظاهر الرواية الخ شامي. (١)

سوال: (٩٧) **اگر به جماعت حاضر نشود ودرخانه اذان كند چه حكم است**؟ اگر به اثر عذر شرعي به جماعت حاضر شده نتواند يا درأذان وجماعت مسجد تأخير باشد واو به اثر مرض يا كدام عذر ديگر عجله باشد پس در اين صورت أذان او در خانه جائز خواهد بود يا نه؟ اگر تا آذان وجماعت مسجد معطل نميكند وخود او هم اذان نميكند ونماز ميخواند پس از ثواب محروم ميشود پس در اين موقع چه كند اذان بگويد يا نه يا تا اذان مسجد معطل كند اگر به أثر عذر جماعت از نزدش فوت شد واو در مصر است پس اذان هم ساقط ميشود شامي ج١ ص٢٨٣: لكن لا يكره لمصلي تركه في بيته في المصر لأن أذان الحي يكفيه. (٢)

سوال: (٩٨) **براى شخص جنب جواب دادن اذان جائز است يا نه**؟ در حالت جنابت جواب دادن اذان جائز است يا نه؟

جواب: في الدر المختار من سمع الاذان ولو جنبا الخ يعني كسي كه اذان بشنود آن را جواب دهد اگر چه جنب هم باشد: وعلله في الشامي إجابة الاذان ليست بأذان بحر عن الخلاصة. (٣) فقط

سوال: (٩٩) **اگر مغموم اذان شخص ديگرى را بشنود چه حكم است**؟ يک واعظ صاحب ميگفت اگر غم وخفگان براي كسي رسيده باشد كسي را بگويد كه درگوش او اذان كيد واو بشنود؟

جواب: در اين عمل هيچ حرج نيست در شامي نقل كرده كه در گوش مغموم ومهموم اذان كردن مستحب است. (٤)

سوال: (١٠٠) **اقامت كننده در كدام جا استاد شود** ؟ براي اقامت گفتن نماز فرض اقامت

(١) ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص٣٦٣، ط.س. ج١ ص٣٩١. ظفير

(٢) بخلاف مصل ولو بجماعة في بيته بمصر او قرية لها مسجد فلا يكره تركهما إذ اذان الحي يكفيه (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الأذان جلد اول ص٣٦٦، ط.س. ج١ ص٣٩٥). ظفير

(٣) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ٣٦٧ – ٣٦٨، ط.س. ج١ ص٣٨٥. ظفير

(٤) وفي حاشية البحر لغير الرملي رأيت في كتب الشافعية انه قد يسن الاذان لغير الصلوة كما في اذان المولود والمهموم والمصروع الخ (ردالمحتار باب الاذان ج١ ص٣٦٧ – ٣٦٨، ط.س. ج١ ص٣٩٦). ظفير

گوینده درکدام جا استاد شود آیا در برابر امام استاد شود یا بطرف راست ویا چپ آن؟

جواب: شرعاً کدام حد تعین نشده یعني براي اقامت هیچ کدام جاي در برابر امام یا طرف راست وچپ آن معین نشده بنا بر ضرورت وحسب موقع که به هر جا وهر طرف استاد شود وتکبیر بگوید جائز است فقهاء روي همین دلیل براي اقامت گوینده هیچ طرف را تعین نکرده اند درهیچ کدام کتاب فقه راست یا چپ یا در بین ومحاذ براي اقامت گوینده تعین نشده وکدام سخن که در بین عوام مشهور است که گویا اذان بطرف چپ مسجد واقامت بطرف راست محراب گفته شود این سخن بي بنیاد است. فقط

سوال: (۱۰۱) **إجابت أذان قولا واجب است یا فعلا؟** إجابت أذان قولا وفعلا واجب است یا أول واجب است ودوم مستحب یا بعکس آن؟

جواب: إجابت اذان قولا مستحب است وبراي رفتن مسجد واجب است قال في الشامي أي قال الحلواني ان الإجابة باللسان مندوبة والواجبة بالقدم الخ [۱] والتحقیق في الشامي وقد ذکر اشکالا في وجوبها ثم اجاب عنه فلینظر ثمه. [۲]

سوال: (۱۰۲) **در وقت ضرورت یک شخص در دو مسجد اذان داده میتواند؟** براي یک نفر در یک وقت در دو مسجد اذان دادن جائز است یا نه اگر جائز باشد نماز را در کدام مسجد بخواند؟

جواب: اگر ضرورت باشد جائز است [۳]، هر جا که بخواهد نماز را بخواند مگر بدون ضروت اذان یک نفر در دو مسجد را فقهاء مکروه گفته اند: ویکره أن یؤذن في مسجدین لانه یکون داعیا إلی ما لا یفعل غنیة المستملي ج۱ ص۳۶۱.

---

(۱) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳۶۷ – ۳۶۸، ط.س. ج۱ ص۳۹۶). ظفیر

(۲) قال في النهر وقوله بوجوب الإجابة بالقدم مشکل لانه یلزم علیه وجوب الاداء في اول الوقت وفي المسجد اذ لا معنی لإیجاب الذهاب دون الصلاة وما في شهادات المجتبي سمع الاذان وانتظر الاقامة في بیته لاتقبل شهادته مخرج علی قوله کما لایخفي وقد سئلت شیخنا الاخ، عن هذا فلم یبد جوابا أقول وبالله التوفیق ماقاله الامام الحلواني مبني علی ما کان في زمن السلف من صلاة الجماعة مرة واحدة وعدم تکرارها کما هو في زمنه صلی الله علیه وسلم وزمن الخلفاء بعده وقد علمت ان تکرارها مکروه في ظاهر الروایة الافي روایة عن الامام وروایة عن ابي یوسف کما قدمناه قریبا وسیاتي ان الراجح عند اهل المذهب وجوب الجماعة وانه یاثم بتفویتها اتفاقا وحینئذ یجب السعي بالقدم لا لأجل الاداء في اول الوقت او في المسجد بل لاجل إقامة الجماعة والا لزم فوتها اصلا، او تکرارها في مسجد إن وجد جماعة اخری وکل منهما مکروه فکذا بوجوب الاجابة بالقدم، لایقال یمکنه ان یجمع باهله في بیته فلا یلزم شيء من المحذورین، لانانقول ان مذهب الامام الحلواني انه بذلک لاینال ثواب الجماعة وإنه یکون بدعة ومکروها بلاعذر، وسیاتي في الامامة ان الاصح انه لو جمع باهله لایکره وینال ثواب فضیلة الجماعة لکن جماعة المسجد افضل (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳۶۸، ط.س. ج۱ ص۳۹۶). ظفیر =

سوال: (۱۰۳) **أذان كردن بطرف چپ وإقامت گفتن بطرف راست هيچ حقيقت ندارد:**
أذان كردن بطرف چپ مسجد وإقامت گفتن بطرف راست مسجد ودست راست امام مشهور است واكثر أهل علم به اين عمل ديده ميشود بلكه اين قيد را ضرور وشرعي ميگويند ومخالفين اين عمل را ملامت وگناهكار ميگويند ودر دعاء روي گشتاندن امام ونشستن او را بطرف چپ نهايت بد ميگويند در اين صورت شرعا چه حكم است؟

جواب: براي اذان در طرف چپ واقامت بطرف راست هيچ دليل شرعي نيست ودر كتب احاديث وكتابهاي فقه اين حكم موجود نيست اين سخن غلط مشهور است كسي كه اين قسم عمل ميكنند ويا ميگويند براي آنها دليل ضرور است بدون دليل زيادت اين قسم قيد از طرف خود در شريعت جائز نيست ورروي گشتاندن امام بعد از فراغ نماز در وقت دعاء طرف راست وبطرف چپ هر دو صورت در حديث شريف ذكر شده وبراي هر دو طرف در شريعت اجازه ميباشد وحضرت عبد الله ابن مسعود ﷺ فرموده است كه هيچ كدام شما در نماز خود براي شيطان حصه ندهد كه روي گشتاندن امام را بطرف راست ضرور بداند من بسيار ديده ام كه رسول ﷺ روي خود را بطرف چپ ميگشتاند [1] انتهى واين سخن هم در حديث آمده كه در اكثر اوقات رسول الله ﷺ بطرف راست ميگشت [2]، لهذا مناسب است كه دراكثر اوقات روي خود را بطرف راست ودر بعض اوقات بطرف چپ هم بگردانند. [3]

سوال: (۱۰٤) **در أذان از جهت باران صلوا في رحالكم گفتن:** در وقت زيادت باران كه مؤذن در عوض حي على الصلاة وحي على الفلاح صلوا في رحالكم بگويد جائز است ويا نه درآن وقت كه مردم به مسجد رفته نتوانند؟

---

(۳) يكره له ان يوذن في مسجدين (درمختار) لانه اذا صلى في المسجد الاول يكون متنفلا بالاذان في المسجد الثاني الخ (ردالمحتار باب الاذان ص۳۷۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۰۰) از اين معلوم شد كه مكروه است مگر در صورت مسؤله چون ضرورت است بعد از آن هيچ ضرور نيست كه او در كدام مسجد به نيت نفل بطور لازمي در جماعت شريک شود.

(۱) عن عبدالله بن مسعود رضي الله عنه قال لايجعل احدكم للشيطان شيئا من صلاته يرى ان حقا عليه ان لا ينصرف الاعن يمينه لقد رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم كثيراً ينصرف عن يساره متفق عليه (مشكوة باب الدعاء في التشهد ص ۸۷). ظفير

(۲) عن انس رضي الله عنه قال كان النبي ﷺ ينصرف عن يمينه رواه مسلم (ايضاً). ظفير

(۳) فاذا تمت صلوة الامام فهو مخير ان شاء انحرف عن يساره وجعل القبلة عن يمينه وان شاء انحرف عن يمينه وجعل القبلة عن يساره وهذا اولى لما في مسلم من حديث البراء كنا اذا صلينا خلف النبي صلى الله عليه وسلم احببنا ان تكون عن يمينه حتى يقبلي علينا بوجهه فان مفهومه ان وجهه عند الاقبال عليهم كان يقابل من هو عن يمينه و ذالک انما يكون اذا كان المسجد عن يمينه والقبلة عن يساره الخ (غنية المستملي ص۳۳۰ ج۱). ظفير

جواب: مؤذن حي على الصلاة وحي على الفلاح بگوید واز جهت زیادت باران که مردم به مسجد آمده نتوانند برای شان جائز است وترک جماعت به علت باران جائز است [۱]، مگر در أذان هیچ قسم تغیر آوردن ضرور نیست وعلماء احناف در اذان هیچ قسم تغیر را اختیار نکرده اند.

سوال: (۱۰۵) **در إقامت گشتاندن روی بطرف راست وچپ:** آیا در إقامت گفتن در وقت حی علی الصلاة وحی علی الفلاح مثل اذان روی خود را بطرف راست وچپ بگرداند ویا نه؟

جواب: از کتابهاي فقه شریف ظاهر شده که إقامت مثل اذان است [۲]، ودر مواضع اختلاف فقهاء ومحققین روي گشتاندن را نوشته نکرده اند بلکه در روی گشتاندن اقامت را مثل اذان گشتانده اند لهذا راجح این است که در اقامت هم روي گشتانده شود مگر چونکه بعض علماء به سبب اینکه اقامت اعلام حاضرین است ازاین جهت روي گشتاندن را در وقت حي على الصلاة وحي على الفلاح سنت نگفته اند مگر کدام علماء که تحویل روی را ضرور نمیگویند پس به این لحاظ عمل روي گشتاندن اولی وبهتر است نظر به ترک آن لهذا مناسب است که تحویل روي در اقامت عملي شود.

سوال: (۱۰۶) **بوسه کردن انگشت کلان در وقت شهادتین:** در وقت اذان بوسه کردن آنگشت کلان در وقت شهادتین اذان وبه چشم مالیدن آن وقرة عيني بک یا رسول الله گفتن چه حکم دارد؟

جواب: علامه شامي از کنز العباد نقل کرده که در اذان در وقت شهادتین این عمل مستحب است وبعدا از جراحي نقل کرده: ولم يصح في المرفوع من كل هذا شيء [۳]، یعني در حدیث مرفوع گفته شده که این عمل ویا مانند این در أذان صحیح نیست پس معلوم شد که به نیت سنت عملي کردن آن صحیح نیست یعني این عمل سنت نیست چونکه در این زمانه اکثر مردم این عمل را به نیت عمل سنت اداء میکند وتارک این عمل را ملامت وگناهکار میگویند از این

---

(۱) فلا تجب (اي الجماعة) على مريض الخ ولا على من حال بينه وبينها مطر وطين (درمختار) اشارة بالحيولة الى ان المراد المطر الكثير (رد المحتار باب الامامة ص۵۱۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۵۵). ظفير

(۲) والاقامة كالاذان فيما مر (درمختار) واراد بما مر احكام الاذان العشرة المذكورة في المتن وهي انه سنة للفرائض وانه يعاد ان قدم على الوقت وانه يبدأ باربع تكبيرات وعدم الترجيع وعدم اللحن والترسل والالتفات والاستدارة وزيادة الصلاة خير من النوم في اذان الفجر واصبعه في اذنيه ثم استثنى من العشر ثلاثة احكام لاتكون في الاقامة فابدل الترسل بالحد الصلوة والصلوة خير من النوم بقد قامت الصلوة وذكر انه لايضع اصبعيه في اذنيه فبقيت الاحكام السبعة مشتركة الخ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳۶۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸). ظفير

(۳) ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳۷۰، ط.س. ج۱ ص۳۹۸. ظفير

جهت علماء محققین آن را ترک کرده اند.

سوال: (۱۰۷) **در جمعه وخفتن تثویب کردن**: در بعض شهرها معمول است که أول براي نماز جمعه أذان میکنند وبعد از ان به اواز بلند دو دفعه الصلاة، الصلاة میگویند ویا این اواز مردم را به نماز دعوت میدهند وبعدا اذان خطبه اداء میشود ودر رمضان شریف بعد از نماز فرض خفتن نیز دو دفعه الصلاة، الصلاة را باواز بلند میگویند در این باره شرعاً چه حکم است؟

جواب: این اواز یا تثویب مختلف فیه است ودر احادیث اطلاق بدعة برآن شده است یعني در احادیث با این عمل بدعت گفته شده وبعض علماء آن را جائز گفته اند وامام أبو یوسف رحمة الله علیه براي قاضي، مفتي وغیره آن را جائز گفته وفتاوی قاضي خان نیز سخن امام ابو یوسف را اختیار کرده لهذا احتیاط زیاد درآن است که متروک شود. [1] فقط

سوال: (۱۰۸) **جواب دادن به اذان دو جمعه**: آذان دوم که در روز جمعه روبروي منبر گفته میشود جواب دادن آن را در مختار مکروه گفته است مگر حاشیه آن رد المحتار یعني شامي وطحطاوي وغیره فقهاء محققین جواز آن را ترجیح داده به خلاف آن استحباب جواب دادن آن را ثابت کرده وجواب دادن اذان دوم را تائید وترجیح داده؟

جواب: اقول لکن في الشامي باب الجمعة والظاهر ان مثل ذلک یقال ایضا في تلقین المرقي الاذان للمؤذن والظاهر أن الکراهیة دون المرقي لان سنة الاذان الذي بین یدي الخطیب تحصل باذان المرقي فیکون المؤذن مجیبا لاذان المرقي وإجابة الاذان حینئذ مکروهة الخ ص۵۵۱ شامي جلد اول، وفیه أیضا وذکر الزیلعي أن الاحوط الانصات فقط، حاصل این است که جواب دادن اذان دوم مکروه است. [2]

سوال: (۱۰۹) **اذان شخص بی وضوء جائز است یا نه**؟ براي شخص بي وضوء اذان دادن جائز است یانه آیا به ساکنین محله کدام گناه است یا نه؟

---

(۱) والتثویب في الفجر حي علی الصلوة حي علي الفلاح مرتین بین الاذان والاقامة حسن لانه وقت نوم وغفلة وکره في سائر الصلوة ومعناه العود الی الاعلام وهو علی حسب ما تعارفوه وهذا تثویب احدثه علماء الکوفة بعد عهد الصحابة لتغیر احوال الناس وخصوا الفجر به لما ذکرنا والمتاخرون استحسنوه في الصلوات کلها لظهور التوالي في الامور الدینیة وقال ابو یوسف رحمه الله لا اری باسا ان یقول المؤذن للامیر في الصلوات کلها السلام علیک ایها الامیر الخ واستبعده محمد لان الناس سواسیة في امر الجماعة وابو یوسف خصهم بذلک لزیادة اشتغالهم بامور المسلمین کیلا تفوتهم الجماعة وعلي هذا القاضي والمفتي (هدایه باب الاذان جلد اول ص۸٤). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الجمعة، مطلب في حکم المرقي بین یدي الخطیب جلد اول ص۷٦۹، ط.س. ج۲ ص۱٦۹. ظفیر

جواب: اذان دادن شخص بي وضوء جائز است در این باره مؤاخذه ووبال به کسي نیست البته بهتر وافضل آن است که براي اذان وضوء کرده شوذ [1]، از این جهت علماء اذان شخص بي وضوء را مکروه گفته است: ویری أنه یکره الاذان أیضا أي علی غیر وضوء هدایة. وقیل یکره أي الأذان علی غیر الوضوء لحدیث الترمذي عن أبي هریرة رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ لا یؤذن إلا متوضیء، البحر الرائق باب الاذان ج۱ ص۲۷۷.

سوال: (۱۱۰) **اگر امام کر باشد بدون اقامت نماز را شروع کند چه حکم است؟** امام مسجد در محراب استاد شد وباندازه وقت اقامت انتظار کرد در اقامت به أثر کدام عذر تأخیر آمد چونکه امام مسجد کر بود وفکر میکرد که البته اقامت خوانده شده نماز را بدون اقامت شروع کرد دراین صورت به فضیلت جماعت ویافضیلت نمازکدام نقصان پیش خواهد شد یا نه؟

جواب: در این صورت نماز صحیح شده ودر ثواب جماعت نقصان پیش نمیشود واقامت مسنونه ترک شده [2]، چونکه به علت عدم سماع ونه شنیدن امام این قسم صورت به پیش امد از این جهت به هیچ کس هیچ گناه نیست [3]. فقط

سوال: (۱۱۱) **در وقت عروض طاعون وخشک سالی اذان ثابت است یا نه؟** در وقت عروض وباء یا قحط یا خشک سالي یا طاعون وغیره بعد از نماز اذان گفتن روا است یا نه؟ اگر جائز باشد دلیل شرعي آن چیست واگر ممنوع باشد براي دفع بلاهاي بیاباني یما وباء جنیات، حدیث شریف، واذا تغولت الغیلان نادی بالاذان، وحدیث شریف: وإذا رأی الجیراتي فلیطفنه بالتکبیر سند جواز ان شده میتواند یا نه؟

جواب: در وباء اذان منقول نشده وکدام اذان که در وقت تغول غیلان مستحب است مطلب از آن این است که غیلان جنیات محسود مثلا درکدام جنگل، بیابان وغیره براي کسي احساس جنیات واقع شود دران صورت حکم استحباب اذان است درامراض وباء قحط وغیره اذان وارد نشده وحالات وباء قحط، طاعون وغیره به حالت جنیات قیاس کرده نمیشود چرا که دراین قسم

---

(۱) ویکره اذان جنب واقامته واقامة محدث لا اذانه علی المذاهب (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦٤). ظفیر

(۲) ویکره اداء المکتوبة بالجماعة في المسجد بغیر اذان واقامة کذا في فتاوی قاضي خان (عالمکیري مصري الباب الثاني في الاذان جلد اول ص۵۰، ط.س. ط. ماجدیة ج۱ ص۵۳). ظفیر

(۳) والاقامة کالاذان فیما مر (درمختار) واراد بما مر احکام الاذان العشرة المذکورة في المتن وهي انه سنة للفرائض الخ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸). ظفیر

امور قیاس مجتهدین معتبر است نه قیاس خود ما مردم امروزه واین قیاس مع الفارق که قیاس این حالات برتغول غیلان جواز ندارد غیلان درامراض وبائي محسوس کرده نمیشود وتغول محسوس میشود. [1]

سوال: (۱۱۲) **اگر دروقت تلاوت قرآن کریم اذان را بشنود چه کند؟** اگر کسی مشغول تلاوت قرآن کریم باشد واذان را بشنود در این صورت جواب اذان رآ بدهد ویا تلاوت خود را دوام دهد؟

جواب: جواب دادن اذان مستحب است اگر قرآن کریم را بند کند وبه اذان جواب دهد بهتر است واگر تلاوت قرآن کریم دوام دهد واذان را جواب ندهد هیچ گناه ندارد [2] فقط

سوال: (۱۱۳) (۱) **بحث ترجیع در اذان:** بعض مردم شهادتین را دو دفعه باواز پائین ودو دفعه باواز بلند میخوانند این عمل جائز است یا نه؟

سوال: (۱۱٤) (۲) **دروقت محمد رسول الله، لفظ صلی الله علیه وسلم چی قسم است؟** در وقت اذان واقامت بعد ازلفظ محمد رسول الله صلی الله علید وسلم گفتن چه حکم دارد؟

سوال: (۱۱۵) (۳) **اذان حضرت بلال ﷺ:** اذان حضرت بلال کدام است؟

جواب: (۱) این ترجیع که به نزد احناف در اذان سنت نیست این ترجیع در حدیث أبو محذوره ﷺ وارد شده است براي او پاک حضرت ﷺ بغرض تعلیم حکم دوباره شهادتین فرموده بود ودراذان حضرت بلال واذان ملائکه نازل شده از آسمان ترجیع نبود ودرعمل احناف ترجیع عملي نمیگردد. [3]

جواب: (۲) این قسم گفتن در اذان ثابت نیست. [4]

---

(۱) وهو سنة الخ للفرائض الخ لا يسن لغيرها الخ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الاذان ص۳۵۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۸٤) . ظ

(۲) ويجب وجوبا وقال الحلواني ندبا والواجب الاجابة بالقدم من سمع الاذان ولو جنبا لا حائضا و نفساء وسامع خطبة الخ بخلاف قران (درمختار) لانه لا يفوت ولعله لان تكرار القرائت انما هو للاجر فلا يفوت بالاجابة بخلاف التعلم فعلى هذا يقرء تعليما او تعلما لا يقطع (ردالمحتار باب الاذان ص۳٦۷ – ۳٦۸ ج۱) . ظفير

(۳) ولا ترجيع فانه مكروه (درمختار) الترجيع ان يخفض صوته بالشهادتين ثم يرجع فيدفعه بهما لاتفاق الروايات على ان بلالا لم يكن يرجع وماقيل انه رجع لم يصح ولانه ليس في اذان الملک النازل بجميع طرقه الخ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳۵۹، ط.س. ج۱ ص۳۸٦) . ظفير

(٤) در حديث عبد الله بن زيد بن عبد ربه ودر هيچ كدام حديث ديگر لفظ (صلى الله عليه وسلم) مذكور نيست در حديث عبد الله بن زيد اين روايت موجود است: تقول الله اكبر الله اكبر الله اكبر الله اكبر ، اشهد ان لا اله الا الله ، اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله، اشهد ان محمدا رسول الله الخ (فتح القدير، باب الاذان جلد اول ص۲۱۱) بعدا در شرح المهذب للشافعية صراحت است: والزيادة في =

جواب: (۳) اذان حضرت بلال ﷺ آن قسم بود مثلیکه حالا گفته میشود. [۱]

سوال: (۱۱٦) (۱) **دربین اذان واقامت درود گفتن چه قسم است؟** دربین اذان واقامت موذن به آن حضرت ﷺ درود بگوید ویا بهتر چی قسم است؟

سوال: (۱۱۷) (۲) **بعد از اذان بلند کردن دستها در دعاء اذان مسنون أست یا نه؟** اگر دعاء بعد ازاذان را به بلند کردن دستها بخواند حکم ان چه خواهد بود؟

سوال: (۱۱۸) (۳) **اگر در وقت تلاوت کریم یا دروقت خواندن درود شریف اذان را بشنود چه کند؟** اگر کسي مشغول تلاوت قرآن کریم ویا مشغول خواندن درود شریف باشد واذان شروع شود ایا جواب اذان را بدهد ویا به خواندن قرآن کریم ودرود ادامه دهد؟

جواب: (۱) براي مؤذن دربین اذان حکم درود شریف نیست ونه این قسم ثابت شده.

جواب: (۲) هر قسم جائز است لیکن معمول این است که دستها بلند نشود. [۲] فقط

جواب: (۳) در درالمختار وشامي ذکر شده که درتلاوت قرآن کریم وقفه کند وجواب اذان را بدهد ودرباره درود شریف نیز همین حکم است. [۳] فقط

سوال: (۱۱۹) **اذان جمعه درنصف النهار جائز است ویا نه؟** اذان جمعه درنیم روزي جائز است یانه؟

جواب: اذان قبل الوقت جائز نیست از همین جهت فقهاء حکم اعاده آن رافرموده است [٤] وقت نماز جمعه مثل وقت نماز ظهر بعد از زوال شروع میشود لهذا اذان جمعه باید بعد از زوال آفتاب اداء شود وپیش ازان جائز نیست. [٥]

= الاذان مکروهة (البحر الرائق، باب الاذان ج۱ ص۲۷۵). ظفیر

(۱) یعني در اذان حضرت بلال ﷺ ترجیع نمیشد، در این باره کتابهای احادیث شریف را مطالعه فرمائید. ظفیر

(۲) ویدعو عند فراغه بالوسیلة لرسول الله ﷺ (الدر المختار) اي بعد ان یصلي علی النبي ﷺ لما رواه مسلم الخ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳۷۰، ط.س. ج۱ ص۳۹۸) . ظفیر

(۳) لوکان في المسجد حین سمع لیس علیه الاجابة ولوکان خارجه اجاب الخ فیقطع قرائت القران لوکان یقرء بمنزله ویجیب لو اذان مسجده ولو بمسجد لا (الدر المختار) الظاهر ان المراد المسارعة للاجابة وعدم القعود لاجل القرائت لاخلال القعود بالسعي الواجب و الا فلا مانع من القرائت ماشیا الا انّ یراد یقطعها ندبا للاجابة باللسان ایضا الخ (رد المحتار باب الاذان ص۳۷۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۸) . ظفیر

(٤) وهو سنة مؤکدة للفرائض الخمس في وقتها الخ فیکاد اذان وقع بعضه قبله (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ص۳۵٦ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۸٤) . ظفیر

(٥) وجمعة کظهر اصلا واستحبابا في الزمانین لأنها خلفه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوة ج۱ ص۳٤۰، ط.س. ج۱ ص۳٦۷) . ظفیر

سوال: (۱۲۰) **<u>اذان برای نمازهای فوت شده درخانه وصحراء</u>:** درخانه یا در صحراء که از کسي نماز فوت شده باشد حکم اذان واقامت آن چه قسم است؟

جواب: ازکسي که درحال سفر ویا درحال اقامت حضر نماز فوت شده باشد اذان واقامت براي مسنون است درالدرالمختار گفته است که اول براي فوت شده اذان مسنون است وبراي نمازهاي دیگري مخیر است مگر گفتن اذان براي هر نماز بهتر است واقامت براي هر نماز مسنون است.[1] **فقط**

سوال: (۱۲۱) **<u>در اذان قضائی نماز الصلاة خیر من النوم بگوید یانه</u>**؟ اگر نماز صبح فوت شود ودروقت اعاده آن اذان گفته شود در این الصلاة خیر من النوم را بگوید یا نه؟

جواب: اگر نماز فوت شده صبح را به جماعت اعاده کند دراین صورت اذان دادن براي آن سنت است واین اذان را مثل اذان صبح باکلمات الصلاة خیر بن النوم اداء کند: کما یفیده اطلاق قول القهستاني ولیس ان یؤذن ویقیم لفائتة رافعا صوته لو بجماعة او صحراء الخ در المختار.[2] **فقط**

سوال: (۱۲۳) **<u>آیا اقامت را آن کسی بگوید که اذان را گفته است</u>**؟ آیا صرف مؤذن اقامت را بگوید اگر مؤذن یک فرد مشخص باشد ویا هرکس اذان بگوید چه حکم است؟

جواب: اگر مؤذن فرد مشخص وملازم اذان وتنخواه دار باشد یا این قسم نباشد بلکه هرکس اذان بگوید درهر حال بدون مؤذن براي هر کس اقامت کردن جائز است مگر بهتر این است که هرکس اذان گفته باشد اقامت رانیز همان شخص بگوید یابراي کسي دیگري اجازه کند.[3] **فقط**

سوال: (۱۲٤) **<u>جواب اذان ودعاء</u>:** حکم حدیث این است که براي اذان جواب داده شود مگر مردم دراین زمان بعد ازختم اذان صرف کلمه طیبه میگویند دراین باره چه حکم شرعي است؟

---

(۱) ویسن ان یؤذن ویقیم لفائتة رافعا صوته لو بجماعة او صحراء لا ببیته منفردا وکذا یسن لاولی الفوائت لفاسدة ویخیر فیه للباقي لو في مجلس وفعله اولی ویقیم للکل (درمختار) ای لایخیر في القامة للباقي بل یکره ترکها (رد المحتار باب الاذان جل۱ ص۳٦۲ – ۳٦۳، ط.س. ج۱ ص۳۹۰) . ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۲، ط.س. ج۱ ص۳۹۰. ظفیر

(۳) اقام غیر من اذن بغیبته اي الموذن لا یکره مطلقا او ان بحضوره کره ان لحقه وحشة کما کره مشیه في اقامة (درمختار) ان لحقه وحشة اي بان لم یرض به وهذا اختیار خواهر زاده الخ وقال في البحر ویدل علیه اطلاق قول المجمع ولانکرهها من غیره الخ فلا باس بان یاتي بکل واحد رجل اخر ولکن الافضل ان یکون الموذن هو المقیم اهـ اي لحدیث من اذن فهو یقیم (رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۷، ط.س. ج۱ ص۳۹۵) . ظفیر

جواب: کسي که اذان میگوید براي سامعین مستحب است که آن کلمات را اذان نیز بگویند ودروقت حي علی الصلاة وحي علي الفلاح لاحول ولاقوة بگویند وبعد ازختم اذان دعاء ماثورة: اللهم رب هذه الدعوة التامة را بخواند ومعلوم است که اتباع مأثور اولی واحب. فقط

سوال: (۱۲۵) **دروقت اذان انداختن نگشتان در سوراخهای گوش برای مؤذن سنت است:** اگر اذان دهنده دستهاي خود را دروقت اذان اویزان بماند ویا در اذان رخش بطرف قبله نباشد جائز است یا نه؟

جواب: این همه طرق مخالف است مگر اذان جائز است. [۱]

سوال: (۱۲٦) **اذان جمعه خارج مسجد کرده شود یا داخل مسجد**؟ اگر اذان جمعه بیرون مسجد کرده شود جائز است یا نه؟

جواب: اذان کردن درداخل مسجد یا بیرون مسجد برابر است واز زمان رسول الله ﷺ تا این زمان جاری اذان خطبه در داخل مسجد میشود [۲] واذانهاي بدون خطبه درداخل مسجد وبیرون مسجد جائز است واذان بالای مناره را فقهاء مشروع گفته اند ظاهر است که مناره بیرون مسجد میباشد دراین باره حاجت کدام دلیل نیست [۳]. فقط

سوال: (۱۲۷) **تکرار کلمات اذان دراقامت:** ما عموماً دو دفعه تکبیر میگوئم آیا یکدفعه جائز است وقد قامت الصلاة دو دفعه جائز است؟

جواب: به نزد احناف اقامت مثل آذان است یعني دراقامت هم اول چهار دفعه الله اکبر وکلمات باقي دو دفعه گفته میشود وقد قامت الصلاة نیز دو دفعه گفته میشود صرف یک یک دفعه تکبیر گفتن مذهب احناف نیست. [٤] فقط

سوال: (۱۲۸) **درتکبیر زیاد کردن واو غلط است:** درنماز یا اذان الله اکبر گفتن صحیح است ویا الله اکبر؟

جواب. الله کبر صحیح است وبعد از حرف هاء زیادت واو غلط است. [٥]

---

(۱) وجعل ندبا اصبعیه في صماخ اذنیه فاذانه بدونه حسن وبه احسن (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الاذان ص۳٦۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸) . ظ

(۲) ویوذن ثانیا بین یدیه اي الخطیب (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب الجمعه ص۷۷۰) واذا جلس الامام علی المنبر اذن الموذنون بین یدیه الاذان الثاني للتوارث (غنیة المستملي ص۵۲۰) . ظفیر

(۳) وینبغي ان یوذن علی المئذنة او خارج المسجد ولایوذن في المسجد (عالمگیري مصري ص٦۷ ج۱، ط. ماجدیة ج۱ ص۵۵) . ظفیر

(٤) والاقامة مثل الاذان عنده الخ ولنا ماروی ابوداؤد عن ابن ابي لیلی عن معاذ الخ (غنیة المستملي جلد اول ص۳۵۹) . ظفیر

سوال: (۱۲۹) **اذان دادن یک مؤذن دردو مسجد:** یک مؤذن در دو مسجد اذان میدهد این عمل جائز است یا نه؟

جواب: این عمل خوب نیست بلکه مکروه است. (۱) فقط

سوال: (۱۳۰) **زیاد کردن الصلاة خیر من النوم در اذان صبح:** در اذان صبح کلمات الصلاة خیر من النوم چرا زیاد میشود؟

جواب: زیاد شدن الصلاة خیر من النوم ازحدیث شریف ثابت شده (۲) چونکه وقت صبح وقت خواب وغفلت است از این جهت گفتن این کلمات در این وقت مستحب است چرا که مطلب الصلاة خیر من النوم این است که نماز از خواب بهتر است. (۳) فقط

سوال: (۱۳۱) **دعاء از اذان دوم جمعه:** جواب دادن براي اذان دوم جمعه وبعد از اذان خواندن دعاء اللهم رب هذه الدعوة التامة الخ جائز است یا نه؟

جواب: صحیح این است که اجابت اذان یعني جواب دادن اذان دوم جمعه است مکروه است وهم چنین خواندن دعاء مأثوره اللهم رب هذه الدعوة الخ نیز مکروه است. (٤)

سوال: (۱۳۲) **اذان شخص جاهل:** اذان شخص جاهل که الفاظ زبان مثل الفاظ شخص با سواد نیست جائز است یا نه؟

جواب: کدام شخص که الفاظ اذان را صحیح گفته نمیتواند اذان نکند اذان را کسي بکند که کلمات اذان را صحیح بگوید خواه او باسواد باشد یا بي تعلیم. فقط

سوال: (۱۳۳) **اذان باید بیرون مسجد گفته شود یا داخل مسجد:** اذان باید بالای فرش مسجد گفته شود یا بیرون مسجد گفته نشود اذان گفته میشود اذان خطبة چرا درداخل مسجد

---

(٥) اذا اراد الشروع في الصلوة كبر لو قادر الافتتاح اي قال وجوبا الله اكبر الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في تاليف الصلوة ج۱ ص٤٤٧، ط.س. ج۱ ص٤٧٩) . ظفير

(۱) يكره له ان يؤذن في مسجدين (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳۷۲، ط.س. ج۱ ص٤٠٠) . ظفير

(۲) عن ابي محذورة قال قالت يا رسول الله علمني سنة الاذان قال فمسح مقدم راسه قال تقول الله اكبر الله اكبر الخ فان كان صلوة الصبح قلت الصلوة خير من النوم الخ رواه ابوداؤد (مشكوة باب الاذان ص٦٣). ظفير

(۳) ويقول ندبا بعد فلاح اذان الفجر الصلوة خير من النوم مرتين لأنه وقت نوم (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳٦٠، ط.س. ج۱ ص۳۸۸) . ظفير

(٤) وينبغي ان لايجيب بلسانه اتفاقاً في الاذان بين يدي الخطيب (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ص۳۷۱) واجابة الاذان حينئذ مكروهة (ردالمحتار باب الجمعه ج۱ ص۷٦٩، ط.س. ج۲ ص١٦) . ظفير

گفته میشود در بین اذان خطبه واذان پنجگانه چه فرق است اگر بیرون مسجد یک جائي بلند ساخته شود ودر بالای آن اذان گفته شود حکم آن چه خواهد بود؟

جواب: بدون اذان جمعه اذانهاي پنجگانه بر یک جائي بلند بهتر وافضل است وبیرون مسجد نیز بهتر است اگر چه در مسجد نیز جائز است چونکه اذان خطبه پیش روي منبر ضرور است براي اینکه اذان خطبه در داخل مسجد گفته شود ودر جاي بلند اذان گفتن از این جهت مشروع است که اواز اذان تا جای دور برسد واذان خطبه براي اعلام حاضرین است ورفتن اواز تا جائي دور ضرور نیست ودر زمان پاک حضرت ﷺ اذان پنج وقته بیرون مسجد میشد ازهمین جهت دربعض مکانات نزدیک مسجد بالاي چنها اذان گفته میشود بعد از دور این خیر الازمنة اذان پنج وقته در بیرون مسجد اختیار گرد ید [1] مگر درداخل مسجد هم ممنوع نیست چرا که مسجد براي ذکر خداوند ﷻ ساخته شده واذان هم ذکر الله تعالی میباشد قال الله تعالی: ومن أظلم ممن منع مساجد الله أن یذکر فیها اسمه [2] الآیة. فقط

سوال: (۱۳٤) **جواب کلمات اقامت**: آیا جواب کلمات اقامت مثل جواب کلمات اذان مستحب است؟ ویا سنت مؤکده مگر چونکه برای امام دروقت قد قامت الصلاة حکم نیت بستن است پس مقتدیان جواب کلمات متباقي اقامت را بدهد یا چه قسم؟

جواب: براي کلمات اقامت جواب دادن مستحب است [3] وبراي اداء کردن آن علامه شامي چنین فرموده است که بهتر این است که امام بعد ازختم اقامت تکبیر تحریمه بگوید. [4] فقط

سوال: (۱۳۵) **بعد از اذان رفتن بطرف مسجد ضرور است یانه**؟ شنیده ایم که بعد از اذان کسي به مسجد نرودگناهکار است [5] واگربه تاکید شخص دیگري هم به نماز نرودکافر میشود.

---

(۱) ینبغي ان یوذن علی المئذنة او خارج المسجد الخ والسنة ان یوذن في موضع علل یکون اسمع لجیرانه ویرفع صوته ولا یجهد نفسه (عالمگیري مصري باب الاذان ص۵۲ ج۱، ط. ماجدیة ج۱ ص۵۵) . ظفیر

(۲) سورة البقره رکوع ۱٤. در عالمگیري آمده "ولایوذن في المسجد" منشا این ممانعت خلاف اولویت یعني در مسجد اولی وبهتر نیست مطلب این نیست که در مسجد جائز نیست. ظفیر

(۳) ویجیب الاقامة ندبا اجماعا کالاذان (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳۷۱، ط.س. ج۱ ص٤۰۰) . ظفیر

(٤) وشروع الإمام في الصلوة مذ قیل قد قامت الصلوة ولو اخر حتی اتمها لاباس به اجماعا الخ واعدل المذاهب الخ وفي القهستاني معزیا للخلاصة انه الاصح (درمختار) لان فیه محافظة علی فضیلة متابعة المؤذن واعانة له علی الشروع مع الامام (ردالمحتار باب صفة الصلاة اداب الصلوة ص٤٤۷ ج۱، ط.س. ج۱ ٤۷۹) . ظفیر

(۵) الجماعة سنة مؤکدة لقوله علیه السلام الجماعة من سنن الهدی لایتخلف عنها الامنافق (هدایه باب الامامة جلد اول ص ۱۰۹) . ظفیر

جواب: در این مسئله شک نیست که کسي اذان بشنود وبه مسجد براي اداء نماز نرود ونماز را به جماعت نخواند گناهکار است واگر بالکل نماز نخوانم که نه به مسجد برود ونه درخانه خود نماز میخواند او شدید فاسق وعاصي است وبعض امامان او را کافر میگویند مثلیکه درحدیث شریف: من تری الصلاة متعمداً فقد کفر [۱] نیز این حکم واضح است، معناي حدیث شریف این است که کسي قصداً نماز را ترک کند کافر میشود یعني به کفر نزدیک میشود وانکار کردن از فرضیت نماز باتفاق کفر است یعني منکر فرضیت نماز کافر است اعاذنا الله تعالی منه. فقط

سوال: (۱۳۶) **اقامت گفتن از صف اول ضرور نیست:** مؤذن اقامت را از صف اول بگوید یا درکدام صف که بخواهد مستحب است؟

جواب: درکدام صف که باشد در همان صف اقامت کرده میتواند در این باره کدام قید اقامت از صف اول ضرور نیست. [۲] فقط

سوال: (۱۳۷) **بدون وضوء اذان جائز است یا نه؟** امام مسجد که به وضوء اذان بگوید یا بعد از اذان به چلم کشیدن یا قضاء حاجت بول وغیره برود این عمل جائز است یانه؟

جواب: در کتابهاي فقه حکم این است که اذان شخص بي وضوء مکروه نیست، یعني مکروه تحریمي نیست کما في الدر المختار: ویکره اذان جنب واقامته واقامت محدث لا اذانه علی المذهب [۳] مگر در شامي منقول است که اذان گفتن درحال وضوء مسنون است یعني سنت این است که مؤذن وضوء داشته باشد ودر همین کتاب نیز ذکر شده: ثم اعلم انه ذکر في الحاوي القدسي من سنن المؤذن کونه رجلا عاقلا صالحا عالما بالسنن والاوقات مواظبا علیه محتسبا ثقة مطهرا مستقبلا [۴] الخ از این عبارت معلوم شود که اذان درحال وضوء سنت ومستحب است وهمیشه عادت گرفتن باذان بي وضوء بد است واز این بدي احتراز وخود داري مناسب است اگر اول اذان را به وضوء اداء کند وبعداً ضرورت بول خرد وکلان برایش پیش شود برای دفع

---

(۱) دراین وقت این حدیث باین الفاظ پیدا نمیشود ودرمشکوة شریف این الفاظ موجود است که لاتترک صلاة مکتوبة متعمدا فمن ترکها فقد برات منه الذمة الخ مشکوة کتاب الصلاة فصل ثالث: ص ۵۹. ظفیر

(۲) ویقیم علی الأرض هکذا في القنیة وفي المسجد هکذا في البحر الرائق (عالمگیري کشوری باب الاذان فصل ثاني جلد اول ص ۵٤، ط. ماجدیة ج۱ ص۵٦) . ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦٤، ط.س. ج۱ ص۳۹۲. ظفیر

(۴) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۵، ط.س. ج۱ ص۳۹۳. ظفیر

ورفع آن برود وکشیدن چلم اصلا خوب نیست واحتراز وخود داري از این عمل بسیار خوب است فقط، واگر کسي چلم بکشد پیش داخل شدن به مسجد دهن خود را خوب بشوید براي اینکه از بد بوئي او به کسي تکلیف نباشد.

سوال: (۱۳۸) **بعد از اذان دعوت کردن امام ومقتدیان چه قسم است:** براي مؤذن جائز است که امام ومقتدیان را بعد از اذان به مسجد دعوت کند یا نه؟

جواب: این عمل خوب نیست مگربه ضرورت اگر احیانا این عمل کرده شود مضائقه نیست. [۱]

سوال: (۱۳۹) **اگر درحال اذان بکدام چیز تکیه کند ویا اقامت را به قاعده بگوید مکروه است:** اگر مؤذن ضعیف باشد ودر اذان دادن بکدام چیز تکیه کند ویا اقامت را به قاعده بگوید این عمل مکروه است یا نه؟

جواب: در الدر المختار ذکر شده که: ویکره اذان جنب واقامته واقامت محدث لا اذانه واذان امراة وخنثی وفاسق (الی) وقاعد الا اذن لنفسه وراکب الی المسافر [۲] واین سخن هم در الدر المختار آمده که: والاقامة مثل الاذان [۳] عذر به قاعدة مکروه است وبه اثر عذر ضعف اگر به دیوار وغیره تکیه کند این صورت اذان او مکروه نیست. فقط

سوال: (۱٤۰) **نغاره زدن برای جماعت چه قسم است؟** در محله شیش گران، صرف یک مسجد است ومحله بسیار کلان وپراخ است اواز اذان به همه مردم نمیرسد وباشندگان وساکنین این محله همه نماز گذاران دراوقات نماز مشغول کار اند وبند کردن کار باعث ترتیب گرفته شد که اذان را دراول وقت میکرند ودر وقت جماعت به وسیله نغاره که بیرون مسجد مانده شده بود به همه آنها اطلاع داده میشد به این وسیله کارگران میامدند وبدون انتظار تعداد نماز گذاران درجماعت زیاد مي شد حالا بعض حضرات نغاره را ممنوع ساخته حالا جماعت شکسته شده هر کس حسب توفیق نماز انفرادي میخوانند ویاهیچ آن را ضرور نمیدانند دراین صورت اگر بوسیله

---

(۱) وکره في سائر الصلوة ومعناه العود الی الاعلام وهو علی حسب ما تعارفوه وهذا تثویب احدثه علماء الکوفة بعد عهد الصحابة لتغیر احوال الناس الخ والمتاخرون استحسنوه في الصلوت کلها لظهور التواني في الامور الدینیة وقال ابو یوسف لا اری باسا ان یقول المؤذن للامیر في الصلوت کلها السلام علیک ایها الامیر الخ واستبعده محمد ﷺ لان الناس سواسیة في امر الجماعة الخ (هدایه باب الاذان جلد اول ص۸٤) . ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦٤، ط.س. ج۱ ص۳۹۲. ظفیر

(۳) ایضاص ۳٦۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸. ظفیر

نغاره بیرون مسجد به دم اعلان جماعت شود چه قسم خواهد بود وبراي اعلان كدام وسیله مناسب است؟

جواب: اعلام بعد الاذان که بنام تثویب یاد میشود علماء متقدمین آن را مکروه وبدعت گفته است وعلماء متأخرین از جهت سستي وتکاسل مردم تثویب واعلام بعد از اذان راجائز میگویند پس بناء برمذهب متأخرین اگر کدام صورت وترتیب اعلام براي جماعت نباشد در این صورت اعلام نغاره جائز است، کما في الدر المختار والشامي: ویثوب بین الاذان والاقامة في الکل للکل بما تعارفوه (الدر المختار) کتنحنح او قامت الصلاة ولو احدثوا اعلاما مخالفا لذلک جاز [۱] شامي فقط. واگر اواز اذان به مردم برسد در این صورت بدون ضرورت از نغاره زدن اجتناب مناسب است از جهت اینکه درْ وقت ابتداء مشروعیت اذان تمام اقسام این چیزها رد وممنوع شده بود.

سوال: (۱٤۱) **درإقامت کلمات قد قامت الصلاة باواز بلند چه قسم است**؟ در اقامت لفظ قد قامت الصلاة را باواز بلند چه حکم دارد؟

جواب: هیچ حرج درآن نیست. [۲]

سوال: (۱٤۲) **درجیل یا زندان اذان کرده شود یا نه**؟ دربندي خانه به جماعت نماز خوانده میشود درآنجا اذان ضرور است یانه؟ یا صرف باقامت اکتفاء کرده شود؟

جواب: اگر در محبس کدام ممانعت وبندش اذان نباشد در این صورت اذان کردن خوب است وثواب دارد واگر اذان نکنند وصرف باقامت اکتفاء کنند این هم بدون کراهیت جائز است، در الدر المختار ذکر شده که: بخلاف مصلي ولو بجماعة [۳] فی بیته بمصر او قریة لها مسجد فلا یکره ترکهما اذ اذان الحی یکفیه، ودر شامی آمده است: قوله فی بیته ای فیما یتعلق بالبلد من الدار والکرم وغیرهما الخ. [٤] فقط.

---

(۱) مطالعه کنید: ردالمحتار للشامي باب الاذان جلد اول ص۳٦۳، ط.س. ج۱ ص۳۸۹. ظفیر

(۲) والاقامة مثل الاذان الا انه یزید فیها بعد الفلاح قد قامت الصلوة مرتین هکذا فعل الملک النازل من السماء وهو المشهور (هدایة باب الاذان جلد اول ص۸۳) . ظفیر

(۳) قوله ولو بجماعة وعن ابي حنیفة ﷺ لو اکتفوا باذان الناس اجزاهم وقد اساوا (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۷، ط.س. ج۱ ص۳۹۵) از این عبارت معلوم شد که بهتر این است که اذان کرده شود. ظفیر

(٤) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۷، ط.س. ج۱ ص۳۹۵ را مطالعه فرمائید. ظفیر

سوال: (۱٤۳) **کسی که داخل مسجد باشد جواب اذان برای او ضرور نیست:** زید پیش از اذان شام درمسجد شسته بود وبراي چند نفر کدام مسئله را بیان میکرد وقتیکه اذان شام شروع شد زید تقریرِ خود را بند نکرد واذان را گوش نگرفت وبه اذان جواب نداد او میگوید کسي که در تعلیم دادن علم دین مشغول باشد جواب اذان به او واجب نیست پس دراین باره شرعا چه حکم است؟

جواب: کسي که دروقت اذان در داخل مسجد باشد جواب زباني اذان برایش مستحب است اگر به سبب بیان کدام مسئله خاموش نشد وجواب اذان را نداد گناهکار نمیشود بهتر آن است که خاموش شود وجواب اذان را بدهد لکن به ترک مستحب طعن شده نمتواند اگر چه بعض علماء به وجوب جواب زباني قائل اند مگر صحیح وراجح عدم وجوب است. [۱] فقط

سوال: (۱٤٤) **پیش از شروع اذان رسم الصلاة والسلام علیک یا رسول الله جائز است یا نه؟** پیش از شروع اذان الصلاة والسلام علیک یا رسول الله، وغیره که بنام صلاة یاد میشود ودرمکه معظمه ومدینه منوره عملي میگردد جائز است ویا نه؟

جواب: این عمل در شریعت اصل ندارد لهذا ضرور نیست. [۲]

سوال: (۱٤۵) **در وقت شهادتین اذان بوسه کردن آنگشت چه قسم است؟** در وقت شهادتین اذان بوسه کردن آنگشت ریزه دست چه قسم است؟ وکدام شخص که از این عمل ممانعت میکند اقتداء نماز به عقب آن جائز است یانه؟ وکسي که انگشتان را بوسه نکند گناهکار است یا نه اگر بوسه کردن انگشتان مستحب ویا سنت باشد دلیل آن چیست؟

جواب: دلیل استحباب بوسه کردن دو انگشت ریزه دستها در این عبادت شامي است: يستحب ان يقال عند سماع الاولى من الشهادتين صلى الله عليك يا رسول الله وعند الثانية منها قرة عيني بك يا رسول الله ثم يقول اللهم متعني بالسمع والبصر بعد وضع ظفري الابهامين على العينين فإنه عليه السلام يكون قاعدا له في الجنة كذا في كنز العباد وقهستاني ونحوه في الفتاوى الصوفية وفي كتاب الفردوس قبل ظفري ابهاميه عند سماع اشهد أن محمدا رسول الله ﷺ في الاذان أنا قاعده ومدخله في صفوف الجنة وتمامه في حواشي البحر للرملي عن المقاصد الحسنة للسخاوي وذكر

---

(۱) ويجيب وجوبا وقال الحلواني ندبا من سمع الاذان (درمختار) اي قال الحلواني ان الاجابة باللسان مندوبة والواجبة هي الاجابة بالقدم (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۷، ط.س. ج۱ ص۳۹٦) . ظفير

(۲) زيرا که این عمل درشریعت هیچ اصل ندارد لهذا اجتناب از آن مناسب است. فقط

ذلک الجراحي واطال ثم قال ولم يصح في المرفوع من كل هذا شيء [۱] شامي: ج۱ ص۲٦۷، باب الاذان. از عبارت آخر شامي اين سخن هم واضح شد که هيچ كدام حديث مرفوع در اين باره نيست منتهي اينكه در باره فضائل اعمال به حديث ضعيف هم عمل كردن جائز است مگر بشرط آنكه اين عمل را مسنون نگويند، كذا في الدر المختار چونكه بعض عوام در اين عمل غلو وافراط ميكنند واين عمل است ميگويند وتارک اين عمل را طعن وملامت ميكنند لهذا علماء محققين عدم زيادت وعدم افراط را در اين عمل احتياطي ميدانند وآن شخص گناهكار نيست واقتداء به عقب آن جائز است. فقط

سوال: (۱٤٦) **دراذان ممانعت دور دادن سینه:** یک مؤذن سینه خود را دراذان طرف راست وطرف چپ دور ميداد من آن را منع كردم كه دور دادن سينه دراذان ممنوع است اين صحيح است يانه؟

جواب: اين صحيح است كه دراذان در حي على الصلاة وحي على الفلاح سينه خود را به طرف راست وچپ دور ندهد صرف روي خود را در حيعليتن مذكوره بطرف راست وچپ دور دهد مگر سينه مؤذن بطرف قبله باشد [۲] فقط.

سوال: (۱٤۷) **نكردن اذان به اثر ضد:** یک مسجد دو امام دارد هر دوي شان برادران سكه اند مگر دربين خود ناراض اند در مسجد اذان نميكند به گمان اينكه امام ديگري شايد اذان كرده باشد هرامام كه به مسجد بايد جماعت ميدهد در اين قسم حالت شرعا نماز صحيح است يا نه؟

جواب: دراين قسم حال نماز صحيح است مگر گناه ترک اذان به گردن آنها ميباشد قال في الدر المختار: وهو سنة للرجال في مكان عالى مؤكدة هي كالواجب في لحوق الاثم. [۳] فقط

سوال: (۱٤۸) **در رفتار شروع كردن اقامت:** اگر مؤذن درحال رفتار اقامت را شروع كند وتا رسيدن به جاي خود اقامت خلاص شود اين عمل خلاف است يا نه ؟

جواب: اين عمل خلاف اولى وخلاف سنت است: إلا ان يكون احيانا عن ضرورة قال في الدر

---

(۱) رد المحتار باب الاذان جلد اول ۳۷۰، ط.س. ج۱ ص۳۹۸. ظفير

(۲) ويستقبل بهما (اى الاذان والاقامة) القبلة ولو ترک الاستقبال جاز ويكره كذا في الهداية واذا انتهي الى الصلوة والفلاح حول وجهه يمينا وشمالا وقدماه مكانهما (عالمگيري كشوري باب الاذان جلد اول ص٥٤، ط. ماجدية ج۱ ص٥٦) . ظفير

(۳) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان جلداول ص۳٥٦، ط.س. ج۱ ص۳۹٤. ظفير

المختار ويستقبله غير الراكب القبلة بهما ويكره تركه تنزيها [۱] الخ واضح است که در رفتار بعض وقت استقبال قبله هم ترک میشود قوله غير الراكب عبارة الامداد إلا أن يكون راكبا مسافرا لضرورة السير الخ [۲] شامي.

سوال: (۱٤۹) **الفاظ زیاد در اذان اهل تشیع وحیثیت آن**: اهل تشیع درمساجد خود ومقامات غیره دروقت اذان باواز بلند کلمه اشهد ان امیر المؤمنین وامام المتقین علیا ولی الله ووصي رسول الله یا حجة الله را آداء میکنند آیا باهل سنت والجماعت شنیدن این قسم کلمات جائز است؟

جواب: دراذان روافض زیاد کردن این کلمات خلاف احادیث صحیحه است که درباره اذان روایت شده [۳] لهذا لایق عمل آنها بدعت وممنوع است واگر به آن کلمات لفظ خلیفه رسول الله بدون فصل زیاد کرده شود مثلیکه دربعض جاها همین قسم شده است هنوز بسیار بدتر میگردد چرا که این لفظ کذب وافتراء است وخلیفه اول ابوبکر صدیق است وخلیفه دوم عمر ﷛ است وبعد از آن حضرت عثمان ﷛ ذو النورین است بعد از آن علي ﷛ است چون ترتیب خلافت به این طریقه است پس عقیده مخالف این طریقه حرام وبدعت است [٤] لهذا زیاد کردن این کلمات که در سوال منقول است به نزد اهل سنت والجماعت جائز نیست واین کلمات از بدعات ومخترعات روافض خذلهم الله تعالی است، احناف، شوافع وغیره اجازه این قسم کلمات را دراذان نداده اند. فقط

سوال: (۱۵۰) (۱) **به سر لوچ اذان دادن جائز است یا نه**؟ اذان دادن شخص سر لوچ جائز است یا نه؟

سوال: (۱۵۱) (۲) **نماز شخص سرلوچ صحیح است یانه**؟ نماز شخص سرلوچ جائز است یانه؟ وکسي که این عمل میکند برای او چه حکم است؟

---

(۱) ردالمحتار، باب الاذان جلد اول ص۳٦۱، ط.س. ج۱ ص۳۸۹، بعد ازین ذکر شده است: لان بلالا اذن وهو راکب ثم نزل واقام علی الارض (ایضا) . ظفیر

(۲) ردالمحتار، باب الاذان جلد اول ص۳٦۱، ط.س. ج۱ ص۳۸۹، بعد ازین ذکر شده است: لان بلالا اذن وهو راکب ثم نزل واقام علی الارض (ایضا) . ظفیر

(۳) برای تفصیل مطالعه کنید: مشکوة باب الاذان ص٦۳. ظفیر

(٤) والفضل الناس بعد رسول الله ﷺ الخ ابوبکر الصدیق الخ ثم عمر بن الخطاب الخ ثم عثمان الخ ثم علی بن ابی طالب الخ (شرح فقه اکبر ص۷٤) . ظفیر

سوال: (۱۵۲) (۳) **آیا به سر لوچی اذان دادن ونماز خواندن طریقه روافض است؟** آیا به سر لوچ اذان دادن ویانماز خواندن از عادات روافض است یانه؟

جواب: فقهاء به سر برهنه نماز را مکروه نوشته کرده اند مگر درباره اذان این موضوع راتصریح نکرده اند ودرنماز چنین صراحت نموده اند که به اثر سستي وتکاسل برهنه کردن سر مکروه است واگر به اثر تذلل انکسار، خشوع وخضوع سر برهنه نماز بخواند مکروه نیست [1] مگر اولی وافضل این است که به سر برهنه اذان نکند واگر این عمل شعار روافض باشد دراین صورت ضرور است که مخالفت آنها کرده شود وبه سر برهنه اذان نگوید تا این که به آنها مشابهت کرده نشود در الدرالمختار ذکر شده: وصلاته حاسرا اي کاشفا راسه للتکاسل ولا بأس به للتذلل الخ ولو سقطت قلنسوة فاعادتها افضل، در المختار. [2] فقط

سوال: (۱۵۳) **اگر نماز باطل شود در اعاده آن اقامت گفته شود یانه؟** امام درنماز دیگر سهوا پنج رکعت را اداء نمود وهیچ مقتدي اورا فتح نداد چونکه بعداً ثابت شد که نماز باطل شده دراین حال نماز را بطور اعاده کرد که از اول آن اقامت گفته شد حالا خواندن اقامت چه حکم دارد جائز است یا نه؟

جواب: دراین وقت دوباره باقامت ضرورت نیست واگر دوباره گفته شود از جهت اینکه فصل طویل شده است کدام گناه وحرج نیست درکتابهاي فقه نوشته شده: صلي السنة بعد الاقامة او حضرت الامام بعدها لا یعیدها برایه وینبغي ان اطال الفصل او وجد ما یعد قاطعا کأکل ان تعاد الخ درالمختار. [3] فقط

سوال: (۱۵٤) **بعد از اذان دعا کردن بدستان بلند ثابت است ویا نه؟** بعد از اذان دعا کردن ومناجات با دستهاي بلند ثابت است ویا نه؟

جواب: بعد از اذان دعا کردن بادستان بلند بطور خاصی ثابت نشده اگر چه استحباب دعا بعد الاذان تقاضا میکند که بلند کردن دستها در موقع دعا مستحب خواهد بود مگر این تقاضا عملي

---

(1) وکره کفه الخ وصلاته حاسراً ای کاشفا راسه للتکاسل ولا بئس به للتذلل واما للاهانة بها کفر (درمختار) قوله: ولا باس للتذلل قال في شرح المنیة فیه اشارة الی ان الاولی ان لا یفعله وان یتذلل ویخشع بقلبه فانهما من افعال القلب اهـ وتعقبه في الامداد الخ (ردالمحتار باب ما یفسد الصلاة وما یکره فیها ج۱ ص۵۹۹، ط.س. ج۱ ص ٦٤٠ – ٦٤١) . ظفیر

(2) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ایضاً جلد اول ص۵۹۹ – ٦٠٠، ط.س. ج۱ ص٦٤١. ظفیر

(3) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان تحت الفروع جلد اول ص۳۷۱، ط.س. ج۱ ص٤٠٠. ظفیر

نشده ویا عملي نمیشود. [1] فقط

سوال: (۱۵۵) **دلیل جواب کلمات اذان چیست**؟ وجواب کلمات اذان عینا بکلمات خود اذان داده میشود وجواب حي علي الصلاة وحي على الفلاح والصلاة خير من النوم به کلمات ولا حول ولا قوة الا بالله وصدقت وبررت داده میشود دلیل عقلی آن چیست؟

جواب: دراین باره صرف دلیل نقلي کفایت میکند [2] فقط (دلیل عقلي دراین قسمت این است که بنده اعتراف میکند که بجا کردن اعمال نیک وتمام عبادات خاص به توفیق رب العزة میباشد ودرجواب دعوت دهنده که گویا خود او به کار نیک وعبادت دعوت میکند سخن موافق عقل نیست. ظفیر)

سوال: (۱۵٦) **آیا اذان واقامت صرف برای فرائض است**؟ اقامت صرف پیش ازفرائض گفته میشود ویاپیش ازسنت هم گفته میشود؟

جواب: اذان واقامت صرف براي فرائض است براي سنت نیست [3] کما في الدر المختار.

سوال: (۱۵۷) **اقامت چه وقت شروع شود**: ایا وقتیکه امام به جاي نماز استاد شود پیش از ان اقامت گفته شود یا اینکه امام به جاي نماز نه اورده باشد پیش از آن اقامت گفته شود آیا رسول الله ﷺ به شنیدن اقامت به محراب تشریف میاورد ودربعض اوقات این عمل معمول او بود؟

جواب: این ضرور نیست که بعد از استاد شدن امام به جاي نماز اقامت شروع شود بلکه هر وقت که امام درمسجد حاضر باشد اقامت گفته جائز است وقتیکه امام اقامت را بشنوند خودش

---

(۱) عن عکرمة عن ابن عباس قال المسئله ان ترفع يديک حذو منکبيک او نحوها رواه ابوداؤد (مشکوة کتاب الدعوات ص ۱۹٦) . ظفیر

(۲) در جواب حيّ علي الصلوٰة وحيّ على الفلاح نیز الفاظ جواب تکرار شود: لاحول الخ ، و لاحول و لاقوة هم تکرار شود چرا که روایت تکرار جواب وعدم تکرار هر دو در روایت موجود است واختار في الفتح عملا الجمع بينهما عملا بالاحاديث (رد المحتار) وسبب خواند ولا حول ولا قوة شاید غالبا این باشد که مؤذن بطرف نماز وفلاح دعوت میدهد پس شنونده در جواب آن میگوید که این یک ذمه واري عظیم الشان است وبجا کردن آن کار اهم است چرا که این یک امانت کلان است که زمین وآسمان از قبول آن به لرزه آمدند واز قبول آن انکار کردند: فابين ان يحملنها واشفقن منها (قرآن کریم) پس ما ضعیفان وناتوانان چه قسم آن را بجا آریم مگر آنکه توفیق خود رب العزت همراه ما باشد وبا ما معاونت فرماید چرا که مفهوم ولا حول ولا قوة إلا بالله خاص همین است که نجات از معاصي وبدحالي وبجا کردن طاعت وکار نیک همه خاص به توفیق الله شده میتواند والله اعلم، ودر جواب الصلاة خير من النوم به کلمات صدقت وبررت، تائید و تصدیق مؤذن میشود، اظهار مسرت وخوشي قلب خود را میکند چونکه در این کلمات عظمت خداوند ﷻ وشهادتین ذکر نشده لهذا تکرار آن مفید نیست صرف یکدفعه گفته شود، والله اعلم. ظفیر

(۳) والاقامة کالاذان فيمامر (درمختار) واراد بمامر احکام الاذان العشرة المذکورة في المتن وهي انه سنة للفرائض الخ (رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳٦۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸). ظفیر

به جاي نماز خود تشريف خواهد آورد مثليكه ازعبارت درالمختار اين حكم ظاهر ميگردد: ويقوم الامام والمؤتم حين حي على الفلاح اذا كان الامام بقرب المحراب والا فيقوم كل صف ينتهي اليه الامام علىٰ الاظهر [1] الخ. فقط

سوال: (۱۵۸) **مقتديان وامام چه وقت به نماز استاد شوند؟** دروقت اقامت بكدام فرصت مقتديان وامام به نماز استاد شوند؟ يک مولوي صاحب در وقت حي على الفلاح استاد شدن مقتديان رامستحب ميگويد؟

جواب: در اداء كردن نماز فقهاء چنين نوشته اند كه دروقت حي على الفلاح تمام نماز خوانان حاضران مسجد استاد شوند واگر پيش از حي على الفلاح استاد شوند هم كدام اعتراض برانها وارد نميشود چرا كه به ترک مستحب وادب هيچ قسم طعن (اعتراض) شده نميتواند مگر بهتر آن است كه فقهاء نوشته اند ودرالدر المختار نوشته كرده كه اگر امام ازطرف پيش روي مقتديان به محراب بيايد وقتيكه مقتديان امام را ديدند براي نماز استاد شوند به هرحال دراين مورد هر قسم سهولت وجود دارد مگر اتباع تصريحات فقهاء اولى وافضل است. [2] فقط

سوال: (۱۵۹) **بسته كردن دستهاي امام دروقت قد قامت الصلاة:** اگر امام تا آخر اقامت انتظار نكند ودر وقت (قد قامت) نيت بسته كند چه قسم است؟

جواب: بهتر اين است كه بعد ازختم اقامت امام نيت خود را بسته كند واگر دروقت قد قامت الصلاة نيت بسته كند نيز جائز است در كتابهاي فقه عين اين حكم بيان شده مگر اولويت وافضليت درسخن اول است. [3]

سوال: (۱۶۰) **اذان واقامت خنثى چه حكم دارد:** يک شخص نه نر است ونه زن بلكه خنثى است اذان واقامت اوشرعا جائز است يا نه؟

جواب: اگر اوخنثى مشكل نباشد وعلامات مردي وذكوريت در او زياد باشد اذان واقامت ودر

---

(۱) الدرالمختار علي هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة اداب الصلاة جلداول ص۴۴۷، ط.س. ج۱ ص۳۱۸. ظفير

(۲) والقيام للإمام ومؤتم حين قيل حي على الفلاح خلافا لزفر فعنده عند حي على الصلوة ان كان الامام بقرب المحراب والا فيقوم كل صف ينتهي اليه الإمام على الاظهر وان دخل من قدام قاموا حين يقع بصرهم عليه الا اذا قام الامام بنفسه في مسجد فلا يقفوا حتى يتم اقامته وان خارجه قام كل صف ينتهي اليه (الدر المختار على هامش ردالمحتار اداب الصلوة جلد اول ص۴۴۷، ط.س. ج۱ ص۴۷۹) . ظفير

(۳) وشروع الامام في الصلوة مذ قيل قد قامت الصلوة ولو اخر حتى اتمها لاباس به اجماعا وهو قول الثاني والثلاثة وهو اعدل المذاهب كما في شرح المجمع لمصنفه وفي القهستاني معزيا للخلاصة انه الاصح (درمختار) لان فيه محافظه على فضيلة متابعة المؤذن واعانة له على الشروع مع الامام (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل اداب الصلاة جلد اول ص۴۴۷، ط.س. ج۱ ص۴۷۹) . ظفير

صف مردان استاد شده او جائز است [۱].

سوال: (۱٦۱) (۱) **اذان وجماعت درداخل خانه:** متصل خانه زید مسجد اهل تشیع است آنها بطریقه خود اذان ونماز میکنند دراین حال اگر زید داخل خانه خود اذان وجماعت کند وبه مسجد اهل تشیع نرود حکم آن چیست؟

سوال: (۱٦۲) (۲) **اگر درخانه جماعت کند ثواب مثل مسجد دارد یانه؟** آیا دراین صورت ثواب جماعت مسجد برایش داده میشود یانه؟

سوال: (۱٦۳) (۳) **اگر برای عادی ساختن کودکان درخانه اذان گفته شود چی حکم است؟** محض براي بند کردن دروازه فساد وضلالت درخانه اذان میگویند براي اینکه پسران اذان ونماز خود را فراموش نکنند چه حکم دارد؟

جواب: (۱) درخانه براي اذان هیچ ضرورت نیست مثلیکه وارد شده که اذان مسجد محله کافي است البته اقامت بگویند وجماعت بخوانند مگر در زمان موجوده اگر پسران به اذان مسجد محله اصلاح نشوند، وبغرض عادت وتعلیم انها درخانه اذان گفته شود جائز است. [۲]

جواب: (۲) ثواب مسجد برایش نخواهد بود مگر ثواب جماعت برایش داده خواهد شد. [۳]

جواب: (۳) این توجیه معقول است دراین حالت درخانه اذان کردن باکي ندارد. فقط

سوال: (۱٦٤) **اذان اهل تشیّع کافي است یا نه؟** یک مسجد را اهل تشیع خاص براي خود شان ساخته اند وبعدا براي احناف اجازه کرد که درهمین مسجد جماعت کنند مگر اهل تشیع این قید وشرط را علاوه نمودند که در این مسجد صرف یک اذان گفته شود اگر شما اذان کردید ما اذان خودرا نمیگوئیم واگراذان ماپیشتر گفته شد دراین صورت اذان شماگفته نشود وبه همین اذان ماجماعت کنید دراین صورت نمازجماعت احناف به اذان اهل تشیع جائز است یانه؟

---

(۱) ویکره اذان جنب الخ واذان امرأة وخنثی (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦٤، ط.س. ج۱ ص۳۹۲) . ظ

(۲) وکره ترکهما لمسافر ولو منفردا الخ بخلاف مصل ولو بجماعة في بیته بمصر او قریة لها مسجد فلایکره ترکهما اذ اذان الحي یکفیه (درمختار) وعن ابي حنیفة لو اکتفوا باذان الناس اجزاءهم وقد اساؤا ففرق بین الواحد والجماعة في هذه الروایة بحر (قوله في بیته) اي فیما یتعلق بالبلد من الدار والکرم وغرهما قهستاني الخ قوله لها مسجد اي فیه اذان واقامة والا فحکمه کالمسافر صدر الشریعة (ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۲٦٦ – ۳٦۷، ط.س. ج۱ ص۳۹٤) . ظفیر

(۳) والجماعة سنة موکدة للرجال الخ واقلها اثنان واحد مع الإمام الخ في مسجد و غیره (درمختار) قال في القنیة واختلف العلماء في اقامتها في البیت والاصح انها کاقامتها في المسجد الافي الافضلیة اهـ (ردالمحتار باب الامامة جلد اول ص ۵۱۵ – ۵۱۷، ط.س. ج۱ ص۵۵۲) محمد ظفیر الدین غفرله

جواب: به اذان اهل شیعه سنت اذان اداء شده نمیتواند لهذا موافق اهل سنت والجماعت دوباره اذان ضرور است واین قید وشرط اهل شیعه را قبول نکنند وقبل از هر نماز اذان خود را بکنند اگر اهل شیعه قبول نکنند درمسجد آنها نماز خوانده نشود زیرا که اذان في جمله شعائر اسلام است ترک کردنش جائز نیست چونکه اذان اهل شیعه درشریعت اعتبار ندارد لهذا کالعدم است یعني اذان آنها چنان است مثلیکه هیچ اذان نشده باشد بلکه بعض کلمات اذان أهل شیعه گناه ومعصیت است که خود داري واجتناب ازآن لازم است. [1] فقط

سوال: (۱٦٥) **در الله اکبر حرکت حرف (راء):** دراذان واقامت وتکبیرات لفظ الله اکبر الله اکبر ودرحالت وصل حرکت حرف راء باید مفتوح خوانده شود یا مضموم در ردالمحتار فتحه راسنت گفته؟

جواب: راء الله اکبر اولی را ساکن یامفتوح بخواند وراء الله اکبر دوم را ساکن بخواند یعنی واگر درالله اکبر اول وقف کند راء کلمه اکبر را ساکن بخواند واکبر الله اکبر اول را به الله اکبر دوم وصل کند راء الله اکبر اول را مفتوح بخواند مثلیکه درشامي ذکر شده کما في الشامي وحاصلها ان السنة یسکن الراء من الله اکبر الي الاول ووصلها به الله اکبر الثاني فان سکنها کفی وان وصلها نوی السکون فحرک الراء بالفتحة فان ضمها خالف السنة لان طلب الوقف على اکبر الاول صیره کالساکن اصالة فحرک بالفتح الخ شامي [2] رسالة السید عبد الغني. فقط

سوال: (۱٦٦) **ازبسته شدن دستار امام تکبیر پیش ختم شد آیا دوباره تکبیر گفته شود؟**
امام برجاي نماز استاد بود دستار ویا رومال خود را بسته میکرد که مؤذن اقامت را ختم کرد امام به مؤذن گفت که دوباره تکبیر بگوئید آیا به اقامت ضرورت بود یا نه؟

جواب: دراین صورت به تکبیر دوباره ضرورت نبود. [3] فقط

([1]) الاذان سنة لاداء المکتوبات بالجماعة الخ الاذان خمس عشرة کلمة واخره عندنا لا اله الا الله وهي الله اکبر الخ (عالمکیري مصري الباب الثاني في الاذان جلد اول ص۵۰ – ۵۲، ط. ماجدیة ج۱ ص۵٦) قوله کالواجب بل اطلق بعضهم اسم الواجب علیه لقول محمد لو اجتمع اهل بلده على ترکه قاتلتهم علیه ولو ترکه واحد ضربته وحبسته الخ والقتال علیه لما انه من اعلام الدین وفي ترکه استخفاف ظاهر به الخ (ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳٦۷، ط.س. ج۱ ص۳۸٤) . ظفیر

([2]) رد المحتار. باب الاذان جلد اول ص۳۵۹، ط.س. ج۱ ص۳۸٦. ظفیر

([3]) صلى السنة بعد الاقامة او حضر الامام بعدها لا یعیدها بزازیه. وینبغي ان طال الفصل او وجد مایعد قاطعا کاکل أن تعاد (درمختار) اقول قال في اخر شرح المنیة اقام المؤذن ولم یصل الامام رکعتي الفجر یصلیهما ولا تعاد الاقامة لان تکرارها غیر مشروع اذا لم یقطعها قاطع من کلام کثیر وعمل کثیر مما یقطع المجلس في سجدة التلاوة اهـ (ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳۷۱ – ۳۷۲، ط.س. ج۱ ص۴۰۰). ظفیر

سوال: (۱٦۷) **اگر شخص بالغ نباشد اذان نابالغ جائز است یانه**؟ اذان پسر نابالغ در موجودیت شخص بالغ ویا نبودن شخص بالغ جائز است یانه درهر دو صورت از حکم ما را معزز فرمائید؟

جواب: اذان پسر نابالغ مکروه تنزیهي است درهر دوصورت یک حکم است اذان اداء میشود مگر باکراهیت تنزیهي ودراین باره تفصیل این است که اذان نابالغ مراهق مکروه تنزیهي است [۱] واذان پس صغیر غیر عاقل مکروه تحریمي است کذا في الشامی. [۲]

سوال: (۱٦۸) **تکبیر ازکدام طرف گفته شود**؟ آیا اقامت گفتن به طرف چپ جائز است یا صرف بطرف راست گفته شود؟

جواب: اقامت هم بطرف راست جائز است وهم بطرف چپ براي اقامت شرعا کدام جاي مخصوص تعین شده است. فقط

سوال: (۱٦۹) **اگر بعد از اقامت درشروع جماعت تآخیر بیاید آیا اقامت اعاده شود**؟ بعد از اقامت امام جماعت نان خورد یا با وقت زیاد مشغول سخن بود دراین صورت برای شروع نماز به اعاده اقامت ضرورت است یانه؟

جواب: از این عبارت شامي معلوم میشود که درصورت مسئوله اعاده اقامت کرده شود عبارت این است: لان تکرارها غیر مشروع اداء لم یقطعها قاطع من کلام کثیر وعمل کثیر [۳] در این صورت تنها قصور امام نیست بلکه اقامت کننده هم قاصر است که عمل او موجب تأخیر نماز شده است.

سوال: (۱۷۰) **اگرجاهلان باشند وهرکدام نماز خود را انفرادي بخواندآیا اذان برای شان نیست**؟ درمسجد چند جهلاء باهم جمع شده اند هیچ کدام آنها قابل نیست هرکدام جدا نمازمیخوانند دراین حال اذان کردن ضرور است یانه؟ نماز به جماعت اداءکنند یاانفرادي صحیح

---

(۱) ویجوز بلا کراهة اذان صبي مراهق (درمختار) المراد به العاقل وان لم یراهق کما هو ظاهر البحر وغیره، قوله بلاکراهة اي تحریمیة لان التنزیهیة ثابتة لما في البحر عن الخلاصة ان غیرهم اولی منهم آهـ الول وقلمنا اول کتاب الطهارة الکلام في ان خلاف الاولی مکروه الخ (ردالمحتار باب الاذان ص۳٦۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۱). ظفیر

(۲) ویکره اذان جنب الخ وسکران ولو بمباح کمعتو وصبي لایعقل (درمختار) وظاهره ان الکراهة تحریمیة (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦٤، ط.س. ج۱ ص۳۹۲) . ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الاذان ص۳۷۲ ج۱. یه درمختار کي دي: وینبغي ان طال الفصل او وجد مایعد قاطعا کأکل ان تعاد (ایضا ص۳۷۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۹). ظفیر

است؟

جواب: درحالت مذکوره اذان ترک نشود جماعت باشد ویا نباشد [۱] اول اینکه جماعت کردن ضرور است اگر کسي لائق ومناسب امامت باشد یا نباشد امامت جاهلان براي جاهل جائز است [۲] جماعت سنت مؤکد به واجب نزدیک است بدون عذر شرعي جماعت ترک نشود. فقط

سوال: (۱۷۱) **درصورت تکرار جماعت اقامت گفته شود یانه؟** اگر دریک مسجد جماعت اول اداء شده باشد اگر جماعت دوم در آن کرده شود آیا برای جماعت دوم اقامت گفتن ضرور است یا نه؟

جواب: اگر امام ومؤذن معین در این مسجد مقرر نباشند دراین صورت جماعت دوم دراین مسجد جائز است واقامت گفته شود [۳] والله اعلم.

سوال: (۱۷۲) **دراذان درعوض حی علی الفلاح گفتن حی علی خیر العمل چی قسم است؟** در اذان پنج وقته درعوض حي علی الفلاح گفته حي علی خیر العمل جائز است یا نه؟ ودر این باره عمل متقدمین ومتأخرین چه قسم است؟

جواب: درهیچ کدام اذان درعوض حي علی الفلاح حي علی خیر العمل جائز نیست درتمام احادیث مربوطه اذان حي علی الصلاة وحي علی الفلاح وارد شده در اذان ملک نازل شده هم لفظ حي علی خیر العمل وجود ندارد [۴] وهمان اذان فرشته نازله از رسول الله تا آخر ثابت وقائم مانده است وبه همین اذان تمام اصحاب وتمام امت عمل میکردند وپیدا کردن یک سخن که بخلاف سنت متوارثه وخلاف اجماع امت باشد سراسر گمراهي وضلالت است من شَذَّ شُذَّ في النار [۶] در حدیث شریف وار شده، ومسلک وطریقه تمام املمان دین همین است هیچ کس در

---

(۱) الاذان سنة للصلوة الخمس والجمعة لاسواها (هدایه باب الاذان ج۱ ص۸۲). ظفیر

(۲) امامة الامي قوما امیین جائزة كذا في سراجية (عالمكيري مصري باب الامامة ص۸۰ ج۱، ط. ماجدیة ص۸۵ ج۱). ظفیر

(۳) بل یکره فعلهما وتکرار الجماعة الا في مسجد علی طریق فلاباس بذلک (درمختار) قوله الا في مسجد علی طریق هو ما لیس له امام ومؤذن راتب فلا یکره التکرار فیه باذان او اقامة بل هو الافضل خانیه (ردالمحتار، باب الأذان مطلب في تکرار الجماعة في المسجد ص۳۶۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۵) . ظفیر

(٤) مشکوة باب الاذان ص۶۳ – ٦٤، را مطالعه کنید، وهمچنان در حدیث شریف صراحت شده که کدام اذان را نبی کریم ﷺ به مسلمانان واصحاب تعلیم کرده وکلمات آن را نشان داده در تمام آن حيّ علی الفلاح است، عن ابی محذورة قال القي عليّ رسول الله التاذین هو بنفسه فقال قل: الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله اشهد ان محمدا رسول الله، حي علی الصلوة، حي علی الصلوة، حي علی الفلاح، حي علی الفلاح الخ رواه مسلم (ایضا) . ظفیر

(۵) مشکوة عن الترمذي، باب الإعتصام بالكتاب والسنة ص۲۰. ظفیر

این خلاف نکرده بدون روافض [1] خذلهم الله. فقط

سوال: (۱۷۳) **اگر شخص بلند اواز نباشد شخص پایین اواز اذان بگوید یانه؟** اگر شخص بلند اواز دروقت اذان موجود نباشد ومؤذن معین مسجد هم حاضر نباشد در این صورت اذان شخص کم اواز جائز است یا تا آخر وقت نماز به شخص بلند اواز انتظار کنند؟

جواب: جهر اواز مؤذن مستحب است براي انتظار مؤذن تأخیر نماز تا آخر وقت جائز نیست، قال النبي ﷺ : الوقت الاول رضوان الله تعالی [2] الحدیث. فقط

سوال (۱۷٤) **برای ثبوت اذان بطرف چپ واقامت بطرف راست هیچ ثبوت نیست**: اقامت بطرف راست ضرور است یا بطرف چپ یک صاحب میگوید که اذان بطرف چپ واقامت بطرف راست را رسول الله ﷺ عملي کرده ودراین عمل ثواب زیاد است ودر عمل برعکس ثواب کم میشود شخص دیگري میگوید که هر دوطرف تفاوت ندارد حکم هر دو طرف برابر است وتعین کردن جاي اذان واقامت بدعت است چرا که تعین جاي براي اذان واقامت ثابت نشده؟

جواب: این شهرت بي اصل است درشریعت این حکم هیچ موجود نیست، که اذان بطرف چپ واقامت بطرف راست مسجد گفته شود بلکه به هرطرف که اتفاق افتد به همان طرف جائز است، هیچ طرف کدام کراهیت نیست کسي که درطرف راست ثواب را زیاد میداند از او سوال شود که آیا شما درفقه کدام تصریح را مشاهده کرده اید آیا درکدام حدیث این ثبوت موجود است؟ این یک سخن جدا است که استاد شدن مقتدي بطرف راست صفت ثواب زیاد درحدیث ثابت شده مگر ثواب زیادي دراقامت راست هیچ از نظرم نگذشته. فقط والله اعلم

سوال: (۱۷۵) (۱) **درنماز جمعه کدام شخص اقامت بگوید وقتیکه اذان اول را یک نفر واذان دوم را شخص دیگري گفته باشد؟** در روز جمعه اذان اول را یک نفر گفت واذان دوم خطبه را شخص دیگری گفت دراین صورت اقامت گفتن حق کدام شخص است؟

سوال: (۱۷٦) **وقتیکه اذان یا اقامت راغلط بگوید اعاده دوباره آن ضرور است یانه؟** اگر

---

(٦) مشکوة عن الترمذي باب تعجیل الصلوة ص٦١. ظفیر

(۱) في شرح المهذب للشافعية يكره ان يقال في الاذان (حي على خير العمل) لانه لم يثبت عن النبي ﷺ والزيادة في الاذان مكروهة وقد سمعناه الاذان عن الزيدية ببعض البلاد (البحر الرائق، باب الاذان ج۱ ص۲۷۵، ط.س. ج۱ ص۲٦۱) . ظفير

(۲) مشکوة عن الترمذي باب تعجیل الصلوة ص٦١. ظفیر

یک نفر تکبیر یا اذان را غلط بگوید دوباره آن را اعاده کند یانه؟

جواب: (۱) در هردوي این دو نفر مؤذن که هرکدام بخواهد اقامت رابگوئید. [۱]

جواب: (۲) اذان واقامت دوباره اعاده گردد. [۲] فقط

سوال: (۱۷۷) **دراذان به وقت محمد رسول الله درود گفتن چه حکم دارد**؟ درداخل اذان دروقت محمد رسول الله درود گفتن چه حکم دارد؟

جواب: کسي که دراذان نام رسول الله را بشنود دراین وقت گفتن درود شریف مستحب است وقتیکه از مؤذن کلمه اشهد أن محمد رسول الله رابشنود شنونده این کلمه را هم بگوید وصلی الله علیه وسلم راهم بگوید. [۳]

سوال: (۱۷۸) (۱) **اگر دربای کسي پیزار باشد اذان گفتن اوچه حکم دارد**؟ همراه پیزار اذان کردن جائز است یانه؟

سوال: (۱۸۹) (۲) **اذان شخص بی وضوء جائز است یا نه**؟ بدون وضوء اذان جائز است یا نه؟

جواب: (۱) جائز است. [۴]

جواب: (۲) جائز است مگر بهتر این است که بوضوء اذان بگوید. [۵]

([۱]) وفي الفتاوى الظهيرية والافضل ان يكون المقيم هو المؤذن ولو اقام غيره جاز (البحر الرائق باب الاذان جلد اول ص ۲۷۰ – ۲۷۱، ط.س. ج۱ ص۲۵۷) پس معلوم شد که اقامت گفتن مؤذن بهتر است ودر روز جمعه اذان دوم اصل است که در وی منبر گفته میشود: واختلف في المراد بالاذان الاول فقيل الاذان الاول باعتبار المشروعية وهو الذي بين يدي المنبر لانه الذي كان اولاً في زمنه عليه السلام وزمن ابي بكر وعمر حتى احدث عثمان الاذان الثاني على الزوراء حين كثر الناس والاصح انه الاول باعتبار الوقت (غنية المستملي فصل في الجمعة ۵۱۹) باين خاطر کسی که پیش روی منبر اذان بگوید در اقامت حق اولیت دارد، والله اعلم. ظفیر

([۲]) اذان غلط که سنت به گن اداء نشود دوباره اعاده شود مثلیکه اذان پسر غیر عاقل اعاده میشود، وصبي غير عاقل اذان أذن يجب دن يعاد لعدم حصول المقصود الخ ولو قدم في اذان واقامة شيئا على محله يعود الى الترتيب ولايستأنف غنية المستملي: ص ۳۶۱. ظفیر

([۳]) به جواب دادن به کلمه اشهد أن محمدا رسول الله دراذان به اشهد أن محمدا رسول الله، صراحت شده حدیث مسلم است که پاک حضرت فرموده است اذا قال المؤذن الله اكبر، الله اكبر فقال احدكم الله اكب، ا لله اكبر، ثم قال اشهد أن لا اله الا الذى، قلل: أ شهد أن لا اله الله، ثم قال أشهد ان محمدا رسول الله، قال أ شهد أن محمدا رسول الله، الحديث. مشكوة باب فضل اذان واجابة المؤذن فصل اول البته بعد ازختم اذان حکم درود خواندن است ارشاد نبوي است اذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل مايقول ثم صلوا على فانه من صلى عليه صلاة صلى انه بها عشرا الخ رواه مسلم ايضا والله اعلم. ظفیر

([۴]) وينبغي لداخله تعاهد نعله وخفه وصلاته فيهما افضل (درمختار) قوله وصلاته فيهما اي في النعل والخف الظاهرين افضل مخالفة لليهود وفي الحديث صلوا في نعالكم ولا تشبهوا باليهود رواه الطبراني (ردالمحتار مطلب في احكام المسجدص۶۱۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۶۵۷) وقتیکه نماز جائز شد پس اذان بدرجه اولی جائز است، والله أعلم. ظفیر

([۵]) ويكره اذان جنب واقامة محدث لا اذانه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ص۴۰۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۲) . ظ

سوال: (۱۸۰) **اگر شخص غیرمقلد برای نماز اقامت بگوید آیا درنماز کدام نقصان پیش نمیشود؟** اگر شخص غیر مقلد بدون اجازه مؤذن اذان خطبه روز جمعه را به این طریقه بگوید که درعوض دو کلمه صرف یک کلمه ودرعوض چهار کلمه دوکلمه بگوید وبعدا مؤذن مقلد اذان گفت دراین صورت درنماز احناف کدام نقصان پیش شد یانه؟

جواب: دراین صورت در نماز احناف کدام فرق ونقصان نیامد وشخص غیر مقلد که به اثر ضد با رسوم اذان گفت عمل بد کرد او گناهکار شد ازجهت اینکه درکار دین از ضد ونفسانیت کار میگیرد. فقط

سوال: (۱۸۱) **اگر دراقامت وقت تیر شود ضرورت اعاده اقامت است یانه؟** اگر بعد از اقامت امام به خوردن نان مشغول شد یا با وقت زیاد به سخن مشغول شد دراین صورت دروقت استاد شدن به جماعت اعاده اقامت ضرور است یانه؟

جواب: ازعبارت شامي معلوم میشود که دراین صورت اقامت اعاده شود: **لان تکرارها غیر مشروع اذا لم یقطعها قاطع من کلام کثیر وعمل کثیرج۱ ص۳۷۲** ودر این صورت گناه امام وگناه اقامت گوینده مساوی است که هردو قصور نمودند واز وقت معین نماز مؤخر کردند ومؤذن بدون احضار امام اقامت گفته. [1]

سوال: (۱۸۲) **بدون اجازه امام متعین امامت واذان جائز است یانه؟** بدون اجازه امام مسجد ومؤذن مسجد اذان کردن وامامت در همین مسجد جائز است یانه؟

جواب: بدون اجازه امام ومؤذن مقرر شده اذان گفتن وامامت مکروه است واز این عمل اجتناب مناسب است. [2]

---

(۱) صلی السنة بعد الاقامة او حضر الامام بعدها لایعیدها بزازیه وینبغي ان طال الفصل او وجد ما یعد قاطعا کاکل ان تعاد (درمختار) قلل في اخر شرح المنیة اقام المؤذن ولم یصل الامام رکعتي الفجر یصلیها ولاتعاد الاقامة لان تکرارها غیر مشروع اذا لم یقطعها قاطع من کلام کثیر اوعمل کثیر مما یقطع المجلس في سجدة التلاوة آه (ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳۷۱ – ۳۷۲، ط.س. ج۱ ص۴۰۰) . ظفیر

(۲) قال رسول الله ﷺ لا یؤم الرجل في سلطانه ولا یقعد في بیته علی تکرمته الاباذنه رواه مسلم (مشکوة باب الامامة) وصح عن ابن عمر ان امام المسجد مقدم علی غیر السلطان (الی قوله) ولا علی امام الحي ورب البیت الا بالاذن قاله الطیبي (مرقات جلد اول ص۹۰) اقام غیره ای المؤذن إن أذن بغیبه اي المؤذن لایکره مطلقا وان بحضوره کره ان لحقه وحشة کما کره مشیه في اقامته (درمختار) قوله ان لحقه وحشة اي بان لم یرض به وهذا اختیار خواهر زاده ومشی علیه في الدرر والخانیة لکن في الخلاصة ان لم یرض به یکره وجوب الروایة انه لاباس به مطلقا آه قلت وبه صرح الامام الطحاوي في مجمع الاثار معزیا الی ائمتنا الثلاثة وقال في البحر ویدل علیه اطلاق قول المجمع ولا نکرهها من غیره فما في شرحه لابن ملک انه لو حضر ولم یرض یکره اتفاقا، فیه نظر آه وکذا یدل علیه اطلاق الکافي معللا بان کل واحد ذکر فلا باس بان یاتي بکل واحد رجل اخر ولکن الافضل ان یکون المؤذن هو المقیم اه اي لحدیث من اذن فهو یقیم وتمامه في حاشیة نوح (رد المحتار، =

سوال: (۱۸۳) <u>**اذان صبح چی وقت گفته شود**</u>؟ بعض مردم به چهار بجه صبح اذان میکنند اذان صبح درکدام وقت مناسب است؟

جواب: وقت اذان صبح بعد ازطلوع صبح صادق، ضرور میشود دراین زمان صبح صادق پنج بجه میشود پیش از این اذان دادن جائز نیست واگر پیش از دخول وقت اذان گفته شود اعاده آن لازم است در الدرالمختار گفته: فیعاد اذان وقع قبله [1] الخ ص۴۰۰ جلد اول شامي در الدر المختار نیز آمده: وانما یستحق ثواب المؤذنین اذا کان عالما بالسنة والاوقات [2] یعني ثواب اذان درآن وقت حاصل میشود که بخواهد اذان را به طریقه سنت بگوید ووقت را بشناسد. فقط

سوال: (۱۸۴) (۱) <u>**اذان بدون ترجیع بهتر است**</u>: اذان بدون ترجیع بهتر است یا با ترجیع؟

سوال: (۱۸۵) (۲) حدیث سنن ابي داود که در روز جمعه اذان دوم به دروازه مسجد درآن ثبت شده آن حدیث صحیح است یا ضعیف یا چه درجه دارد؟

جواب: (۱) به نزد احناف دراذان ترجیع نیست درالدر المختار فرموده است که ترجیع مکروه است: ولا ترجیع فانه مکروه ملتقی، شامي فرموده: که مراد از آن مکروه تنزیهي است واین قسم نیز درشامي آمده: لاتفاق الروایات علی ان بلالا لم یکن یرجع وما قیل انه رجع لم یصح او لانه لیس في اذان الملک النازل من السماء بجمیع طرقه [3] الخ.

جواب: (۲) اذان دوم روز جمعه درنزدیک منبر پیش روي خطیب مسنون است در الدر المختار ذکر شده: ویؤذن ثانیا بین یدیه اي الخطیب الخ اذا جلس علی المنبر قوله: ویؤذن ثانیا بین یدیه [4] الخ اي علی سبیل السنة [5] پس براي احناف براي مقلدین به آن تحقیقات ضرورت نمیاشد موافق کتابهاي فقه عمل کردن مناسب است.

سوال: (۱۸۶) <u>**جواب اذان خطبه**</u>: علماء این ومفتیان شریعت چه میفرمایند که ایا جواب دادن اذان خطبه جائز است یانه؟

= باب الاذان جلد اول ص۳۶۷، ط.س. ج۱ ص۳۹۵) . ظفیر

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳۵۸، ط.س. ج۱ ص۳۸۵. ظفیر

(۲) ایضا ص۳۶۴ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۲. ظفیر

(۳) ردالمحتار ج۱ ص۳۵۹، ط.س. ج۱ ص۳۸۶، باب الاذان مع هامشه. ظفیر

(۴) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص۷۷۰، ط.س. ج۲ ص۱۶۱ باب الجمعة. ظفیر

(۵) ردالمحتار باب الجمعة جلد اول ص۷۷۰. ظفیر

جواب: جائز نیست كما في الدر المختار وينبغي ان لايجيب بلسانه اتفاقا في الاذان بين يدي الخطيب. [۱] فقط والله اعلم

سوال: ۱۸۷) **براي خبر كردن اهل نماز در مسجد نغاره زدن چي حكم دارد**؟ براي احضار اهل نماز نغاره زدن در مسجد چه حكم دارد؟

جواب: اذان بگويد [۲] نغاره براي احضار مردم در داخل مسجد جائز نيست.

سوال: (۱۸۸) **به شنيدن كلمه محمد رسول الله بوسه كردن انگشت كوچک چه حكم دارد**؟ به شنيدن كلمه اشهد ان محمدا رسول الله گفتن قرة عيني بک يا رسول الله وبوسه كردن انگشت وماليدن آنگشتان به چشم چه حكم دارد؟

جواب: بعض فقهاء نوشته اند كه به شنيدن اشهد أن محمدا رسولُ الله، يا رسول الله قرة عيني بک، مستحب است وبعض روايات را نيز در اين باره نقل كرده اند كه ثابت نيست واز قول وفعل رسول الله ﷺ وقول وفعل اصحاب اين عمل ثابت نشده لهذا ترک اين عمل احوط است، دروقت اذان كه كدام كلمات از روايات احاديث منقول است عمل كردن به همان كلمات مناسب است واحداث دردين نكند فقط اين جواب صحيح است به متعلق اين سوال خود را با اين نكته هم بفهمانند كه بعض احاديث موقوفه نيز در اين باب آمده است قطع نظر از صحت اسناد آن را اين جا دو سخن قابل لحاظ است يک سخن اين است كه دراين روايات اين عمل يعني بوسه كردن انگشتان وگفتن كلمة قرة عيني بک يا رسول الله بطور علاج وحفاظت از درد چشم آمده است كه در كار نبوي ممنوع است دراين هيچ ثواب، فضيلت وغيره نيست حالا مردم نيز به گمان اينكه اين يک عمل ديني وقابل ثواب وتعظيم است عملي ميكنند وعلاج وتداوي بدني را عبادت گفتن بدعت است از اين جهت عملي كردن اين سلسله به اعتقاد عبادت بدعت ميباشد دوم اينكه التزام ومواظبت آن درعمل وعقيده وتارک اين عمل وعقيده را مطعون وملامت ميدانند. [۳] فقط كتبه مولانا محمد اشرف علي تهانوي مد ظله.

سوال: (۱۸۹) **عدد ازاذان اواز كردن به مقتديان چه حكم دراد**؟ دراين عصر وزمان حالت

---

(۱) الدر المختار مجتبائی، باب الاذان جلد اول ص۳۶۵، ط.س. ج۱ ص۳۹۹. ظفير

(۲) لان الاذاني من إعلام الدين، كبيري ص۳۵۷. ظفير

(۳) وفي الشامي ص۲۹۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۸: يستحب ان يقال عند سماع الاولى من الشهادة صلى الله عليک يارسول الله وعند الثانية قرة عيني بک يارسول الله الى قوله وذكر ذلک الجراحي واطال ثم قال ولم يصح في المرفوع من كل هذا شيئ الخ. محمد جميل الرحمن

عوام بسیار خراب است اگر امام انتظار آنها را نکند بسیار تکلیف میدهند اگر امام جماعت بکند وبعض مردم ازجماعت بماند به امام سخت تکلیف میدهند دراین صورت یک طالب علم گفت که تثویب طریقۂ مسنونه است، دروقت نماز که تمام مقتدیان حاضر شود در این وقت امام خواسته میشود واین طریقه جاري شده علما متأخرین است که بعد از اذان وپیش از اقامة به منارۂ مسجد بالا میشود وبه مقتدیان اواز میکند واین هم ثابت است که حضرت بلال ﷺ دربین اذان واقامت رسول الله را به مسجد وجماعت دعوت مي نمود: ان بلال كان يجيء بباب النبي ﷺ بين الاذانين ويؤذنه بالصلاة دراین قسمت به ما قول فیصل تحریر فرمائید؟

جواب: در الدر المختار ذکر شده: ويثوب بين الاذان والاقامة في الكل للكل "در المختار" قوله في الكل اي كل الصلاة لظهور التواني في الامور الدينية قال في العناية احدث المتاخرون التثويب بين الاذان والاقامة على حسب ما تعارفوه في جميع الصلاة سوى المغرب مع ابقاء الاول يعني الاصل وهو تثويب الفجر وما رآه المسلمون حسنا فهو عند الله حسن شامي قوله للكل اي كل واحد وخصه ابو يوسف بمن يشتغله بمصالح العامة كالقاضي والمفتي والمدرس واختاره قاضي وغيره نهر [1] از این عبارت معلوم شد که تثویب از احداث متأخرین است، وامام ابو یوسف تثویب را براي قاضي ومفتي مخصوص کرده است پس اجتناب از این عمل بهتر است واگر کدام ضرورت خاص باشد درآن وقت جائز است.

سوال: (۱۹۰) **اذان پسر دوازده ساله جائز است یانه؟** اگر پسر دوازده ساله اذان بگوید کدام حرج است یانه؟

جواب: هیچ حرج نیست. [2] فقط والله اعلم

سوال: (۱۹۱) **برای نماز جمعه اواز کردن مؤذن ثابت است یانه؟** برای سنت روز جمعه درمساجد منطقه گجرات صلاة سنت قبل الجمعه را همیشه به آواز بلند میگوید وبدون این اواز سنت قبل الجمعه را مردم نمیخواند وبرای این نماز قبلا مردم درمسجد جمع میشوند وانتظار میکنند تا اینکه مؤذن این صلاة را بگوید وقتیکه مؤذن این اواز بلند کند که الصلاة قبل الجمعه

---

(۱) مطالعه کنید: ردالمحتار باب الاذان ص۳٦۱ – ۳٦۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۸۹. ظفیر

(۲) ويجوز بلاكراهة اذان صبي مراهق اهـ (درمختار) المراد به العاقل وان لم يراهق كما هوظاهر البحر وغيره وقيل يكره لكنه خلاف ظاهر الرواية كما في الامداد وغيره اهـ (ردالمحتار باب الاذان ص۳٦۳ – ۳٦٤، ط.س. ج۱ ص۳۹۱) . ظفير

بعد از آن مردم وابتداء این صلاة سنت از کجا شروع شده است؟ واگر این صلاة سنت قبل الجمعه گفته نشود وسنت جمعه را بخوانند آیا سنت جمعه صحیح میشود دراین صورت این اشخاص نجدی، وهابی میشوند یانه وآیا ازمذهب حنفی واسلام خارج میشوند یانه؟ وبی ایمان ودین میشوند یانه؟ آیا تثویب که فقهاء آن را مستحسن گفته است صرف برای نماز فرض مخصوص است یا برای سنت قبل الجمعه هم مستحسن است آیا صلاة مذکوره در شریعت محمدی ثابت است؟ ازکتابهای معتبر حنفی ثبوت صلاة مذکور با دلائل شرعی ونقل اصل عبارت ونام کتابهای مستند ونام مصنف کتاب وغیره را بطور واضح به ما تحریر واجر عظیم را حاصل نمائید.

جواب: براي دعوت صلاة سنت قبل الجمعه هیچ ضرورت نیست بلکه بعد از زوال وقتیکه اذان اول جمعه گفته شود براي نماز گذاران مناسب است که خود شان صلاة قبل الجمعه را اداء کنند بدون اینکه اواز براي شان کرده شود سنت شان اداء میشود وبه ترک این اواز ویا به سنت خواندن پیش از این اواز هیچ غیر مقلد میشود واین خیالات وافکار جاهلان است وتثویب که بعض فقهاء [1] در بعض نمازها براي بعض اشخاص آن را مستحب گفته خاص براي فرائض بود متروک شده از اینکه خلاف سنت است واصحاب [2] کرام ازآن انکار کرده اند [3] فقط کتبه عزیز الرحمن عفي عنه مفتي مدرسه عالیه دیوبند.

سوال: (۱۹۲) دروقت اذان انداختن انگشتان خاص برای اذان مسجد است ویا برای هر اذان؟ داخل کردن دو انگشتان سبابه در گوشها مخصوص اذان مسجد است ویا درهمه اذانهاي بدون مسجد هم مستحب است؟

جواب: براي همه اذانهاي مستحب است كما هو مفاد الاطلاق. [4] فقط

---

(۱) يعني من المتاخرين كما في الهداية وغيرها و الا فالمتقدمون من فقهاء الحنفية منعوا عنه كما في كتب الفقه وللفاضل اللكنوي فيه رسالة مستقلة (التحقيق العجيب في التثويب) فراجعها. ظفير

(۲) كعلي وابن عمر رضي الله عنهم كما في كتب الحديث. ظفير

(۳) والتثويب في الفجر حي على الصلوة حي على الفلاح بين الاذان والاقامة حسن لانه وقت نوم وغفلة وكره في سائر الصلوت ومعناه العود الى الاعلام وهو على حسب ماتعارفوه هذا تثويب احدثه علماء الكوفة بعد عهد الصحابة لتغير احوال الناس الخ والمتاخرون استحسنوه في الصلوة كلها لظهور التواني في الامور الدينية وقال ابويوسف لا ارى بأسا ان يقول المؤذن الخ واستبعده محمد لان الناس سواسية في امر الجماعة الخ (هدايه، باب الاذان ص۸٤ ج۱) . ظفير

(٤) ويجعل ندبا اصبعيه في صماخ اذنيه فاذانه بدونه حسن وبه احسن (درمختار) لقوله ﷺ لبلال رضي الله عنه اجعل اصبعيك في اذنيه فانه ارفع =

سوال: (۱۹۳) (۱) **برای نماز قضائی حکم اذان واقامت چیست، آیا زن ومرد درحکم اذان واقامت یک تفاوت دارند یانه**؟ براي نماز قضائي اذان واقامت ضرور است ویانه؟ دراین حکم زن ومرد چه فرق دارند یانه؟

سوال: (۱۹٤) (۲) **برای نماز درخانه ودوکان وجنگل اذان گفته شود ویانه**؟ اگر کسی نماز پنجگانه را در دوکان یا خانه یا جنگل میخواند اذان واقامت بگوید یانه؟

جواب: (۱) اگر نماز قضائي را در بیرون مسجد به جماعت میخوانند دراین صورت اذان واقامت بگویند ونماز قضائی را در مسجد میخوانند دراین صورت اذان واقامت را نگویند وبراي زنان اذان واقامت نیست. [۱]

جواب: (۲) اگر درجنگل، خانه ویا دوکان نماز قضائي را به جماعت میخوانند اذان واقامت بگویند براي تنها گذار ضرور نیست اگر بگوید کدام حرج نیست.

سوال: (۱۹۵) **پیش از اذان دوم استووا رحمکم الله چه دارد**؟ پیش از اذان خطبه استووا رحمکم الله چه حکم دارد؟

جواب: به گفتن این کلمات کدام ضرورت نیست واگر امام دروقت تکبیر تحریمه این کلمات را بگوید باک ندارد.

سوال: (۱۹٦) **دروقت اذان سلام دادن به موذن وشنونده چه حکم دارد**؟ در حالت اذان براي مؤذن وشنونده اذان سلام داد چه حکم دارد؟

جواب: درحالت اذان براي مؤذن سلام دادن مکروه است وجواب سلام برمؤذن لاَزم نیست اگر در حالت اذان بدون مؤذن براي کسي دیگري سلام داده شود مکروه نیست کما في الشامي في جلد اول: وحاصلها انه یاثم بالسلام علی المشغولین بالخطبة الخ او الاذان والاقامة [۲] فقط وهکذا في الکبیري للعلامة الحلبي:ص۳٦۳ قال وفي التجنیس لایکره الکلام عند الاذان بالاجماع

= لصرتک (ردالمحتار، باب الاذان ج۱ ص۳٦۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸) . ظفیر

(۱) وفي العالمگیریة ج۱، باب الاذان: والضابطة عندنا ان کل فرض اداءً کان او قضاءً یوذن له ویقام سواء اداه منفردا او بجماعة الا الظهر یوم الجمعة في المصر الخ وان قضوها بعد الوقت قضوها في غیر ذلک المسجد باذان واقامة الخ ولیس علی النساء اذان ولا اقامة وفي الشامي ص٤۰٥ لو .ذن لنفسه خافت الخ وفیه لا (یسن) فیما یقضی من الفوائت في مسجد الخ ص٤۰۹ بخلاف مصل ولو بجماعة في بیته بمصر او بقریة لها مسجد فلایکره ترکهما اذ اذان الحي یکفیه لان اذان المحلة واقامتها اذانه واقامته الخ وفیه ص ٥۹۰ تکره تحریما جماعة النساء. ظ

(۲) ردالمحتارباب مایفسدالصلوة مطلب المواضع التي لایجب فیها ردالسلام ص٥۷۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص٦۱۸. ظفیر

الخ. جمیل الرحمن

سوال: (۱۹۷) **بعد ازشروع اذان رفتن برای قضاء حاجت خورد وکلان چه حکم دارد؟** بعد از شروع اذان رفتن به قضاء حاجت خورد وکلان جائز است یا نه یا وقتیکه اذان شود بعد ازین برود واگر بول به شدت اورا گرفته باشد چه حکم است؟

جواب: اگر زیاد ضرور باشد فورا حاجت خود را رفع کند انتظار ختم اذان را نکند واگر ضرورت بسیار شدید نبود بهتر است که بعد ازختم اذان به قضاء حاجت برود. [۱]

الباب الثالث في شروط الصلاة

فصل اول دربیان طهارت

سوال: (۱۹۸) **اگر استخوان باخه یاکجور درکدام حصه بدن خود محکم کند نماز با آن چه حکم دارد؟** اگر استخوان کجور را به کدام حصه بدن خود محکم کند نماز خواند با آن جواز دارد یانه؟

جواب: سخن واضح این است که نماز با آن جواز دارد زیرا که استخوان او پاک است اگر چه گوشت او حلال نیست.

سوال: (۱۹۹) **به کدام کاهیکه جانور مأکول اللحم ویا سرگین کند نماز کردن برآن جائز است ویانه؟** اگر گاو وگاومیش وغیره حیوانات ماکول اللحم در وقت خرمن کوبي وغیره برگیاه قطعه شده بول وسرگین کند دراین صورت نماز خواندن برآن جائز است یانه؟

جواب: صورت پاک شدن آن را فقهاء چنین نوشته اند که یک حصه آن یعني گندم، جو، شالي وغیره از آن جدا شود دراین صورت هر دو حصه پاک میشود، یعني کدام حصه که جدا ویا کدام حصه که باقي مانده هر دو حصه پاک میشود در الدز المختار ذکر شده: لو بال حمر خصها لتغلیظ بولها اتفاقا علی نحو حنطة تدوسها فقسم او غسل بعضه اوذهب بهبة او اکل او بیع کما مر حیث یطهر الباقي وکذا الذاهب ولاحتمال وقوع النجس في کل طرف کمسألة الثوب. [۲]

سوال: (۲۰۰) **بعد از مالش تیل ناپاک نماز کردن جائز است یانه؟** مدت ده ماه میشود که

---

(۱) ویندب القیام عند سماع الاذان بزازیه (ردالمحتار) قال الشارح لم اره فیها فلتراجع نسخة اخری نعم رایت فیها سمع وهو یمشي فالافضل ان یقف للاجابة لیکون في مکان واحد (ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳٦۹، ط.س. ج۱ ص۳۹۷). جمیل الرحمن

(۲) شعر المیتة الخ وعظمها الخ وکذا کل ما لاتحله الحیاة الخ طاهر (باب المیاه ص۱۹۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۲۰٦ الدر المختار علی هامش ردالمحتار) . ظفیر

زيد براي تقويه باه يعني تقويه قوت مني به روغن بير بهوتي خود را مالش ميكند وبدون شستن آن نمازهاي پنجگانه را ميخواند آيا نمازش جائز است يا نه؟ واگر جائز نباشد اعاده نمازهاي ده ماهه بر او واجب است يانه؟ آيا تداوي بالحرام جائز است وحشرات زميني هم اين حكم شامل است يا نه؟

جواب: تداوي بالحرام دروقت ضرورت بنا بر شرائط جائز است كما في الشامي بجوز للعليل شرب البول والدم والميتة للتداوي اذا اخبره طبيب مسلم ان فيه شفاء ولم يجد من المباح مايقوم مقامه [1] الخ، ودر تداوي بالحرام حشرات زميني هم شامل است لقوله تعالى: ويحرم عليهم الخبائث، وهمين آيه مباركه دليل بر حرام بودن حشرات است نجس بودن وعدم نجاست اين حشرات موقوف به خون جاري شونده وعدم خون سائل وجاري شونده انها است نظر به اين قاعده كليه اگر در بير بهوتي خون سائل باشد بعد از مرگش نجس است وتيل آن نجس است بعد از شستن آن نماز مناسب است وكدام نمازها كه بدون شستن آن شده باشد اعاده آن لازم است واين مسائل دركتابهاي فقه مفصل ذكر شده.

سوال: (۲۰۱) **در لتهائی بازاری وململ نماز جائز است ویانه**؟ در لتهانيكه دربازار آن را ميخريم ويا در ململ نماز كردن جائز است يانه؟

جواب: در اين لباسها نماز جائز است. [2]

سوال: (۲۰۲) **ایا در رطوبت کم از درهم نماز صحیح است**؟ اگر بعد ازجماع فوراً ازار بسته شود همراه آن ازار نماز جائز است يانه؟

سوال: (۲۰۳) (۲) **در لباسیکه مذی رسیده باشد نماز در آن جائز است یانه**؟ بكدام لباس كه مذى برسد نماز درآن جائز استْ يانه؟

جواب: (۱) اگر طوبت از مقدار درهم زياد نباشد دراين صورت ازار پاک ونماز در آن جائز است مگر شستن مقدار درهم نيز ضرور است چرا كه باقي ماندن آن در ازار مكروه است. [3]

([1]) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الانجاس ص۲۰۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۲۰۸. ظفير

([2]) زيرا كه اين لباسها پاک است وپوشيدنش جائز است: ولوشک في نجاسة ماء اولوب الخ لم يعتبر، درالمختار، من شک في انائه اولوبه اصابته نجاسة اولا فهو طاهر ما لم يستيقن الخ وكذا مايتخذه اهل الشرک او الجهلة من المسلمين كالسمن والخبز والاطعمة والثياب (رد المحتار كتاب الطهارة قبيل ابحاث الغسل. ج ۱ ص ۱٤٠) وقاعده مسلمْ لفقهاء هم است كه يقين به شک كردن زائل نميشود، الاشباه والنظائر ج۷۵. ظفير

جواب: (۲) مذي نجس است بکدام لباس که برسد نجس میشود نماز خواندن درآن لباس جائز نیست [۱] ودرمذي نیز مقدار درهم معاف است مگر شستن ان ضرور است در در المختار ذکر شده: وعفي الشارع عن قدر درهم وان کره تحریما فیجب غسله وما دونه تنزیها فیسن غسله. [۲] فقط

سوال: (۲۰۴) **نماز بر سر بروز**: در روزهاي زمستان اکثر مردم درمساجد روي زمین مسجد را به بروز، کبل گیاه وغیره فرش میکنند آیا نص زبر آن جائز است؟

جواب: اگر پاک باشد نماز برآن جائز است. [۳] فقط

سوال: (۲۰۵) **به بوریائي ساخت چمیاران نماز کردن جائز است یانه**؟ دراین عصر وزمان که کدام بوریاها وغیره را چمیاران براي صفوف نماز میسازند نظافت را درآن مراعت نمیکنند آیا پیش از شستن نماز به آن جائز است؟

جواب: همان بوریاها وصفوف پاک است نماز برآن جواز دارد وشک کردن مناسب نیست، چرا که یقین به شک زائل نمیشود فقط ولو في نجاسة ماء اوثوب الخ لم یعتبر (الدر المختار) من شک في انائه او ثوبه او بدنه اصابته نجاسة اولا فهو طاهر الخ وکذا ما یتخذه اهل الشرک او الجهلة من المسلمین کالسمن والخبز والاطعمة والثیاب. رد المحتار کتاب الطهارة قبیل ابحاث الغسل.

سوال: (۲۰۶) **اگر دریشي پوشیده باشد نماز درآن جائز است یانه**؟ آیا وقتیکه پتلون وکورتي دربدن باشد نماز درآن جائز است یا نه؟

جواب: اگر این لباس پاک باشد نماز درآن جائز است [۴] مگر پوشیدن آن از این جهت ممنوع

---

(۳) وعفي الشارع عن قدر درهم وان کره تحریما فیجب غسله وما دونه تنزیها فیسن وفوقه مبطل فیفرض (درمختار) قوله وان کره تحریما اشار الی العفو عنه بالنسبة الی صحة الصلاة به فلا ینافي الاثم الخ لکن قال بعده والاقرب ان غسل الدرهم وما دونه مستحب مع العلم به والقدرة علی غسله فترکه حینئذ خلاف الاولی نعم الدرهم غسله آکد الخ ففي المحیط یکره ان یصلي ومعه قدر درهم او دونه من النجاسة عالما به الخ (ردالمحتار باب الانجاس ص۲۹۱ - ۲۹۲، ط.س. ج۱ ص۳۱٦). ظفیر

(۱) کل مایخرج من بدن الانسان مما یوجب خروجه الوضوء او الغسل فهو مغلظ کالغائط والبول والمني والمذي والودی والقیح والصدید (عالمگیري کشوری باب سابع فصل ثاني ص٤٤). ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الانجاس ص۲۹۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۱٦. ظفیر

(۳) ثم الشرط لغة العلامة اللازمة وشرعا یتوقف علیه الشيء ولایدخل فیه هي ستة طهارة بدنه الخ وثوبه الخ ومکانه الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص۳۷۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۰۲). ظفیر

(٤) طهارة بدنه الخ وثوبه (درمختار) اراد مالابس البدن فدخل القلنسوة والخف (ردالمحتار، باب شروط الصلوة ص۳۷۳ ج۱، ط.س. =

است که تشبیه به یهود میاید واین مشابهت ممنوع است. فقط

سوال: (۲۰۷) **اگر به تیل حشرات زمینی خود را جرب کند نمازش جائز است یا نه؟** اگر به تیل جونک جهیلي یا روغن مورچه صحرائي، یا روغن خراطین، برساتي، یاروغن بیر بهوتي کسي خود را چرب کند شرعا جائز است یا نه؟ ومانع نماز است یانه؟ آیا تیل وروغن این حشرات وحیوانات نجاست مغلظه است یا خفیفه؟

جواب: تیل این حشرات وجانوران نجاست مغلقه است استعمال جواز ندارد [۱] البته اگر به حسب ضرورت طبیب حاذق مسلمان آن را تجویز کند ودر ادویه حلال بدیل آن دریافت نگردد دراین صورت استعمال آن جائز است [۲] چونکه نجاست مغلظه است لهذا مقدار یک درهم معاف ونماز با آن جائز است مگر شستن آن بهتر است واگر ازیک درهم زیاد باشد شستن ان واجب است اگر نشسته نشود نماز با آن جواز ندارد در الدر المختار ذکر شده وعفي الشارع عن قدر درهم [۳] الخ. فقط

سوال: (۲۰۸) **درغسل خانه نماز جائز است یانه؟** درحمام نماز جائز است یانه؟

جواب: درحمام نظر به دوعلت نماز مکروه است اول اینکه حمام جاني ازاله ناپاکي است دوم اینکه حمام خانه شیاطین است: قال العلامة نجم الدین الطرسوسي في منظومة الفوائد فقال:

نهي الرسول احمد خیر البشر	عن الصلاة في بقاع تعتبر
معاطن الجمـــال ثم مقـــبره	مزبله طریق ثم مجـــزوة
وفوق بیت الله والحمـــــام	والحمدلله علی الطعـــام [۴] فقط

سوال: (۲۰۹) **بدون قول مفتی به حکم نماز بغیر غسل:** از بسیار مدت یک مسئله پیش آمد وبه هیچ قسم حل نشد من امید دارم که جناب آن را ضرور بالضرور حل خواهد کرد حالا من کمي عبارت فتاوی عالمگیري رانقل مینمایم که صورت سوال با آن واضح خواهد شد عبارت

= ج۱ ص۴۰۲). ظفیر

(۱) ولا یحل ذوناب الخ ولا الحشرات هي معار دواب الارض (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الذبائح جلدپنجم ص۳۶۵، ط.س. ج۱ ص۳۰٤). ظفیر

(۲) وقیل یرخص اذا علم فیه الشفاء ولم یعلم دواء اخر کما رخص الخمر للعطشان وعلیه الفتوی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المیاه مطلب في التداوي بالمحرم ج۱ ص۱۹٤) . ظفیر

(۳) طهارت بدن براي نماز گذار شرط است. وطهارة بدنه (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلاة ج۱ ص ۳۷۳). ظفیر

(۴) علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوة جلداول ص۳۵۲. ظفیر

فتاوی مذکور ذیلا تحریر شده یک نفر احتلام شد یابطرف یک زن نظر کرد ومني او از جاي خود به شهوت جدا شد بعد ذکر خود را محکم گرفت تا اینکه شهوت او ساکن ومتوقف شد بعدا مني از او جاری شد دراین صورت به نزد امام ابوحنیفة وامام محمد غسل واجب است، وبه نزد امام ابو یوسف غسل واجب نمیشود، این مسئله در خلاصه درج است، حالا صورت مسئله این است که یک شخص احتلام شد ومني او به شهوت ازجاي خود جدا شد مگر او ذکر خود را محکم گرفت تا اینکه شهوت او ارام وسرد شد وبعدا مني جاري گردید چونکه شخص مذکور میلان است که در این صورت غسل واجب نمیشود از این جهت غسل نمیکرد وبدون غسل نمازها را اداء میکرد چندین مراتب این مسئله باو پیش آمد مگر غسل نکرد واین عمل را صرف به غلط فهمي از او سرزد شد چونکه حالا دانست که من سخت غلطي کرده ام بسیار پشیمان است حالا دریافت طلب این سخن است که نمازهای این شخص که درحالت مذکوره اداء شده صحیح است یانه؟ اگر نمازهاي اوصحیح نشده باشد صورت اداء آن چه خواهد بود واین شخص دراین قسم عمل خود بکدام درجه گناهکار است؟

جواب: چونکه دراین مسئله امام ابو یوسف اختلاف کرده واکثر مشائخ احناف قول ابو یوسف را مفتی به گفته اگر چه محققین با این نظر موافق نیستند باز هم چونکه شخص مذکور ازقول مختار وبهتر خبر نبود وبا این عمل خود هم پشیمان است، ودرنفس مسئله یک اندازه گنجایش هم است از این جهت از الله تعالی امید عفو است ونمازهاي قبلي او که درحالت مذکوره ادا نموده از نظر به اختلاف ائمه واختلاف علماء مرجحین، قول قاضي خان رحمة الله علیه این است ویؤخذ بقول ابي یوسف في صلاة ماضیة فلا تعاد وفی مستقبله لا یصلي ما لم یغتسل آه رد المحتار [1] ص۱۱۹ جلد اول مگر باز هم احتیاط درآن است که نمازهاي قبلي را اعاده کند چرا که به نزد علماء محققین قول امام ابو حنیفة وقول امام محمد مختار است [2] چرا که در قول امام اعظم صاحب، وقول امام محمد اعاده نمازهاي قبلي واجب است. والله اعلم بالصواب

سوال: (۲۱۰) **<u>در لباس داغ شده نماز خواندن چه قسم است</u>؟** در ازارم داغ برایم معلوم

---

(۱) ردالمحتار ابحاث الغسل جلد اول ص۱٤۹، ط.س. ج۱ ص۱٦۱. ظفیر

(۲) وفرض الغسل عند خروج مني من العضو والا فلا يفرض اتفاقا الخ منفصل عن مقره الخ بشهوة الخ ولانه ليس بشرط عندهما خلافا للثاني، وبقوله يفتي الخ (درمختار) لكن اكثر الكتب على خلافه حتى البحر والنهر ولا سيما قد ذكروا ان قوله قياس وقولهما استحسان وانه الاحوط فينبغي الافتاء بقوله في مواضع الضرورة فقط (ردالمحتار ابحاث الغسل ص ۱٤۸ – ۱٤۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۱٥۹). ظفیر

میشود وخواب دریادم نمي آید ومن دوکان تمباکو دارم امکان دارد که داغ تمباکو بازارم رسیده باشد ودراین لباس داغ دار مکمل یک هفته نماز خواندم واین داغ را بعد ازیک هفته درآن وقت دیدم که براي نماز جمعه لباس خود را بدل میکردم بعد ازآن غسل کردم ولباس خود را تبدیل نمودم دراین صورت نمازهاي یک هفته راکه درلباس داغي اداء کرده ام صحیح است یانه؟

جواب: اگر یقین داشت که این داغ مني است دراین صورت بعد از دیدن داغ آن نمازها را که بعد ازخواب آخري خوانده است اعاده نماید مثلا شب خواب شد وبعد ازآن در روز پیش از پیشین داغ را مشاهده کرد نماز صبح را اعاده کند واگر داغ را بعد از نماز پیشین مشاهده کرد نماز پیشین را نیز اعاده کند واگر درمني بودن آن شک بود که شاید داغ چیزي دیگري باشد دراین صورت اعاده هیچ کدام نماز لازم نیست. [1]

سوال: (۲۱۱) **درلباس ناپاک نماز جائز نیست**: دربغل فاطمه طفل شیر خواره است از این جهت لباس اودائما ناپاک میباشد پس دراین حالت فاطمه درلباس ناپاک نماز کرده میتواند یانه؟

جواب: لباس پاک را بپوشد یا لباس ناپاک را بشوید ونماز خواند درلباس ناپاک نماز جائز نیست. [2] فقط

سوال: (۲۱۲) **استعمال جاي نماز ساخت زندانیان درست است یانه**؟ جاي نمازیکه بدست زندانیان ساخته وتهیه شده نماز برآن جائز است یانه؟

جواب: جائز است. [3] فقط

سوال: (۲۱۳) **درلباس نو نماز جائز است یانه**؟ درلباس جدید که آب به او نرسیده باشد نماز جائز است یانه؟

---

(۱) فرض الغسل الخ عند رؤية مستيقظ الخ منيا اومذيا وان لم يتذكر الاحتلام الا اذا علم انه مذي او شك انه مذي او ودي اوكان ذكره منتشرا قبيل النوم فلا غسل عليه الخ او تيقن انه مني او تذكر حلما فعليه الغسل (الدر المختار على هامش ردالمحتار ابحاث الغسل ص۱۵۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۱۵۰ – ۱۶۳) . ظفير

(۲) ثم الشرط الخ شرعا مايتوقف عليه الشيء ولايدخل فيه هي ستة طهارة بدنه اي جسده الخ وثوبه (الدر المختار على هامش ردالمحتار، باب شروط الصلوة ص۳۷۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۰۲) . ظفير

(۳) از جهت اینکه پاک است (اليقين لايزول بالشک الاشباه والنظائر ص۷۵) لباسیکه بدست غیر مسلم یا مسلمان جاهل ساخته شده باشد پاک است وچیزي دیگري را که ساخته باشد هم پاک است باز دراین اصل هم شامل است که در ناپاکي کدام چیز شک باشد با این شک اعتبار داده نمیشود، ولوشک في نجاسة ماء او ثوب الخ لم يعتبر وتمامه في الاشباه (الدر المختار) في التتارخانية من شک في انائه او ثوبه او بدنه اصابته نجاسة اولا فهو طاهر الخ وكذا ما يتخذه اهل الشرک او الجهلة من المسلمين كالسمن والخبز والاطعمة والثياب آه (ملخصا رد المحتار قبيل ابحاث الغسل ج۱ ص۱۴). ظفير

جواب: درلباس جدید نماز جائز است چرا که این لباس پاک است دراین سلسله براي شک هیچ اعتبار نیست در الدر المختار ذکر شده: ولو شک في نجاسة ماء او ثوب الخ لم یعتبر شامي ج۱ ص۱٤۰.

سوال: (۲۱٤) **لباس ناپاک پشمین بدون شستن پاک نمیشود ونه دراین قسم لباس نماز جائز است**: اگر به لباس پشمین سرگین وامثال ان برسد وبعدا خشک شود وخودش بشارد ویابه شاشه ویا وامثال آن تر شود وخشک شود بدون شستن دراین لبا س نماز جائز است یانه؟

جواب: این لباس بدون شستن پاک نخواهد شد واین لباس پشمین سه بار شسته شود. [1] فقط (وتاوقتیکه شسته نشود پاک نمیشود ونماز به آن جائز نیست. ظفیر)

سوال: (۲۱۵) **کسی که بعد از وضوء پای لوچ به زمین بگردد بدون شستن پای نماز اوجائز است**؟ اگر کسي بعد از وضوء یک میل یا دومیل یاکم وزیاد پیاده بگردد وبعدا براي شستن پاي خود آب را پیدا نکند آیا بعد ازتکان دادن پاها نمازش جائز خواهد بود یانه؟

جواب: دراین صورت که پاهاي خودرا تکان دهد وخوب صفا کند نماز اوجائز خواهد شد. [2]

سوال: (۲۱٦) **اگر بدون استنجاء وضوء کند نماز اوجائز است یانه**؟ کسیکه بعد از بول خورد یا کلان استنجاء نکرد تنها وضوء نمود ونماز را اداء کرد بعد ازآن دریاداش امد که استنجاء نکرده آیا نماز او صحیح شده یانه؟ یا بعد از وضوء در یادش امد بعد از آن استنجاء بکند یانه؟

جواب: اگر به کلوخ استنجاء کرده بود ونجاست از مخرج بقدر درهم تجاوز نکرده بود درین صورت بدون استنجاء آب نماز او صحیح شده. [3] فقط

---

[1] وازالتها ان کانت مرئیة بازالة عینها واثره ان کانت شیئا یزول اثره الخ وان کانت غیر مرئیة یغسلها ثلث مرات ویشترط العصر في کل مرة فیما ینعصر الخ (عالمگیري کشوری کتاب الطهارت باب سابع فصل اول في تطهیر الانجاس ص۴۰ ج۱، ط. ماجدیة ج۱ ص٤۱) . ظفیر

[2] وطین شارع الخ عفو (درمختار) وفي الفیض طین الشوارع عفو وان ملا الثوب للضرورة ولومختلطا بالعذرات وتجوز الصلوة معه (ردالمحتار باب الانجاس ص۲۹۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۲٤) ودر صورت مسئوله بالکل سوال نجاست نیست محض شک ووهم است، واصول فقهاء این است که یقین به شک زائل نمیشود (الاشباه والنظائر ص۷۵) . ظفیر

[3] وعفي الشارع عن قدر درهم وان کره تحریما فیجب غسله وما دونه تنزیها فیسن وفوقه مبطل فیفرض (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الانجاس ص۲۹۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۱٦) ذکر في الذخیرة اذا کانت النجاسة في موضع الاستنجاء اکثر من قدر الدرهم فاستجمر اي استنجي بثلثة احجار وانقاه اي موضع الاستنجاء ولم یغسله بالماء قال الفقیه ابو اللیث في فتاویه یجزیه یعني من غیر کراهة وکان الفضل قال صاحب الذخیرة وبه اي بما قال أبو اللیث ناخذ وفي هذا اشارة الی ان البعض یخالف في ذلک ولا اعلم فیه مخالف الخ وهذا اذا کانت تلک النجاسة ما خرج من الحدث المعتاد ولم تصبه من الخارج (غنیة المستملي ص۱۸۹) . ظفیر

سوال: (۲۱۷) **به چهار پائی پاک نماز جائز است؟** آیا براي شخص غیر مریض وغیر معذور در چهار پائي نماز جائز است یا نه؟ زید میگوید مثلیکه بالاي تخت نماز خواندن جائز است به چهار پائي هم جائز است وبکر میگوید که تا امروز نه درکدام کتاب دیده ام ونه از اقوال علماء ثابت است ونه بدون معذور کسي را بالاي چهار پائي به نماز دیده ام دراین صورت شرعا چه حکم است؟

جواب: بالاي چهار پائي نماز جائز است مثلیکه بالائي تخت جائز است چونکه هر دوزانو درحال رفتن به سجده به چهارپائي مانده شود دراین وقت در سجده مثل تخت محکم واستوار میگردد دراین وقت درسجده هیچ حرج نمیباشد چونکه چهارپائي اکثر اوقات پاک نمیباشد ازاین بابت مردم راجع به خواندن نماز به ان میل وعادت ندارند اگر کدام چهار پائي یقینا پاک ویا جدید باشد دراین صورت درخواندن نماز برآن کدام حرج نیست. [۱] فقط

سوال: (۲۱۸) **در زیر بالا خانه زن رقاصه وغزل خوان نماز جائز است یانه؟** یک مسکن سرکاري به یک زن رقاصه وغزل خوان داده شده ودر زیر آن دوکانهای کرایه است آیا در همین دوکان ها که در منزل بالای آنها زن رقاصه وغزل خوان سکونت دارد نماز خواندن جائز است ویانه؟

جواب: دراین جا نماز صحیح است [۲] مگر بهتر آن است که درمسجد نماز بخوانند. [۳]

سوال (۲۱۹) **حکم نماز درلباس ناپاک:** به لباس ام طفل شیرخوار بسیار زیاد شاشه کرده باشد ودرهمان لباس بدون شستن نماز داده باشد نماز صحیح شده یانه؟

جواب: دراین صورت اعاده نماز واجب است. [٤]

---

(۱) لو سجد على الحشيش او التبن الخ ان استقر جبهته وانفه ويجد حجمه يجوز (عالمگيري كشورى ص۲۹ ج۱، ط. ماجدية ج۱ ص۷۰) اما شرائط اركان الصلوة فمنها الطهارة بنوعيها من الحقيقية والحكمية والطهارة الحقيقية هي طهارة الثوب والبدن ومكان الصلوة عن النجاسة الحقيقية (بدائع الصنائع شرائط الاركان ص۱۱٤ ج۱) . ظفير

(۲) دراین مکان ومسکن کدام قباحت شرعي نیست والله اعلم

(۳) هي اى شروط الصلاة سنة طهارة بدنه الى قوله وثوبه الدر المختار النجا سة ان كانت غليظة وهي اكثر من ذاک الدرهم فغسلها فريضة والصلاة فيها باطلة وان كانت مقدار درهم فغسلها واجب الخ عالمگيري كشورى ج۱ص ٥٦ واذا ظهر حدث امامه وكذا كل مفسد في راي مقتد بطلت فيلزم اعادتها الخ كماين الى امام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث اوجنب او فاقد شرط اوركن (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ج۱ ص٥٥۳). ظفير

(٤) هي (اي شروط الصلوة) سنة طهارة بدنه الى قوله وثوبه (درالمختار ط.س. ج۱ ص٤٠۲) النجاسة ان كانت غليظة وهي اكثر من قدر الدرهم فغسلها فريضة والصلوة فيها باطلة وان كانت مقدار درهم فغسلها واجب الخ (عالمگيري كشورى ص٥۹ ج۱، ط. ماجدية ج۱ =

سوال: (۲۲۰) (۱) **بعد از جماع لباس را بدل نکرد ونماز خواند نمازش صحیح شده یانه**؟ اگر کسي بعد ازجماع لباس خود را بدل نکرد یا صرف لنگ را بدل کرد ولباسِ دیگري را بدل نکرد دراین صورت نمازش جائز است یانه؟

سوال: (۲۲۱) (۲) ملازمین شفاخانه چه قسم نماز بخوانند؟ یک نفر ملازم شفاخانه است همیشه به ادویه ناپاک ومردم ناپاک دست میزند وبه لباس آب ناپاک مي چکد وخشک میشود وبراي بعض ادویه از روي حکم مذهب دست زدن حرام است دراین صورت نماز را چه قسم اداء کند آیا بعد از غسل وتبدیل لباس نماز بخواند ویابدون غسل وتبدیل لباس نمازش صحیح است؟

جواب: (۱) وقتیکه غسل بکند ولباس ناپاک را بدل کرد نمازش صحیح میشود. [1]

جواب: (۲) لباس ناپاک خود را بدل کند بعد از ان نمازش صحیح خواهد شد. [2]

سوال: (۲۲۲) **در لباس ناپاک نماز جائز نیست**: براي یک شخص در عمر چهل سالگي قطرات بول پیش میشود یعني به مرض چکصیدن بول مبتلا شده وبراي دفع بول یک لته را به آله تناسل بسته میکند ودر بعض اوقات لته مذکور شاشه آلود میگردد مگر در زیر لته کمربند دیگري را هم بسته کرده در این صورت درهمان لته نمازش جائز است یانه؟

جواب: اگر بداند که پارچه زیرین زیاده ازقدر درهم در شاش تر شده نمازش درآن صحیح نمیشود واگر کمتر از قدر درهم ترشده بود نماز اوجائز است. [3] فقط

فصل دوم دربیان ستر عورت

سوال: (۲۲۳) **اگر قدم زن لوچ باشد نمازش صحیح خواهد شد**؟ در کتاب صلاة الرحمن

= ص۵۸) واذا ظهر حدث امامه وكذا كل مفسد في رأي مقتد بطلت فيلزم اعادتها الخ كما يلزم للامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث او جنب او فاقد شرط او ركن (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص۵۵۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۹۱). ظفير

(۱) در وقت جماع که بکدام حصه ناپاکي ميرسد همان حصه ناپاک ميشود تمام لباس ناپاک نميشود لهذا بدل کردن آن لباس ضرور است که ناپاکي به آن رسيده باشد البته بعد از جماع تمام بدن ناپاک ميشود وغسل فرض ميشود . وفرض الغسل الخ عند ايلاج حشفة هي ما فوق الختان ادعي الخ في احد سبيلي ادمي حي فجامع مثله الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار ابحاث الغسل ص۱۴۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۱۵۹) الشرط الخ شرعاً مايتوقف عليه الشيئ ولايدخل فيه هي ستة طهارة بدنه اي جسده الخ من حدث بنوعيه الخ وخبث مانع كذالك ولوبه الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص۳۷۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۰۲) . ظفير

(۲) ايضا. ظفير

(۳) وعفى الشارع عن قدم درهم وان كره تحريما فيجب غسله ومادونه تنزيها فيسن وفوق مبطل (درمختار) ففي المحيط يكره ان يصلي ومعه قدر درهم او دونه من النجاسة عالمابه لاختلاف الناس فيه (ردالمحتار باب الانجاس ص۲۹۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۱۶) . ظفير

نوشته کرده اگر درداخل نماز مقدار چهارم حصه قدم زن لوچ باشد نمازش جائز نیست آیا براي زنان پوشیدن موزه ها ویا جراب ضرور است؟

جواب: در الدر المختار نوشته است: که سخن معتمد این است که قدمین زن عورت نیست در لوچ شدن آن در نماز کدام خلل پیش نمیشود وحکم کتاب صلاة الرحمن هم یک قول است ومراد ازآن باطن قدم است نه ظهر قدم کذا في الشامي [1] ج۱ ص۴۲۱.

سوال: (۲۲۴) **آیا زن برای ستر پاهای خود موزه ها بپوشد؟** تمام بدن زن حره عورت است وپوشانیدن آن ضرور است این بدون دو کف دستان، روي وظهر قدمین دراین صورت براي پوشاندن پشت دستان وباطن قدمین دست کش وموزه پوشیدن ضرور است یانه؟

جواب: پوشاندن هر دوقدم پاها پوشاندن کفین وپشت هر دو دست درنماز ضرور نیست. [2] فقط والله تعالی اعلم کتبه عزیز الرحمن.

سوال: (۲۲۵) **کسی که لباس غیر دوخته شده ازخود تاوکرده باشد نمازش است یانه؟** یعني کسي که کورته وازار را نپوشد صرف درلنگ وچادر خود را بپوشاند نمازش درآن صحیح است یا نه؟

جواب: اگر عورتش لوچ نشود صحیح است مگر این طریقه خوب نیست. [3]

سوال: (۲۲۷) **اگر به بالای نیکر لنگ بزند نماز درآن صحیح یانه؟** کسي که دست مال رابه خود بسته کند یا نیکر بپوشد ودر بالاي آن لنگ یا ازار بپوشد نمازش درآن صحیح است یانه؟ واگر بعد از بستن رومال ونیکر نیم ازاره که تا زانوها است بپوشد ودر بالاي آن لنگ سوم بزند نمازش درآن صحیح است یا نه؟

---

(۱) وللحرة ولو خنثی جمیع بدنها الخ خلا الوجه والکفین الخ والقدمین علی المعتمد (درمختار) اي من الوال ثلاثة مصححة ثانیها عورة مطلقا، ثالثها عورة خارج الصلوة لا فیها، اقول ولم یتعرض لظهر القدم وفي القهستاني عن الخلاصة اختلفت الروایات في بطن القدم اهـ وظاهره انه لاخلاف في ظاهره، ثم رأیت في مقدمة المحقق ابن الهمام المسماة بزاد الفقیر قال بعد تصحیح ان انکشاف ربع القدم مانع ولو انکشاف ظهر قدمها لم تفسد الخ ثم نقل عن الخلاصة ان الخلاف انما هو نفي باطن القدم واما ظاهره فلیس بعورة بلا خلاف الخ (ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب ستر العورة ص۳۷۶ – ۳۷۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۰۵) . ظفیر

(۲) وهي اي العورة للرجل ماتحت سرته الی ماتحت رکبة الخ وللحرة ولو خنثی جمیع بدنها الخ خلا الوجه والکفین الخ والقدمین علی المعتمد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ط.س. ج۱ ص۴۰۴) . ظفیر

(۳) والرابع ستر عورته الخ وهي للرجل ماتحت سرته الی ماتحت رکبته الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص۴۷۴ – ۴۷۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۰۴) . ظفیر

جواب: در تمام صورتهاي مذکوره بشرط ستر عورت نماز صحیح میشود. [1] فقط

سوال: (۲۲۸) **درلباس مراعات ستر عورت ضرور است یانه؟** در غلظت ورقاقت لباس شرط چیست اگر لباس آنقدر رقیق وباریک باشد که بدن انسان درآن دیده شود مگر پوست وموي درآن دیده نشود نماز درآن صحیح است یانه؟ اگر از اثر رنگ لباس بدن انسان درآن دیده نشود ویا بعد از ازار ساختن بدن درآن دیده نشود دراین صورت حکم این لباس چه خواهد بود؟

جواب: وقتیکه رنگ بشره انسان ازآن دیده نشود ستر ثابت ونماز درآن صحیح است. [2]

فصل سوم دربیان استقبال قبله

بحث سمت قبله

سوال: (۲۲۹) (۱) **بحث سمت قبله:** نظر به اصول علم هیئت وعلم هندسه سمت عین کعبه کدام است آیا علم هیئت وعلم هندسه در شریعت قابل لحاظ است یانه؟

سوال: (۲۳۰) (۲) آیا درقطب وقتیکه بطرف راست دیده شود قبله ازمقام خورجه عینا به مغرب رو برو است؟

سوال: (۲۳۱) (۳) آیا وسیله قطب مندرجه مذکور اصول عام وکلی برای هندوستان است؟

سوال: (۲۳۲) (٤) اگر درخورجه مساجد موافق طریقه مندرجه مذکور ویا به یک طریقه دیگری غلط تعبیر شده باشد آیا مساجدي دیگري جدید هم به همین طریقه غلط تعمیر گردد اطلاع عرض خدمت است که چند مساجد موافق مندرجه ذیل یعني مطابق علم هیئت وعلم هندسه تعمیر شده، خورجه مطابق علم هیئت به ۲۸ درجه به شمال عرض البلد واقع است ومکه معظمه به ۲۱ درجه و ٤۰ لمحه، عرض البلد واقع است لهذا با این طریقه تقریبا هفت ۷ درجه فرق است ونظر به این اصول هفت درجه به جانب مغرب وجانب جنوب اداء کردن نماز ضرور است علماء کرام نیز به همین قسم فتوی داده اند.

سوال: (۲۳۳) آیا براي ما معلوم کردن عین قبله ضروراست ویا صرف جهت قبله کافي است؟

جواب: (۱) درسمت قبله وجهت قبله شرعا بسیار وسعت است واین ضرورنیست که عینا بطرف

---

(۱) والرابع ستر عورته ووجوبه عام ولو في الصلوة على الصحیح الا لغرض صحیح (درمختار) ووجوبه عام اي في الصلوة وخارجها الخ (ردالمحتار باب شروط الصلوة جلد اول ص۳۷٤ – ۳۷۵، ط.س. ج۱ ص٤۰٤) . ظفیر

(۲) وعادم ساتر لایصف ماتحته (درمختار) بان لایری منه لون البشرة احترازا عن الرقیق ونحو الزجاج (ردالمحتار باب شروط الصلوة ص۳۸۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۰۹) . ظفیر

كعبه روبرو باشد بلكه جهت كعبه هم كافي است ودراين باره به كمي انحراف بطرف راست ياطرف چپ دراستقبال قبله خلل پيش نميشود مثليكه در الدر المختار نيز همين قسم است: ولغيره اي غير معاينها اصابة جهتها بان يبقى شيئا من سطح الوجه مسامتا للكعبة او لهوائها [۱] الخ ودر شامي از قهستاني منقول است: ولا بأس بالانحراف انحرافا لا تزول به المقابلة بالكلية بان يبقى شيء من سطح الوجه مسامتا للكعبة الى ان قال وسياقه في المتن في مفسدة الصلاة انها تفسد بتحويل صدره عن القبلة بغير عذر فعلم ان الانحراف اليسير لا يضر وهو الذي يبقى معه الوجه او شيء من جوانبه مسامتاً لعين الكعبة أو لهو لانها مستقيما ولا يلزم ان يكون الخط الخارج على استقامة خارجا من جبهة المصلي بل منهما او من جوانبيها [۲] الخ، الحاصل چونكه بانحراف معمولي در استقبال قبله فرق پيش نميشود استقبال قبله حاصيل ميگردد كه قطب شمال را به جانب شمال قرار دادن ونماز خواندن استقبال قبله حاصل ميگرد ومساجديكه مطابق علم هيئت ويا علم هندسه تعمير شده همه آنها بطرف صحيح قبله تعمير شده دراين باره به جستجوي باريكات زياد حاجت نيست چرا كه براي معلوم كردن سمت قبله درهمه جاها آلات واسباب مهيا وميسر نميشود چونكه اين ظني هم است وبه عامه مردم اين تكليف دادن مشكل است ومساجد قديمه دراين باره خودش من حيث حجت صحيحه است وتغير دادن آنها از روي گمان بگشتاندن اندك روي در نماز مناسب نيست، قطب شمال را حجت گرفتن دراين باره دليل واضح علماء آكابر براي صحت آن كافي است. فقط

سوال: (۲۳٤) **بحث استقبال قبله درداخل نماز داخل ريل:** شخصيكه داخل ريل است اگر درجريان رفتار روي ريل از قبله تغير كند دراين صورت اگر نماز را بقيام بخواند اركان نماز مثل قيام وركوع وسجده براي او سخت ميشود واگر نماز را باشاره وقاعده بخواند قيام فرض از او ترك مي شود دراين حال چه قسم نماز بخواند؟

جواب: اگر كسي در ريل نماز فرض ميخواند دراين حال استقبال قبله وقيام وركوع وسجده وغيره جمله اركان نماز براي او ضرور است واز جهت تغير خط ريل استقبال قبله ساقط نميشود چرا كه با وجود تغير تختهاي ريل در وقت كم وبه تكليف كم استقبال قبله ممكن است واگر

---

[۱] الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة استقبال قبله ص۳۹۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۲۸. ظفير

[۲] الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة استقبال القبلة ص۳۹۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۲٦. ظفير

بدون مجبوريت استقبال قبله را ترک کند نماز او صحيح نميشود واگر دروقت تحريمه روي به قبله بود درداخل نماز خط ريل از قبله تغير کرد براي نماز گذار ضرور است که متوجه تغير باشد واو نيز خود را رو به قبله برابر کند که تمام ارکان نماز به جاي خود اداء شود براي او در ريل نماز فرض قطعا به قاعده جائز نيست واگر نفل را به قاعده [1] بخواند جائز است واگر در ريل هجوم مردم زياد باشد که حرکت رکوع وسجده وغيره درآن ممکن نباشد دراين صورت به قاعده نماز را بخواند. [2]

فصل چهارم در بيان نيت

سوال: (۲۳۵) **آيا نيت به زبان شرط است؟** آيا نيت به زبان براي صحت نماز ضرور است ويا صرف دردل نيت کردن کافي است؟

جواب: نيت دردل براي صحت نماز کافي است. [3]

سوال: (۲۳٦) **آيا نيت به زبان بدعت است؟** آيا تلفظ درنيت کردن بدعت است وبسم الله الرحمن الرحيم گفتن دربين فاتحه وسوره ممنوع است يا نه بيان فرمائيد؟

جواب: تلفظ درنيت کردن نمازبدعت نيست [4] وبسم الله مابين فاتحه وسوره ممنوع نيست. [5]

سوال: (۲۳۷) **نيت به زبان ضرور نيست:** من دريک کتاب فقه ديده بودم که نيت هرنماز اول دردل کرده شود وبعد به زبان اداء کردن آن ضرور است براي من اداء کردن نيت به زبان بسيار تکليف ميباشد دراين صورت چه عمل مناسب است؟

جواب: دراين صورت در دل صرف اين قسم نيت کافي است که مثلا اين نماز پيشين است واداء

---

(۱) ردالمحتار باب شروط الصلوة مبحث في استقبال القبلة ص۳۹۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۲۹. ظفير

(۲) والمربوطة بلجة البحر إن كان الريح يحركها شديدا فكالسائرة و الا فكالواقفة ويلزم استقبال القبلة عند الافتتاح وكلما دارت (درمختار) اي في قولهم جميعا وان عجز عنه يمسک عن الصلوة لعله يمسک ما لم يخف خروج الوقت لما تقرر من ان قبلة العاجز جهة قدرته وهذا كذلک والا فما الفرق (ردالمحتار باب صلاة المريض ص۷۱٤ ج۱) . ظفير

(۳) والمستحب في النية ان ينوي بقصد بالقلب ويتكلم باللسان بان يقول اصلي صلوة الخ ولو نوي بالقلب ولم يتكلم باللسان جاز بلا خلاف بين الائمة لان النية عمل القلب لاعمل اللسان واستحباب ضمه اليه لما ذكرنا (غنية المستملي ص۲۵۱ – ۲۵۲) . ظفير

(٤) وللفظ عند الارادة بها مستحب هو المختار الخ وقيل سنة يعني احبه السلف اوسنه علماءنا اذ لم ينقل عن المصطفى ﷺ ولا الصحابة ولا التابعين بل قيل بدعة (درمختار) نقله في الفتح وقال في الحلية ولعل الاشبه انه بدعة حسنة عند قصد جمع العزيمة (ردالمحتار باب شروط الصلوة بحث النية ص۳۸٦ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤١٥) . ظفير

(۵) وسمي الخ سرا في اول كل ركعة لو جهرية لاتسن بين الفاتحة والسورة مطلقا ولوسريه وتكره اتفاقاً (الد المختار على هامش ردالمحتار فصل في تاليف الصلوة ص٤٥٧ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤٩٠) . ظفير

كردن الفاظ نيت به زبان هم بهتر است اگر به زبان تكليف باشد تنها به دل كافي است. [1]

سوال: (۲۳۸) **اجازه امام برای مقتدی شرط نیست؛** زيد امام مسجد است وبكر ميگويد كه به عقب من نماز نخوانيد آيا نماز بكر به عقب زيد صحيح ميشود يا نه؟ يا نماز بكر در آنوقت صحيح ميشود كه زيد برايش اجازه كند؟

جواب: بكر به عقب زيد نماز خوانده ميتواند ونماز بكر صحيح است براي حكم واجازه زيد شرعا هيچ ضرورت نيست واين گفتار زيد بي جاي ومخالف شريعت است. [2]

سوال: (۲۳۹) **نیت به زبان ضرور است یا دردل؟** درمنية المصلي نوشته است كه الفاظ نيت نماز به زبان مستحب است ودر دل نيت نماز فرض است وبعض مردم ميگويند كه نيت كردن به زبان بدعت است؟

جواب: حكم صحيح اين است كه در نيت كردن به زبان هيچ باكي نيست بلكه مستحب است مگر نيت دل فرض است واين مذهب محقق احناف است. [3] فقط

سوال: (۲٤۰) **آيانيت نماز به زبان بدعت** است؟ زيد ميگويد كه نيت نماز به زبان بدعت است وعمر ميگويد كه نيت نماز به زبان سنت است؟

جواب: اصل نيت دردل است گفتن آن را فقهاء كرام تلفظ آن مستحب گفته است در الدر المختار ذكر شده: والمعتبر فيها عمل القلب اللازم للارادة الخ والتلفظ بها مستحب هو المختار. [4] فقط

سوال: (۲٤۱) **آيا نيت نماز به زبان عربی ضرور است؟** ايا نيت نماز به زبان عربي ضرور است يا به زبانهاي ديگري هم صحيح است؟

جواب: نيت اراده دل را ميگويد به تلفظ زباني درآن ضرورت نيست اگر به زبان آن بگويد بهتر

---

(۱) والخامس النية بالاجماع وهي الارادة المرجحة الخ والمعتبر فيها عمل القلب اللازم للارادة الخ والتلفظ عند الارادة بها مستحب هوالمختار (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص۳۸۵ – ۳۸٦، ط.س. ج۱ ص٤۱٤) . ظفير

(۲) والامام ينوي صلاته فقط ولايشترط لصحة الاقتداء نية امامة المقتدي (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص۳۹٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۲٤) . ظفير

(۳) والخامس النية بالاجماع وهي الارادة لا العلم والمعتبر فيها عمل القلب اللازم للارادة الخ والتلفظ بها مستحب وهو المختار الخ بل قيل هو بدعة (درمختار) نقله في الفتح وقال في الحلية ولعل الاشبه انه بدعة حسنة عند قصد حميع العزيمة الخ فلا جرم انه ذهب في المبسوط والبداية والكافي الى انه ان فعله ليجمع عزيمة قلبه فحسن (ردالمحتارباب شروط الصلوة بحث النية ص۳۸۵ ج۱. ط.س. ج۱ ص٤۱٤). ظ

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة بحث النية ص۳۸۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۱۵. ظفير

است [۱] وبراي هر قوم به هرزبان صحيح است.

سوال: (۲٤۲) **اگر مقتدي زن باشد براي امام نيت امامت زن ضرور است**؟ اگر کدام زن درجماعت شريک باشد براي امام نيت اين زن ضرور است يانه؟

جواب: اگر اين زن درمحاذ مقتدي مرد استاده نباشد دراين صورت براي امام نيت امامت آن ضرور نيست. [۲]

الباب الرابع في صفة الصلاة

فصل اول در بيان فرائض نماز

سوال: (۲٤۳) **تکبير تحريمه بدون فرق بر مرد وزن يک قسم فرض است**؟ آيا تکبير تحريمه بر زن فرض است؟

جواب: تکبير تحريمه برزن ومرد ضرور است دراين تکبير براي مردان کدام تخصيص نيست کما في عامة الکتب الفقه. [۳]

سوال: (۲٤٤) **در ريل استقبال قبله حتی الامکان ضرور است**: در ريل بنگال روبرو استاد شدن براي نماز ممکن نيست ودرکدام جائيکه ممکن است درآنجا درجاي قيام وسجده گرد وغبار ميباشد درآنجا قيام فرض است يانه؟

جواب: در ريل حتی الوسع نماز به قيام ورويِ به قبله ضرور است [٤] ودرجائي قيام وسجده وهم کرده نشود منتهي اينکه يک لته پاک را جاي نماز کند.

سوال: (۲٤۵) **سجده درنماز**: آيا در تمام نماز سجده افضل است يا نه؟

---

(۱) النية ارادة الدخول في الصلوة والشرط ان يعلم بقلبه اي صلاة يصلي الخ ولا عبرة للذكر باللسان فان فعله لتجتمع عزيمة قلبه فهو حسن كذا في الكافي (عالمگيري مصري الباب الثالث الفصل الرابع ص٦١ ج١، ط. ماجدية ج١ ص٦٥) ظفير

(۲) وان أم نساء فان اقتدت به المرأة محاذية لرجل في غير صلاة جنازة فلابد لصحة صلاتها من نية امامتها لئلا يلزم الفساد بالمحاذاة بلا التزام وان لم تقتد بلا محاذية اختلف فيه فقيل يشترط وقيل لا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب في النية ج١ ص٣٩٤، ط.س. ج١ ص٤٢٥). ظفير

(۳) من فرائضها التي لاتصح بدونها التحريمه قائما وهي شرط (درمختار) التحريمه المراد بها جملة ذكر خالص مثل الله اكبر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤١١ ج١، ط.س. ج١ ص٤٤٢) . ظفير

(٤) والسادس استقبال القبلة حقيقة او حكما كعاجز والشروط حصول لاطلبه الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص٣٩٦ ج١، ط.س. ج١ ص٤٢٧) والفرائض الباقية من الست هي القيام الخ لقوله تعالى: وقوموا لله قانتين (غنية المستملي ص٢٥٤) ومنها القيام في الفرض الخ للقادر عليه (درمختار) فلوعجز عنه حقيقة وهو ظاهر او حكما كما لو حصل له به الم شديد او خاف زيادة المرض الخ فانه يسقط الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث القيام ص٤١٤ – ٤١٥ ج١، ط س. ج١ ص٤٤٤) . ظفير

جواب: درنماز سجده، رکوع وقیام فرض است [۱] نظربه بعض اعتبار سجده افضل ونظر به بعض اعتبار قیام افضل است. [۲] فقط

سوال: (۲۴۶) **اگر درنماز انگشت کوچک پای حرکت کند حکم آن چیست**؟ انگشت کوچک پاي راست کسي که درنماز حرکت کند دراین صورت درنماز کدام فرق میاید یانه؟ اگر از امام این قسم حرکت صادر شود نماز مقتدیان صحیح میشود یا نه؟

جواب: به این حرکت هیچ خلل درنماز نمي اید واگر از امام این حرکت صادر شود دراین حال هم درنماز امام ونماز مقتدیان خلل پیش نمیشود. [۳]

سوال: (۲۴۷) **اگر به قاعده نماز بخواند رکوع را چه قسم اداء کند**؟ اگر کسي به قاعده نماز بخواند درحالت رکوع بلند کردن سرین ضرور است یانه؟

جواب: ضرور نیست، قال في رد المحتار ولو کان یصلي قاعدا ینبغي ان یحاذي جبهته قدام رکبته لیحصل الرکوع آه قلت ولعله محمول علی تمام الرکوع والا فقد علمت حصوله باصل طاء طاء الرأس مع انحناء الظهر الخ شامي. [۴]

سوال: (۲۴۸) **آیا بالای کاه وگیاه نماز جائز است یا نه**؟ اگر گیاه وغیره باندازه یک وجب بلند باشد که دروقت سجده بالا وپائین ویا پست وبلند میشود نماز برآن جائز است یانه؟

جواب: در الدر المختار در شرائط جواز سجده این هم نوشته شده: وان یجد حجم الارض، وتشریح این عبارت را علامه شامي چنین فرموده است: ان الساجد لو بالغ لا یتسفل رأسه أبلغ من ذلک الخ [۵] ج۱ ص۳۳۷. واگر این کاه وگیاه آنقدر باشد که دروقت سجده به زمین محکم میشود وپیشاني به آن قرار میگیرد دراین صورت سجده به آن صحیح است. فقط

---

(۱) ومن فرائضها التي لاتصح بدونها التحریمة قائما الخ ومنها القیام بحیث لومد یدیه لاینال رکبتیه الخ في فرض الخ لقادر علیه الخ ومنها القرائت لقادر علیها الخ ومنها الرکوع الخ ومنها السجود الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۱۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۴۲ – ۴۴۴) . ظفیر

(۲) وکثرة الرکوع والسجود احب من طول القیام کما في المجتبي الخ وان مذهب الامام افضلیة القیام (ایضا باب الوتر والنوافل ص۲۳۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۲۴۷) دتفصیل لپاره ردالمحتار حاشیه در مختار باب وصفحه ایضا وکوری. ظفیر

(۳) وحررناه في شرح الملتقي وفیه یفترض وضع اصابع القدم ولو واحدة نحو القبله وإلا لم تجز (اي السجدة) والناس عنه غافلون (درمختار) والحاصل ان المشهور في کتب المذهب اعتماد الفرضیة والارجح من حیث الدلیل والقواعد عدم الفرضیة الخ ثم الاوجه حمل عدم الفرضیة علی الوجوب والله اعلم (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۶۶ – ۴۶۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹۸ – ۵۰۰) . ظفیر

(۴) ردالمحتار، باب صفة الصلوة بحث الرکوع والسجود ج۱ ص۴۱۶ ، ط.س. ج۱ ص۴۴۷. ظفیر

(۵) ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في تالیف الصلوة ط.س. ج۱ ص۴۹۷. ظفیر

سوال: (۲٤۹) **برای زنان جائز نیست که بدون عذر نماز را به قاعده بخوانند**: دراین جا رواج است که زنان نماز را نه شسته میخوانند ایا این عمل جائز است یانه؟

جواب: تا وقتیکه انسان توان وطاقت قیام را داشته باشد به قاعده نمازش جائز نیست لهذا بدون عذر قوي وشرعي نماز زنان به قاعده جواز ندارد ونماز شان صحیح نمیگردد. [۱] فقط

سوال: (۲۵۰) **به چهار پائی نماز جائز است**: آیا به چهارپائي آن وقت نماز صحیح است که سخت ومحکم باشد ویا به چهارپائي سست هم جائز است؟

جواب: به چهارپائي به هرحال نماز جائز است اگر چهارپائي سست هم باشد دروقت رفتن به سجده چونکه به ماندن زانوها جاي سجده سخت واستوارمیگردد لهذا نمازبه آن جائز است. فقط

سوال: (۲۵۱) **اگر مقتدی در قاعده آخر خواب شود وهمراه امام سلام بگرداند آیا نمازش صحیح است**؟ زید به جماعت نماز خواند.ودرقاعده آخر اورا خواب برد وهمراه امام سلام گردانید مگر بعد ازبیدار شدن به مقدار تشهد در قاعده نماند دراین صورت نماز زید صحیح شده یانه؟

جواب: احتیاط دراین است قاعده را اعاده نماید وگرنه نمازش صحیح نخواهد شد وازتحقیق شیخ ابن الهمام جواز این نماز معلوم میشود واز قواعد فقهیة عدم جواز این نماز ظاهر میگردد از این جهت احتیاط درسخن دوم است وتفصیل این مسئله درشامي واضح شده. [۲]

سوال: (۲۵۲) **فاصله بین دو قدم درحال قیام چه قسم است**: اگر فاصله بین دو قدم درحال قیام باندازه چهار انگشت قرار گیرد چه قسم خواهد بود اگر از این مقدار کم وزیاد شود دراین وقت درنماز کدام خلل پیش میشود ویانه؟

جواب: فقهاء نوشته اند که فاصله بین دو قدم درقیام باندازه چهار انگشت بهتر است اگر ازمقدار مذکور کم وزیاد شود نماز صحیح است هیچ کراهیت ندارد، شامي جلد اول، فینبغي ان یکون بینهما مقدار اربع اصابع الید لانه اقرب الی الخشوع الخ شامي. [۳]

---

(۱) من فرائضها التي لا تصح بدونها التحریمة الخ ومنها القیام الخ في فرض وملحق به الخ لقادر علیه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤١٤ ج١، ط.س. ج١ ص٤٤٢ – ٤٤٤) . ظفیر

(۲) منها القعود الاخیر والذي یظهر انه شرط لانه شرع للخروج (درمختار) وبین في الامداد الثمرة بانه لو اتي بالقعدة نائما تعتبر علی القول بشرطیتها لا رکنیتها وعزاه الی التحقیق والاصح عدم اعتبارها کما في شرح المنیة (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤١٧ ج١، ط.س. ج١ ص٤٤٨) . ظفیر الدین غفرله

سوال: (۲۵۳) **اگر درسجده دو پای بلند شود چه حکم دارد**؟ اگر درسجده هر دوپاي از زمین بالا شود در این صورت نماز صحیح است یانه؟ اگر اندک بلند شود کدام خلل پیش نخواهد شد؟

جواب: در تمام نماز باید ضرور هر دوقدم به زمین استوار باشد اگر هر دوقدم از زمین بلند شود وباز به زمین مانده شود نماز صحیح شده. [1]

سوال: (۲۵٤) **کسی که گشت وگذر کرده میتواند برای اونماز به قاعده جائز است**؟ کدام شخص که به گشت وگذر ضروریات وحوائج خود را به قسم خوب اداء کرده میتواند مگر نماز را به قاعده میخواند آیا نماز او جائز است؟

جواب: اگر اوبه قیام نماز خود را کرده بتواند به قاعده نمازش جائز نیست.

فصل دوم در بیان واجبات نماز

سوال: (۲۵۵) **درنوافل قاعده اول واجب است یانه**؟ درنماز چهار رکعتي نفل قعده اول واجب است یانه؟

جواب: واجب است کما في الدرالمختار ولها واجبات الخ والقعود الاول وهو في نفل في الاصح. [2] فقط

سوال: (۲۵٦) (۱) **بعد از رکوع باید مستقیم استاد شود**: بعض مردم بعد ازرکوع مستقیم استاد نمیشوند وبه سجده میروند نماز شان صحیح میشود یانه؟

سوال: (۲۵۷) (۲) **اگر دربین دوسجده مستقیم نه نشیند اعاده نماز واجب میشود**؟ بسیار مردم از سجده اول اندک سر خودرا بالا میکنند وفورا به سجده دوم میروند نماز شان صحیح

([1]) ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث القيام جلد اول ص٤١٤ ج١، ط.س. ج١ ص٤٤٤. ظفير

([1]) وفيه يفترض وضع اصابع القدم ولو واحدة نحو القبلة والا لم تجز والناس عنه غافلون (درمختار) قوله فيه اي في شرح المنتقي وكذا قال في الهداية واما وضع القدمين فقد ذكر القدوري انه فرض في السجود آه فاذا سجد ورفع اصابع رجليه لاتجوز كذا ذكره الكرخي والجصاص ولو وضع احداهما جاز الخ فصار في المسئلة ثلاث روايات الاولى فرضية وضعهما، الثانية فرضية احداهما الثالثة عدم الفرضية الخ والحاصل ان المشهور في كتب المذهب اعتماد الفرضية والارجح من حيث الدليل والقواعد عدم الفرضية الخ ثم الارجه حمل عدم الفرضية على الوجوب. والله اعلم الخ وفي البزازية والمراد بوضع القدم هنا وضع الاصابع او جزء من القدم وان وضع اصبعا واحدة اوظهر القدم بلا اصابع ان وضع مع ذلک احدى قدميه صح والا لا (ردالمحتار، باب صفة الصلاة ج١ ص٤٦٦، ط.س ج١ ص٤٩٩) . ظفير

([2]) قوله وفي نفل لانه وان كان شفع منه صلاة فاذا قام الى الثالثة تبين ان ما قبلها لم يكن اوان الخروج عن الصلوة فلم تبق القعدة فريضة (ردالمحتار باب ايضاً ص٤٣٤ ج١، ط.س. ج١ ص٤٦٥) . ظفير

است یانه؟

جواب: (۱) کسي که از رکوع بالا میشود ومستقیم استاد نمیشود دراین صورت ترک واجب میشود وآن نماز قابل اعاده است.[1] یعني نماز صحیح نشده باید از سر نو دوباره خوانده شود.

جواب: (۲) به قول بعض محققین ترک جلسه بین دو سجده ترک واجب است واعاده این نماز واجب است یعني اگر ترک جلسه کرده نماز را بار دوم بخواند.[2]

سوال: (۲۵۸) **تشهد درنماز واجب است:** تشهد درنماز افضل است یا نه؟

جواب: تشهد یعني التحیات تا عبده ورسوله گفتن واجب است.[3] فقط

سوال: (۲۵۹) **حکمت چیست که درچهار رکعت فرض دورکعت خالی است وبدون فرض تمام رکعتهای هرنماز پُر است؟** درفرض دورکعت خالي خوانده وتمام رکعتهاي نماز بدون فرض پُر خوانده میشود؟

جواب: درنماز چهار رکعتي فرض دورکعت به حکم حدیث شریف خالي خوانده میشود.[4] ودر نماز سنت نفل وغیره اصلا هر شفعه یعني هر دورکعت جدا است از این جهت تمام رکعتهاي آن پر یا به ضم سوره خوانده میشود وکسانیکه چهار رکعت وزیاده از آن نماز سنت نفل وغیره را به یک نیت میخوانند جائز است مگر درباره قرأة مراعت اصل براي شان واجب میباشد.[5]

سوال: (٦٢٠) **آیابه کراهیت تحریمی اعاده نمازواجب است؟** آیابه هرعمل مکروه تحریمي

---

(1) ولها واجبات الخ وهي قرائت فاتحة الكتاب الخ وتعديل الاركان اي تسكين الجوارح قدر تسبيحة في الركوع والسجود وكذا في الرفع منهما على ما اختاره الكمال (درمختار) قوله وكذا الرفع الخ اي يجب التعديل ايضا في القومة من الركوع والجلسة بين السجدتين وتضمن كلامه وجوب نفس القومة والجلسة ايضا الخ حتى لوتركها او شيئا منها ساهيا يلزمه السهو لو عمل يكره اشد الكراهة ويلزمه ان يعيد الصلاة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلوة ص٤٢٤ ج١ وص٤٣٢ ج١، ط.س. ج١ ص٤٥٦ – ٤٦٤) . ظفير

(2) ولها واجبات الخ وهي قرائت فاتحة الكتاب الخ وتعديل الاركان اي تسكين الجوارح قدر تسبيحة في الركوع والسجود وكذا في الرفع منهما على ما اختاره الكمال (درمختار) قوله وكذا الرفع الخ اي يجب التعديل ايضا في القومة من الركوع والجلسة بين السجدتين وتضمن كلامه وجوب نفس القومة والجلسة ايضا الخ حتى لوتركها او شيئا منها ساهيا يلزمه السهو لو عمل يكره اشد الكراهة ويلزمه ان يعيد الصلاة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلوة ص٤٢٤ ج١ وص٤٣٢ ج١، ط.س. ج١ ص٤٥٦ – ٤٦٤) . ظفير

(3) ومنها قرائت التشهد فانها واجبة في القعدتين الاولى والاخيرة الخ فاوجب السجود بترک التشهد في القعدة الاخيرة كما في القعدة الاخيرة وهو ظاهر الرواية (غنية المستملي ص٢٩٥) . ظفير

(4) وعن ابي قتادة قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يقرأ في الظهر في الأولين بام الكتاب وسورتين وفي الركعتين الاخريين بام الكتاب ... وهكذا في العصر (مشكوة باب القرائت في الصلوة ص٩٧) . ظفير

(5) وضم سورة الخ في الاولين من الفرض الخ وفي جميع ركعات النفل لان كل شفع منه صلاة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة واجبات الصلوة ص٣٢٧ ج١، ط س. ج١ ص٧٥٨) . ظفير

اعاده نماز واجب است يا نه؟

جواب: بدون شک در عملي مکروه تحريمي اعاده نماز واجب است [۱] وبراي تفصيل اين سخن اين وقت وموقع مناسب نيست.

سوال: (۱٦۱) **نمازهائيکه بدون تعديل ارکان اداء شده آن چيست؟** عمر يک نفر بيست سال است دراين بيست سال او هيچ نماز درست وصحيح نخوانده اوصرف چند چيز ميزند ونماز را ختم ميکند دراين صورت نمازهاي اوصحيح شده يانه؟ اگر تمام نمازها را اعاده کند صرف فرض را اعاده کند وي سنت را هم اعاده نمايد؟

جواب: کدام نماز را که بدون تعديل ارکان خوانده است صحيح است، مگر اعاده آنها بهتر است [۲] فرض ووتر را اعاده کند سنت را اعاده نکند.

فصل سوم در بيان سنت نماز وکيفيات آن

سوال: (۲٦۲) **تعداد تسبيحات رکوع وسجده:** اگر در رکوع وسجده زياد تر از ده دفعه وسه دفعه تسبيحات گفته شود مکروه ميشود يا مستحسن، درقومه بعد ازسمع الله لمن حمده، گفتن ربنا ولک الحمد مستحسن است يانه؟ ودر جلسه رب اغفرلي وارحمني وعافني وارزقني گفتن مستحسن است يانه؟

جواب: وقتيکه تسبيح رکوع وسجده گفته شود سنت تسبيح اداء ميشود ودرفرائض درتسبيحات حکم تخفيف است تا اينکه به خاطر مقتديان تطويل زياد نشود مثليکه بعض صحابه را رسول پاک از جهت تطويل قرائت: اَفَتَّانٌ اَنْتَ؟ [۳] گفته است يعني به مردم قرائت را دراز ميکني ومردم را درفته ومشقت مياندازي در حاليکه قرائت از اجزاء افضل نماز هم است مگر احناف زياد گفتن تسبيح را زياد تر ازسه بار مکروه نميگويند [٤] وبعد ازسمع الله لمن حمده، گفتن ربنا

---

(۱) وکذا کل صلاة اديت مع کراهة التحريم وجب اعادتها (الدرالمختار علي هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص ٤۲۵، ط.س. ج۱ ص٤۵۷) . ظفير

(۲) و لها واجبات لاتفسد بترکها وتعاد وجوبا في العمد والسهو ان لم يسجد له وان لم يعدها يکون فاسقا آثما الخ وهي قرائت فاتحة الخ وتعديل الارکان (الدر المختار علي هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ص٤۲٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۵٦) . ظفير

(۳) مشکوة باب القرائت في الصلوة. فصل اول ص۷۹ عن البخاري ومسلم. ظفير

(٤) ويقول في رکوع سبحان ربي العظيم ثلاثا وذلک ادناه فلو ترک التسبيح اصلا واتي به مرة واحدة يجوز ويکره ((عالمگيري مصري ص۷۹ ج۱ ط. ماجدية ج۱ ص۷٤) ويقول في سجوده سبحان ربي الاعلى ثلاثا و ذلک أدناه کذا في المحيط ويستحب ان يزيد على الثلاث في الرکوع والسجود بعد ان يختم بالوتر کذا في الهداية فالادني فيها ثلاث مرات والاوسط خمس مرات والاکمل سبع مرات کذا في الزاد، =

لک الحمد مستحب است [۱] وبه همین قسم درجلسه دعاء رب اغفر لي الخ گفتن جائز ومستحسن است [۲] مگر بهتر آن است که دعاها واذان را در نوافل بخوانند ودر فرائض تخفیف را اختیار نمایند، مثلیکه امر (فلیخفف آهـ) درحدیث شریف این تخفیف را تقاضا میکند: واذ اراد الله بعبد خیرا یفقهه في الدین. [۳] فقط

سوال: (۲٦۳) **رفع یدین در کدام حصه نماز است:** رفع الیدین درکدام حصه نماز اداء میشود؟

جواب: رفع الیدین بدون تکبیر تحریمه به نزد احناف درتمام نماز منسوخ است چرا که اصحاب جلیل القدر آن را ترک کرده بودند عن براء بن عازب ﷺ قال: کان النبي ﷺ اذا کبر لافتتاح الصلاة رفع یدیه حتی یکون ابهاماه قریبا من شحمتي اذنیه ثم لا یعود [٤] عن الاسود قال رایت عمر بن الخطاب ﷺ یرفع یدیه في اول ثم لا یعود قال ابو جعفر الطحاوي فهذا عمر لم یکن یرفع یدیه ایضا الا في التکبیرة الاولی في هذا الحدیث وهو حدیث صحیح الخ وفعل عمر هذا وترک اصحاب رسول الله ﷺ ایاه علی ذلک دلیل صحیح ان ذلک هو الحق الذي لاینبغي لاحد خلافه. [۵]

سوال: (۲٦٤) **دلیل منسوخ شدن رفع الیدین چیست؟** تمام رفع الیدین بدون هفت مقامات منسوخ شده است دلیل آن چه میباشد؟

= وان کان اماما لایزید علی وجه یمل القوم کذا في الهدایة (عالمگیري مصري الباب الرابع في صفة الصلاة فصل ثالث ص۷۰ ج۱، ط. ماجدیة ج۱ ص۷۵) . ظفیر

(۱) ان کان اماما یقول سمع الله لمن حمده بالاجماع وان کان مقتدیا یاتي بالتحمید ولا یاتي بالتسمیع بلا خلاف، وان کان منفرد الاصح انه یاتي بهما کذا في المحیط وعلیه الاعتماد کذا في التارخانیه وهو الاصح هکذا في الهدایة ثم في الروایات بجمع یاتي بالتسمیع حلل الارتفاع واذا استوی قائما قال ربنا لک الحمد کذا في الزاهدي وهو الصحیح کذا في القنیة (عالمگیري مصري باب ایضا ص۷۰ ج۱) . ظفیر

(۲) والسنة فیه ان یرفع ان رأسه حتی یستوی جالسا ولیس في هذا الجلوس ذکر مسنون عندنا هکذا في الجوهرة النیرة (عالمگیري مصري ج۱ ص۷۰، ط. ماجدیة ج۱ ص۷۵) قال ابویوسف سألت الامام أیقول الرجل إذا رفع رأسه من الرکوع والسجود اللهم اغفر لي؟ قال: یقول ربنا لک الحمد وسکت الخ أقول: بل فیه إشارة إلی أنه غیر مکروه إذ لو کان مکروها لنهی عنه کما ینهی عن القرائت في الرکوع والسجودوعدم کونه مسنونا لاینافي الجواز کالتسمیة بین الفاتحة والسورة بل ینبغي أن یندب الدعاء بالمغفرة بین السجدتین خروجا من خلاف الإمام أحمد لإبطاله الصلاة بترکه عامدا ولم أر من صرح بذلک عندنا لکن صرحوا باستحباب مراعاه الخلاف (رد المحتار باب صفة الصلاة ج۱ ص۴۷۲، ط.س. ج۱ ص۵۰۵) . ظفیر

(۳) مشکوٰة کتاب العلم فصل اول ص۳۲، الفاظ دمشکوة یه حدیث کي دا دي: من یرد الله به خیرا یفقه في الدین. ظفیر

(٤) شرح معاني الاثار، باب التکبیر للرکوع والتکبیر للسجود والرفع من الرکوع هل مع ذلک رفع ام لا ص۱۳۲ ج۱. ظفیر

(۵) ایضا: ص ۱۳۳ وص ۱۳٤. ظفیره

جواب: رفع اليدين بدون هفت مقام منسوخ شده: والدليل المحمل لكل روي عن النبي ﷺ انه قال لا ترفع الايدي الا في سبع مواطن وعد منها تكبيرة الاولى وتكبيرة القنوت والعيدين وذكر الاربع في الحج كذا في الهداية ثم هذا عندنا، وقال الشافعي: يرفع يديه عند الركوع والرفع منه لانه عليه السلام فعل ذلک ولنا ما روينا وما رواه محمول على الابتداء وكذا نقل عن ابن الزبير فانه راى رجلا يفعل هذا فقال: لا تفعل ليس هذا بشيء فانه شيء فعله رسول الله ثم تركه كذا في الهداية [1] والكفاية وقد روى الطبراني بسنده عن ابن ابي ليلى عن الحكيم عن المقسم عن ابن عباس عن النبي ﷺ [2]. فقط

سوال: (۲۶۵) **بعد از نیت ترتیب بستن دو دست**: بعد ازنیت نماز هر دو دست را اویزان بماند وبعدا زیر ناف آن را بماند ویا بگوشها بلند کند وبعدا زیر ناف بماند؟

جواب: دستهاي خود را تا گوشها بلند کند ونیت نماز کند وبعدا دستهاي خود را زیر ناف بماند. [3]

سوال: (۲۶۶) (۱) **ترتیب نماز به قاعده**: شرائط نماز به قاعده چیست اما مدرسه ما مولوی حیدر علی صاحب میگوید کسانیکه به قاعده نماز میخوانند ودرسجده سیرین خود را بلند نمایند نماز آنها نمیشود بلکه سجده مثل سجده زنان ضرور است.

سوال: (۲۶۷) (۲) **شرائط نماز باقاعده چیست**؟ شرائط نماز باقاعده چیست؟

جواب: (۱) این سخن شان غلط است براي مردان مناسب نیست که مانند زنان نماز بخوانند مردان سیرین خود را درسجده بلند کنند. [4]

جواب: (۲) نماز نفل بدون عذر به قاعده جائز است ونماز فرض وواجب بدون عذر به قاعده جائز نیست وسنت مؤکده را نیز بدون عذر به قاعده نخوانند. [5] فقط

---

(1) در هدايه باب صفة الصلاة جلد اول وهم در فتح القدير باب صفة الصلاة: ج ۱ ص ۲۶۸ را مطالعه فرمائيد.

(2) القدير باب صفة الصلاة: ج ۱ ص ۲۹۶. ظفير

(3) ورفع يديه الخ ماسا بابهامه شحمتي اذنيه الخ ووضع الرجل يمينه على يساره تحت سرته (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفه الصلاة فصل ج۱ ص۴۵۰) ظفير

(4) ويضع يديه في السجود حذاء اذنيه. الخ ولايفترش ذراعيه ويجافي بطنه عن فخذيه والمراة لا تجافي في ركوعها وسجودها وتقعد على رجليها وفي السجدة تفترش بطنها على فخذيها عالمگيري باب رابع صفة الصلاة فصل ثالث ج ۱ ص. ۷. ويضع عضديه الخ ويباعد بطنه عن فخذيه الخ وامراة تنخفض فلاتبدي عضديها وتلصق بطنها، الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلاة فصل تأليف الصلاة ج۱ ص۴۷۰. ظ

(5) ويتنفل مع قدرته على القيام قاعدا لا مضطجعا الابعذر يتنفل الخ اي في غير سنة الفجر في الاصح كما قدمه المصنف بخلاف التراويح =

سوال: (۲٦۸) **<u>درسلسله رفع اليدين حال يک حديث</u>**: روايت كرده وكيع از اعمش واو ازمسيب بن رافع مسيب از تميم بن طرفه وتميم از جابر بن سمرة او گفته است كه رسول الله ﷺ به نزديک ما تشريف آورد در حاليكه ما در نماز دستهاي خود.را بالا ميكرديم دراين وقت رسول الله ﷺ فرمود اين چه حال است كه من شما را می بينم كه دستهاي خود را مثل اسپهاي سركش بلند ميكنيد درنماز باطمينان باشد اين حديث صحيح است ياضعيف؟

جواب: دراين حديث اختلاف است وتحقيق درفتح القدير به اين قسم است: عن جابر بن سمرة قال دخل علينا رسول الله والناس رافعوا ايديهم قال زهير اراه قال في الصلاة فقال: ما لي اراكم رافعي ايديكم كانها اذناب خيل شمس اسكنوا في الصلاة [1] اين حديث صحيح است ومطلقا در حال نماز است. فقط

سوال: (۲٦۹) **<u>زن درسجده وجلسه پاهاي خود را چه قسم بماند</u>**؟ زن بايد درسجده وجلسه پاهاي خود را چه قسم بماند؟

جواب: براي زن درسجد وجلسه استاد كردن پاها سنت نيست: في الشامي انها لا تنصب اصابع القدمين [2] لهذا در سجده وجلسه پاهاي خود را استاد نكند ودر جلسه سجده وتشهد وغيره تورک كند يعني به سيرين خود پيوست بنشيند، في الشامي: وتتورک في التشهد. [3]

سوال: (۲۷۰) **<u>درسلسله نماز خواندن به قاعده يک روايت غلط</u>**: من صلى قاعدا لا يرفع الاليتين في الركوع والسجود فان رفع الاليتين فيها تفسد صلاته الخ اين روايت صحيح است يانه؟

جواب: اين روايت مخالف قواعد وبي اصل است ودرهيچ كتاب معتبر وجود ندارد بلكه دراين باره حكم عام دركتابهاي فقه اين است: ويظهر عضديه ويباعد عن فخذيه [4] الدر المختار اين حكم سجده هم براي نماز گذار به قيام وهم براي نماز گذار به قاعده شامل است وبلند كردن سيرين درسجده لازم است. فقط

سوال: (۲۷۱) (۱) **<u>پيش از شروع سورة گفتن بسم الله چه قسم است</u>**؟ آيا گفتن بسم الله

= لانها دونهما في التاكد لتصح قاعد (او ان خالف المتوارث الخ رد المختار رد المحتارباب الوتر والنوافل ج ۱ ص ٦۵۲. ظفير

(۱) جلد اول البناية في شرح الهداية كشورى ص٦٦۲ را مطالعه فرمائيد

(۲) رد المحتار باب صفة الصلاة في تاليف الصلاة ج ۱ ص ۴۷۱ ظفير

(۳) ردالمحتار باب صفة الصلاة فصل في تاليف الصلاة ج ۱ ص ۴۷۱ ظفير

(۴) الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلاة فصل اذا اراد الشروع ص ۴۷۰. ظفير

الرحمن الرحيم بعد از الحمد لله شريفه وپيش از سوره درنماز جائز است يانه؟

سوال: (۲۷۲) (۲) **درتشهد حلقه كردن انگشت:** ايا در تشهد حلقه كردن دروقت كلمه شهادت جائز است يانه؟

جواب: (۱) بعد از الحمد لله شريف گفتن بسم الله پيش از سوره جائز بلكه مستحب است. [1]

جواب: (۲) در التحيات حلقه كردن آنگشت وسطى وابهام، واشاره كردن توسط سبابه سنت ميباشد. [2] فقط

سوال: (۲۷۳) اگر آمين را بطور بخواند كه صرف يک دونفر بشنود چه خواهد بود؟ اگر كسي درنماز آمين را طوري بگويد كه به نزديكش صرف يک دونفر بشنود دراين صورت عند الاحناف نمازش صحيح است يانه؟

جواب: عند الاحناف آمين گفتن سنت است اگر به نزديكش دو نفر آن را بشنود بازهم اين قسم گفتن جائز نيست بلكه درخفيه گفتن داخل است كما قال في الدر المختار وادنى المخافة السماع لنفسه ومن بقربه ولو اسمع رجل او رجلان فليس بجهر [3] الخ.

سوال: (۲۷٤) **اداء كردن سجده شكر چه قسم است:** حكم سجده شكر چه است آيا پيش او خواندن نماز اداء شود يا چه وقت وبعد از نماز بدون سبب سجده كردن چه قسم است؟

جواب: سجده شكر عند تجدد النعمة مستحب است: في الدر المختار وسجدة الشكر مستحبة [4] وبعد ازنماز بدون سبب مكروه است: كما فيه ايضا لكنها تكره بعد الصلاة لان الجهلة يعتقدونها سنة او واجبة وكل مباح يؤدي اليه فهو مكروه الخ. [5] فقط

سوال: (۲۷۵) **دروقت بلند شدن ازركوع مقتدى همراه ربنا لک الحمد اللّٰهمّ بگويد يانه؟**

---

(۱) ولاتسن (اي التسمية) بين الفاتحة والسورة مطلقا ولو سرية، ولاتكره اتفاقا وما صحح الزاهدي من وجوبها ضعفه في البحر (درمختار) وقال محمد تسن ان خافت لا إن جهر الخ وذكر في المصفي ان الفتوى على قول ابى يوسف انه يسمي في اول كل ركعة ويخفيها وذكر في المحيط المختار قول محمد وهو ان يسمي قبل الفاتحة وقبل كل سورة في كل ركعة الخ قوله: ولا تكره الخ ولهذا صرح في الذخيرة والمجتبي بانه ان سمي بين الفاتحة والسورة المقروءة سرا او جهراً كان حسنا عند ابي حنيفة رجحه المحقق ابن الهمام وتلميذه الحلبي (ردالمحتار باب صفة الصلوة قبيل مطلب قرءة البسملة ص٤٥٧ – ٤٥٨ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤٩٠) . ظفير

(۲) لكن المعتمد الخ انه يشير لفعله عليه الصلاة والسلام (درمختار) فهو صريح في ان المفتى به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع الخ (ردالمحتار ج۱ ص٤٧٥، ط.س. ج۱ ص٥٠٨) . ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في القرائت ص٤٩٨ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥٣٤ – ٥٣٥. ظفير

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة مطلب في سجدات الشكر ج۱ ص٧٣١، ط.س. ج۲ ص١١٩. ظفير

(٥) ايضا. ظفير

وقتیکه امام سمع الله لمن حمده بگوید دراین وقت مقتدي صرف ربنا لک الحمد بگوید وياكلمه اللهم را هم زیاد کند وبهتر کدام قسم است؟

جواب: وقتيه امام سمع الله لمن حمده بگوید مقتدي صرف ربنا لک الحمد بگوید واگر کلمه اللهم را همراهش زیاد کند بهتر است درحدیث شریف هر دو قسم وارد شده دربعضی احادیث شریف زیاد کردن (واو) نیز وارد شده یعني اللهم ربنا ولک الحمد پس هر کدام الفاظ ذکر شده را که بگوید کافي است وسنت اداء میشود. [1] فقط

سوال: (۲۷۶) **اگر دروقت سلام دادن مقتدی پیش از امام فارغ شود:** اگر دروقت سلام گشتاندن مقتدي پیش ازامام فارغ شود یعني سلام گشتاندن امام ختم نشده وسلام مقتدي ختم شد دراین صورت نماز مقتدي صحیح است یانه؟

جواب: دراین صورت درنماز مقتدي هیچ قسم خلل پیش نمیشود. [2] فقط

سوال: (۲۷۷) **درلفظ الله اكبر خواندن حرف (راء) به اواز بلند (دال) چه حکم دارد؟**

بگمان زید مردم عام درتکبیرات انتقالي نماز حرف (راء) را آنقدر کش میکند به سبب آن درنماز نقصان پیش میشود اداء کردن حرف (راء) در الله اکبر به این قسم که عام مردم آن را مثل (دال) فکر کنند شرعا چه قسم است؟

جواب: این عمل مناسب نیست تبدیل حروف جائز نمیاشد. [3]

سوال: (۲۷۸) **طریقه سجده:** دروقت سجده ران وساق بکدام اندازه یکي از دیگري دور باشد آیا باندازه زاویه قائمه مناسب است یا چه قسم؟

جواب: در الدر المختار ذکر شده: ویظهر عضدیه في غیر زحمة ویباعد بطنه عن فخذیه لیظهر کل عضو بنفسه الخ. [4]

---

(1) ویکتفي بالتحمید الموتم وافضله اللهم ربنا ولک الحمد ثم حذف الواو ثم اللهم فقط (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٦٤ ج١، ط.س. ج١ ص٤٩٧) . ظفیر

(2) لو اتم المؤتم التشهد بان اسرع فیه وفرغ منه قبل اتمام امامه فاتي بما یخرجه من الصلوة کسلام وکلام او قیام جاز اي صحت صلاته بحصول بعد تمام الارکان الخ وانما کره للموتم ذالک لترکه متابعة الامام بلا عذر فلو به الخ فلا کراهة (ردالمحتار باب صفة الصلاة ج١ ص٤٩٠، ط.س. ج١ ص٥٢٥) . ظفیر

(3) معناي تکبیر الله اکبر گفتن است اگر حرف (راء) را به دال بدل کند معناي تکبیر اداء نخواهد شد وجهر الامام بالتکبیر بقدر حاجت بالدخول والانتقال الخ. الدر المختار علی هامش ردالمحتار سنن صلاة: ج ١ ص ٤٤٣. ظفیر

(4) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج١ ص٤٧٠، ط.س. ج١ ص٥٠٣. ظفیر

پس معلوم شد که در سجده همین قدر سنت است وباندازه زاویه قائمه ضرور نیست وباندازه زاویه آن وقت صحیح است که تنها گذار یا امام باشد اگر درصف جماعت همراه دیگران استاد باشد این عمل را نکند یعني رانها را ازساق باندازه زاویه قائمه دور نکند که به مردم تکلیف پیش میشود . فقط

سوال: (۲۷۹) **زنان درسجده انگشتان پاهاي خود را چه قسم بمانند؟** زنان دروقت سجده انگشتان پاهاي خود را استاد نگاه کنند ویا هموار کنند؟

جواب: درحق زنان استاد کردن انگشتان پاها مشروع نیست: وذکر في البحر انها لا تنصب اصابع القدمین الخ شامی. [۱] فقط

سوال: (۲۸۰) **امام که سبحانک بگوید متصل آن قرائت را شروع کند ویا بانتظار ثناء خواندن مقتدیان باشد؟** امام باید بعد ازخواندن ثناء قرائت را شروع کند ویا براي ثناء خواندن مقتدیان انتظار کند؟

جواب: قرائت را شروع کند انتظار ثناء خواندن مقتدیان را نکند. [۲]

سوال: (۲۸۱) **کسی که در وقت سلام گشتاندن درتشهد نماز جماعت شریک شود تشهد را مکمل بخواند یانه؟** کسي که در وقت سلام دادن امام اقتداء کند آیا بعد از سلام دادن امام تشهد را مکمل کند یا نه؟

جواب: درشامي ج۱ ص۳۳۳ ذکر شده که قول مختار دراین مسئله این است که تشهد را مکمل کند بعد ازآن استاد شود واگر تکمیل نکرد واستاد شد نیز جائز است. [۳]

سوال: (۲۸۲) **اگر دروقت سلام گشتاندن سلام کدام مقتدي دعا را مکمل نخوانده باشد دراین صورت چه کند؟** وقتیکه امام سلام بگرداند ویک حصه دعاء مقتدي مانده باشد دراین صورت مقتدي همراه امام یکجاه سلام بگرداند ویا بعد از ختم کردن دعاء سلام بگرداند؟

---

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۷۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۰۸. ظفیر

(۲) وقرا سبحانک اللهم الخ الا اذا شرع الامام في القرائت سواء کان مسبوقا او مدرکا وسواء کان امامه یجهر بالقرائت او لا فانه لا یأتي به الخ ادرک الامام في القیام یثنی مالم یبدء بالقرائت (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل ص۴۵۶ ج۱، ص۴۸۸) . ظ

(۳) وشمل باطلاقه ما لو اقتدی به في اثناء التشهد الاول او الأخیر فحین قعد قام امامه او سلم ومقتضاه انه یتم لم یقوم ولم اره صریحا لم رایته في الذخیرة ناقلا عن ابی اللیث المختار عندي انه یتم التشهد وان لم یفعل اجزاه (ردالمحتار باب صفة الصلوة بعد مطلب في اطاعة الرکوع للجائی ص۴۶۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹۶) . ظفیر

جواب: اگر مقدار کمي دعاء مانده باشد زودتر آن را تکمیل وکمي بعد سلام بگرداند دراین عمل هم کدام حرج نیست. [۱] فقط

سوال: (۲۸۳) **وقتیکه شخص مقیم به امام مسافر اقتداء کند در رکعتهای باقی مانده تحمید بگوید یا تسمیع:** شخص مقیم مقتدي است وامام مسافر است وقتیکه نماز امام ختم میشود حالا مقتدي در رکعتهاي باقي مانده خود تنها ربنا لک الحمد میگوید ویا تنها سمع الله لمن حمده؟

جواب: از روی ظاهر تسمیع وتحمید هر دو افضل است. [۲] فقط

سوال: (۲۸٤) **بعد از نماز فرض خواندن آیة الکرسی؟** امام بعد از نماز فرض درکدام مقدار وقت آیة الکرسي را بخواند اگر امام بسیار وقت بنشیند واوراد بخواند آیا برای مقتدي پیروي امام لازم است یا بعد از دعا به خواندن سنت مشغول شود؟

جواب: اگر بعد از اداء فرض وپیش از سنت آیة الکرسي وتسبیحات بعد الصلاة وغیره اوراد مختصر را تکمیل کند وبعدا سنت بخواند کدام حرج نیست ودراین باره کدام وقت محدود ومعین نیست مگر امام تأخیر زیاد نکند [۳] اگر امام اورا زیاد میخواند در این صورت براي مقتدیان اتباع او لازم نیست براي مقتدیان اختیار است که فورا ویا کمي بعد از اورا به سنت استاد شوند. فقط

سوال: (۲۸۵) (۱) **دروقت سحر ودیگر به سمت جنوب روبرو شدن ودعاء کردن:** زید بعد از نماز سحر ودیگر دربعض روزها رو به جنوب میشود دعاء میکند آیا این عمل از پاک حضرت ﷺ ثابت است ویا نه؟

سوال: (۲۸٦) (۲) **رواج انصراف به طرف راست وچپ در هندوستان:** آیا در هندستان نیز

---

(۱) ولو سلم والموتم في ادعیة التشهد تابعه لانها سنة والناس عنه غافلون (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب: صفة الصلوة فصل بعد مطلب في اطاعة رکوع للجاني ص۴۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹٦) . ظفیر

(۲) ویکتفی بالتحمید الموتم وافضله اللهم ربنا ولک الحمد ثم حذف الواو ثم حذف اللهم فقط، ویجمع بینهما لو منفردا علی المعتمد یسمع رافعا ویحمد مستویا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة ص۴۲٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹۷) . ظفیر

(۳) ویکره تاخیر السنة الا بقدر اللهم انت السلام الخ قال الحلواني لاباس بالفصل بالاوراد واختاره الکمال قال الحلبي ان اريد بالکراهة التنزیهیة ارتفع الخلاف (درمختار) فکان معناها ان الاولی ان لایقرء قبل السنة ولو فعل لاباس فافاد عدم سقوط السنة بذلک حتی اذا صلی بعد الاوراد تقع سنة لا علی وجه السنة ولذا قالوا لوتکلم بعد الفرض لاتسقط لکن ثوابها اقل فلا اقل من کون قرائت الاوراد لا تسقط الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل ص۴۹٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۳۰) . ظفیر

علماء کرام بطرف جنوب دعاء میکنند یانه؟

سوال: (۲۸۷) (۳) **آیا انصراف موافق مذهب حنفی است یا نه؟** آیا این عمل زید موافق مذهب حنفي است ویانه؟

سوال: (۲۸۸) (٤) **درحدیث شریف مراد از نصف چیست؟** درحدیث شریف که لفظ ینصرف عن یمینه وعن یساره میاید آیاء این انصراف برای رفتن به خانه بود ویا انصراف براي دعاء بود؟

سوال: (۲۸۹) **دلیل انصراف برای دعاء:** چونکه انصراف براي دعا بطرف شمال ثابت نشده پس روي اوردن بطرف شمال ودعاء کردن بکدام دلیل ثابت است؟

جواب: (۱) پاک حضرت ﷺ دراکثر اوقات بطرف راست وگاهي بطرف چپ دور میخورد، [1] لهذا فقهاء کرام به هردو طرف شستن ودعاء کردن را مستحب نوشته اند. [2]

جواب: (۲) اکثر عوام وخواص زیادتر بطرف راست براي دعاء دور میکنند وگاهي بطرف چپ براي دعاء دور میکنند. [3]

جواب: (۳) گاه گاه بطرف چپ یعني بطرف جنوب رو آوردن ونشستن ازپاک حضرت ﷺ ثابت شده است ومذهب امام ابو حنیفة نیز همین است که گاه گاه بطرف چپ نشستن ودعاء کردن مستحب است. [4]

جواب: (٤) مطلب این انصراف براي دعاء نیز شده میتواند. [5]

جواب: (٥) وقتیکه انصراف براي دعاء شامل است پس همین دلیل کافي است. فقط

سوال: (۲۹۰) **در تسبیحات رکوع وسجده زیاد کردن (وبحمده) جائز است یانه؟** زید در نماز فرض ونفل خود در رکوع سبحان ربي العظیم وبحمده ودر سجده سبحان ربي الاعلی وبحمده میگوید خالد میگویدکه وبحمده درهیچ کتاب حنفي نیست، ونه فقهاء این قسم گفته اند

---

(۱) عن انس کان النبي صلی الله علیه وسلم ینصرف عن یمینه رواه مسلم، عن عبدالله بن مسعود قال لا یجعل احدکم للشیطان شیئا من صلوته یری ان حقا علیه ان لاینصرف الا عن یمینه لقد رأیت رسول الله صلی الله علیه وسلم کثیرا ینصرف عن یساره. متفق علیه (مشکوة باب الدعا في التشهد ص۸۷) . ظفیر

(۲) فاذا تمت صلوة الامام فهو مخیر ان شاء انحرف عن یساره وجعل القبلة عن یمینه وان شاء انحرف عن یمینه الخ وان شاء استقبل الناس بوجهه الخ هذا اذا لم یکن بعد الصلوة المکتوبة تطوع کالفجر والعصر (غنیة المستملي ص۳۳۰) . ظفیر

(۳) و(٤) ایضاً. ظفیر

(٥) والمراد من الانصراف الالتفات عن جهة الصلوة وهي القبلة اعم ان یجلس بعده اولا، فلذا قال وان شاء ذهب الی حوائجه لانه قضی صلوته الخ (غنیة المستملي ص۳۳۰) . ظفیر

ونه از حدیث ثابت شده است آیا خالد حق میگوید یا زید؟

جواب: دراحادیث شریف تسبیحات رکوع وسجده همین قسم وارد شده مثلیکه خالد میگوید وفقهاء حنفي نیز لفظ وبحمده را اختیار کرده اند [1] اگر کسي لفظ وبحمده را زیاد کند کدام مسابقه وبدي ندارد این کدام سخن اختلاف نیست.

سوال: (۲۹۱) **بعد ازگشتاندن سلا رفتن مقتدي بدون دعاء چه است**؟ بعد از نماز پیش از امام دعاء کردن واز مسجد بیرون شدن چه قسم است؟

جواب: اگر این عمل مقتدي بدون ضرورت شرعی باشد دراین صورت این عمل مکروه وخلاف سنت است واین عادت گرفتن گناه است قال علیه الصلاة والسلام: انما جعل الامام لیؤتم به، فقط. والله اعلم، في المشکوة: عن انس ﷛ ان النبي ﷺ حضهم علی الصلاة ونهاهم ان ینصرفوا قبل انصرافه من الصلاة رواه ابو داود، وقدوة المشائخ شیخ عبد الحق دهلوي در اشعة اللمعات ص۴۴۷ فرموده: نهی کرد از اینکه بر گردند مقتدیان پیش از برگشت او ﷺ به این معنی که پیش از آن حضور ﷺ سلام بگردانند واز نماز بیرون شوند ویا اینکه بعد ازسلام گشتاندن بر خیزند پیش از آنکه رسول الله ﷺ بر خیزد ومقتدیان انتظار او ﷺ را نکنند ونهی درصورت اول تحریمي است که یعني پیش از امام سلام بگردانند وازنماز بیرون شوند ونهي در صورت دوم تنزیهي است یعنی که مقتدیان پیش از دعاء امام دعا کنند واز مسجد بیرون شوند.

سوال: (۲۹۲) **درخواندن درود شریف زیاد کردن** (**سیدنا**) : درود شریف که بعد از تشهد درنماز خوانده میشود وبدون لفظ (سیدنا) روایت شده آیا بدون لفظ سیدنا خوانده شود ویا کلمه سیدنا درآن زیاده شود؟

جواب: در زیاد کردن لفظ (سیدنا) باکي نیست مگرچونکه درحدیث بدون لفظ (سیدنا) درتشهد نماز وارد شده عمل به مطابق حدیث احسن وافضل است. [2]

---

[1] ویضع یدیه معتمدا بهما علی رکبتیه الخ ویسبح فیه واقله ثلثة (درمختار) السنة في تسبیح الرکوع سبحان ربي العظیم (ردالمحتار باب صفة الصلوة قبیل مطلب في اطالة الرکوع للجائي ج۱ص۴۶۰ – ۴۶۲، ط.س. ج۱ ص۴۹۳).

[2] وصلی علی النبي ﷺ الخ وندب السیادة لان زیادة الاخبار بالواقع عین سلوک الادب فهو افضل من ترکه ذکره الرملي الشافعي وغیره وما نقل لا تسودوني في الصلوة فکذب (درمختار) قال سئل محمد عن الصلوة علی النبي صلی الله علیه وسلم فقال یقول اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد الخ وهي الموافقة لما في الصحیحین وغیرهما الخ واعترض بان هذا مخالف لمذهبنا لمامر من قول الامام من انه لوزاد في تشهده او نقص فیه کان مکروها قلت فیه نظر فان الصلوة زائدة عل التشهد (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۷۸ – ۴۷۹ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص۵۱۲) . ظفیر

سوال: (۲۹۳) **وقتیکه مقتدی دعاء بعد از درود را نخوانده باشد واما سلام بگرداند مقتدی چه کند**؟ اگر امام سلام بگرداند ومقتدي تشهد ودرود شریف را خوانده باشد مگر دعاء بعد از درود را نخوانده باشد دراین صورت مقتدي همراي امام یکجا سلام بگرداند ویا بعد از آنکه دعا را بخواند؟

جواب: در این صورت مقتدي همراه امام سلام بگرداند. [1] فقط

سوال: (۲۹٤) **بعد ازنماز (لا اله الا الله) گفتن باواز بلند چه حکم دارد**؟ بعد ازجماعت نماز فرض متصل به گشتاندن سلام لا اله الا الله گفتن باواز بلند چه حکم دارد؟

جواب: این هم جائز است مگر خفیه خواندن آن بهتر است. [2]

سوال: (۲۹۵) روایت تطبیق در رکوع؛مولوي ثناء الله درکتاب خود بنام (مذهب اهل حدیث) یعني این کتاب بنام (مذهب اهل حدیث) میباشد درصفحه ۵۳ کتاب مذکور نوشته کرده که عبد الله بن مسعود ﵁ چونکه دروقت رکوع تطبیق میکرد دستهاي خود را به زانوهاي خود نمیماند مثلیکه درصحیح مسلم همین مذهب آنها ثابت است لهذا این سنت صحیح است یا لغوه؟

جواب: این قصه تطبیق در رکوع صحیح است تاویل این مسئله راعلماء چنین فرموده است که شاید نسخ این حکم براي آنها معلوم نباشد ویا اینکه مذهب آنها تخییري خواهد بود والتفصیل في الکتب. [3]

سوال: (۲۹٦) **دعاهای همختلف درقاعده نماز**: اگر کسي درقعده نماز بعض وقت یک دعا وبعض وقت دعاء دیگري رابخواند آیا در این باره به نزد احناف ممانعت است ویانه؟

جواب: ممانعت نیست. [4] فقط

---

(1) ولو سلم (الامام) والمؤتم في ادعية التشهد تابعه لانها سنة والناس عنه غافلون (الدر المختار) قوله في ادعية التشهد يشمل الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل اراد الشروع ص٤٦٣ ج١، ط.س. ج١ ص٤٩٦) . ظفير

(2) وعن المغيرة بن شعبة ان النبي ﷺ ان يقول في دبركل صلوة مكتوبة لا اله الا الله وحده لاشريک له الخ (مشکوة، باب الذكر بعد الصلوة ص٨٨) . ظفير

(3) عن عبدالرحمن السلمي قال قال لناعمر بن الخطاب ان الركب سنه لكم فخذوا بالركب الخ والعمل على هذا عند اهل العلم من اصحاب النبي ﷺ والتابعين ومن بعدهم لا اختلاف بينهم الا ماروى عن ابن مسعود وبعض اصحابه انهم كانوا يطبقون، والتطبيق منسوخ عند اهل العلم، قال سعدبن ابي وقاص كنا نفعل ذلک فنهينا عنه وامرنا ان نضع الاكف على الركب (ترمذي، باب ماجاء في وضع اليدين على الركبتين في الركوع ص٣٥ ج١) . ظفير

(4) وصلى على النبي عليه السلام الخ ودعا بما يشبه الفاظ القران والادعية المأثورة لما روينا من حديث ابن مسعود قال له النبي عليه السلام ثم اختر من الدعاء اطيبها واعجبها اليک (هدايه باب صفة الصلوة جلد اول ص١٠٣) . ظفير

سوال: (۲۹۷) **اگر درتسبیحات رکوع گفته نتواند درعوض آن کریم بگوید ویانه؟** کسي که الفاظ سبحان ربي العظيم را اداء کرده نتواند در عوض آن ربي العجيم ميگويد براي او در عوض عظيم تعليم دادن سبحان ربي الكريم جائز است يانه ؟

جواب: دراين صورت تعليم دادن سبحان ربي الكريم درعوض سبحان ربي العظيم تا آن وقت جائز است كه لفظ عظم را صحيح كند. [1]

سوال: (۲۹۸) **دعاء دربين دوسجده:** دربين دوسجده خواندن دعا اللهم اغفر لي وارحمني واجرني وارفعني جائز است يانه؟

جواب: اين دعاء دربين سجدتين جائز است چونكه درحديث شريف وارد شده الفاظ دعاء از اين قرار است: اللهم اغفر لي وارحمني وعافني واهدني وارزقني وارفعني واجرني الخ. [2] فقط

سوال: (۲۹۹) **سبب بلند كردن آنگشت شهادت:** درتشهد به وقت كلمه شهادت سبب بلند كردن آنگشت چيست؟

جواب: درتشهد دروقت كلمه شهادت به توحيد خداوند پاک ﷻ اشاره ميشود چونكه دركلمه شهادت به زبان به توحيد الله تعالى اقرار است در اين وقت بافعال جوارح واعضاء همين توحيد ظاهر ميگردد. [3]

سوال: (۳۰۰) **براى زنان درسجده كشيدن پاها بطرف راست ثابت است يانه؟** درهندوستان زنان درحالت سجده هر دو پاهاي خود را بطرف راست ميكشند مگر اين سخن را باوجود تلاش وجستجو درهيچ كتاب نديدم، روايات عالمگيري وغيره معلوم ميشود كه درسجده براي زن پاي هموار كردن مناسب است وپاي خود را استاد نكند از اين روايت كشيدن هردو پاي بطرف راست ثابت نميشود، تحقيق اين مسئله چه قسم است؟

جواب: در اين باره كه شما چيزي نوشت كرديد وروايات را نقل فرموديد در شامي نيز به همين

---

(۱) السنة في تسبيح الركوع سبحان ربي العظيم الا ان لايحسن الظاء فيبدل به الكريم لئلا يجري على لسانه العزيم فتفسد به الصلوة كذا في شرح درر البحار فليحفظ (ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۶۲) . ظفير

(۲) وعن ابن عباس قال كان النبي ﷺ يقول بين السجدتين اللهم اغفرلي وارحمني واهدني وعافني وارزقني رواه ابوداود والترمذي (مشكوة باب السجود وفضله ص۸۴) . ظفير

(۳) پس ان حضرت ﷺ اشاره ميكرد به اين انگشت به وحدانيت حق تعالى. اشعة اللمعات باب التشهد ص ۴۲۸، اشار باصبعه ثم قال رسول الله ﷺ لهي اشد على الشيطان من الحديد مشكوة، به سبب اشارده كردن به آنگشت اثبات ايمان بر توحيد خداوند وقطع طمع شيطان است ازواقع شدن نماز گذار درشرک وكفر ايضا ج۱ ص۴۳۴. ظفير

قسم ذکر شده، ودر کبیري شرح منیة چنین ذکر شده: واما المراة فانها تنخفض اي تتظامن وتتسفل في السجود وتلزق بطنها بفخذيها وتضم ضبعيها وهذا تفسير الانخفاض وذلک لان مبنی امرها علی الستر کان السنة في حقها ما کان استر من الهيئات [1] الخ چونکه غالبا به کشیدن پاها بطرف بیرون پائین شدن وپیوست شدن زن زیاتر عملي میشود وتورک براي حالت تشهد تمهید است از این لحاظ به همین ترتیب معمول گردید ودر این باره زیادتر از این تحقیق براي احقر نیز معلوم نیست. فقط

سوال: (۳۰۱) **درحال قیام ماندن دستها به سینه جائز است یانه؟** ماندن دستها به سینه جائز است یا نه؟

جواب: به نزد احناف ماندن دستها زیر ناف سنت است. [2]

سوال: (۳۰۲) درتشهد بلند کردن آنگشت چی قسم است؟ درتشهد بلند کردن آنگشت چه قسم است دربین علماء احناف اختلاف است بعض علماء برایش مستحب میگویند ودرخلاصه کیداني این اشاره را حرام گفته این سخن معتبر است یا نه؟

جواب: فقهاء معتبر بلند کردن سبابه را سنت گفته اند در در المختار بنا بر حواله چند کتاب اشاره سبابه را تشهد سنت ثابت کرده است وعدم رفع سبابه را خلاف روایت ودرایت گفته است امام محمد در موطاء خود مذهب امام اعظم رفع سبابه را تائید کرده بناء به حواله خلاصه کیداني وغیره حرام گفتن به این عمل مسنونه گفتار عمل است وتفصیل این مسئله درکتابهاي فقه بیان شده است دراین باره شامي، فتح، درالمختار وغیره کتابها را مطالعه فرمائید، دراین مسئله به قول خلاصه اعتبار داده نشود چرا که او صریحا غلطي کرده ازاینکه عمل سنت راحرام گفته. [3] فقط

---

(۱) غنية المستملي ص۳۱۳. ظفير

(۲) وضع الرجل يمينه على يساره تحت سرة الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥٤، ط.س. ج۱ ص٤٨٦).

(۳) ولا يشير بسبابته عند الشهادة وعليه الفتوى كما في الولوالجية والتجنيس وعمدة المفتي وعامة الفتاوى، لكن المعتمد ما صححه الشراح ولاسيما المتاخرون كالكمال والحلي والبهنسي والباقلاني وشيخ الاسلام الجد وغيرهم انه يشير لفعله عليه الصلوة والسلام ونسبوه إلى محمد والامام في متن درواليحار وشرحه غرر الاذكار المفتى به عندنا انه يشير باسطا اصابعه كلها وفي الشرنبلالية عن البرهان الصحيح انه يشير مسبحته وحدها يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات واحترز بالصحيح عما قيل لايضر لانه خلاف الدراية والرواية وبقولنا بالمسبحة عما قيل يعقد عند الاشارة اهـ وفي العيني عن التحفة الاصح انها مستحبة وفي المحيط سنة (درمختار) وفي المحيط انها سنة يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات هو قول ابي حنيفة ومحمد رحمهما الله وكثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولى آهـ فهو صريح ان المفتى به هو الاشارة بالمسبحة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٧٤ ج۱) . ظفير

سوال: (۳۰۳) **رفع سبابه وحضرت مجدد صاحب**: جواب نمبر (۲۵۱۶) موصول شد الحمد لله که مخالفین نیز آن را قبول کردند مگر این قدر گفتند که قول خلاصه کیداني وغیره را تمام علماء رد کردند مجدد الف ثاني هندي درشرح مکتوب نمبر ۳۱۲ نوشته کرده درحاشیه مکتوب قول امام محمد را در باره رد الرفع سبابه نوشته کرده وعدم رفع سبابه را ترجیح داده شرعًا جواب آن چیست؟

جواب: دراولاده امجاد الف ثاني بعض حضرات دراین مسئله نیز تحقیق کرده اند وگفته اند که رفع سبابه به سنت ثابت شده لهذا عملي کردن آن ضرور است چونکه بسیاري فقهاء محققین مطابق مذهب احناف به رفع سبابه ترجیح داده وآن را اختیار نموده اند لهذا براي مقلدین مذهب حنفي مطابق قول فقهاء حنفي عمل ضرور است مثلیکه خود مجدد الف ثاني صاحب درمکتوبات خود چندین جاي تصریح کرده است که دراحکام شرعي به قول ائمه مجتهدین وفقهاء عمل کردن ضرور است، وگفته است که دراین قسم احکام قول حضرت جنید بغدادي وحضرت شبلي وقول اولیاء کرام ومجتهدین في الطریقت معتبر نیست وتقلید آنها جائز نمیباشد. [1]

سوال: (۳۰٤) **اگر نماز را به قعده بخواند رکوع را چه اداء کند**؟ اگر نماز را به قعده بخواند دراین صورت حد واندازه رکوع چیست؟

جواب: وقال في الشامي ولو کان یصلي قاعدا ینبغي ان یحاذ بجبهتیه قدام رکبتیه لیحصل الرکوع آهـ قلت ولعله محمول علی تمام الرکوع والا فقد علمت حصوله باصل طأطاة الراس اي مع انحناء الظهر، [2] لهذا ازین معلوم شد که در نماز خواندن به قعده کمال رکوع این است که پیشاني مقابل زانوها شود.

سوال: (۳۰۵) **بعد از تحریمه دعاهای دیگری**: بعد ازتکبیر تحریمه درنماز فرض درعوض سبحانک اللهم دعاي دیگري که در کتابهاي صحاح وارد شده خواندن آن درنماز فرض براي منفرد یعني تنها گذار چه حکم دارد؟

جواب: علماء حنفیه این دعاها را در نوافل محمول کرده یعني در نماز نفل آن را جائز گفته لهذا

---

(۱) والاصح کما في السراجیه انه یفتی بقول الامام علی الاطلاق ثم بقول الثاني ثم بقول الثالث الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مقدمة ص٦٥ ج۱، ط.س. ج۱ ص۷۰) . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث الرکوع والسجود ج۱ ص٤١٦، ط.س. ج۱ ص٤٤٧. ظفیر

صرف در نوافل گفته شود. [۱] فقط

سوال: (۳۰۶) **اگر درنماز نفل خشوع ترک شود اعاده آن چه قسم است؟** اگر درنماز خشوع ترک شود آیا دراعاده آن کدام بدي نخواهد بود یا اینکه درفکر نماز گذار بدون الله کسی دیگر یاچیزي دیگر بیاید ونیت را بشکناند این عمل درنماز نفل چه حکم دارد؟

جواب: نه نماز را اعاده کند ونه نیت رابشکناند چرا که دراعاده ونیت قطع کردن براي وسوسه شیطان موقع زیاد میسر میشود لهذا در نوافل نیز این عمل کرده نشود. [۲]

سوال: (۳۰۷) **اگر تسبیح را پرنخواند آیا کدام حرج است؟** مردم عوام درتسبیح رکوع سبحان ربي العظیم را پر نمیخوانند نماز شان صحیح میشود یانه؟

جواب: نماز شان صحیح است. [۳]

سوال: (۳۰۸) **قرائت چرا صرف در دورکعت میشود:** چرا دو رکعت پرو دو رکعت خالي خوانده میشود؟

جواب: از احادیث آثار صحابه همین قسم ثابت شده که پاک حضرت ﷺ دو رکعت اولی فرائض را به الحمد وسوره میخواند ودر دو رکعت اخری صرف الحمد شریف را میخواند لهذا احناف این عمل را اختیارکرده اند. [۴]

سوال: (۳۰۹) **درنماز دستها به کدام حصه بسته شود؟** درداخل نماز دستها بسته کردن از کدام جا ثابت شده دلائل نقلیه را ارسال فرمائید؟

جواب: وعن وائل بن حجر انه رای النبي ﷺ رفع یدیه حین دخل في الصلاة کبر ثم التحف بثوبه ثم وضع یده الیمنی علی الیسری الحدیث [۵] رواه مسلم وعن سهل بن سعد قال کان الناس

---

(۱) وقرء کما کبر سبحانک اللهم الخ مقتصرا علیه فلا یضم وجهت وجهي الا في النافلة الخ (درمختار) لحمل ما ورد في الاخبار علیها فیقرء فیها اجماعا الخ وفي الخزائن وما ورد محمول علی النافلة بعد الثناء في الاصح (ردالمحتار باب صفة الصلوة جلد اول ص ۴۵۵ – ۴۵۶، ط.س. ج۱ ص۴۸۸) . ظفیر

(۲) فلو اشتغل قلبه بتفکر مسئلة مثلاً في اثناء الارکان فلا تستحب الاعادة وقال البقالي لم ینقص اجره الا قصر (ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب في حضور القلب والخشوع ج۱ ص۳۸۷، ط.س. ج۱ ص۴۱۷) . ظفیر

(۳) والتسبیح فیه ثلاثا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۴۴، ط.س. ج۱ ص۶۷۴) . ظفیر

(۴) عن أبي قتادة قال کان النبي صلی الله علیه وسلم یقرء في الظهر في الاولیین بام الکتاب وسورتین وفي الرکعتین الاخریین بام الکتاب ویسمعنا الایة احیانا الحدیث متفق علیه (مشکوة باب القرائة في الصلوة ص ۷۹) واکتفي المفترض فیما بعد الاولیین بالفاتحة فانها سنة علی الظاهر ولو زاد لاباس به (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۷۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۱۱) . ظفیر

(۵) مشکوة باب صفة الصلاة ص ۷۵ ظفیر

يؤمرون ان يضع الرجل اليد اليمنى على ذراعه اليسرى في الصلاة رواه البخاري [1] از این دو حدیث شریف بستن دستها درنماز ثابت شده.

سوال: (۳۱۰) **اگر در الله اکبر همزه به مد خوانده شود نماز میشود یانه؟** یک امام وغیره اگر درتکبیرات نماز همزه را به مد بخواند مثلا الله اکبر بگوید ویا مثلا الله اکبر درهمزه لفظ اکبر مد بکند نماز او صحیح است یانه؟

جواب: اگر درنماز درهمزه الله اکبر ویا درهمزه اکبر مد کرده شود نماز فاسد میشود از این قسم خواندن خود داري واجتناب، لازم است چرا که معنی چنین میگردد که آیا خداوند پاک کلان ذات است نعوذ بالله من ذالک لهذا ضرور است که درکلمه الله ودرکلمه اکبر به همزه مد داده نشود که خطره کفر وفسق است. [2]

سوال: (۳۱۱) جواب یک استفسار: رساله اتمام الخشوع را براي شما روان میکنم امید است ان را ملاحظه فرمائید واز تصدیق وتنقید ما را مطلع فرمائید.

جواب: بنده رساله اتمام الخشوع را مطالعه نمودم هیچ یک حدیث دراین باره نقل نشده که بستن دستها بعد از رکوع به صراحت از آن معلوم شود بلکه روایت حضرت علي ﷺ که در صفحه ۷ منقول شده الفاظ آن از این قرار است: انه كان اذا قام الى الصلاة وضع يمينه على الشمال فلا يزال كذلك حتى يركع، ازاین حدیث شریف معلوم شد که ماندن دست راست به دست چپ متعلق به قبل الرکوع بود به هرحال مذهب احناف (کثرهم الله وزاد جماعتهم وقبل عبادتهم ويصلح امورهم واولادهم) ومذهب جمهور سلف وخلف همین است که بعد از رکوع دستها اویزان مانده میشود وسخن تعجب این است که شما رأي مرا معلوم میکنید آیا فکر ورای بنده چه قسم مخالف ائمه وجمهور خود ممکن خواهد بود. فقط

سوال: (۳۱۲) **لفظ آمین خفیه گفته شود:** آیا گفتن لفظ آمین بطور خفیه مسنون است یا باواز بلند؟

جواب: گفتن لفظ آمین بطور خفیه مسنون است واین مذهب احناف است، عن علقمة بن وائل

---

[1] مشكوٰة باب صفة الصلاة ص ۷۵ ظفير

[2] اذا اراد الشروع في الصلوة كبر الخ بالحذف اذ مد الهمزتين مفسد وتعمده كفر (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفه الصلوة ج۱ ص٤٤٨، ط.س. ج۱ ص٤٧٩) . ظفير

عن أبيه أن النبي ﷺ قرأ غير المغضوب عليهم ولا الضالين فقال آمين ما روي ابن مسعود أنه كان يخفي فانه يفيد ان المعلوم منه عليه السلام الاخفاء قلت مع انه الاصل في الدعاء لقوله تعالى ادعوا ربكم تضرعا وخفية ولا شک ان آمين دعاء فعند التعارض ترجح الاخفاء بذلک وبالقياس على سائر الاذكار والادعية ولان آمين ليس من القرآن اجماعا فلا ينبغي ان يكون فيه صوت القران كما لا يجوز كتابه في المصحف. [1]

سوال: (٣١٣) **رفع اليدين**: عمل رفع اليدين چه حكم دارد؟

جواب: رفع يدين بدون تكبير تحريمه به نزد احناف درنماز منسوخ است چرا كه اصحاب جليل القدر آن را ترک كرده بودند، عن البراء بن عازب قال كان النبي ﷺ اذا كبر لافتتاح الصلاة رفع يديه حتى يكون ابهاماه قريبا من شحمتي اذنه ثم لايعود قال ابو جعفر فهذا عمر ولم يكن يرفع يديه ايضا الا في التكبيرة الاولى في هذا الحديث وهو حديث صحيح وفعل عمر ﷺ هذا وترک اصحاب الرسول ﷺ اياه على ذلک دليل صحيح ان ذلک هو الحق الذي لا ينبغي لاحد خلافه. [2]

سوال: (٣١٤) **دليل منسوخ شدن رفع اليدين**: رفع اليدين كه بدون هفت جاي منسوخ شده دليل آن چيست؟

جواب: رفع اليدين بدون هفت جاي منسوخ است، والدليل المجمل لكل ماروي عن النبي ﷺ انه قال لا ترفع الايدي الا في سبع مواطن وعد منها تكبير الافتتاح وتكبيرة القنوت وتكبيرات العيدين وذكر الاربع في الحج كذا في الهداية ثم هذا عندنا وقال الشافعي يرفع يديه عند الركوع والرفع منه لانه عليه السلام فعل ذلک ولنا ماروينا رجلا يفعل هذا فقال له لا تفعل لهذا بشيء فعله رسول الله ﷺ ثم ترک كذا في الهداية والكفاية وقد روى الطبراني بسنده عن ابن ابي ليلى عن الحكيم عن المقسم عن ابن عباس عنه عليه الصلاة والسلام. [3]

سوال: (٣١٥) **بسم الله بين فاتحة وسورة**: نماز بعد ازسورة فاتحة وپيش از سورة بسم الله الرحمن الرحيم گفته شود ويانه آيا به جهر خوانده شود يا خفيه؟

---

(1) وأمن الامام سرا كماموم ومنفرد (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج١ ص٤٥٩، ط.س. ج١ ص٤٩٢). ظفير

(2) شرح معاني الآثار ج١ ص١٣٢ – ١٣٣ باب التكبير للركوع الخ. ظفير

(3) ردالمحتار باب صفة الصلوة ج١ص٤٧٣، ط.س. ج١ص٥٠٦ وفتح القدير باب صفة الصلوة ج١ ص٢٦٨. ظفير

جواب: عبارت در المختار دراین باره این است: لا تسن بین الفاتحة والسورة مطلقا ولو سرية ولا تكره اتفاقا [۱] الخ حاصل عبارت این است که درابتداء سورة گفتن بسم الله نه سنت است ونه مکروه وعلماء محققین استحباب خواندن آن را ترجیح داده درشامي ذكر شده: ولذا صرح في الذخيرة والمجتبی بانه من سمى بين الفاتحة والسورة المقرونة سرا او جهرا كان حسنا عند ابي حنيفة ورجحه المحقق ابن الهمام الخ. [۲] فقط

سوال: (۳۱٦) **بستن دستها زیر ناف**: احناف درنماز به حالت قیام دستهاي خود را کجا میمانند زیر ناف یا بالا تر ازنماز روایت مفتی به ومعمول به کدام است وکدام قسم ان اولی میباشد؟

جواب: به نزد احناف حديث تحت السرة عملي میشود وحديث فوق السرة معمول به نیست ونماز درعمل خلاف اولی نیز جائز است [۳] يضعهما اي الرجل تحت السرة الخ قال الشيخ كمال الدين بن الهمام كون الوضع تحت السرة او الصدر لم يثبت فيه حيث يوجب العمل فيحال على المعهود من وضعها حال كون قصد التعظيم في القيام والمعهود في الشاهد منه تحت السرة مرة ذكره عن علي من السنة في الصلاة وضع الكف على الكف تحت السرة رواه ابو داود واحمد واللفظ له الخ غنية المستملي ص۲۹٤.

سوال: (۳۱۷) **مقدار جهر درقرائت وتکبیر**: درنماز دادن قرائت امام وبعض تکبیرات را انقدر باواز بلند خواندن که بیرون از مسجد تا سرک شنیده شود، وبعض تکبیرات را آنقدر باواز پائین خواندن که مقتدیان صف دوم وسوم هم شنیده نتوانند مثلا تکبیر رکوع را باواز نرم وتکبیر قومه را باواز بسیار بلند وتکبیر سجده را باواز نرم وتکبیر جلسه را به چیغ زدن پس این قسم عمل سنت است ویا بدعت یا کدام چیز دیگر آیا این عمل از قرون اولی ثابت است یا اختراعي است، بینوا توجروا

جواب: براي امام درجهر قرائت وتکبیرات اختیار کردن طریقه درمیانه به قدر حاجت مناسب است واین قسم فرق وتفاوت که از حاجت زیاد ویا کم باشد بسیار مذموم، قبیح وبي اصل است

---

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥۷، ط.س. ج۱ ص٤۹۰. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥۸، ط.س. ج۱ ص٤۹۰. ظفیر

(۳) ووضع لرجل يمينه علي يسار تحت سرته اخذ رسغها بخنصره وابهامه هو المختار (الدرالمختار على هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥٤، ط.س. ج۱ ص٤۸٦). ظفیر

درشریعت براي این قسم فرق وتفاوت هیچ کدام اصل وحکم موجود نیست [۱] صرف درباره گشتاندن سلام فقهاء کرام این قدر نوشته کرده اند که سلام دوم را نسبت به سلام اول اندازه باواز پائین بگوید: کما في الدر المختار وسن جعل الثاني اخفض من الاول، [۲] الخ پس بدون همین جا درکدام دیگري درجات جهر کدام تفاوت ندارد.

سوال: (۳۱۸) **بلند کردن آنگشت شهادت درتشهد:** درتشهد بلند کردن آنگشت شهادت مسنون است یانه؟

جواب: روایات متعلق سبابه، في الدر المختار: لکن المعتمد ما صححه الشراح ولا سیما المتأخرون کالکمال والحلبي البهنسی والباقلاني وشیخ الام الجد وغیرهم انه یشیر لفعله علیه الصلاة والسلام ونسبوه لمحمد والامام بل في متن درر البحار وشرحه غرر الاذکار المفتی به عندنا انه یشیر الخ وفي الشرنبلالیة عن البرهان الصحیح انه یشیر بمسبحته وحدها یرفعها عند النفي ویضعها عند الاثبات واحترز بالصحیح عما قیل لا یشیر لانه خلاف الدرایة والروایة [۳] الخ الدر المختار ودرشامي آمده وفي المحیط انها سنة یرفعها عند النفي ویضعها عند الاثبات وهو قول ابي حنیفة ومحمد وکثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولی فهو صریح في ان المفتی به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع الخ وقال في الشرح الکبیر قبض الاصابع عند الاشارة هو المروي عن محمد في کیفیة الاشارة وکذا عن ابي یوسف في الامالي وهذا فرع تصحیح الاشارة وعن کثیر من المشائخ لا یشیر اصلا وهو خلاف الدرایة والروایة فعن محمد رحمة الله علیه ان ما ذکره في کیفیة الاشارة قول ابي حنیفة ومثله في فتح القدیر وفي القهستاني وعن اصحابنا جمیعا انه سنة فیلحق ابهامه الیمنی ووسطاها ملصقا راسها براسها ویشیر بالسبابة [٤] الخ شامي ج۱ ص۳۲٤. ازاین روایات معلوم شد که در تشهد بلند کردن آنگشت شهادت مسنون است وطریقه

---

(۱) ویجهر الامام وجوبا بحسب الجماعة فان زاد علیه اساء (درمختار) وفي الزاهدي عن ابي جعفر لو زاد علی الحاجة فهو افضل الا اذا جهد نفسه او اذی غیره قهستاني (رد المحتار فصل في القرائت ج۱ ص٤۹۷، ط.س. ج۱ ص۵۳۲) وجهر الامام بالتکبیر بقدر حاجة الاعلام بالدخول والانتقال وکذا بالتسمیع والسلام واما المؤتم والمنفرد فیسمع نفسه (درمختار) قوله بقدر حاجة الاعلام الخ وان زاد کره قلت هذا اذا یفحش الخ والزائد علی قدر الحاجة کما هو مکروه للامام یکره للمبلغ (ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب في التبلیغ خلف الامام ج۱ ص٤۲۳، ط.س. ج۱ ص٤۷۵) . ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۹۱، ط.س. ج۱ ص۵۲٦. ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۷٤ - ٤۷۵، ط.س. ج۱ ص۵۰۸. ظفیر

(٤) ردالمحتار، باب صفة الصلوة مطلب مهم في عقد الاصابع عند التشهد ص۳۷۵، ط.س. ج۱ ص۵۱۰. ظفیر

بلند کردن این آنگشت چنین است که آنگشت خورد وآنگشت ما بيني دست راست را حلقه کند وبا آنگشت شهادت اشاره نماید.

سوال: (۳۱۹) **زن درجلسه وسجده پاهای خود را چه قسم بماند**؟ زن باید درجلسه وسجده پاهاي خود را چه قسم بماند؟

جواب: براي زنان استاد کردن قدمها سنت نیست في الشامي: انها لا تنصب اصابع القدمين [1] نظر به این عبارت زن درجلسه، سجده وتشهد به زمین پیوست بنشیند، في الشامي: وتتورک في التشهد [2] الخ.

سوال: (۳۲۰) **به یک بوریا یا یک جای نماز زن ومرد نماز خوانده میتوانند**؟ اگر به یک بوریا ویا یک جاي نماز زن ومرد با هم استاد شوند خواه زن منکوحه این رد باشد ویا نباشد نماز شان صحیح است یانه؟

جواب: اگر هرکدام این زن ومرد نماز انفرادی بخوانند نماز صحیح است مگر همراه زن اجنبي دریک جاي نماز استاد شدن بد است [3] واگر این زن ومرد درنماز شریک باشند، به امام اقتداء کرده باشد دراین صورت نماز شان صحیح نمیشود والتفصیل في کتب الفقه. [4] فقط

سوال: (۳۲۱) **بسم الله دربین فاتحه وسورة جهرا است یا سرا**؟ دربین الحمد لله وسورة بسم الله خوانده شود یانه؟ به جهر خوانده شود ویاخفیه صاحب هدایه بسم الله را درابتداء سورة منع کرده ودرالمختار برایش مستحب میگوید دراین دو حکم کدام حکم صحیح وقابل عمل است وجواب حکم دوم چیست دیگر اینکه در ابتداء فاتحه حکم بسم الله گفتن موافق این حکم است یامخالف؟

جواب: عبارت درالمختار این است (لا تسن بین الفاتحة والسورة مطلقا ولوسرية ولا تكره اتفاقا [5] الخ حاصل عبارت این است که دراول سورة بسم الله گفتن نه مسنون است ونه مکروه وعلماء

---

(1) ردالمحتار، باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٧١. ظفير

(2) ردالمحتار، باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٧١. ظفير

(3) فمحاذاة المصلية لمصل ليس في صلاتها مكروهة لامفسد (درمختار) قول ليس في صلاتها بان صليا منفردين او مقتديا احدهما بامام لم يقتد به الاخر شرح المنية (ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص٥٣٧، ط.س. ج۱ ص٥٢٤). ظفير

(4) واذا حاذته ولو بعضو واحد مرأة ولو امة مشتهاة الخ ولاحائل بينهما في صلوة الخ مطلقة مشتركة تحريمة واداء الخ فسدت صلاته (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص٥٣٤، ط.س. ج۱ ص٥٧٢). ظفير

(5) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥٧، ط.س. ج۱ ص٤٩٠. ظفير

محققين خواندن بسم الله را مستحب گفته اند درشامي ذكر شده: ولذا صرح في الذخيرة والمجتبى انه ان سمى بين الفاتحة والسورة المقرونة سرا اوجهرا كان حسنا عند ابي حنيفة ورجحه المحقق ابن الهمام [1] الخ بسم الله سري خوانده شود: اما الموضع الرابع فانها تخفي عندنا الخ عن انس رضي الله عنه ان رسول الله كان يسر ببسم الله الرحمن الرحيم الخ. غنية المستملي ص٣٠١.

سوال: (٣٢٢) **درنمازهای جهری منفرد چه کند**؟ درنماز شام، خفتن وصبح شخص تنها گذار نماز خود را به جهر خوانده میتواند یانه؟ وتنها گذار ربنا لک الحمد را به جهر بگوید یا به خفیه؟

جواب: براي تنها گذار دراين نمازها جائز است [2]-وبعد ازسمع الله لمن حمده ربنا لک الحمد را خفیه بگوید. [3]

سوال: (٣٢٣) ماندن دستها بالای ناف؛ بعد از تکبیر تحریمه ماندن دستها درحدیث شریف زیر ناف ثابت است یا بالاي ناف؟

جواب: بستن دستها در زیر ناف وبالاتر از ناف هر دو از احادیث ثابت شده مگر احناف حدیث زیر ناف را معمول به کرده اند. [4] فقط

سوال: (٣٢٤) **بعد ازفاتحه خاموشی وبعدا سورة**: اگر امام بعد از خواندن فاتحه خاموش شود بعد از آن قرائت را شروع کند آیا درنماز کدام نقصان میاید؟

جواب: اگر به قدر آمین وخفیه خواندن بسم الله سکوت کند وبه همین اندازه درنماز تأخیر شود دراین صورت درنماز کدام نقصان پیش نمیشود. [5]

---

[1] ردالمحتار، باب صفة الصلوة ج١ ص٤٥٨، ط.س. ج١ ص٤٩٠. ظفير

[2] ويخير المنفرد في الجهر وهو افضل ويكتفي بادناه ان ادى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار وفصل في القرائت ج١ ص٤٩٨، ط.س. ج١ ص٥٣٣) . ظفير

[3] جهر الامام بالتكبير الخ وكذا بالتسميع الخ واما المؤتم والمنفرد ليسمع نفسه (ايضاً باب صفة الصلوة جلد اول ص.... مطلب في التبليغ خلف الامام، ط.س. ج١ ص٤٧٥) . ظفير

[4] يضع يمينه على يساره بعد التكبير الخ تحت السرة الخ وذكر عن علي من السنة في الصلوة وضع الكف تحت السرة رواه ابوداود واحمد واللفظ له الخ (غنية المستملي ص٢٩٤) . ظفير

[5] وامن الخ الامام سرا كماموم ومنفرد (الدرالمختار باب صفة الصلوة) ان سمي بين الفاتحة والسورة المقروءة سرا او جهراً كان حسنا عند ابي حنيفة (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٥٨، ط.س. ج١ ص٤٩٢) . ظفير

خواندن بسم الله پیش ازفاتحه وسوره: سوال: (۳۲۵) : براي امام درهر رکعت ضم کردن بسم الله همراه فاتحه وسوره واجب است یا نه؟ وبه نزد احناف براي امام ومنفرد این باره صورت است مستحب کدام است؟

جواب: ذكر في المحيط: المختار قول محمد وهو ان يسمى قبل الفاتحة وقبلَ كل سورة في كل ركعة وفي الدر المختار وكما تعوذ سمى الخ سرا في اول كل ركعة الخ لا تسن بين الفاتحة والسورة مطلقا ولو سرية ولا تكره اتفاقا الخ قال في الشامي ولهذا في الذخيرة والمجتبى بانه ان سمى بين الفاتحة والسورة المقروءة سرا اوجهرا كان حسنا عند أبي حنيفة رحمه الله ورجحه المحقق ابن الهمام [1] ازتمام این عبارات معلوم شد که براي امام پیش ازفاتحه خواندن بسم الله سنت است ، وبعض علماء خواندن بسم الله را در این وقت واجب گفته اند وخواندن بسم الله اگر چه پیش از سوره مسنون نیست مگر مکروه هم نیست بلکه مستحب است. فقط

سوال: (۳۲٦) **بعد از تکبیر تحریمه اویزان کردن دستها جائز نیست:** آیا بعد از تکبیر تحریمه اویزان کردن دستها جائز است یانه؟ مولوي عبد الحي صاحب آن راجائز گفته است؟

جواب: در الدر المختار آمده: ووضع الرجل يمينه على يساره تحت سرته آخذا رسغها بخنصره وابهامه الخ كما فرغ من التكبير بلا ارسال في الاصح الخ قوله بلا ارسال هو ظاهر الرواية، الخ از این روایت معلوم شد که اویزان کردن دستها بعد از تکبیر تحریمة صحیح نست.

سوال: (۳۲۷) **براي دور خوردن امام به طرف راست یا چپ تعداد مقتدیان محدود نیست:** این مسئله صحیح است یا نه که تعداد مقتدیان ده نفر یا باندازه کدام عدد مخصوص نباشند دراین صورت امام بطرف راست یا بطرف چپ روي خود را بآنها دور ندهد؟

جواب: این مسئله صحیح نیست كما في الشامي ولو دون عشرة اي ان الاستقبال مطلق لا تفصيل فيه بين عدد وعدد الخ ولا يلتفت الى ما ذكره بعض شراح المقدمة من ان الجماعة ان كانوا عشرة يلتفت اليهم ان هذا الذي ذكره لا اصل له في الفقه [2] الخ.

سوال: (۳۲۸) **دروقت بالا شدن ازسجده بدست تکیه کردن جائز است یانه؟** دروقت بالا شدن ازسجده تکیه کردن بدست بدون عذر جائز است یا مکروه وتکیه کردن به زانوها اگر چه

---

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥۷ – ٤٥۸، ط.س. ج۱ ص٤۹۰. ظفیر

(۲) ردالمحتار، باب صفة الصلوة جل۱ ص٤٥٤، ط.س. ج۱ ص٤۸٦. ظفیر

ناجائز است مگر ترک این عمل مستحب است یانه؟ در فتاوی عالمگیري آمده: لايعتمد على الارض بل يعتمد على الركبة و ترک الاعتماد مستحب الخ مطلب این عبارت چیست ودراین صورت چه حکم است؟

جواب: در الدر المختار امده: ويكبر للنهوض على صدور قدميه بلا اعتماد وقعود استراحة الخ در شامي آمده: قوله بلا اعتماد اي على الارک الخ قال في الكفاية اشار به الى خلاف الشافعي في موضعين احدهما يعتمد بيديه على رکبتين عندنا وعنده على الارض الخ شامي ج۱ ص۳٤۰، پس معلوم شد که اعتماد یعني تکیه کردن به زانوها مذهب حنفي است وتکیه کردن به زمین مذهب شافعي است لهذا بدون عذر به زمین تکیه نکند بلکه به تکیه کردن به زانوها بالا شود ودرعبارت: وترک الاعتماد مستحب [۱] مطلب این است که ترک تکیه به زمین مستحب است. فقط

سوال: (۳۲۹) **<u>بحث خواندن فاتحه خلف الامام وغیره</u>:** (۱) درکدام ایت الله تعالى ودرکدام حدیث رسول الله ﷺ از خواندن فاتحه خلف الامام منع کرده است ؟

سوال: (۳۳۰) (۲) رسول الله ﷺ درنماز دستها را بالای ناف بسته میکرد یا ماندن دستها را به سینه منع میکرد؟

سوال: (۳۳۱) (۳) رسول الله ﷺ درنماز امین را خفه میخواند ویا الله تعالى ورسول الله ﷺ مردم را از آمین بالجهر منع کرده اند؟

سوال: (٤) رسول الله ﷺ در وتر رفع الیدین کرده یا براي مردم این عمل را اجازه کرده؟

سوال: (٥) آیا رسول الله ﷺ در رکعت هاي طاق جلسه استراحت نکرده ویا از این جلسه ممانعت او ثابت است یا نه؟

جواب: (۱) الله تعالى هم آمین بالجهر را منع کرده الله تعالى فرموده است: واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا [۲] ودرحدیث شریف مسلم آمده: واذا قرئ فانصتوا. [۳]

جواب: (۲) وذكر عن علي رضي الله عنه من السنة في الصلاة وضع الكف على الكف تحت السرة رواه ابو داود واحمد واللفظ له [٤] ازجهت اینکه حضرت علي رضي الله عنه ماندن کف دست رابه کف دست

---

(۱) عالمكيري مصري الباب الرابع في صفة الصلوة فصل ثالث ص۷۰ ج۱، ط. ماجدية ج۱ ص۷٥. ظفير

(۲) سورة الاعراف رکوع ۲٤. ظفير

(۳) مشكوة باب القرائت في الصلوة ص۸۱ وآثار السنن باب في ترک القرائت خلف الامام في الجهرية. ظفير

(٤) غنية المستملي ص۲۹٤، وعن علقمة بن وائل بن حجر عن ابيه قال رأيت النبي ﷺ يضع يمينه على شماله تحت السرة. رواه ابن ابي =

سنت گفته ميكند براينكه اين عمل معمول به رسول الله ﷺ است. فقط

جواب: (٣) خفيه گفتن آمين اولا از قرآن پاک فهميده ميشود: ادعوا ربكم تضرعا وخفية [1] يعني به خداوند ﷻ به عاجزي وخفيه دعا كنيد، ودرالفاظ حديث (خفض واخفى صوته) وارد شده است [2] كدام نص صريحي وروايت ابن مسعود رضي الله عنه كه دراين متعلق وارده شده دلالت ميكند براينكه امين به خفيه گفته شود ودر شرح منيه از روايت حضرت وائل رضي الله عنه هم معلوم ميشود كه گفتن آمين به خفيه سنت است.

جواب: (٤) قال ابن قدامه في المغني: وقد روي عن ابن عمر رضي الله عنه انه كان اذا فرغ من القرائت كبر وفي الذخيرة ورفع يديه حذاء اذنيه وهو مروي عن ابن مسعود وابن عمر وابن عباس وابي عبيدة رضي الله عنهم الخ وقال قبله: فان ذلک مروي عن علي وابن عمر وبراء بن عازب والقياس يدل ان التكبير للفصل والانتقال من حال الى حال الخ، پس معلوم شده كه تكبير گفتن ورفع اليدين در ركعت سوم وتر از عبد الله بن مسعود وابن عباس وابن عمر وغيره هم ثابت است، پس معلوم ميشود كه اين اصحاب كرام رسول كريم ﷺ راحتما با اين عمل ديده اند بعد ازآن اين حضرات هم اين عمل را معمول به خود كرده اند.

جواب: (٥) وعن ابي هريرة رضي الله عنه قال كان النبي ﷺ ينهض في الصلاة على صدور قدميه [3] واز بسيار اصحاب هم چنين منقول شده كذا في شرح المنية. فقط

سوال: (٣٣٢) **تحقيق فاتحه خلف الامام، آمين بالجهر رفع اليدين وماندن دستها بر سينه وبستن آن:** نماز خواندن به طريقه ذيل از روي احاديث وفعل صحابه كرام جائز است ويانه؟ (١) خواندن فاتحه خلف الامام (٢) گفتن آمين باواز بلند (٣) رفع اليدين (٤) ماندن دستها به سينه بينوا تؤجروا.

جواب: (١) فاتحه خلف الامام ويا خواندن كدام سوره ديگر خلف الامام به قرآن كريم واحاديث صحيحه منع شده است؟ در قران كريم به آية مباركه (واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا) [4]

= شيبة واسناده صحيح (اثار السنن، باب وضع اليدين تحت السرة). ظفير

[1] سورة الاعراف ركوع ١٠٤. ظفير

[2] آثار السنن، باب ترک القرائت خلف الامام في الجهرية ص٨٥ ج١، مشكوة باب القرائت ص٨١. ظفير

[3] هدايه باب صفة الصلوة ص١٠١ ج١ عن البخاري. ظفير

[4] سورة الاعراف ركوع ١٠٤. ظفير

ودراحاديث به روايت مسلم (وإذا قرأ فانصتوا) [1] ودر روايت ديگري آمده: من كان له امام فقرائت الامام قرائت له الحديث اوكما قال ﷺ . فقط

جواب: (٤) درگفتن آمین اخفاء سنت ومستحب امت اگر چه بلند گفتن آن هم درنماز جائز است مگر طریقه سنت این است که آمین خفیه گفته شود، لانه دعاء وقال الله تعالی (ادعوا ربکم تضرعا وخفية) [2] والاحاديث متعارضة فتعين المصير إلى الاصل وهو الاخفاء. فقط

جواب: (٣) رفع اليدين بدون تكبير تحريمه منسوخ شده مثليكه روايت (فترک) بر منسوخ شدن آن دلالت میکند ودر حدیث عبد الله ابن مسعود ذکر شده (عن علقمة قال لنا ابن مسعود ﷺ الا اصلي بكم صلاة رسول الله فصلى ولم يرفع يديه الا مرة واحدة مع تكبيرة الافتتاح) [3] ازاين حد يث شريف معلوم ميشود كه عمل آخري آن حضرت ﷺ ترک رفع اليدين است بدون تكبير افتتاح. فقط

جواب: (٤) دستها باید زیر ناف مانده شود قال في الهداية (ويعمل بيده اليمنى على يده اليسرى تحت السر لقوله ﷺ ان من السنة وضع اليمين على الشمال تحت السرة) الخ ولان الوضع تحت السرة اقرب الى التعظيم [4] وفي حديث ابراهيم النخعي مايدل عليه روى ابو حنيفة عن حماد عن ابراهيم النخعي ان النبي ﷺ كان يعتمد يده اليمنى على اليسرى تواضعا الخ. [5] فقط

سوال: (٣٣٣) <u>**رفع سبابه ضرور است یا نه**</u> ؟ بعض احناف رفع سبابه نمیکنند وبه نکردن آن یک قول امام صاحب را دلیل میگیرند؟

جواب: متعلق رفع سبابه در المختار وشامي خوب تفصيل كرده وبه رفع سبابه ترجيح داده اند واز بسیار کتابها این تفصیل را نقل کرده اند که بعد از این تفصیل برای شخص مقلد گنجایش خلاف نیست، درموطا امام محمد خودش می فرماید که این قول ما وقول استاد الامام ابو حنيفة است. [6] فقط

---

(1) آثار السنن باب في ترک القرائت خلف الامام في الصلوة كلها ص٨٧ ج١. ظفير

(2) سورة الاعراف ركوع ٧. ظفير

(3) آثار السنن، باب ترک رفع اليدين في غير الافتتاح ج١ ص١٠٣ ونيز مطالعه كنيد: غنية المستملي صفة الصلوة ص٣١٦. ظفير

(4) هدايه باب صفة الصلوة ج١ ص ٩٥ – ٩٦. ظفير

(5) حاشيه هدايه، باب صفة الصلوة تحت قوله وضع اليمين ج١ ص٩٦. ظفير

(6) لكن المعتمد ما صحح الشراح ولاسيما المتاخرون كالكمال والحلبي والبهنسي والباقاني وشيخ الاسلام الجد وغيره انه يشير لفعله عليه الصلوة والسلام الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج١ ص٤٧٤، ط.س. ج١ ص٥٠٨) . ظفير

سوال: (۳۳٤) **حدیث آمین بالخفیة حدیث کدام درجه است**: مخالفین میگویندکه احادیث آمین بالاخفاء معلول ومجروح است لهذا آمین بالجهر اولی است ومخالفین میگویند که علماء احناف خودشان گفته اندکه آمین به جهر به احادیث قوي ثابت شده جواب این اعتراض چیست، امید است که کدام حدیث قوی را نوشته کنید وباعث ترجیح را نیز تحریر فرمائید؟

جواب: احادیث اخفاء وجهر هردو موجود است مگر ترجیح به احادیث اخفاء است بسبب قول الله تعالی: ادعوا ربکم تضرعا وخفیة الایة [1] حدیث صحیح هم موجود است: انک لا تدعون اصم ولا غائبا [2] وابن مسعود ﷺ فرموده است که: اربع یخفیهن امام وذکر من جملتها التعوذ والتسمیة والتامین. [3] فقط

سوال: (۳۳۵) **درتشهد که انگشت را بالا کند بکدام کلمه آن را پائین کند**؟ وقتیکه درتشهد نماز به کل مات اشهد ان لا اله إلا الله آنگشت را بالا کند درکدام وقت آنگشت را پائین کند؟

جواب: درشرح منیه از امام حلواني نقل کرده اند که به لفظ لا اله آنگشت را بالا کند وبه لفظ الا الله آنگشت راپائین کند. [4] فقط

سوال: (۳۳٦) **اشاره به انگشت شهادت**: درنماز بلند کردن شهادت به بسیار احادیث ثابت شده مگر معلوم نیست که فقهاء رحمهم الله چرا آن را ممنوع وحرام میگویند اگر درمذهب حنفي جائز باشد تحریر فرمائید؟

جواب: فقهاء محققین حنفي هم اشاره بالسبابه را ترجیح داده اند وبه همین قول فتوی وعمل میکنند در الدر المختار آمده بعد از اینکه روایت منع آن را نقل کرده: لکن المعتمد ما صححه الشراح ولاسیما المتأخرون کالکمال والحلبي والبهنسي والباقلاني وشیخ الاسلام الجد وغیرهم انه یشیر لفعله علیه الصلاة والسلام ونسبوه لمحمد والامام بل في متن درر البحار وشرحه غرر

---

(۱) سورة الاعراف رکوع ۷. ظفیر

(۲) مشکوة باب ثواب التسبیح فصل اول ص ۲۰۱. ظفیر

(۳) هدایه باب صفة الصلوة ص ۹۲. ظفیر

(٤) برفعها عند النفي ویضعها عند الاثبات (درمختار) وفي المحیط انها سنة یرفعها عند النفي ویضعها عند الاثبات وهو قول ابي حنیفة ومحمد وکثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولی (ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب مهم في عقد الاصابع عند التشهد ص٤٧٥ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۰۹) . ظفیر

الاذكار المفتى به عندنا انه يشير باسطا اصابعه كله والشرنبلالية عن البرهان الصحيح انه يشير بمسبحة وحدها الخ وفي الشامي فهو صريح في ان المفتى به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع على الكيفية المذكورة الخ ص۳٤۱، شامي. [1]

سوال: (۳۳۷) (۱) **از رکعت دوم چی قسم بالا شود؟** در رکعت دوم وقتیکه ازقعده به قیام میرود دستهاي خود را به نانوهاتکیه کند یا به زمین تکیه کرده بالا شود؟

سوال: (۳۳۸) (۲) **بعد از سلام شرکت مقتدی در دعاء:** برای مقتدي بعد ازسلام گشتاندن امام دردعاء امام شرکت واقتداء ضرور است یامستحب؟

جواب.: (۱) اگر دستهاي خود را به زانوهاي خود بماند وبالا شود بهتر است واگر به اثر عذر وضرورت دستهاي خود را به زمین بماند وبالا شود هم جائز است. [2] فقط

جواب: (۲) اشتراک مقتدي در دعاء بعد از سلام مستحب است. [3]

سوال: (۳۳۹) **جلسة استراحت جائز است یا نه؟** بعد ازختم دو سجده نماز پیش از رفتن به قیام قدر اندک نشستن جائز است یانه؟

جواب: به نزد احناف بعد از دوسجده پیش ازقیام جلسه استراحت نیست. [4]

سوال: (۳٤۰) **دروقت اشاره حلقه کردن انگشتان جائز است یانه؟** به نزد امام اعظم صاحب درتشهد حلقه کردن انگشت ابهامه وآنگشت وسطی وبعد از بند کردن آنگشت خنصره وبنصره اشاره کردن جائز است یا نه؟

---

(۱) ردالمحتار، باب صفة الصلوة جلد اول ص٤٧٤، ط.س. ج۱ ص۵۰۸. ظفير

(۲) ويكبر للنهوض على صدور قدميه باعتماد وقعود استراحة ولو فعل لاباس (درمختار) بلا اعتماد اي على الارض قال في الكفاية اشار به الى خلاف الشافعي في موضعين احدهما يعتمد بيده على ركبتيه عندنا وعنده على الارض والثاني الجلسة الخفيفة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلاة جلد اول ص٤٧٢، ط.س. ج۱ ص٥٠٦). ظفير

(۳) ويستحب ان يستغفر ثلاثا ويقرء اية الكرسي الخ ويدعو ويختم بسبحان ربک (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٩٥ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥٣٠) فاذا تمت صلوة الامام فهو مخير ان شاء انحرف عن يساره الخ وان شاء انحرف عن يمينه الخ وان شاء ذهب الى حوائجه لانه قضى صلوته الخ وان شاء استقبل الناس بوجهه الخ (غنية المستملي ص٣٢٠). ظفير

(٤) ويكبر للنهوض بلا اعتماد وقعود استراحة ولو فعل لاباس (درمختار) بلا اعتماد الخ اي على الارض قال في الكفاية اشار به الى خلاف الشافعي في موضعين احدهما يعتمد بيديه على ركبتيه عندنا وعنده على الارض والثاني الجلسة الخفيفة قال شمس الائمة الحلواني الخلاف في الافضل حتى لو فعل كما هو مذهبنا لاباس به عند الشافعي ولو فعل كما هومذهبه لاباس به عندنا كما في المحيط اهـ قال في الحلية والاشبه انه سنة اومستحب عند عدم العذر فيكره فعله تنزيها لمن ليس به عذر آهـ وتبعه في البحر واليه يشير قولهم لا باس فانه يغلب فيما تركه اولى (ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٧٢، ط.س. ج۱ ص٥٠٦). ظفير

جواب: اشاره به آنگشت سبابه بکدام شکل که در سوال نوشته شده درکتابهاي فقه حنفي به همين قسم ذكر شده وجائز ميباشد ودر شامي امده: فلذا قال في منية المصلي فان اشار بعقد الخنصر والبنصر ويحلق الوسطى بالابهام [۱] الخ ودر الدر المختار نقل كرده: الصحيح انه يشير بمسبحة وحدها يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات الخ [۲] يعني آنگشت سبابه را دروقت لا اله بالا كند ودر وقت الا الله پائين كند. فقط

سوال: (۳٤۱) اگر آنگشت دست راست را بالا کرده نتواند چه کند: یکی نفر بلند کردن آنگشت دست راست معذور است در تشهد آنگشت دست چپ را بالا میکند مگر زید او را منع میکند؟

جواب: اگر ازبلند کردن آنگشت دست است معذور باشد دراین صورت آنگشت دست چپ را بالا نکند به بلند کردن آنگشت دست چپ حکم نیست. [۳] فقط

سوال: (۳٤۲) بعد ازگشتاندن سلام امام باید روی خود را بکدام طرف دور دهد: امام بعد ازسلام دادن آن نمازها که بعد ازآن سنت نیست یعني بعد از نماز دیگر ونماز صبح باید روي بکدام طرف بنشیند بطرف راست یا بطرف چپ یاپشت خود را به طرف قبله ورویش را به طرف مقتدیان دور دهد؟

جواب: درحدیث مسلم شریف آمده: وعن البراء قال كنا اذا صلينا خلف رسول الله ﷺ احببنا ان نكون عن يمينه يقبل علينا بوجهه قال فسمعته يقول رب قني عذابک يوم تبعث او تجمع عبادک، رواه مسلم [٤] وفي حديث عبد الله ابن مسعود رضی الله عنه قال لا يجعل أحدكم شيئا للشيطان في صلاته يرى أن حقا عليه ان لا ينصرف عن يمينه لقد رايت رسول الله ﷺ كثيرا ينصرف عن يساره رواه البخاري ومسلم [۵] وعن انس رضی الله عنه كان النبي ﷺ اذا صلى صلاة اقبل علينا بوجهه رواه البخارى ص۷۹ مشکوة شریف [٦] از این روایات معلوم شد که پاک حضرت ﷺ دراکثر اوقات بعد

---

(۱) ردالمحتار، باب صفة الصلوة جلد اول ص٤٧٥، ط.س. ج۱ ص۵۰۸. ظفیر

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٧٤ ، ط.س. ج۱ س۵۰۹. ظفير

(۳) الصحيح انه يشير بمسبحة وحدها يرفعها عند النفي (درمختار) قوله بمسبحة وحدها فيكره ان يشير بالمسبحتين كما في الفتح وغيره (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٧٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۰۸) . ظفير

(٤) مشكوة باب الدعاء في التشهد فصل اول ص۸۷، ظفير

(۵) مشكوة باب الدعاء في التشهد فصل اول ص۸۷. ظفير

(٦) مشكوة باب الدعاء في التشهد فصل اول ص۸۷. ظفير

ازختم جماعت بطرف راست مي نشستند وبعض اوقات بطرف چپ وبعض اوقات به مقتديان روبرو مي نشستند ازاين عبارت اين مطلب هم حاصل شده ميتواند كه ان حضرت ﷺ بطرف قبله ورو بطرف مقتديان مي نشستند واين هم مراد شده ميتواند كه بانصراف طرف راست ويا بطرف چپ تعبير شده است لهذا فقهاء كرام دراين باره اختيار داده اند كه خواه بطرف راست يا بطرف چپ يا رو به مقتديان وپشت به طرف قبله بنشيند در الدر المختار امده: وفي الخانية يستحب للامام التحول ليمين القبلة يعني يسار المصلي الخ وخيرة في المنية بين تحويله يمينا وشمالا الخ واستقباله الناس بوجهه [1] الخ، وآن حضرت ﷺ در اكثر اوقات بطرف راست مي نشستند: كما ذكره الشراح وعليه عمل اكابرنا كالشيخ المحدث گنگوهي ومولانا النانوتوي قدس الله اسرارهما. فقط

سوال: (٣٤٣) **آيا امام باواز بلند دعاء كرده ميتواند**؟ آيا امام باواز بلند دعاءكرده ميتواند ولو مقتديان به آواز بلند يا پائين دعا بكند خواه دعا به آياتهاي قرآني هم باشد؟

جواب: نظر به آية مباركه: ادعوا ربكم تضرعا وخفية، دعاء به خفيه بهتر است. [2] فقط

سوال: (٣٤٤) **در لفظ السلام عليكم ورحمة الله ازامام سبقت شدن**: اگر كدام مقتدي درگفتن السلام عليكم ورحمة الله پيش از امام فارغ يعني امام هنوز لفظ السلام عليكم ورحمة الله را ختم نكرده ومقتدي اين لفظ را ختم كرد يا در اين وقت روي خود را پيش از روي گردانيدن امام بگرداند دراين صورت نما ز او صحيح شده يانه؟

جواب: نماز مقتدي دراين صورت هم صحيح است مگر گشتاندن سلام پيش از سلام دادن امام مكروه است: وانما كره ذ لك للمؤتم لترك متابعته الامام بلا عذر الخ شامي جلد اول. [3]

سوال: (٣٤٥) **اشاره آنگشت درتشهد**: علماء سرحد درتشهد بلند كردن آنگشت را منع ميكند كه گويا اين عمل درنماز كرده نشود مگر ما ميگوئيم كه اين فعل درنماز به سنت ثابت شده لهذا بكدام قسم كه اشاره ثابت شده به سند صحيح آن را به ما تحرير فرمائيد؟

جواب: صحيح درمذهب حنفي اين است كه اشاره به سبابه درتشهد سنت است وكسي كه مخالف

---

(1) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة جلد اول ص٤٦٥، ط.س. ج١ ص٥٣١. براى تفصيل مطالعه كيد: غنية المستملي ص٣٣٠. ظفير

(2) سورة الاعراف ركوع ٧. ظفير

(3) ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل اذا اراد الشروع جلد اول ص٤٩٥، ط.س. ج١ ص٥٢٥. ظفير

جواب: صرف خواندن السلام عليكم ورحمة الله سنت است، كما في الانوار الساطعة عن منية المصلي وان يقول السلام عليكم ورحمة الله مرتين [۱] آهـ وهم چنين درحديث ديگري نيز وارد شده مگر [۲] روايتيكه به نزد احناف وارد شده مسنون مشهور است براي لفظ بركاته ضرورت نيست. فقط

سوال: (۳۵۱) **بعد از آن نمازهای فرض که نماز سنت نباشد دعاء بعد از فرض را دراز كند:** دركتاب گوهر بهشتي نوشته است بعد از كدام نمازهاي فرض كه سنت باشد يعني بعد از فرض ظهر، شام وخفتن بعد از نماز فرض دعاء بطور مختصر خوانده شود وبعدا مشغول اداء سنت شوند وبعدا از آن نماز فرض كه سنت نيست يعني درنماز ديگر وصبح بعد ازختم اين دو نماز امام اختيار دارد كه حسب خواهش خود دعاء را دراز كند ويا نه كند اين صورت شرعا چه حكم دارد؟

جواب: كدام صورتيكه از گوهر بهشتي منقول شده باحاديث موافق است باين معنى كه بعد ازكدام نماز فرض سنت نباشد دران نماز موافق روايت نور الايضاح عمل كرده شود [۳] وبعد ازكدام نمازهاي فرض كه سنت است يعني بعد از فرض، شام، خفتن وظهر بعد ازآن امام ومقتديان دعاء را به طور مختصر بخوانند وبعد از آن مشغول سنت شوند وقتيكه بعد از فرض دعاء خوانده شود وبعد ازآن سنت اداء گردد بعد از سنت دعاء بطور اجتماعي ضرور نيست چرا كه دعاء اجتماعي يک بار است وبعد از فرصت اداء گرديد بعد از سنت براي مقتديان انتظار دعاء امام ضرور نيست. [۴] فقط

---

(۱) ويقول السلام عليكم ورحمة الله ولا يقول في هذا السلام اي في سلام الخروج من الصلوة سواء كان عن اليمين او اليسار وبركاته (غنية المستملي ص۳۲٦) . ظفير

(۲) ثم يسلم الخ قائلا السلام عليكم ورحمة الله هو السنة الخ وانه لايقول هنا وبركاته وجعله النووي بدعة ورده الحلبي وفي الحاوي انه حسن (درمختار) رده الحلبي حيث قال في الحلية شرح المنية بعد نقله قول النووي انها بدعة ولم يصح فيها حديث بل صح في ترك [illegible] ما حدث مانصه لكنه متعقب في هذا فانها جاءت في سنن ابي داود من حديث وائل بن حجر باسناد صحيح وفي صحيح ابن حبان من حديث عبدالله بن مسعود ثم قال اللهم الا ان يجاب بشذوذها وان صح مخرجها الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة بعد الفصل ص٤۹۱ ج۱. ط.س. ج۱ ص٥۲٦) . ظفير

(۳) وفي الحجة الامام اذا فرغ من الظهر والمغرب والعشاء يشرع في سنة ولا يشتغل بادعية طويلة كذا في التاتارخانيه (عالمگيري مصري كيفيت صلوة ج۱ ص۷۲، ط. ماجدية ج۱ ص۷۷) . ظفير

(٤) مسجد اصلا براي نماز فرض است خواندن نفل وسنت درخانه بهتر است والافضل في النفل غير التراويح المنزل. الا لخوف شغل عنها والاصح افضلية ما كان أخشع واخلص الدر المختار قوله والافضل في النفل الخ شمل مابعد الفريضة وماقبلها لحديث الصحيحين عليكم =

سوال: (٣٥٢) **لفظ آمین وغیره به خفیه مناسب است**: اگر مقتدي شخص حنفي مذهب باشد ولفظ آمین را به جهر بگوید ویا ربنا لک الحمد را بآواز بلند بگوید دراین صورت نمازش بدون کراهیت جائز است یانه؟

جواب: قال في الدر المختار في بیان سنن الحج والثناء والتعوذ والتسمیة والتأمین وکونهن سرا الخ [1] وفیه ایضا وکذا في التسمیع والسلام واما المؤتم والمنفرد فیسمع نفسه الخ [2] وفیه ایضا ترک السنة لا یوجب فساد ولا سهو بل اساءة الخ وقالوا الاساءة ادون من الکراهیة [3] في الشامي الاساءة افحش من الکراهیة الخ [4] از این روایات معلوم شد که جهر به آمین وربنا لک الحمد به نزد احناف خلاف سنت است ومرتکب این عمل بدکار وگناه است. فقط

سوال: (٣٥٣) **هیئت رکوع درنماز به قعود چی قسم است**؟ نماز به قعود در رکوع سیرین خود را از عقبین بالا کند یا پائین کردن سر کافي است؟

جواب: وقتیکه سر خود را خوب پائین کند وکمال رکوع درنماز به قعود آن است که پیشاني مقابل زانوها شود واگر سر خود راصرف بانحناء کمر اندک پائین کند نیز کافی میباشد درشامي از بیرجندي منقول شده: ولو کان یصلي قاعدا ینبغي ان یحاذی جبهته قدام رکبتیه لیحصل الرکوع آه قلت ولعله محمول علی تمام الرکوع والا فقد علمت حصوله باصل طأة طأة الرأس ای مع انحناء الظهر، شامی. [5] فقط

سوال: (٣٥٤) **بعد ازنماز پنج وقته دعاء سنت است**: بعد ازنماز پنج وقته بالا کردن دستها براي دعاء سنت است یا بدعت زید از این جهت دعاء را ترک کرده که دراین باره کدام حدیث وارد نشده این عمل چه قسم است؟

جواب: بعد از اداء پنج وقت نماز دستها بالا کردن ودعاء خواندن سنت نبوي ﷺ است حسن

= بالصلاة في بیوتکم فان صلاة المرء في بیته الا المکتوبة وآخرج ابو داود وصلاة المرء في بیته، افضل من صلاته في مسجدی هذا الا أن مکتوبة وتمامه في شرح المنیة ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ١ ص ٦٣٨ از این احادیث معلوم شد که معطل کردن نماز خوانان براي اداء سنت ودعاء کردن بمور اجتماعي دردور نبوي نبود ونه حالا این التزام جائز است چرا که مخالف حدیث است والله اعلم. ظفیر

(١) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب في سنن الصلوة ص٤٤٣ ج١، ط.س. ج١ ص٤٧٥. ظفیر

(٢) ایضا جلد اول ص٤٤٢، ط.س. ج١ ص٤٧٣ – ٤٧٤. ظفیر

(٣) ایضا. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث الرکوع والسجود جلد اول ص٤٤٢، ط.س. ج١ ص٤٧٤. ظفیر

(٥) ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث الرکوع والسجود جلد اول ص٤١٦، ط.س. ج١ ص٤٧٤. ظفیر

حصین که یک کتاب معتبر احادیث است دراین کتاب بالا کردن دستها در دعاء وبعد ازختم الفاظ دعاء کش کردن دستها به روي به احادیث مرفوعه ثابت شده وبعد از نماز مسنونیت دعاء هم در همین کتاب ذکر شده که باید مطالعه [۱] شود لهذا این عمل زید که ترک دعاء بعد ازنماز است مخالف سنت میباشد. [۲] فقط

سوال: (۳۵۵) **بعد ازثناء وتشهد وغیره خواندن بسم الله نیست**: درنماز پیش ازثناء وتشهد ودرود ودعاء اللهم ربنا آتنا ودعاء قنوت تسمیة یعني بسم الله الرحمن الرحیم خوانده شود یانه؟

جواب: خواندن بسم الله الرحمن الرحیم درنماز صرف پیش از وفات وپیش از سورت میباشد وپیش ازتشهد وغیره حکم بسم الله نیست مگر دربعض روایات درتشهد ودعاء قنوت بسم الله وارد شده اگر گفته شود کدام حرج نیست. [۳]

سوال: (۳۵٦) **بعد از اداء فرض پیش از خواندن سنت مقدار دعاء کدام است**؟ بعد ازفرض وپیش ازسنت ونوافل در دعاء همراه اللهم انت السلام زیاد کردن کدام دعاء دیگري جائز است یانه؟ شاه ولي الله صاحب در حجة الله البالغة دعاهاي دیگر را نقل شده وخواندن آن را اولی گفته است دراین باره چه حکم است؟

جواب: این دعاها واذکار بعد ازنماز فرض وپیش ازخواندن سنت مؤکده جائز ومستحب است ودرخواندن این دعاها هیچ کدام بدي نیست وبعض فقهاء کرام نوشته اند که بعد ازنماز فرض همراه اللهم انت السلام دعاها وغیره زیاد نکند مطلب آنها این نیست که خواندن زیاد از این دعاء مذکوره مکروه است ونه غرض ازگفته آنها کدام تحدید است فرضا اگر از روی ظاهر روایت بعض فقهاء ان را تعین وتحدید هم بدانند فقهاء دیگري باثر روایات زیاد از احادیث اذکار ودعاهاي ماثوره دیگري راجائز ومستحب گفته اند [٤] مثلیکه حضرت شاه ولی الله صاحب تحریر

---

(۱) قال رسول الله ﷺ اذا سألتم الله فاسئلوه ببطون اكفكم (الی قوله) فاذا فرغتم فامسحوا بها وجوهكم رواه ابوداود. وعن عمر قال كان رسول الله صلی الله عليه وسلم اذا رفع يديه في الدعاء لم يحطهما حتى يمسح بهما وجهه رواه الترمذي (مشكوة كتاب الدعوات فصل ثاني ص۱۹۵) . ظفير

(۲) ودبر الصلوت المكتوبات بحواله الترمذي (حصن حصين احوال الاجابة ص۳۰) . ظفير

(۳) وتعوذ الخ سرًا الخ لقرائت الخ وكما تعوذ سمي غير المؤتم (درمختار) ذكر المصنف ثلاث مسائل تفريعًا على قوله لقرائت بناء على قول ابي حنيفة ومحمد ان تعوذ تبع للقرائت اما عند ابي يوسف فهو تبع للثناء الخ لكن مختار قاضي خان والهداية وشروحها والكافي والاختيار واكثر الكتب هو قولهما انه تبع للقرائت وبه ناخذ شرح المنية (ردالمحتار باب صفة الصلوة بعد الفصل ج۱ ص٤٥٦ – ٤٥٧، ط.س. ج۱ ص٤٨٩) . ظفير

=

فرموده اند.

سوال: (۳۵۷) **پیوست کردن کعبین در رکوع پیوست کردن بجای پاها در رکوع مسنون است یانه؟** ودر الدر المختار که درباره این مسئله کدام بحث شده آن روایت قابل اعتماد است یانه؟

جواب: عمل کردن به این مسئله جائز است چرا که کلام عالم شامي صرف در این است که این عمل سنت است یانه لذا درجواز بلکه دراستحباب این هیچ قسم شبه معلوم نمیشود مگر چونکه مسنونیت این عمل ثابت نیست لهذا تارک این عمل هیچ ملامت نیست. (۱) فقط

سوال: (۳۵۸) **دعاء بعد از فرض:** امام که بعد ازنماز جماعت دعاء میکند مقتدي صرف آمین بگوید یا دعاء موافق میل خود را خوانده میتواند؟

جواب: هر مقتدي دعاء خوش کرده خود را بخواند ضرور نیست که دعاء امام را امین بگوید. (۲) فقط

سوال: (۳۵۹) **ذکر رفع سبابه جائز نیست؟** درمتون کتابها چرا بحث سبابه ذکر نشده ورفع سبابه جائز است یانه؟

جواب: تفصیل بحث شبابه را در الدر المختار مطالعه فرمائید دراین کتاب متعلق رفع سبابه متون بعض کتابها رانقل کرده ورفع سبابه را به دلائل تصحیح نموده وامام محمد جواز ومسنونیت آن را قول خود وقول ابي حنیفة رحمة الله علیهم نوشته کرده. (۳)

---

(٤) ویکره تاخیر السنة الا بقدر انت السلام الخ قال الحولاني لا باس بالفصل بالاوراد واختاره الکمال الخ ویستحب ان یستغفر ثلاثا ویقرء اية الکرسي والمعوذات الخ ویدعو ویختم بسبحان ربک الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة فصل کیفیت صلوة جلد اول ص٤٩٤، ط.س. ج١ ص٥٣٠). ظفیر

(۱) ومنها الخ رفع الیدین الخ وتکبیرة الرکوع الخ والتسبیح فیه ثلاثا وإلصاق کعبیه الخ ویسن ان یلصق کعبیه وینصب ساقیه ویبسط ظهره ویسوی ظهره بعجزه (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٤٤ ج١ وص٤٦١ ج١، ط.س. ج١ ص٤٧٣ – ٤٧٦) قال السید ابوالسعود وکذا في السجود ایضا وسبق في السنن ایضاً اهـ والذي سبق هو قوله والصاق کعبیه في السجود سنة در آهـ ولا یخفي ان هذا سبق نظر فان شارحنا لم یذکر ذلک لافي الدر المختار ولا في الدرالمنتقی ولم أره لغیره ایضا فافهم نعم ربما یفهم ذلک من أنه إذا کان السنة في الرکوع الصاق الکعبین ولم یذکر تفریجها بعده فالاصل بقاءهما ملصقین في حالة السجود ایضاً تامل الخ (ردالمحتار باب ایضاً ج١ ص٤٦١، ط.س. ج١ ص٤٧٣) . ظفیر

(۲) یسلم الخ مع الامام الخ ویدعو ویختم بسبحان ربک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة جلد اول ص٤٨٩ ، ط.س. ج١ ص٥٢٤) . ظفیر

(۳) حواله مفصله پیش گذشت: هو قول ابي حنیفة ومحمد (رحمهما الله) وکثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولي (ردالمحتار باب صفة =

سوال: (۳۶۰) **درعوض الله اکبر یا الله گفتن جائز است یانه؟** اگر درنماز به عوض الله اکبر در تکبیرات انتقالي سهوا دو دفعه یا الله یا الله بگوید جائز است یانه؟

جواب: این عمل جائز است ودراین صورت نماز صحیح میشود[1]. فقط

سوال: (۳۶۱) **حلقه انگشت درتشهد تا کدام وقت باقي بماند:** وقتیکه درتشهد انگشت شهادت رابلند کند وچهار آنگشت دیگري را حلقه نماید آیا سلام دادن آنگشتان خود را بند بماند یا آنگشتان را دراز وهموار سازد؟

جواب: چون دروقت لا اله گفتن آنگشتان خود را حلقه کند تاوقت سلام دادن وفراغت از نماز آن را هم چنان به حال خود بماند: کما نقل شامي عن المحیط انها سنة یرفعها عند النفي ویضعها عند الاثبات وهو قول ابي حنیفة وقول محمد رحمهم الله وکثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولی انتهی فهو صریح في ان المفتی به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع علی الکیفیة المذکورة، شامي[2] جلد اول هم چنین درعبارات متعدد آمده که حلقه آنگشتان وآنگشت اشاره تا فراغت از نماز به حال خود مانده شود اینکه عبارات متعلقه این مسئله ذکر نکرده که پیش از فراغت وسلام دادن، آنگشتان خلاص شود عدم ذکرخلاص کردن حلقه دلیل برآن است که پیش ازسلام حلقه آنگشتان به حال خود باشد وخلاص کردن آن پیش ازسلام دادن مناسب نیست.

سوال: (۳۶۲) **درحال رکوع پیوستن بجلک پاها به شخص هم جوار سنت است یانه؟** درحال رکوع پیوست کردن بجلک پاها سنت است یا نه اگر کسي باین عمل عادي باشد منع کردن اوجائز است یانه؟

جواب: اقول وبالله التوفیق درشامي آمده: ویکره القیام علی احد القدمین في الصلاة بلا عذر وینبغي ان یکون بینهما مقدار اربع اصابع الید لانه اقرب الی الخشوع هکذا روی عن ابي النصر الدبوسي انه کان یفعله کذا في الکبری وما روي أنهم الصقوا الکعاب بالکعاب ارید به الجماعة اي قام کل واحد بجانب الاخر کذا في فتاوی سمرقندي الخ ج۱ ص۲۹۹[3] از این روایت معلوم

= الصلوة ص۴۷۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۰۸) . ظفیر

[1] وصح شروعه بتسبیح وتهلیل وتحمید وسائر کلم التعظیم الخالصة له تعالی الخ کما صح لو شرع بغیر عربیة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل تالیف الصلاة ج۱ ص۴۵۰، ط.س. ج۱ ص۴۸۳) . ظفیر

[2] ردالمحتار، باب صفة الصلوة بحث القیام جلد اول ص۴۱۴، ط.س. ج۱ ص۵۰۹. ظفیر

[3] برای مطالعه این عبارت مراجع کنید به مشکوٰة باب تسویة الصفوف. ظفیر

شد که درحال قیام فاصله بین دو قدم باندازه چهار آنگشت ضرور است ومراد از این الصاق ویکجا کردن کعب به کعب محاذات که ازحدیث مبارک: سووا صفوفکم، وحدیث مبارک: وتراصوا وسدوا الخلل، وغیره احادیث مستفاد ومراد شده پس وقتیکه درحالت قیام بین دو قدم مقدار چهار انگشت فاصله ضرور است پس در رکوع هم به همین حال ماندن آن مناسب است به هر حال معلوم میشود که اصل سنت پیوست شده درصف، برابر کردن صف واستقامت صف است واز تجربه ظاهر میشود که دررکوع وسجده پیوست کردن بجلک پاها متعذر است ویا اینکه به بسیار تکلیف ومشقت عملي میشود عقبین بجلک پاها پیوست شده میتواند مگر به تجربه ثابت شده که به پیوست کردن عقبین بجلک پاها پیوست شده نمیتواند البته برابر شدن کعبین دراین صورت بطور مکمل حاصل میشود ومقصو شارع علیه السلام نیز همین قسم معلوم میشود از احادیث ثابت است: تحقیق زیاد وتفصیل این مسئله را با نقل عبارت مولوي میرک شاه صاحب مدرس این مدرسه در پارچه دیگري نوشته کرده که باید مطالعه شود ومعلومات دیگري از مولانا میرک شاه صاحب مدرس دار العلوم طلب شود.

جواب: اقول وبالله التوفیق، این مسئله یعني مسئله الصاق کعبین اگر چه درکتابهاي علماء متأخرین حنفي درج است لکن به مذهب ائمه وبه نزد علماء متقدمین حنفي اصل این عمل پیدا نشده یعني دلیل شرعي براي این عمل دریافت نگردیده است لهذا درکتابهاي معتبر علماء متقدمین ذکر وبحث این مسئله نشده است بلکه سخن حق این است که این مسئله را زاهدي درمجتبی ازهمه مسائل پیشتر ذکر کرده است وبعد ازآن این مسئله را قهستاني، جامع الرموز، شرح کیداني وحلبي درشرح منیه وابن نجیم در بحر وتمرتاشي تلمیذ صاحب بحر درنهج البلاغة نقل کرده است ودر وقت نقل این مسئله کدام تردیدی هم در آن نکرده اند از این جهت این مسئله معمول به گردید لهذا صاحب بحر وصاحب در المختار به صیغه جزم این مسئله را نقل کردند واز طرف دیگر ازکلام وتوارث وتعامل بعض تنها معلوم میشود که تفریح کعبین سنت است مثلیکه درسعایه ذکر شده: ورأیت کلام الشیخ محمد حیات السندي یقتضي اثبات سنیة التفریح ونفي سنیة الالصاق [1] آه اگر با این حالات نظر کرده شود دراین صورت عبارت متأخرین مؤول یا مرجوح خواهد بود در طوالع الانوار شرح در مختار شیخ محمد عابد دراین عبارت تأویل کرده ومراد از الصاق کعبین محاذات کعبین گرفته است ودراین باره از قول علامه

(۱) سعایه.

تأويل كرده ومراد از الصاق كعبين محاذات كعبين گرفته است ودراين باره از قول علامه رحمتي هم استفاده كرده است مثليكه نوشته كرده قوله: والصاق كعبيه اي حالة الركوع قال الشيخ رحمتي مع بقاء تفريج ما بين القدمين قلت لعله اراد من الالصاق المحاذاة وذلك بأن يحاذي كل من كعبيه لاخر فلا يتقدم أحدهما على الاخر [1] اين تأويل آن قول متأخرين است كه درطوالع الانوار شرح در المختار ذكر شده وكدام فقهاء كه اراده اين تأويل را نكرده اند آنها اين را قول مرجوح ودرجمله اوهام زاهدي درج ميكنند: كما في السعاية نقلا عن تعليق الشيخ ابي الحسن السندي على الدر المختار هذه السنة انما ذكرها من المتأخرين تبعا للمجتبى وليس لها ذكر في الكتب المتقدمة ولم يرد في السنة على ما وقفنا عليه وكان بعض مشائخنا يرى انه من اوهام صاحب مجتبى وكأنهم لوهموا مما ورد ان الصحابة كانوا يهتمون بسد الخلل في الصفوف حتى يضمون الكعاب والمناكب ولا يخفى ان المراد هاهنا الصاق كل كعب بكعب صاحبه لا كعبه مع الكعب الاخر [2] آه خلاصه اينكه هر دو بجلك پاى در ركوع بالكل پيوستن مثليكه در كتابهاي مجتبى وكتابهاي اتباع مجتبى واقع شده به مفهوم ظاهر خود محمول نيست واگر به مفهوم ظاهر محمول شود دراين صورت ازجمله اوهام صاحب مجتبى خواهد بود درسعايه شق اول را اختيار كرده ونفي مسنونيت پيوستن بجلك به بجلك را به دلائل متعدد ثابت كرده فليراجع، كتبه ميرك شاه فقط، در اين باره مشكوة باب تسوية الصفوف را مطالعه فرمائيد درطوالع الانوار وسعايه بطور مفصل اين مسئله بيان شده.

سوال: (٣٦٣) **بحث رفع سبابه درتشهد**: در تشهد متعلق رفع سبابه به نزد علماء مذهب حنفيه سنت است يا مستحب ورفع سبابه از كدام وقت تا كدام وقت كرده شود حضرت مجدد رحمه الله چرا مخالف رفع سبابه است وحلقه آنگشتان چه قسم است؟

جواب: صحيح آن است كه رفع سبابه درتشهد سنت است وامام محمد در موطا [3] فرموده است: وهو قولي وقول ابي حنيفة رحمه الله، ومستحب اين است كه به نفي آنگشت سبابه را بالا كند وبه اثبات آن را پائين كند: وفي المحيط انها سنة يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات وهو قول ابي حنيفة ومحمد رحمهما الله وكثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولى، [4] وحضرت امام

---

(١) طوالع الانوار. (٢) سعايه. (٣) موطا إمام محمد.

(٤) ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في تاليف الصلوة جلد اول ص٤٧٥، ط.س. ج١ ص٥٠٩. ظفير

رباني رحمة الله تعالى عليه بناء برمتون عدم رفع سبابه را ترجيح داده لكن جمهور فقهاء ومحدثين مخالفت رفع سبابه تصحيح كرده اند وشراح متون اين روايت را صحيح ومفتى به نگفته است واتباع وخلفاي حضرت مجدد صاحب هم تاويل قول امام رباني را كرده است ومسنونيت اشاره سبابه را ثابت گفته است وحلقه كردن آنگشت ابهامه ووسطى وحلقه كردن آنگشت خنصره وبنصره واشاره كردن به مسبحه سنت است: وصفتها ان يحلق من يده اليمنى عند الشهادة الابهام والوسطى ويقبض البنصر ويشير بالمسبحة الخ شامي. [1] فقط

سوال: (٣٦٤) **ازسجده بالا شدن مطابق سنت است**: غير مقلدين ميگويند كه حنفيان ازسجده مستقيم به قيام ميروند اين عمل غير مشروع است ودرنماز خلل ميايد بلكه بعد ازسجده اندک جلسه خفيفه هم ضرور است اين قول صحيح است يا نه؟

جواب: اين مسئله را صاحب هدايه بالفاظ كوتاه ومختصر جواب داده است: ولنا حديث ابي هريرة ﵁ ان النبي ﷺ كان ينهض في الصلاة على صدور قدميه وما رواه محمول على الكبر. [2]

سوال: (٣٦٥) **رفع سبابه وحضرت مجدد صاحب**: از اكثر كتابهاي فقه ظاهر ميشود كه در التحيات بالا كردن آنگشت سبابه سنت وموجب ثواب است وحضرت شاه عبد العزيز رحمة الله عليه محدث دهلوي اين عمل را سنت نبوي ميگويد مگر حضرت امام رباني مجدد الف ثاني رحمة الله عليه در ص٣١٢ از مكتوبات اين عمل را حرام ميگويد در اين دو حضرات قول كدام شخص معتبر است؟

جواب: دراين باره قول صحيح ومستند اين است كه اشاره به سبابه درتشهد سنت ومستحب است جمهور امت نيز به همين طرف است ودر الدر المختار روايت عدم رفع سبابه نقل كرده است وبعد به خلاف آن به روايات ودلائل زياد مسنونيت رفع سبابه را ثابت كرده است وامام محمد درموطاء به قول خود وقول امام صاحب مسنونيت رفع سبابه را نقل كرده [3] واز طرف

---

(١) ايضاً. ظفير

(٢) هداية باب صفة الصلاة. ج ١ ص ١٠١ يعني از ابو هريرة ﵁ بيان شده كه نبي كريم از سجده بالاميشد مستقيما به رووس هر در پاي خود استاد ميشود وبعد ازسجده دوم جلسه خفيفه نميكرد. بلكه بعد ازسجده مستقيما به قيام ميرفت ودر كدام روايت كه بعد از سجده دوم جلسه خفيفه استراحت آن حضرت ثابت شده اين روايت محمول به كبر سن آن حضرت ﷺ ميباشد كه از اثر كمزوري چنين ميكرد نظر به اين تأويل دربين اين دو روايت توافق حاصل ميشود والله اعلم. ظفير

(٣) حواله تفصيلي پيشتر گذشته است.

امام رباني مجدد ألف ثاني رحمة الله عليه بعض اولاد امجاد وخلفاء او معذرت خواسته اند واعتراف نموده اند که حضرت امام رباني از رفع سبابه خلاف کرده مگر سخن حقيقی اين است که رفع سبابه سنت است وترک آن مناسب نيست، هذا خلاصة مافصله وحققه العلماء المحققون من الاحناف فلا اشکال فان إختلاف الامة رحمة من الله.

سوال: (٣٦٦) **اگر امام از قعده اول بالا شود ومقتدي تشهد را پوره نکرده باشد دراين حال مقتدي چه کند**؟ اگر امام از قعده اول بالا شود ومقتدي تشهد را تمام نکرده باشد دراين حال مقتدي چه کند؟ واگر مقتدي تشهد را تمام کرده باشد وامام تمام نکرده باشد آيا بنشيندوياچه کند؟

جواب: مقتدي تشهد را تمام کند وبالا شود [1] واگر مقتدي پيش ازامام تشهد را تمام کرد در اين وقفه خاموش بنشيند وياکلمات آخري تشهد را تکرار کند. [2]

سوال: (٣٦٧) **در درود شريف تشهد زياد کردن کلمه ازواج وذريات چه قسم است**؟ يک صاحب نوشته کرده که در درود نماز کلمه ازواج وذريات را زياد کند که ثواب دارد مثلا اللهم بارک علی محمد وعلی ازواجه وذرياته الخ آيا زياد کردن اين الفاظ جائز است يانه؟

جواب: به کدام قدر که معمول است کافي ميباشد اگر چه در زيادت اين الفاظ هم کدام بدي نيست. [3] **فقط**

سوال: (٣٦٨) **درسلام دادن صرف روي را بگرداند سينه را نگرداند:** دروقت سلام گشتاندن نماز صرف روي را از قبله بگرداند ويا سينه را هم؟

جواب: در گشتاندن سلام صرف گشتاندن روي به هر دو طرف کافي است. [4]

---

(١) لو رفع الامام راسه الخ قبل ان يتم الماموم التسبيحات الثلاث وجب متابعته الخ بخلاف سلامه او قيامه لثالثة قبل اتمام الموتم التشهد فانه لايتابعه بل يتمه لوجوبه ولو لم يتم جاز (درمختار) اي صح مع کراهة التحريم الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل تاليف الصلوة جلد اول ص٤٦٣، ط.س. ج١ ص٤٩٥) . ظفير

(٢) ولايزيد في الفرض على التشهد في القعدة الاولى اجماعا الخ ولو فرغ الموتم قبل امامه سکت اتفاقا (ايضاً ج١ ص٤٧٦ – ٤٧٧، ط.س. ج١ ص٥١٠) . ظفير

(٣) ولذا قال في شرح المنية والاتيان بما في الاحاديث الصحيحة اولى الخ (ردالمحتارباب ايضاً جلداول ص٤٧٩، ط.س. ج١ ص٥١٣). ظ

(٤) وتحويل الوجه يمنة ويسرة للسلام (اي من السنن (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب سنن الصلوة ص٤٤٥ ج١، ط.س. ج١ ٢٤٧٧) ولها أداب ترکه لايوجب اساءة ولاعتابا لکن فعله افضل الخ والى منکبه الايمن والايسر عند التسليمة الاولى والثانية لتحصل الخشوع (ايضا اداب الصلوة ص٤٤٦ ج١، ط.س. ج١ ص٤٧٧) . ظفير

سوال: (۳٦۹) **ضم سورة واجب است:** آیا ضم سورة فرض است یا واجب وبکدام مقدار؟

جواب: واجب است باندازه سه آیات. [۱] فقط

سوال: (۳۷۰) **آیا امامت بدون دستار ثابت است یانه؟** از رسول اکرم ﷺ یا از علماء بدون دستار نماز کردن ثابت است یا نه؟

جواب: از حدیث شریف: او کلکم یجد ثوبین [۲] وغیره احادیث صفا ظاهر است که دستار از ضروریات نماز وامامت نیست.

سوال: (۳۷۱) **وقتیکه دررکوع امام چالاکی کند نماز مقتدی میشود یانه؟** امام در رکوع وسجده انقدر جلتي میکند که مقتدیان سه دفعه تسبیح گفته نمیتوانند دراین صورت نماز مقتدیان صحیح میشود یانه؟

جواب: براي امام در رکوع وسجده آنقدر جلتي مناسب نیست که مقتدیان سه دفعه تسبیح گفته نتوانند فرضا اگر تسبیحات مقتدیان سه دفعه مکمل نشود نیز نماز مقتدیان صحیح وکامل شده در نماز نقصان پیش نمیشود. [۳]

سوال: (۳۷۲) (۱) **زنان چه قسم سجده کنند؟** زنان مثل مردان سجده کنند یا چه قسم؟

سوال: (۳۷۳) (۲) **درحالت تشهد نظر نماز گذار به کجا باشد؟** نماز گذار درحال تشهد به کجا نظر کند؟

جواب: (۱) زن باید ضرور درسجده وغیره اندامهاي خود را یک بدیگر پیوست کند [٤] سجده وغیر را مثل مردان نکنند که مکروه است.

جواب: (۲) در اداب نماز است که نماز گذار درحال قیام به جاي سجده نظر کند ودرحال رکوع به پشت پاها ودرحال سجده به طرف بیني ودرحال قعده وتشهد بطرف سینه خودنظر کند

---

(۱) ولها واجبات الخ (ومنها) ضم اقصر سورة كالكوثر او ماقام مقامها وهو ثلاث ايات قصار (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة جلد اول ص٤٢٧، ط.س. ج١ ص٤٥٦ – ٤٥٨) .

(۲) دار قطني، باب الصلوة في الثوب الواحد جلد اول ص١٠٥. ظفير

(۳) لورفع الامام راسه من الركوع والسجود قبل ان يتم الماموم التسبيحات الثلاث وجب متابعته (درمختار) يسبح فيه ثلاثا فانه سنة على المعتمد المشهور في المذهب لافرض ولا واجب كما مر فلا يترک المتابعة الواجبة لاجلها. (ردالمحتار. باب صفة الصلوة جلد اول ص٤٦٣، ط.س. ج١ ص٤٩٥) . ظفير

(٤) والمرأة تنخفض فلا تبدي عضديها وتلصق بطنها بفخذيها لانه استر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار جلد اول ص ٤٧١، ط.س. ج١ ص٥٠٤) . ظفير

الخ الدر المختار. [۱]

سوال: (۳۷٤) (۱) **پیش از فرض (انی وجهت) گفتن چی قسم است؟** آیا پیش از فرض گفتن آیة مبارکه اني جهت وجهي للذي فطر السماوات ضرور است یانه؟

سوال: (۳۷۵) (۲) **امی چه قسم نماز بخواند؟** کسي که نماز را یاد گرفته نمیتواند او چه کند؟

جواب: (۱) کدام حرج نیست پیش از بستن نیت آن را بگوید. [۲]

جواب: (۲) کوشش یاد گرفتن قرائت را جاري داشته باشد افعال نماز را اداء کند ومناسب است که درجماعت شریک شود. [۳]

سوال: (۳۷٦) **بعد از نمازهای فرض دعا جائز است یانه؟** بعد از نماز فرض دعاء جائز است یانه؟ اگر جائز باشد تاکدام وقت میباشد؟

جواب: دعاء کردن بعد از هرفرض وبعد از هرنماز جائز ومستحب است به هر اندازه که مناسب است دعاء کند مگر بعد ازآن فرائض دعاء را دراز نکند که بعد از آن نماز سنت با شد تا اینکه سنت زیاد مؤخر نشود. [٤] فقط

سوال: (۳۷۷) **تحقیق آمین بالجهر وآمین به خفیه؟** درآمین به جهر وآمین به خفیه چه تحقیق است؟ اگر غیر مقلدین در جماعت مشترکه آمین به جهر بگویند درنماز مردم حنفي مذهب خلل میاید یانه؟ ودراین باره دربین احناف وغیر مقلدین همیشه انواع میباشد حنفیان میگویند که مسجد تقسیم شود وغیر مقلدین به مسجد ما نیایند وغیر مقلدین میگویند که مساجد تقسیم شده نمیتواند دراین صورت چه حکم است؟

---

(۱) نظره الی موضع سجوده حال قیامه والی ظهر قدمیه حال رکوع والی ارنبة انفه حال سجوده والی حجره حلل قعوده (الدر المختار علی هامش ردالمحتار جلد اول ص٤٤٦، ط.س. ج۱ ص٤٧٧) . ظفیر

(۲) وذکر التمرتاشي یجب ان لایترک الامي اجتهاده اناء لیله ونهاره لیتعلم قدر ماتجوز به الصلوة ان قصر لم یعذر عند الله تعالی (غنیة المستملي ص٤٨٤) ولایلزم العاجز عن النطق کاخرس وامي تحریک لسانه وکذا في حق القرائت هو الصحیح لتعذر الواجب فلا یلزم غیره الابدلیل فکفی النیة لکن ینبغي ان یشترط فیها القیام الخ (الدرالمختار باب صفة الصلوة جلد اول ص٧٤). ظفیر

(۳) والاولی ان یاتي بالتوجه قبل التکبیر لیتصل النیة به هو الصحیح (هدایه باب صفة الصلوة جلد اول ص٩٦) .

(٤) ثم یسلم عن یمینه ویساره (الی قوله) ویستحب ان یستغفر ثلاثا ویقرء اية الکرسي والمعوذات ویسبح ویحمد ویکبر ثلاثا وثلثین ویهلل تمام المائدة ویدعو ویختم سبحان ربک (الدالمختار علی هامش ردالمحتار جلد اول ص٤٩٤، ط.س. ج۱ ص٥٢٤) ویکره تاخیر السنة الا بقدر اللهم انت السلام الخ وقال الحلواني لاباس بالفصل بالاوراد واختاره الکمال ایضاً ص٤٩٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥٣٠) . ظفیر

جواب: مذهب حنفيان اين است كه امين به خفيه ضرور است فقهاء حنفيه اخفاء امين را سنت ميگويند وآمين به خفيه هم درحديث وارد شده درشرح منية آمده: وقد روي احمد وابو يعلى والطبراني والدار قطني والحاكم في المستدرک من حديث شعبة عن سلمة بن كهيل عن حجر بن العنبس عن علقمه بن وائل عن ابيه انه صلى مع رسول الله ﷺ فلما بلغ غير المغضوب عليهم ولا الضالين قال آمين واخفى بها صوته وقال الشافعي واحمد يجهر الامام والمأموم بآمين لما روي ابن ماجة كان عليه الصلاة والسلام اذا تلا غير المغضوب عليهم ولا الضالين قال آمين حتى يسمع من في الصف الاول فيرتج المسجد قلنا تعارض روايتان الجهر والاخفاء في فعله فيرجح الاخفاء باشارة قوله فان الامام يقوله وبأن الاصل في الدعاء الاخفاء وآمين دعاء فان معناه استجب. [1] از اين عبارت واضح شد كه آمين به خفيه سنت است لكن چونكه دراين مسئله اختلاف است لهذا براي حنفيان تعصب مناسب نيست وبه جهر خواندن آمين نماز كدام خلل پيش نميشود مگر غير مقلدين نيز تعصب نكند چونكه آمين به خفيه هم درحديث وارد شده وترجيح دارد پس دراين صورت چرا صرف به فكر وخيال خود محكم ميشوند اگر امدن غير مقلدين در مسجد حنفيان موجب فساد وفتنه ميشود در اين صورت آنها بند شوند وبرايشان اجازه داده نشود كه درمسجد احناف نماز بخوانند مثليكه روافض بند كرده ميشوند. فقط

سوال: (۳۷۸) **<u>بعد ازفرض ماندن دست به سر ودعا كردن ثابت است يانه</u>** بعد از خواندن فرض ماندن دست به سر ودعاء كردن ثابت است؟ در ركوع وقيام وسجده چه مقدار فاصله بين دو قدم پاها مناسب است؟

جواب: بعد از نماز فرض ماندن دست بر سر وخواندن اين دعا: بسم الله الذي لا اله الا الله هو الرحمن الرحيم، اللهم اذهب عني الهم والحزن، درحصن حصين [2] ذكر شده وحديث برآن وارد است وپيوستن هر دوكعبين يعني بجلک پاها در كتابهاي فقه مسنون نوشته شده: ويسن ان يلصق كعبيه، [3] الدر المختار وقال السيد ابو السعود وكذا في السجود ايضا شامی [4] ودرحال قيام در

---

(1) غنية المستملي ص۳۰۲. ظفير

(2) مطالعه كنيد: حصن حصين ص۸۵ وكان صلى الله عليه وسلم اذا صلى وفرغ من صلوته مسح بيمينه على راسه وقال الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم اللهم اذهب عنى الهم والحزن (ايضا). ظفير

(3) الدرالمختار على هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة ص۴۶۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹۳. ظفير

(4) ردالمحتار ص۴۶۱ ج۱ باب صفة الصلوة بحث القيام ط.س. ج۱ ص۴۹۳. ظفير

شامي نوشته است که دربين هردو قدم مقدار چهار آنگشت فاصله مناسب است: وينبغي ان يكون بينهما مقدار اربع اصابع اليد. [1]

سوال: (٣٧٩) **متعلق مسائل مختلف فيها**: امين به جهر وفاتحه خلف الامام ورفع اليدين به نزد احناف جائز است يانه؟ ودراين مسائل دلائل حنفيان چيست؟

جواب: آمين به جهر وفاتحه خلف الامام ورفع اليدين به نزد حنفيان جائز نيست وهمراه حنفيان دلائل اين مسائل بسيار زياد است وهم آيات قرآني واحاديث نبوي دراين باره موجود است که دربسيار کتابها ورساله ها نشر وشائع شده درباره اخفاء امين حديث مبارک: واخفى به صوته، وارد شده ودرباره ممنوعيت قرائت فاتحه خلف الامام آية مبارکه: وإذا قرئ القران فاستمعوا له، ودر روايت مسلم شريف موجود است [2] ودرباره رفع اليدين حديث ابن مسعود درترمذي وکتابهاي ديگري ذکر شده است: قال لنا ابن مسعود ﷺ الا صلي بکم صلاة رسول الله ﷺ ولم يرفع يديه الا مرة واحدة مع تکبير الافتتاح. [3] فقط

فصل چهارم در بيان آداب نماز

سوال: (٣٨٠) **وقتيکه امام به جاي نماز حاضر باشد درآن وقت مقتديان نشسته باشند؟**

وقتيکه امام به جاي نماز حاضر باشد دراين وقت براي امام ومقتدي استاد شدن متعلق شنيدن حي على الفلاح که قول امام اعظم صاحب درکتابهاي فقه ذکر شده آيا اين روايت از قول امام اعظم صاحب است ويا نه واين قول صحيح است ياغلط؟

سوال: (٣٨١) (١) آيا مسئله نو است وبه لفظ حي على الفلاح صف بندي نا ممکن است؟

سوال: (٣٨٢) (٢) کسانيکه به اين قول عمل ميکنند وديگران را هم به اين عمل تشويق ميدهند چه قسم است؟ وکسانيکه خود شان اين عمل را ترک کرده اند وديگران را ا از اين عمل منع ميکنند چه قسم است؟

جواب: (١ - ٣) بسم الله الرحمن الرحيم اقول وبالله التوفيق: بدون شک فقهاء درباره آداب نماز اين سخن را نوشته کرده اند که کدام وقت اقامت گوينده حي على الفلاح بگويد مذهب ائمه ثلاثه يعني امام صاحب وصاحبين اين است که امام ومقتديان به نماز استاد شوند: کذا في

---

(١) ردالمحتار ص٤١٤ ج١ باب صفة الصلوة بحث القيام ط.س. ج١ ص٤٤٤. ظفير

(٢) مطالعه کنيد: غنية المستملي ص٣٠٢. ظفير

(٣) مسلم جلد اول ص١٧٤.مشکوة باب صفة الصلوة ص٧٧. ظفير

الدر المختار، واین سخن هم درالدر المختار آمده که این حکم دران وقت مستحب است که امام قبلا در محراب ویا به نزدیک محراب حاضر باشد واگر امام کدام جاي دیگري ویا درحجره خود باشد کدام وقت که امام داخل مسجد شود درآن وقت همه مقتدیان استاد شوند عبارت درالمختار این است: ولها آداب ترکه لا یوجب ساعة وعتابا کترک سنة الزوائد لکن فعله افضل ونظره الی موضع سجوده حال قیامه، الی ان قال: وقیام الامام والمؤتم حین قیل حي علی الفلاح الخ ان کان الامام بقرب المحراب والا فیقوم کل صف ینتهي الیه الامام علی الاظهر الخ، وشروع الامام في الصلاة مذ قیل قد قامت الصلاة ولو اخر حتی اتمها لا باس به اجماعا وهو قول الثاني والثلاثة وهو احد المذاهب الخ وفي القهستاني الخ انه الاصح قوله انه الاصح لان فید محافظة علی فضیلة متابعة المؤذن واعانة له علی الشروع مع الامام شامي، [1] پس معلوم شد که این امور ازجمله آداب است به تارک این اعمال آنقدر سخت رفتار که برایش یعني گفته شود بسیار ظلم است مثلیکه علامه شامي خودش درشروع امام به قد قامت الصلاة بحث کرده است که صحیح ومذهب إنصاف این است که اقامت گوینده از اقامت بالکل فارغ نشود تا آن وقت امام نماز را شروع نکند چرا که در این صورت تمام اهل نماز جواب تمام إقامت را بآساني اداء خواهد کرد که جواب اقامت مسنون ومستحب است، در حدیث شریف آمده حضرت میگفت: اقامها الله وادامها [2] واین هم درحدیث شریف آمده است که: سووا صفوفکم فان تسویة الصفوف من اقامة الصلاة ومن تمام الصلاة [3] درحرمین شریفین وشهرهاي دیگري این عادت است که کدام وقت مؤذن برای اقامت استاد شود اول این حدیث شریف را میخواند که: سووا صفوفکم، الحدیث عرض این است که دراین باره شرعا بسیار وسعت میاشد ومراد ازقول فقهاء که مردم دروقت حي علی الفلاح استاد شوند مطلب این است که امام ومقتدیان تاوقت شنیدن این کلمات استاد شوند مطلب این نیست که امام ومقتدیان تاوقت شنیدن حي الفلاح بالکل ازجاي خود بالا نشوند. [4]

---

(۱) ردالمحتار، باب صفة الصلوة فصل اداب الصلوة ص۴۴۶ – ۴۴۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۷۹. ظفیر

(۲) عن ابي امامة وبعض اصحاب رسول الله ﷺ قال ان بلالا اخذ في الاقامة الی ان قال قد قامت الصلوة قال رسول الله ﷺ اقامها الله وادامها وقال في سائر الاقامة کنحو حدیث عمر في الاذان رواه ابوادود (مشکوة، باب فضل الاذان واجابة الموذن فصل ثاني) . ظفیر

(۳) مشکوة باب تسویة الصف فصل اول ص۹۸. ظفیر

(۴) والقیام للامام ومؤتم الخ (درمختار) مسارعة لامتثال امره والظاهر انه احتراز عن التاخیر للتقدیم حتی لوقام اول الاقامة لابأس (الطحطاوي علی الدرالمختار باب صفة الصلوة اداب الصلوة ص۲۱۵ ج۱) . ظفیر

سوال: (۳۸۳) **بستن نیت امام به قد قامت الصلاة:** آیا قول مفتی به این است که دروقت قد قامت الصلاة امام نیت خود را بسته کند؟

جواب: در شامي گفته قول اصح ان است که امام بعد از ختم اقامت نماز را شروع کند: وفي القهستاني معزيا للخلاصة انه الاصح لان فيه محافظة على فضيلة متابعة المؤذن واعانة له على الشروع مع الامام شامي. [1] فقط

سوال: (۳۸٤) **کسی که به قعده نماز میخواند دروقت قعده ورکوع به کجا نظر کند؟**

کسی که نماز را به نشستن میخواند دروقت رکوع وقعده به کدام جا نظر کند؟

جواب: کسي که به قعده نماز میخواند فقهاء درباره این شخص مستحب میداند که بطرف سینه خود نظر کند ودرشامي گفته است که به قمیص روبروي خود نظر کند غرض این است که بکدام طرف خشوع حاصل میشود که نظر اوبیک سو ودیگر سو نباشد به همان قسم عمل کند وشامي نیز نوشته کرد در تاریکي وشخص نابینا فکر عظمت الله تعالی را داشته باشدا [2] بعد از این واضح باشد که فقهاء براي کسي که به قاعده نماز میخواند معلوم نکرده که درحال رکوع به کدام طرف نظر کند لهذا براي او مناسب است که در رکوع نظر او بکدام طرف مي افتد به همان طرف نظر خود را نگاه کند ومتوجه الی الله باشد حکم اصل این است که تمام نماز رابه آن قسم اداء کند که گویا الله تعالی رامی بیند: کما ورد ان تعبد ربک کانک تراه الحدیث. [3]

سوال: (۳۸۵) **آیا دروقت اقامت ضرور است که امام ومقتدیان نشسته باشند؟** در رقت مقرره نماز امام ازحجره خود تشریف آورد وبه جاي نماز نشست ومقتدیان هم نشسته مؤذن استاد شد واقامت را شروع نمود وقتیکه مؤذن حي على الفلاح گفت در این وقت فورا امام ومقتدیان استاد شدند ونیت را بسته کردند مگر امام به طرف راست وچپ صف نظر نکرد آیا در

---

(1) وشروع الامام في الصلوة مذ قيل قد قامت الصلوة ولو اخر حتى اتمها لاباس به اجماعا وهو قول الثاني والثلاثة وهو اعدل المذاهب كمافي شرح المجمع لمصنفه وفي القهستاني معزيا للخلاصة انه الاصح (درمختار) قوله انه الاصح لان فيه محافظة على فضيلة متابعة المؤذن واعانة له على الشروع مع الامام (ردالمحتار باب صفة الصلوة اداب الصلوة ج۱ ص٤٤٧، ط.س. ج۱ ص٤٧٩) . ظفير

(2) اى نظره الى موضع سجوده حال قيامه الخ والى حجره حال قعوده (درمختار) قوله الى حجره مابين يديک من ثوبک قاموس وقليل ايضا الحجر مثلثة المنع وحضن الانسان والمناسب هنا الاول لانه فسر الحضن بما دون الابط الى الكشح او الصدر والعضدان الخ قوله لتحصيل الخشوع علة للجميع لان المقصود الخشوع وترک التالیف الخ واذا كان في الظلام او لم يكن بصيرا يحافظ على عظمة الله تعالى لان المدار عليها (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل اداب الصلوة ج۱ ص٤٤٦، ط.س. ج۱ ص٥٧٧) . ظفير

(3) مشكوة كتاب الإيمان فصل اول. ظفير

این باره عمل رسول الله ﷺ وعمل اصحاب اوچه بود؟ .

جواب: در الدر المختار آمده: ولها آداب ترکه لا یوجب اساءة ولا عتابا الیٰ ان قال والقیام لامام ومؤتم حین قیل حي علی الفلاح، [1] از این معلوم شد که استاد شدن امام ومقتدیان دروقت حي علی الفلاح ازجمله آداب است وبه تبرک این عمل عذاب وملامتي نیست وهم چنین در الدر المختار آمده: ویصف الامام بان یامرهم بذلک قال الشمني وینبغي ان یؤخرهم بان یتراصوا ولیسدوا الخلل ولیسووا مناکبهم، [2] الخ از این حدیث معلوم شد که براي امام مناسب است که براي برابر استاد شدن مقتدیان واستقامت صف آنها حکم کند لهذا براي امام آنقدر جلتي مناسب نیست که صفوف برابر باشد ویاناباشد تمام نماز گذاران به تحریمه اماده باشند ویا نباشند وتمام صفوف نیمه باشد ویا مکمل باشد، واو فورا نیت بسته کند وباید هرگز این قسم تندي وسرعت نکند وفقهاء کرام در وقت حي علی الفلاح به بستن نیت امام حکم نکرده اند بلکه دروقت قد قامت الصلاة نیت امام را کرده و دراین باره در المختار، شامي وغیره چنین نوشته اند که بهتر ان است که امام بعد ازختم اقامت نیت وتکبیر تحریمه کند [3] ودرالمختار وقهستانی به حواله نقل خلاصه گفته اند که انه الاصح وراجع به این قول علامه شامي نوشته کرده: لان فیه محافظة علی فضیلة متابعة المؤذن واعانة له علی الشروع مع الامام. [4]

فصل پنجم در بیان قرآئت في الصلاة

سوال: (۳۸۶) **قرآئت خلف الامام**: درقرائت خلف الامام چه قول است؟

جواب: به نزد احناف خواندن فاتحه خلف الامام جائز نیست: عن انس رضی الله عنه قال صلی رسول الله ﷺ ثم اقبل بوجهه فقال اتقرأون والامام یقرأ فسکتوا فسألهم ثلاثا فقالوا انا لنفعل قال فلا تفعلوا قال علی رضی الله عنه من قرأ خلف الامام فلیس علی الفطرة عن عبد الله بن دینار عن عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما قال یکفیک قرائت الامام فهولاء جماعة من اصحاب رسول الله ﷺ قد اجمعوا علی ترک القرائة خلف الامام. [5]

([1]) الدر المختار علی هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة فصل اداب الصلوة جلد اول ص۴۴۶ – ۴۴۷، ط.س. ج۱ ص۴۷۷ – ۴۷۹. ط

([2]) الدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة جلد اول ص۵۳۱، ط.س. ج۱ ص۵۶۸. ظفیر

([3]) وشروع الامام في الصلوة مذقیل قدقامت الصلوة ولو اخر حتی اتمها لاباس به اجماعا الخ وفي القهستاني معزیا للخلاصة انه الاصل (الدر المختار، علی هامش ردالمحتار اداب الصلوة ص۴۴۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۷۹) . ظفیر

([4]) ردالمحتار باب صفة الصلوة اداب الصلوة ص۴۷۴ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۷۹. ظفیر صدیقی

([5]) شرح معانی الاثار جلد اول ص ۱۲۸ – ۱۲۹. ظفیر

سوال: (۳۸۷) **درنماز صبح خواندن سوره سجده وسوره دهر مسنون است؟** درنماز صبح جمعه سوره دهر وسوره سجده مسنون است زید دربیست صبح جمعه این هردو سوره را میخواند ودر صبح بیست ویکم سوره دیگري را میخواند براي اینکه مردم عوام این دو سوره علی الدوام فرض گمان نکنند این عمل زید مخالف افضلیت است یانه؟

جواب: بدون شک دراحادیث همین قسم آمده است لکن مردم حنفي مذهب دربعض اوقات به این مسئله عمل میکنند وهمیشگي ومداومت را به این عمل خوش نمیکنند چرا که این مذهب تعین سوره را براي هر یک نماز ممنوع میفرمایند لهذا اگر دربعض اوقات این مسئله وحکم را عملی کنند کدام حرج نیست ومداومت را بر آن نکنند در الدر المختار آمده: ویکره التعین کالسجدة وهل اتی لفجر کل جمعة بل یندب قرابتها احیانا. [۱] فقط

سوال: (۳۸۸) **دراز کردن رکعت دوم از رکعة اول وترک سورة درمابین مکروه است؟** یک نفر قرائت رکعت دوم را از قرآئت رکعت اول دراز میکند وسوره کوتاه را در بین ترک میکند این عمل جائز است یانه؟

جواب: دراز کردن رکعت دوم ازرکعت اول زیاد تر از سه ایات وهکذا ترک کردن سورة کوتاه دربین دو سورة مکروه است کذا في الدر المختار. [۲]

سوال: (۳۸۹) **خواندن بسم الله پیش از سوره:** اگر درنماز یک سوره را بخواند که تمام این سوره دو رکوع باشد درشروع سورة بسم الله را بخواند و در رکعت دوم که باقیمانده سورة را میخواند بسم الله بخواند ویانه؟

جواب: در رکعت دوم در شروع بین سورة بسم الله را نگوید. [۳]

سوال: (۳۹۰) **سوال متعلق چند صورتهای قرائت:** اگر کسي درنماز فرض در رکعت اول سوره همزه ودر رکعت دوم سوره فیل یا در رکعت اول سوره همزه ودر رکعت دوم سوره قریش

([۱]) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۴. ظفیر

([۲]) وتطال اولی الفجر علی ثانیتها فقط وقال محمد اولی الکل حتی التراویح قیل وعلیه الفتوی واطالة الثانیة علی الأول یکره تنزیها اجماعا ان بثلاث ایات ان تقاربت طولا وقصرا والا اعتبر الحروف والکلمات الخ وان باقل لا یکره الخ ویکره الفصل بسورة قصیرة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۵ – ۵۰۶ – ۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۱ – ۵۴۶. ظفیر

([۳]) ولعوذ سرا الخ وسمي الخ سرا في اول کل رکعة ولو جهریة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۵۶ – ۴۵۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۸۹) . ظفیر

یا در رکعت اول سوره همزه ودز رکعت دوم سوره ماعون یا در رکعت اول سورت فیل و در رکعت دوم سوره همزه یا در رکعت اول سوره قریش و در رکعت دوم سوره فیل یا در رکعت اول سوره ماعون ودر رکعت دوم سوره فیل را عمدا یاسهوا بخواند آیا درنماز کدام قسم خرابي پیش نمیشود؟

جواب: درصورت اول بدون کراهیت جائز است درصورت دوم مکروه، صورت سوم جائز وصورتهاي چهارم، پنجم وششم مکروه است وکراهیت درآن صورت ثابت میشود که عمدا این قسم بخواند و اگر سهوا این سورتها را به این ترتیب بخواند کراهیت ثابت نمیشود وکراهیت آن مربوط به نماز فرض است اگر درنوافل باشد درهمه صورتهاي ذکر شده نماز جائز است.

سوال: (۳۹۱) **برای زن در نماز خواندن قرآن به جهر جائز نیست**: اگر زن حافظه قرآن درنماز نفلي یا تراویح قرآن را به جهر در داخل خانه خود بخواند ودر همین خانه بدون شوهر ومحارمش دیگر هیچ کس نباشد در این صورت قرائت جهري برایش جائز است یا نه نمازش صحیح است یانه؟

جواب: کدام زن که حافظه قرآن باشد از این جهت قرآن بالجهر برایش جائز نیست که به نزد بعض ائمه وعلماء کلام واواز زن عورت است شامي جلد اول وعلی هذا قیل اذا جهرت بالقرائت في الصلاة فسدت کان متجها الخ. [1]

سوال: (۳۹۲) **فتحه دادن درنماز فرض**: یک نفر نماز فرض را میخواند بعد ازفاتحه در قرآئت سورت سهو شد یک مقتدي به او فتحه داد مقتدي دوم اعتراض کرد که درنماز فرض براي امام فتحه دادن جائز نیست اگر در تراویح وغیره به امام فتحه داده شود جائز است، ایا درنماز فرض فتحه دادن جائز است یانه؟

جوابْ: فتحه دادن درنماز فرض هم جائز است ونمازصحیح است وتفصیل این مسئله درکتابهاي فقه بیان شدّه در در المختار شامي وغیره آمده که نماز صحیح است. [2]

سوال: (۳۹۳) **آمین وفاتحه خلف الامام**: بعض معلمان میگویند که آمین گفتن به جهربعد از

---

(۱) ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص۳۷۷، ط.س. ج۱ ص٤٠٦. ظفیر

(۲) بخلاف فتحه علی امامه فانه لایفسد مطلقا لفاتح واخذ بکل حلل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلوة جلداول ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص٦٢٢) . ظفیر

فاتحه خلف الامام ناجائز است وخواندن فاتحه خلف الامام هم جائز نیست دراین باره حکم شرعي را به ما تحریر فرمائید وهر دو دست را در داخل نماز به حال قیام به کدام جا بمانیم؟

جواب: بدون شک خواندن فاتحه خلف امام مناسب نیست مثلیکه درحدیث مسلم آمده که: واذا قرء فانصتوا، [1] یعني کدام وقت که امام قرائت بخواند شما چپ وساکت باشد ودستها را زیر ناف بسته کنید کما هو ظاهر الحدیث وآمین را به جهر نخوانید خفیه بخوانید: لانه دعاء والدعاء بالاخفاء قال الله تعالی ادعوا ربکم تضرعا وخفیة. [2] فقط

سوال: (۳۹٤) **یک آیت را میخواند وآن را ترک کرد واز جای دیگری شروع کرد**: امام قرائت را شروع کرد وبعد ازخواندن یک آیت سهوا درقرائت بند شد آن جا را ترک کرد وازجاي دیگر شروع کرد این نماز چه قسم شد؟

جواب: این رابسیار خوب کرد. [3] فقط

سوال: (۳۹۵) **مقدار قرائت بعد از فاتحه**: براي امام بعد ازخواندن سه آیات بعد ازفاتحه رکوع کردن مناسب است یایک آیت کافي است؟

جواب: کمتر از یک آیت جائز نیست. [4] فقط

سوال: (۳۹٦) **بعد ازقرائت قدر واجب شده فتحه دادن**: وقتیکه امام سه آیات را خوانده باشد وبعدا درقرائت بند گردید دراین حال مناسب است که به رکوع برود ومقتدي برایش فتحه ندهد مگر امام به رکوع نرفت ومقتدي برایش فتحه داد.دراین صورت مقتدي کدام قسم فعل را مرتکب شد مکروه تنزیهي یا تحریمي یا حرام یا چیزي دیگری؟

جواب: نماز فاتح ونماز امام هردو صحیح است مگر بعد از اداء قدر واجب یا قدر مستحب قرائت فتحه دادن یاانتظارامام به فتحه گرفتن مکروه تنزیهي است کذافي الدرالمختار والشامي. [5]

---

(1) مسلم باب التشهد فی الصلاة ج۱ ص ۱۷٤. ظفیر

(2) سورة الاعر اف رکوع ۷. ظفیر

(3) بکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی ایة اخری لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلوة او الی سورة اخری او یرکع اذا قرء قدر الفرض الخ وفي روایة قدر المستحب الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصلوة جلد اول ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص٦۲۲) . ط

(4) قرائت المصلي لو اماما او منفردا الفاتحة وقرائت بعدها وجوبا سورة اوثلاث ایات ولوکانت الایة والایتان تعدل ثلاث ایات قصار انتفت کراهة التحریم ذکره الحلبي ولا تنفي التنزیهیة الا بالمسنون (الدرالمختار علی هامش رد المحتار. باب صفة الصلوة جلد اول ص ٤۵۸ – ٤۵۹، ط.س. ج۱ ص٤۹۱) . ظفیر

(5) یکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی ایة اخری لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلوة او الی سورة اخری او =

سوال: (۳۹۷) **در رکعت دوم قرائت دراز مکروہ تنزیہی است؟** مثلیکه مشهور است که در رکعت اول سوره کوتاه ودر رکعت دوم خواندن سوره دراز مکروه است این کدام مکروه است تحریمي یا تنزیهي ودربین سوره کلان وکوتاه کدام حد واندازه است که این مقدار کلان است واین مقدار کوتاه ویا نیست؟ اگر کسي دررکعت اول سوره کوثر ودر رکعت دوم سوره اخلاص بگوید مکروه است یانه؟

جواب: في الدر المختار اطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا بثلاث آيات [1] الخ پس معلوم شد که کسي در رکعت اول سوره کوثر ودر رکعت دوم سوره اخلاص را بخواند مکروه نیست چرا که درصورت دوم مقدار سه آیات زیادت نیست. [2] فقط

سوال: (۳۹۸) **قرائت مکروهه:** یک امام بعد ازفاتحه در دورکعت ازقل اللهم مالک الملک چند آیات را قرائت کرد ونماز را تمام نمود نماز مکروه شد یانه؟ در رد المحتار درقبیل باب الامامة نوشته است قوله: وان يقرا في الاولى من محل الخ قال فى النحو وينبغي ان يقرأ في الركعتين آخر سورة واحدة لا آخر سورتين فانه مكروه عند الاكثر آه مطلب این عبارت چیست؟

جواب: در این صورت نماز مکروه تحریمي نیست چرا که درعبارت در المختار این قسم نوشته است که خواندن آخر دو سوره در دورکعت مکروه است وخواندن آخر یک سوره در دورکعت مکروه نیست یعني مکروه تحریمي نیست مگر غیر اولی است یعني مکروه تنزیهي میباشد چراکه اولی وافضل وسنت این است که در هر رکعت بعد از فاتحه سوره مکمل گفته شود کما في الدر المختار بان الافضل في كل ركعة الفاتحة وسورة تامة [3] وظاهر است که عمل غیر اولی مائل بسوي مکروه تنزیهي میباشد. فقط

سوال: (۳۹۹) **درنماز خفیه فاتحة خلف الامام:** آیا درنماز خفیه خواندن فاتحه خلف الامام به نزد امام اعظم صاحب جائز است یا نه اگر جائز نباشد سبب آن چیست؟

جواب: به حکم حدیث شریف واذا قرا فانصتوا ، [4] قرابت مقتدي خلف امام جائز نیست خواه

= يركع اذا قرء لقدر الفرض الخ ولي رواية لقدر المستحب الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصلوة جلد اول ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ط

[1] الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵٤۲. ظفير

[2] واطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا ان بثلاث ايات الخ وان باقل لا يكره (ايضا ج۱ ص۵۰۶) . ظفير

[3] ردالمحتار فصل في القرائت ج۱ ص۵۰۵، ط.س. ج۱ ص۵٤۲. ظفير

[4] مشكوة باب القرائت في الصلوة ص۷۹ – ۸۱. ظفير

نماز جهري باشد ويا سري. [1] فقط

سوال (٤٠٠) **لحاظ ترتيب درقرائت:** درنماز كه به سوره فاتحه ضم سورة كرده ميشود آيا ترتيب آن حسب ذيل است يعني در ركعت اول (إذا جاء) ودر ركعت دوم تبت ويا در ركعت اول الم تر كيف ودر دوم لايلاف قريش اين صورت را مسنون وجائز گفته ميشود آيا خلاف اين ترتيب هم جائز است مثلا درركعت اول تبت ودردوم اذا جاء خواند آيا اين عمل جائز است يا نه؟ يک نفر در ركعت اول نصف سوره مزمل را ميخواند بعد به قل هو الله احد درنماز جمعه ركوع ميكند ودر ركعت دوم هردو معوذتين را بخواند وركوع كند اين عمل جائز است يانه؟

جواب: خواندن سورتها به ترتيب واجب است لذا در ركعت اول تبت ودر ركعت دوم خواندن اذا جاء جائز نيست ودر نماز فرض ترک سوره كوتاه مثلا در ركعت اول خواندن اذا جاء ودر ركعت دوم خواندن قل هو الله مكروه است ودرنوافل اين عمل مكروه نيست ودريک ركعت خواندن نيم سوره مزمل وبعدا ضم كردن قل هو الله به اين سوره مكروه است وخواندن معوذتين يعني دوسوره دريک ركعت مكروه است اگر چه نماز صحيح ميشود. [2]

سوال: (٤٠١) **به فاتحه خلف الاما بحث عمل كردن:** آيا درجمله بزرگان دين كسي به فاتحه خلف الامام وآمين به جهر ورفع اليدين عمل كرده اند ويا نه؟

جواب: بعضها عمل كرده اند مگر عمل اكثر اصحاب وتابعين وتبع تابعين مخالف آن است واحاديث مرفوعه هم به خلاف اين اعمال وارد شده. [3] فقط

سوال: (٤٠٢) (١) **خواندن سورتها درنماز بدون ترتيب مكروه تحريمى است واعاده نماز**

---

(1) والمؤتم لايقرء مطلقا ولا الفاتحة في السرية اتفاقا وماتسب الى محمد (اي من استحباب قرائت الفاتحة في السرية احتياطا، شامي) ضعيف كما بسطه الكمال (الدر المختار) حاصله ان محمدا قال في كتابه الاثار لانرى القرائت خلف الامام في شيئ من الصلوة يجهر فيه او يسر، ودعوى الاحتياط ممنوعة بل الاحتياط ترک القرائت لانه العمل باقوي الدليلين وقد روى الفساد بالقرائت عن عدة من الصحابة فالقواهما المنع (ردالمحتار فصل في القرائت ص٥٠٨ ج١، ط.س. ج١ ص٥٤٤) . ظفير

(2) ويكره الفصل بسورة قصيرة وان يقرء منكوسا الا اذا ختم فيقرء من البقرة الخ ولا يكره في النفل شيء من ذلک (درمختار) وفي التارخانية اذا جمع بين سورتين في ركعة رأيت في موضع انه لاباس به وركع شيخ الاسلام لاينبغي له ان يفعل الخ (ردالمحتار فصل في القرائت ج١ ص٥١٠، ط.س. ج١ ص٥٤٦) . ظفير

(3) والمؤتم لا يقرأ مطلقا ولا الفاتحة السرية اتفاقا وما نسب الى محمد فضعيف كما بسطه الكمال فان قرء كره تحريما وتصح في الاصح وفي درر البحار عن مبسوط خواهر زاده انها تفسد ويكون فاسقا وهو مروى عن عدة من الصحابة فالمنع احوط (درمختار) مروى عن عدة من الصحابة قال في الخزائن وفى الكافي ومنع المؤتم عن القرائت ماثورة عن ثمانين نفرا من كبار الصحابة منهم المرتضى والعبادلة وقد دون اهل الحديث اساميهم (ردالمحتارباب صفة الصلوة فصل في القرائت ج١ ص٥٠٨، ط. س. ج١ ص٥٤٤) واذا قرء فانصتوا (مسلم باب التشهد).

واجب است: اگر امام یا منفرد در نماز فرض یا سنت در رکعت اول لایلاف قریش ودر دوم سوره فیل یا در رکعت اول سوره فیل ودر دوم الم نشرح بگوید دراین صورت نماز مکروه تحریمي شد یا مکروه تنزیهي واین نماز قابل اعاده است یانه؟

سوال: (۴۰۳) (۲) **ترک سوره کوتاه مکروه است**: اگر کسي درسورتهاي کوتاه دریک رکعت یک سوره را بخواند ودر رکعت دوم سوره سوم را بخواند وسوره دوم را نخواند یعني سوره دوم ترک گردد، یا اینکه در رکعت اول سوره کوتاه ودر رکعت دوم سوره دراز را بخواند حکم آن چه خواهد بود؟

جواب: (۱) درنماز فرض وواجب معکوس کردن سورتها مکروه تحریمي وحسب عادت قاعده: کل صلاة ادیت مع کراهیة التحریم تجب اعادتها [۱] اعاده این نماز واجب است [۲] ودرنوافل این عمل مکروه نیست: وان یقول معکوسا الخ ولا یکره في النفل شيء من ذلک [۳] الخ در المختار [۴] وحکم امام ومنفرد در این مسئله برابر است. فقط

جواب: (۲) ترک سوره کوتاه درفرائض مکروه است واگر در رکعت دوم زیاد تر از سه آیات از قرائت رکعت اول خوانده شود هم مکروه تنزیهي است واطالة الثانیة علی الاولی یکره تنزیها اجماعا ان بثلاث آیات، درالمختار. [۵] فقط

سوال: (۴۰۴) **درنماز ماندن آیت سجده مکروه است**: وقتیکه امام به آیت سجده برسد آیت سجده را نخواند وبه رکوع برود حکم آن چیست؟

جواب: در درالمختار امده: وکره ترک آیة سجدة وقرائت باقي السورة [۶] پس معلوم شد که ترک کردن آیة سجده قصدا مکروه است.

سوال: (۴۰۵) **در آخر سوره آمین گفتن وکلمات دیگری درنماز جماعت جائز نیست**: در

---

(۱) الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب کل صلوة ادیت مع کراهة التحریم الخ ص۴۲۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۵۷. ط

(۲) شامی که درکدام جا تشریح این قاعده را کرده است درهمان جا وضاحت این مسئله راکرده است که درصورت مذکوره سجده سهو لازم نمیشود: قالوا یجب الترتیب في سور القران فلو قرء منکوسا اثم لاکن لایلزمه سجود السهو لان ذلک من واجبات القرائت لامن واجبات الصلوة کما ذکره في البحر في باب السهو الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص ۴۲۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۵۸) . ظفیر

(۳) ویکره الفصل بسورة قصیرة الخ ولا یکره في النفل شيء من ذلک ایضا ص۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۶. ط

(۴) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۱۰ – ۵۱۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۶. ظفیر

(۵) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۲. ظفیر

(۶) الدرالمختار باب سجود التلاوة ص۷۲۹. ظفیر

آخر فاتحه علاوه از آمین گفتن خفیه در آخر سوره بقره آمین گفتن در آخر سوره اسرائیل الله اکبر گفتن درآخر سوره ملک الله ربنا ورب العالمین گفتن ودر آخر سوره قیامة ومرسلات والتین کلمات مشهور مسنونه را ذکر کردن واز سوره والضحى تا اخر قران در اخر سوره الله اکبر ودر اخر بعض آیاتها بعض الفاظ بطریقه مسنونه در دوران تلاوت گفته میشود مثلیکه درسوره طه حضرت عبد الله ابن مسعود بعد از آیة مبارکه وقل رب زدني علما میگفت که اللهم زدني علما وایمانا ویقینا غرض اینکه این کلمات را امام ومنفرد درنماز هاي فرض ونفل مثل آمین بطور خفیه به نزد احناف گفته میتواند ویانه؟

جواب: به نزد احناف این کلمات واذکار درنوافل یا براي منفرد که بیرون نماز باشد محمول شده است درنماز جماعت فرض ونفل جائز نیست کذا في شرح المنية: لاباس للمتطوع المنفرد ان يتعوذ بالله من النار الخ وان كان المصلي المنفرد في الفرض كره له ذلک الخ واما الامام والمقتدي فلا يفعل ذلک السوال والتعوذ لافي الفرض ولا في النفل الخ شرح منيه كبيري فقط نام این کتاب غنیة المستملی است مگر دربین علماء بنام کبیري شرح منیه مشهور است.

سوال: (۴۰۵) **آیا بسم الله جزء قران است یانه؟** بسم الله جزء قرآن است یانه، اگرباشد درنماز جهری چرا به جهر گفته نمیشود در این جا یک حافظ درماه رمضان دروقت تلاوت قرآن صرف درشروع قل هو الله احد بسم الله را به جهر قرائت نمود؟

جواب: به نزد احناف بسم الله جزء هر سوره نیست صرف براي فصل دربین دوسوره نوشته میشود وبدون سورة توبه دراول هر سوره نوشته او ثابت است مگر جزء شدن هر سوره او ثابت نیست از این جهت به جهر خواندن آن همراه هر سوره حکم ندارد درتمام قرآن کریم بسم الله صرف یک آیت است لهذا وقتیکه درتراویح رمضان قرآن به جهر خوانده میشود دربسم الله هم صرف یک دفعه جهر میشود.[1] فقط

سوال: (۴۰۷) **تعریف سوره کوتاه**: کدام آیت که باندازه سوره کوثر باشد من حیث آیت کلان حساب میشود ازعبارت کدام کتاب فقه تحریر فرمائید که کم از کم آیت کلان چه مقدار است؟

---

(۱) وهي اي بسم الله الخ اية واحدة من القران كله انزلت للفصل بين السور الخ وليست من الفاتحة ولا من كل سورة في الاصح (الدرالمختار على هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة بعد الفصل ص۴۵۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹۱).

جواب: در الدر المختار آمده وضم اقصر سورة كالكوثر او ماقام مقامها وهو ثلاث آيات قصار نحو ثم نظرثم عبس وبسر ثم ادبر واستكبر وفي الشامي قوله تعدل ثلاثا قصارا اي مثل ثم نظر الخ وهي ثلاثون حرفا فلو قرا آية طويلة قدر ثلاثين حرفا يكون قد اتى بقدر ثلاث آيات. [۱] فقط

سوال: (۴۰۸) **قرائتهاي متواتر درنماز**: فن قرائت اصول وفروع بدو قسم است ازهفت امامان وچهار ده راويان مروي شده است درداخل نماز قرائتهاي نماز اجراء ميشود يانه يک کلمه به روايت يک راوي وكلمه ديگر به روايت راوي ديگري اجراء كرده ميشود يانه؟

جواب: نماز به تمام رويات متواتره صحيح است لكن خواندن روايات غريبة غير معروفه در نماز خوب نيست اگر چه متواتر هم باشد چرا كه درخواندن آن براي عوام ضرر است: كما في الدر المختار ويجوز بالروايات السبع وفي الشامي بل يجوز بالعشر ايضا لكن الاولى ان لا يقرأ بالغريبة والامالات لان بعض السفهاء يقولون ما لا يعلمون فيقعون في الاثم والشقاء ولا ينبغي للائمة ان يحمل العوام على ما فيه نقصان دينهم ولا يقرا عندهم مثل قرائت ابى جعفر وابن عامر وعلي بن حمزة والكسائي صيانة لدينهم فلعلهم يستخفون او يضحكون وان كان كل القرائت والروايات صحيحة فصحيحة ومشائخنا اختاروا قرائت ابي عمر وحفص عن عاصم الخ من التارخانية عن فتاوى الحجة [۲] الحاصل كدام قرائت كه حالا عموما مروج است ودر اوراق چاپ شده يعني قرائت حفص از عاصم حالا همان قرائت لازم است. فقط

سوال: (۴۰۹) **بحث استاد شدن وتير شدن از رموز اوقاف**: الحمد لله رب العالمين (لا) الرحمن الرحيم، من شر الوسواس الخناس (لا) الذي يسوس، على كل شي قدير (لا) نِالذي خلق الموت والحيات، الاية، به علامه (لا) اگر نفس ختم شود ووقف كند وكلمه آخري دوباره خوانده نشود وپيش برود پس درنماز كدام خلل پيش ميشود درمثال سوم اگر وقف كرده باشد بعدا الذي گفته شود يا نِالذي خوانده شود؟

جواب: به علامه (لا) بالر ضرورت وقف كردن هيچ حرج نيست وبه تكرار لفظ ما قبل هيچ ضرورت نيست ودرنماز هيچ قسم خلل پيش نميشود ودرمثال سوم الذي، نِالذي هر دوقسم تلفظ جائز است مگر درصورت وقف تلفظ بصورت (الذي) مناسب است.

---

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ص۴۲۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۵۸. ظفير

(۲) ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۱. ظفير

سوال: (۴۱۰) از مسلک متفق علیه حنفی مخالفت قول شاه ولی الله معتبر نیست:
چونکه قول شاه ولي الله صاحب در اسرار شریعت ثبت شده که خواندن فاتحه خلف الامام از نخواندنش بهتر است وشاه صاحب هم ازجمله علماء حنفي است دراین رابطه اگر شخص حنفي مذهب فاتحه خلف الامام بگوید حکم آن چیست؟

جواب: براي شخص حنفي مذهب خواندن فاتحه خلف الامام هیچ مناسب نیست اگر هم چون شاه ولي الله محقق دریک مسئله مخالفت کند ازاین دو براي دیگران این عمل جائز نیست براي مردم تقلید امام متبوع خود لازم است درحالیکه دلائل قوي وحقه بطرف قول وتائید قول امام شان هم باشد. [1] فقط

سوال: (۴۱۱) اگر امام به رموز اوقاف وقف نکند هم صحیح است: امام در رکعت دوم نماز صبح از اذا السماء انفطرت تا یا ایها الانسان ماغرک بربک الکریم الذي، الفاظ را اداء کرد وبه لفظ الذي استاد شد ونفس خود را تازه کرد یک شخص گفت که این قسم تلاوت ناجائز است؟

جواب: به این قرائت نماز صحیح شد وهیچ قسم خلل درنماز پیش نمیشود. [2] فقط

سوال: (۴۱۲) اگر درسوره فاتحه سکته نشود نام شیطان ساخته نمیشود: بعض مردم میگویند که درسوره فاتحة هفت جا سکته لازم است اگر دراین هفت جا سکته نشود نام شیطان پیدا میشود که نماز را فاسد میکند این قول صحیح است یا غلط؟

جواب این قول باطل وبالکل لغوه است: کما حققه في القول الفاصل بین الحق والباطل للامام محمد بن عمر بن خالد القرشي حیث قال اعلم ان هولاء القائلین عموا فیما زعموا وغفلوا فیما نقلوا بل ان ما زعموا وسواس صرف وما نقلوا افتراء محض. [3] فقط

سوال: (۴۱۳) (۱) اگر وقف را در جای خود نکند یا جزء سوره را در نماز بخواند نماز

---

(۱) ولایقرء المؤتم خلف الامام الخ لنا قوله علیه السلام من کان له امام فقرائت الامام له قرائت وعلیه اجماع الصحابة ورکن مشترک بینهما لکن حظ المقتدي الانصات والاستماع قال علیه السلام واذا قرأ فانصتوا ویستحسن علی سبیل الاحتیاط فیما یروي عن محمد ویکره عندهما لما فیه من الوعید (هدایه، فصل في القرائت ص۱۵۹) . ظفیر

(۲) ومنها زلة القاري فلو في اعراب او تخفیف مشدد وعکسه الخ او بوقف وابتداء لم تفسد وان غیر المعنی به یفتی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار زلة القاري ص۵۹۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۶۳۰) . ظفیر

(۳) کتاب مذکور القول الفاصل بین الحق و الباطل. ظفیر

صحیح میشود؟ زید یک قاري است بسیار وقف اضطراري میکرد ازجهت اینکه به نهایت ترتیل قرائت میکند درنماز خفتن وصبح دراکثر اوقات جزء سوره را میخواند درنماز خوانان مردم دیگري هم موجود اند که قرآن را صحیح بدون وقف اضطراري میخوانند ودرجمله نماز خوانان بعض مردم طبعا این قسم قرائت رامکروه میدانند درایت کلان چند جاي ودرایت کوتاه یک ویا دوجا وقف میکند مثلا درالذي اطعمهم به اطعمهم وقف میکند ودر الفاظ من جوع وآمنهم به آمنهم وقف میکند ومثلا درانا انزلناه في لیلة القدر وما درلفظ وما وقف میکند یعني لفظ (وما) را میخواند ونفس را تازه میکند بعدا (ادراک) را میخواند.

سوال: (٤١٤) (٢) **خواندن جزء سوره چه حکم دارد؟**

سوال: (٤١٥) (٣) **اگر بعض نماز گذاران نماز امام را مکروه بگوید برای ترک امامت دلیل شده میتواند یانه؟**

سوال: (٤١٦) (٤) **وقتیکه قاری مذکور بدون وقف اضطراری قرائت خوانده میتواند آیا از این قرائت وقف اضطراری منع کرده شود یانه؟**

جواب: (١) اگر دروقف اضطراري کلمه موقوفه دوباره تکرار شود هیچ قسم کراهیت باقي نمي ماند وبراي مقتدیان مناسب نیست که این قسم قرائت را بد تعبیر کنند واگر درمقتدیان کسي باشد که قران کریم را صحیح میخواند ودرقرائت وقف اضطراري زیاد نمیکند امام شدن این شخص بهتر است چرا که رعایت مقتدیان هم بهتر است. (١)

جواب: (٢) درنماز همیشه خواندن جزء سورة خلاف سنت وغیر اولی است بهتر آن است که در هررکعت یک سوره مکمل خوانده شود درشامي آمده: صرحوا بان الافضل في کل رکعة الفاتحه وسورة تامة (٢) الخ ج١ ص٣٦٣ شامي.

جواب: (٣) اگر مقتدیان امامت امام را مکروه بداند وسبب آن تقصیر امام باشد دراین صورت امامت این امام مکروه است واگر درامام کدام علت وخرابي نباشد براي مقتدي بد است که او را مکروه بداند کذا في الدر المختار. (٣)

---

(١) وهو ما في الصحیحین اذا صلی احدکم للناس فلیخفف فان فیهم الضعیف والسقیم والکبیر واذا صلي لنفسه فلیطول ماشاء الخ (ردالمحتار باب الامامة ص٥١٧ ج١، ط.س. ج١ ص٥٣٥) . ظفیر

(٢) ردالمحتار، باب صفة الصلوة فصل في القرائت جلد اول ص٥٠٥، ط.س. ج١ ص٥٤١. ظفیر

(٣) ولو ام قوما وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیه او لانهم احق بالامامة منه کره له ذلک تحریما الخ وان هو احق لا، والکراهة علیهم =

جواب: (٤) اگر امام به تدویر بدون وقف اضطراري قرائت کرده میتواند بهتر است که همین قسم قرائت کند.

سوال: (٤١٧) **خواندن فاتحه امام به قصد ثناء چه حکم دارد:** فلو قرأ المقتدي لزم له قرأتان وهو غير معهود وهذا انما يتم لو قرأ على نية الثناء اما لو قرأ الفاتحة على نية الثناء فيخرج من القرآنية فلا يلزم قراءتان كما تقول لو قرأ الفاتحة في صلاة الجنازة على نية الدعاء لابأس به الخ ارکان اربعة ص۱۰۲، مطلب این است که فاتحه به خلف الامام به نزداحناف درنماز پنجگانه به قصد دعاء وثنا به مثل نماز که درنماز جنازه نیز به قصد دعاء وثناء خوانده میشود در نمازهاي دیگري چرا ممنوع است بحر العلوم در ارکان اربعه این عمل را جائز نوشته کرده است اگر احناف، این مسئله را قبول کنند از وهابیان چه قسم نجات واحتراز خواهد نمود؟

جواب: قال في الدر المختار: ولمؤتم لايقرأ مطلقا ولا الفاتحة في السرية اتفاقا وما نسب لمحمد ضعيف كما بسطه الكمال فان قرأ كره تحريماً وتصح في الاصح وفي درر البحار وعن مبسوط خواهرزاده انها تفسد ويكون فاسقا وهو مروي عن عدة من الصحابة فالمنع احوط الخ درالمختار وفي الشامي قوله مروي عن عدة من الصحابة فالمنع احوط الخ قال في الخزائن وفي الكافي ومنع المؤتم من القرائت مأثورة من ثمانين نفراً من كبار الصحابة منهم المرتضى والعبادلة [1] الخ وفيه قبيله وقد روي الفساد بالقرائت عن عدة من الصحابة فاقواهما المنع شامي [2] الخ پس معلوم شد که به نزد احناف هیچ اجازه خواندن فاتحه خلف الإمام نیست که دراین عمل خوف فساد نماز است کما روی عن عدة من الصحابة قال الکمال: چونکه جنازه محل دعاء است لذا خواندن فاتحه درنماز جنازه به نیت ثناء جائز شده میتواند وصلاة پنجگانه محل قرابت است از این جهت سخن احتیاط این است که به هیچ وجه درنماز فاتحه خلف الامام خوانده نشود.

جواب: نماز صحیح شده. فقط

سوال: (٤١٩) (١) **اگر درنماز ترجمه قرآن خوانده شود نماز صحیح میشود یانه؟** اگر در داخل نماز ترجمه قرآن بکدام زبان دیگري خوانده شود دراین صورت نماز صحیح خواهد شد یا

= (الدر المختار على هامش ردالمحتار، باب الامامة ص٥٢٢ ج١، ط.س. ج١ ص٥٥٩) . ظفير

(١) ردالمحتار فصل في القرائت ص٥٠٨ ج١، ط.س. ج١ ص٥٤٤. ظفير

(٢) ردالمحتار فصل في القرائت ص٥٠٨ ج١، ط.س. ج١ ص٥٤٤. ظفير

نه؟

سوال: (٤٢٠) (٢) **مقصود از قرآن لفظ است یا معنی؟** درقرآن شریف مقصود اصلي لفظ است یا معنی؟

جواب: (١) مقصود اصلي درقرآن هم لفظ است وهم معنی وقرآن نام آن کلام وعبارت خاص است که درمصاحف به زبان عربي نوشته شده است، قال الله تعالی انا انزلناه قرانا عربیا لعلکم تعقلون [١] پس کدام چیزي که نظم عربي نباشد قرآن هم نیست ونه حکم تلاوت قران به او صادق میشود ونه ثواب تلاوت به آن حاصل میشود درحدیث شریف آمده قال رسول الله ﷺ من قرا حرفا من کتاب الله فله به حسنة والحسن بعشر امثالها لا اقول الم حرف بل الف حرف ولام حرف ومیم حرف، رواه الترمذي وغیره عن ابن مسعود ﷺ [٢] درشامي آمده: لان الامام رجع الی قولهما في اشتراط القرائة بالعربیة لان المأمور به قرائت القرآن وهو اسم للمنزل باللفظ العربي المنظوم بهذا النظم الخاص المکتوب في المصاحف المنقول الینا نقلا متواترا [٣] الخ حاصل عبارت این است که امام صاحب وصاحبین متفق شده اند که قرائت در داخل نماز بزبان همان کلمات عربي لازم است کدام کلماتیکه حقیقة قرآن ست ودرمصاحف نوشته شده است الی آخره حاصل این است که به خواندن ترجمه قرآن درداخل نماز ترک فرضیت قرائت است ونماز صحیح نمیشود چرا که خواندن قرآن درنماز فرض است وقرآن نام لفظ عربي است به ترجمه قرآن اطلاق نمیشود مگر مجاز هر تفسیر وتعبیر قرآني را مردم به نام قرآن یاد میکنند: کما قال في رد المحتار والاعجمي انما یسمی قرآنا مجازا ولذا یصح نفي اسم القرآن عنه الخ شامي. [٤] فقط

سوال: (٤٢٢) (٢) **بعد از خواندن مقدار واجب درقرائت بند شد به رکوع نرفت ونماز را شکستاند حکم آن چیست؟** امام نماز را شروع کرد مگر بعد از خواندن سه یا چهار آیت درقرائت بند شد در این وقت به رکوع نرفت نماز را شکستاند وبعدا آن را از سر نو اعاده نمود حکم آن چیست؟

---

(١) سورة یوسف: ١. ظفیر

(٢) مشکوة، کتاب فضائل القران، فصل ثاني ص١٨٦. ظفیر

(٣) ردالمحتار، باب صفة الصلوة مطلب في حکم القرائت بالفارسیة جلد اول ص٤٥٢، ط.س. ج١ ص٤٨٥. ظفیر

(٤) ایضاً، ط.س. ج١ ص٤٨٥. ظفیر

سوال: (۴۲۲) (۲) **بعد از خواندن دو آیت در قرائت بندشد امام یک آیة را ترک کرد وآیه بعدی را قرائت نمود:** امام نماز را شروع کرد بعد از خواندن دو آیت در قرائت بند شد خواندن چهارم ویا پنجم آیت را شروع نمود دراین صورت سجده سهو لازم است یانه؟

سوال: (۴۲۳) (۳) **اگر بعد از خواندن دوآیت درقرائت بند شد سوره دیگری را بگوید یانه؟** امام بعد ازخواندن دوآیت در نیم آیت سوم بند شد دراین وقت آیت چهارم یاپنجم وکدام سورت دیگري را شروع کرد نمازش صحیح شد یانه؟ وسجده سهو برآن لازم شد یانه؟

جواب: (۱) دراین وقت باید رکوع میرفت لیکن به دوباره خواندن هم نماز صحیح شده [1].

جواب: (۲) نماز درست شده است، سجده هم لازم نمیباشد. [2]

جواب: (۳) دراین صورت هم نماز اداء شده وسجده سهو لازم نمیگردد. [3]

سوال: (۴۲۴) **دربعض الفاظ دوقرائت:** دربعض جاهای قرآن شریف حروف کوچک نوشته شده مثل بصطة، هم المصيطرون، عليهم بمصيطر در این قسم کلمات کدام حرف دو رفعه خوانده شود در پنجاب این کلمات را مردم دو رفعه خوانند مطلب این چیست؟

جواب: دربالاي لفظ بصطة، هم المصيطرون، عليهم بمصيطر، سین نوشته شده دراین اشاره وعلامه مطلب این است که این الفاظ به سین هم خوانده شده وبه صاد هم خوانده شده وتلاوت کننده اختیار دارد که این الفاظ را به سین میخواند یا به صاد نماز درهر دو صورت صحیح است مطلب این علامه این نیست که گویا این الفاظ دو دفعه خوانده شود بلکه متابعت کدام قاري که کرده شود موافق آن این الفاظ را بخوانند قوله المصيطرون وفي قرائة لابن كثير بالسين بمكان الصاد، المتسلطون الجبارون الخ كمالين، لست عليهم بمصيطر وفي قرائة بالصاد بدل السين اى بمسلط [4] وفي القاموس البصط البسط في جميع معانيه. فقط

---

(1) وضم اقصر سورة كالكوثر او ماقام مقامها وهو ثلاث ايات قصار نحو (ثم نظر ثم عبس وبسر ثم ادبر واستكبر) وكذا لو كانت الاية او الايتان تعدل ثلاثا قصار (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة جلد اول ص۴۲۷، ط.س. ج۱ ص۴۵۸) . ظفير

(2) يكره ان يفتتح من ساعته كما يكره للامام ان يلجئه اليه بل ينتقل الى اية اخرى لا يلزم من وصله ما يفسد الصلوة (رد المحتار، باب مايفسد الصلوة ومايكره فيها ص۵۸۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۶۲۲) ولو قرء اية تعدل اقصر سورة جاز الخ وقدرها من حيث الكلمات عشر ومن حيث الحروف ثلاثون (ايضا فصل في القرائت ص۵۰۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۳۸) . ظفير

(3) ايضاً، ط.س. ج۱ ص۵۳۸. ظفير

(4) جلالين اصح المطابع سورة غاشيه ص۴۹۸. ظفير

سوال: (٤٢٥) **درقرائت رعایت ترتیل ضرور است ویانه؟** انا نشاهد كثير من الحفاظ انهم يقرءون القرآن الكريم بالتعجيل في صلاة وغيرها كوقت الحفظ بحيث لايفهم ما يتلفظون به من الاعراب والالفاظ وغيرها والحال ان القران ناطق على ترتيله: ورتل القران ترتيلا، فهل يجوز لهم القرائت على سبيل التعجيل ام لا؟

جواب: قال في الدر المختار ويجتنب المنكران هذرمة القرائت وفي الشامي هذرمة الخ سرعة الكلام والقرائة [1] الخ فعلم ان القرائة بالكيفية المذكوره من ترک الترتيل المأمور به والاستعمال المفضي الى الهذرمة من المنكرات التي ينبغي الاجتناب عنه. فقط

سوال: (٤٢٦) **در هررکعت همراه سوره خواندن سوره اخلاص چه قسم است؟** یک امام درنماز جهري که بعد فاتحه کدام سورت را خواند به تعقیب آن قل هو الله شریف را نیز قرائت نمود رکوع وسجده کرد ودر رکعت دوم بعد از فاتحه یک سوره دیگري را پیوست نمود بعد ازآن قل هو الله را میگوید این عمل به نزد احناف جائز است یانه؟

جواب: درفرائض به نزد احناف این عمل مکروه است درشرح منیه آمده: والخاص ان تكرار السورة الواحدة في ركعة واحدة مكروهة في الفرض ذكره في فتاوی قاضي خان وكذا تكرارها في ركعتين منه بان قرءها في اولى ثم كررها في الركعة الثانية يكره ذكره في القنية لكن هذا اذا كان بغير ضرورة بان كان يقدر قرائت سورة اخرى اما اذا لم يقدر فلا يكره الخ ولا يكره تكرار السورة فی رکعة اورکعتين في التطوع [2] پس معلوم شد که درفرائض این عمل مکروه است، ودر نوافل جائز است. فقط

سوال: (٤٢٧) **اگر در رکعت اول کدام رکوع را قرائت کند در رکعت دوم کدام سوره مکمل را بخواند چه حکم دارد؟** کسي که در رکعت اول یک رکوع قرآن کریم ودر رکعت دوم یک سوره را مکمل بخواند که از رکوع دراز نباشد این عمل جائز است یا مکروه؟

جواب: دراین عمل هیچ کراهیت نیست البته فضیلت دراین است که در هر رکعت یک سوره را مکمل بخواند کذا في الشامي. فقط

سوال: ٤٢٨) **اگر در رکعت اول یک حصه کدام سورت ودررکعت دوم حصه کدام سورت**

---

[1] رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح جلد اول ص٦٦٣، ط.س. ج٢ ص٤٧ ظفير

[2] غنية المستملي. ظفير

دیگری بخواند این عمل جائز است یا نه؟ اگر امام در رکعت اول حصه اول یک سورت ودر رکعت دوم یک حصه سوره دیگري را بخواند جائز است یانه؟

جواب: نماز جائز [۱] است. [۲] فقط

سوال: (۴۲۹) **اگر درنماز وتر سورتهای کوتاه وکلان را بخواند نماز صحیح است یانه؟**

امام در اول سورة والعصر در دوم التکاثر درسوم سوره همزه را قرائت نمود در حالیکه سورت سوم دو چند سورت دوم است در این صورت نماز وتر صحیح شده یانه؟

جواب: نماز وتر صحیح شده به کوتاهي وطوالت این قدر سورتها درنماز هیچ کراهیت پیش نمیشود. [۳] فقط

سوال: (۴۳۰) **درما بین ترک سورت کوتاه مناسب نیست:** در قرآن کریم بعد ازسوره اذا جاء سوره تبت مناسب است لذا بعد از سوره اذا درنماز تبت خوانده شود مگر نماز خوان یا امام دوست دارد که تبت را ترک میکند وبعد از اذا جاء قل هو الله احد را شرف میخواند دراین صورت حکم چیست ؟

جواب: فقهاء فاصلة سوره کوتاه را درفرائض وواجبات مکروه میگویند اگر میخواهد که در رکعت دوم قل هو الله شریف را بخواند دراین صورت در رکعت اول سوره قل یا أیها الکافرون رامیخواند واگر در رکعت اول إذا جاء را خوانده باشد در این صورت دررکعت دوم قل اعوذ برب الفلق رابخواند. [۴]

سوال: (۴۳۱) **لحاظ ترتیب سورتها درنماز:** ترتیب سورتهاي قران کریم درنماز چه حکم دارد مثلا بعد از قل اعوذ برب الفلق قل هو الله را خوانده میتواند یانه؟

---

(۱) وکذا لو قرأ في الاولی من وسط سورة او من سورة اولها ثم قرأ في الثانية من وسط سورة اخری الخ اوسورة قصيرة الاصح انه لا يكره (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص۰ ۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۶) . ظفير

(۲) مع انهم صرحوا بان الافضل في كل ركعة الفاتحة وسورة تامة (ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۱) . ظفير

(۳) واطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا ان بثلاث ايات ان تقاربت طولا وقصرا والا اعتبر الحروف والكلمات واعتبر الحلبي فحش الطول لا عدد الايات واستثنى في البحر ما وردت به السنة واستظهر في النفل عدم الكراهة وان باقل لايكره (درمختار) قوله فحش الطول الخ كما لو قرأ في الاولى والعصر وفي الثانية الهمزة فرمز في القنية اولا انه لايكره ثم رمز ثانيا انه يكره وقال لان الاولى ثلاث ايات والثانية تسع ولكره الزيادة الكثيرة الخ (ردالمحتار فصل في القرائت ج۱ ص۵۰۶ – ۵۰۷، ط.س. ج۱ ص۵۴۲) از سوال معلوم میشود که خلاف ترتیب قرآن سورتها خوانده شود مکروه است از این عمل اجتناب مناسب است اگر چه نماز میشود: ويكره الفصل بسورة قصيرة وان يقرء منكوسا (درمختار) لان ترتيب السورة في القرائت من واجبات التلاوة (ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۶) . ظ

(۴) ويكره الفصل بسورة قصيرة (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القراة جلد اول ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۶. ظفير

جواب: این قسم تقدیم وتاخیر را فقهاء درفرائض وواجبات مکروه گفته اند [۱] واین عمل در نوافل جواز دارد. [۲]

سوال: (۴۳۲) **اگر وقت تنگ باشد درنماز صبح خواندن سورتهای کوتاه صحیح میشود یانه**؟ امام درنماز صبح ازجهت تنگي وقت در رکعت اول قل یا ایها الکافرون ودررکعت دوم سوره اخلاص را قرائت نمود بعد ازنماز یک صاحب گفت که نماز مکروه تحریمي شد خواندن سورتهاي دراز لازم بود.

جواب: این نماز بدون کراهیت صحیح شده واین گفتار غلط است که گویا نماز مکروه تحریمي شده ان حضرت ﷺ یک دفعه درنماز صبح قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس را خوانده است، بس معلوم شد که اگر وقت کم باشد یا درسفر وغیره تندي وعجله باشد دراین صورت درنماز صبح وغیره خواندن سورتهای کوتاه جائز است. [۳] فقط

سوال: (۴۳۳) **در رکعت اول یک حصه سورة مزمل ودررکعت دوم یک حصه سوره بقره را خواند نماز صحیح شد یانه**؟ امام در نماز شام بعد از فاتحه در رکعت اول رکوع اول سوره مزمل را ودر رکعت دوم رکوع اول سوره بقره را قرائت نمود در این صورت نمازش صحیح شده یانه؟

جواب: نماز صحیح شده وسجده سهوه لازم نگردید مگر درآینده این قسم قرائت خلاف ترتیب قرآني برایش مناسب نیست چرا که این قسم قرائت خلاف ترتیب درفرائض مکروه است کذا في الدر المختار. [۴] فقط

سوال: (۴۳۴) **تکرار کردن آیت نماز را فاسد نمي سازد**: زید امام نماز شام است در رکعت اول بعد ازسوره فاتحه سوره فیل را شروع کرد وکلمه طیرا أبابیل را دو دفعه قرائت نمود دفعه اول به سکون لام ودفعه دوم به فتحه لام بعدا رکوع کرد ودر رکعت دوم بعد از فاتحه تمام

---

(۱) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرأ منکوسا الخ ولا یکره في النفل شيء (درمختار) بان یقرء في الثانیة سورة اعلی مما قرء في الاولی لان ترتیب السورة في القرائت من واجبات التلاوة (ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۱۰ ج۱) . ظفیر

(۲) فیسن في السفر مطلقا اي حالة قرار او فرار الخ الفاتحة وجوبا واي سورة شاء وفي الضرورة بقدر الحلل (درمختار) اي سواء کان في الحضر او السفر الخ لانه علیه الصلوة والسلام قرأ في الفجر بالمعوذتین الخ (ردالمحتار فصل في القرائت ص ۵۰۳ – ۵۰۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص) . ظفیر

(۳) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرأ منکوسا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل القرائت ص۵۱۰ ج۱). ظفیر

(۴) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرأ منکوسا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل القرائت ص۵۱۰ ج۱). ظفیر

سوره قریش را قرائت نمود نمازش صحیح شده یا نه یا سجده سهوه لازم بوده؟

جواب: نمازش صحیح شده به سجده سهو واعاده نماز ضرورت نیست. [۱] فقط

سوال: (۴۳۵) **درنماز فرض از حضور ﷺ خواندن جزء سورت ثابت نیست**: رسول الله ﷺ درکدام وقت بدون سورة مکمل رکوعها را هم خوانده ویانه؟

جواب: درکتابها فقه شریف نوشته است که دریک رکعت خواندن یک سورت مکمل مستحب وسنت است رسول الله ﷺ در اکثر اوقات واکثر نمازها در هررکعت تمام سوره را میخواند شاید درکدام نماز بدون سوره مکمل کدام رکوع را هم خوانده باشد مگر ثبوت وتصریح این عمل شان ثابت نیست. [۲]

سوال: (۴۳۶) **درسکتهای فاتحه خواندن ثناء جائز نیست**: در سکتهاي فاتحه ثناء افضل است یا سکوت کردن؟

جواب: بعد ازشروع کردن قرائت ثناء خواندن جائز نیست. [۳] فقط

سوال: (۴۳۷) **فاتحه خلف الامام**: شاه رفیع الدین صاحب دهلوي نوشته کرده که خواندن فاتحه خلف الامام جائز است ودر خواندنش کدام حرج نیست در نخواندنش ترس وخوف است که نماز صحیح نشود، دراین مسئله چه حکم است؟

جواب: چونکه درحدیث بصراحت حکم شده که: وإذا قرأ فانصتوا [۴] ودرحدیث دیگري آمده که: من کان له امام فقرائت الامام له قرائة، [۵] وبه همین قسم درقرآن کریم ارشاد است که: واذا

---

(۱) وقرأ بعدها وجوبا سورة اوثلاث ايات ولو كانت الاية او الايتان تعدل ثلاث ايات قصار (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۵۹ ج۱) اذا كرر آية واحدة مرارا ان كان في التطوع الذي يصليه وحده فذلك غير مكروه وان كان في الفريضة فهو مكروه وهذا في حالة الاختيار اما في حالة العذر والنسيان فلاباس به (غنية المستملي ص۴۲۲). ظفير

(۲) مع انهم صرحوا بان الافضل في كل ركعة الفاتحة وسورة تامة (ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۵ ج۱) وان الغالب من قراءته ﷺ السورة التامة بل قال بعضهم لم ينقل عنه ﷺ قرائت السورة الكاملة ولم ينقل عنه التفريق الا في المغرب قرأ فيها الاعراف في ركعتين وركعتي الفجر وقرء بايتي البقرة وال عمران وقال اخرون انما هي افضل الخ والتي بعض ائمتنا بان من قرأ سورة في ركعتين ان فرقها عذرا كمرض حصل له ثواب السورة الكاملة والكلام في سورة طويلة كالاعراف بخلاف سورة لثلاث ايات او اربع لتفريقها خلاف السنة اهـ (مرقات المفاتيح شرح مشكوة المصابيح باب القرائت في الصلوة فصل اول ص۵۲۷ – ۵۲۸ ج۱) . ظفير

(۳) وقرء كما كبر سبحانك اللهم الخ الا اذا شرع الامام في القرائت سواء كان مسبوقا او مدركا وسواء كان امامه يجهر بالقرائت او لا، فانه لاياتي به لما في النهر عن الصغيري ادرك الامام في القيام يثني ما لم يبدأ بالقرائت الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل تاليف الصلوة ج۱ ص۴۵۵ – ۴۵۶، ط.س. ج۱ ص۴۸۸) . ظفير

(۴) مشكوة باب القرائت في الصلوة ص۸۱. ظفير

(۵) آثار السنن باب في ترك القرائت خلف الامام في الصلوة جلد اول ص۸۷. ظفير

قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا، [1] نظر به این دلائل گنجایش خواندن فاتحه وغیره خلف الامام نیست مثلیکه درکتابهای فقه به تفصیل این دلائل وحکم ذکر شده وبراي احناف مناسب وضرور است که به مذهب عام خود عمل کنند. فقط

سوال: (۴۳۸) **اگر دررکعت اول اذا جاء را ودر رکعت دوم قل هو الله رابخواند نقصان آمده یا نه؟** امام در رکعت اول اذا جاء خواند ودر رکعت دوم قل هو الله پس درنماز چه نقصان پیش آمده؟

جواب: درفرائض فاصله سوره کوتاه مکروه است ونماز صحیح میشود واگر این عمل سهوا از او صادر شد هیچ کراهیت نیست ودر نوافل به این عمل کراهیت هم پیش نمیشود. [2]

سوال: (۴۳۹) **قرائت بدون حرکت لبان معتبر نیست:** اگر کسي الفاظ نماز را بدون حرکت لبها دردل خود میگوید نمازش صحیح خواهد شد یانه؟

جواب: قرائت وغیره بدن حرکت لبان معتبر نیست. [3]

سوال: (۴۴۰) **شروع قرآئت از نیم آیة صحیح نیست:** ید همیشه درنماز قرائت را از نیم ایت شروع میکند نماز درست میشود یانه؟

جواب: نماز صحیح است مگر این عمل مناسب نیست چرا که این یک عادت نا مشروع وخلاف قواعد نماز است. [4]

سوال: (۴۴۱) **درلفظ الحمد وایاک تکان کردن:** درلفظ الحمد ولفظ ایاک جتکه کردن چه حکم دارد؟

جواب: تلاوت قرآن کریم خلاف قواعد تجوید مکروه است اگر چه نماز میشود. فقط

---

(۱) سورة الأعراف رکوع ۲۴. ظفیر

(۲) ویکره الفصل بسورة قصیرة الخ ولا یکره في النفل شيء من ذلک (درمختار) افاد ان التنکیس او الفصل بالقصیرة انما یکره اذا كان عن قصد فلو سهوا فلا کما في شرح المنیة (ردالمحتار فصل في القرائت ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۶)، ظفیر

(۳) وادنی الجهر اسماع غیره وادنی المخافة اسماع نفسه الخ ویجري حالة المذکور في کل ما یتعلق بنطق کتسمیة علی ذبیحة وجوب سجدة تلاوة وعتاق وطلاق واستثناء وغیرها (درمختار) اعلم انهم اختلفوا في حدود وجود القرائت علی ثلاثة اقوال فشرط الهندواني والفضلي لوجوده خروج صوت یصل الی اذنه وبه قال الشافعي وشرط بشر المریسي وأحمد خروج الصوت من الفم وان لم یصل الی اذنه الخ ولم یشترط الکرخي وابوبکر البلخي السماع واکتفیا بتصحیح الحروف اهـ (ردالمحتارفصل في القرائت ج۱ ص۴۹۸ – ۴۹۹، ط.س. ج۱ ص۵۳۵). ظ

(۴) والافضل ان یقرء في کل رکعه سورة تامة (غنیة المستملي ص۴۶۲) خواندن بعض حصه سورت را فقهاء مکروه گفته اند لذا خواندن نیم آیت جه قسم مناسب خواهد بود: ولو قرء بعض السورة في رکعتها وباقیها في رکعة قیل یکره والصحیح انه لا یکره (ایضا). ظفیر

سوال: (۴۴۲) **خواندن سه آیات فرض است یا واجب؟** کدام سه آیات که دریک رکعت نماز خوانده میشود فرض است یا چیزي دیگري؟

جواب: در الدر المختار در واجبات نماز حساب شده است که خواندن فاتحه وضم سوره یاسه آیات کوتاه در واجبات میباشد: وضم اقصر سورة کالکوثر اوما قام مقامها وهو ثلاث آیات قصار الخ وکذا لوکانت الایة والایتین تعدل ثلاثا قصارا [1] الخ. فقط

سوال: (۴۴۳) **اگر در رکعت اول از پاره بیست وهفتم ودر رکعت دوم ازپاره اول قرائت کند حکم آن چه خواهد بود؟** اگر در رکعت اول نماز جمعه یک رکوع پاره بیست وهفتم ودر رکعت دوم یک رکوع را از پاره اول بخواند دراین صورت نماز صحیح است یا نه؟

جواب: درفرائض این قسم قرائت مکروه است چرا که مخالف ترتیب قرآني است، در الدر المختار آمده: ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرا منکوسا (الدر المختار) بأن یقرا في الثانیة سورة اعلی مما قرء في الاولی لان ترتیب السور من القرآن من واجبات التلاوة [2] الخ شامي ج۱ ص۳۶۷. فقط

سوال: (۴۴۴) **خواندن فاتحه درنماز که دراولش بسم الله خوانده نشود:** اگر در داخل نماز درس اول فاتحه بسم الله خوانده نشود نماز میشود یانه؟

جواب: نماز میشود هیچ نقصان درآن پیش نمیشود. [3] فقط

سوال: (۴۴۵) (۱) **کدام سورة را که در رکعت اول خوانده بود در رکعت دوم سهوا آن را باز خواند؟** کسي که در رکعت دوم سهوا آن سوره را بخواند که در رکعت اول نیز همان سوره خوانده باشد آیا درنماز کدام نقصان پیش مباید یانه؟

سوال: (۴۴۶) (۲) **اگر کسي در رکعت اول نیم دررکعت اول سوره الناس ودر رکعت دوم نیم دیگري ان را بخواند نماز او صحیح است یانه؟**

جواب: (۱) درنماز کدام نقصان نمي آید. [4]

---

(1) الدر المختار علی هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ص۴۲۷ ج۱، ط. س. ج۱ ص۴۵۹. ظفیر

(2) ردالمحتار للشامي، باب صفة الصلوة، فصل في القرائت ص۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۶. ظفیر

(3) ومنها ترک السنة لا یوجب فسادا ولا سهوا بل اساءة لوعامدا الخ، الثناء والتعوذ والتسمیه والتامین (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب سنن الصلوة ص۴۴۲ – ۴۴۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۷۳ – ۴۷۴) . ظفیر

(4) لاباس ان یقرء سورة ویعیدها في الثانیة (درمختار) افاد انه یکره تنزیها وعلیه یحمل جزم القنیة بالکراهة ویحمله فعله علیه الصلوة =

جواب: (۲) نماز صحیح شده. [۱] فقط

سوال: (۴۴۷) **در هررکعت نماز فرض تکرار سوره اخلاص مناسب نیست:** در اطراف علاقه امرتسر ساکنین حضرات دهات در هر رکعت تمام نمازها بعد از فاتحه سوره اخلاص میخوانند براي آنها جائز است ویانه؟

جواب: طریقه سنت این است که یک سوره هم در رکعت اول وهم در دوم، سوم وچهارم خوانده نشود بلکه سورتهاي مختلف را با رعایت ترتیب در هر رکعت بخوانند نه اینکه درهر رکعت صرف قل هو الله را بخوانند این قاعده مردم غیر مقلد است که در هر رکعت صرف سوره اخلاص را مکرر میخوانند [۲] البته کسي که سوره دیگري را یاد نداشته باشد او مجبور ومعذور است، پس شما مردم احناف مطابق طریقه مسنونه قرائت نمائید در هررکعت بعد ازفاتحه سورتهاي مختلف را موافق ترتیب قرآني بخوانید آن حضرت ﷺ همیشه سورتهاي مختلف را درنماز خوانده است این قسم نکرده که در هر رکعت صرف سوره اخلاص را خوانده باشد.

سوال: (۴۴۸) (۱) **به رب العالمین نفس تازه کردن:** امام به رب العالمین وقف کرد ونفس تازه میکند آیا درنماز کدام حرج نیست؟

سوال: (۴۴۹) (۲) **درلفظ فعال به حرف عین جزم کردن:** امام درلفظ (فعال لما یرید) به حرف عین جزم میکند دراین صورت نماز صحیح است یانه؟

سوال: (۴۵۰) (۳) وقف کردن به (یوم یقوم الروح والملائکة صفا): اگر امام بآیة مبارکة (یوم یقوم الروح والملائکة صفا) وقف کند نمازش صحیح است یانه؟

سوال: (۴۵۱) (۴) وقف کردن به علامه (لا) به آیت [لا] وقف کردن کدام حرج میشود یانه؟

جواب: (۱) هیچ کدام کراهیت وغیره نیست.

جواب: (۲) در حرف عین لفظ فعال ادغام است یعني در این کلمه دو عین است اول ساکن دوم

= والسلام للدلک علی بیان الجواز هذا اذا لم یضطر فان اضطر بان قرء في الأولی قل اعوذ برب الناس اعدها في الثانیة ان لم یختم (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص ۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۶) . ظفیر

(۱) ولو قرء بعض السورة في رکعة وباقیها في رکعة قیل یکره والصحیح انه لایکره (غنیة المستملي تتمات ص۴۶۲) . ظفیر

(۲) ولا یتعین شيء من القران لصلوة علی طریق الفرضیة الخ ویکره التعین (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۴) لاباس ان یقرء سورة ویعیدها في الثانیة (درمختار) قوله لاباس الخ افاد ان یکره تنزیها وعلیه یحمل جزم القنیة بالکراهة ویحمل فعله علیه الصلوة والسلام للدلک علی بیان الجواز هذا اذا لم یضطر (ردالمحتار باب ایضا ج۱ ص۵۱۰). ظفیر

متحرک که در اصل فَعْ عَالْ است اگر به همین قسم خوانده باشد صحیح است.

جواب: (۳) نماز صحیح است وباية مبارکه (صفا) وقف کردن درنماز کدام خلل نمیاید.

جواب: (٤) به علامه (لا) یا بایت (لا) وقف کردن کدام حرج نیست ونماز صحیح است.

سوال: (٤٥٢) (۱) **درنماز صبح طوال مفصل**: فقهاء درنماز صبح خواندن طوال مفصل ویا چهل آیات را طریقه مسنونه میگویند وبعض سورتهای طوال مفصل بیست آیات میباشد اگر دو سورت خوانده شود چهل آیات خواهد شد دراین صورت چه عمل مناسب است؟

سوال: (٤٥٣) (۲) **ترک کردن آیتهای سجده**: درآیتهاي سجده ترک کردن یک یا دوآیات ازجهت سجده چه حکم دارد؟

جواب: (۱) افضل وبهتر این است که درهر رکعت یک سورت مکمل گفته شود لهذا درنماز صبح درهر رکعت طوال مفصل مکمل خوانده شود پس سنت اداء خواهد شد لحاظ آیتها را نکنند خواه چهل آیات باشد ویا کم وزیاد (لا). [1]

جواب: (۲) خواندن آیت سجده واداء کردن سجده او بهتر است آن را ترک نکند. [2]

سوال: (٤٥٤) **سورت کوتاه به کدام مقدار است وآن سورتها کدام اند**؟ آن سورتهاي کوتاه کدامها است که به فصل آنها نماز مکروه میشود؟

جواب: آن سورتها از لم یکن تا آخر قرآن شریف است یعني از سوره لم یکن تا آخر قرآن کریم هرسورت قصار مفصل است. [3] فقط

سوال: (٤٥٥) **علامت آیت**: سه ایتهاي کوتاه قرآن شریف که باندازه یک آیت کافي شده میتواند به دائره گول معلوم میگردد یا به حروف (ج) (صل) (ز) (ط) معلوم کرده میشود درمقابل یک آیت کلان سه آية کوتاه کافي شده میتواند یا چه قسم؟

جواب: این هم از واجبات نماز است که در هر رکعت بعد از فاتحه سه آیات کوتاه یا یک آیت

---

(۱) ویسن في الحضر لامام ومنفرد الخ طوال المفصل من الحجرات الى آخر البروج في الفجر والظهر الخ اي في كل ركعة سورة مما ذكر (ردالمحتار) اي من الطوال والاوساط والقصار ومقتضاه انه لانظر الى مقدارمعين من حيث عدد الايات الخ (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص٥٠٥، ط.س. ج۱ ص٥٣٩ – ٥٤٠) . ظفير

(۲) كره ترک اية سجدة وقرائت باقي السورة لان فيه قطع نظم القران وتغير تاليفه واتباع النظم والتاليف مامور به. بدائع ومفاده ان الكراهة تحريمية لايكره عكسه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود الصلوة جلد اول ص٧٢٩، ط.س. ج۲ ص١١٧ – ١١٨) . ظفير

(۳) ومنها الى اخر لم يكن اوساطه الخ وباقيه قصاره (الدرالمختار على هامش ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص٥٠٤ ، ط.س. ج۱ ص٥٤٠) . ظفير

كلان كه باندازه سه آيات كوتاه باشد خوانده شود سورة كوتاه كه همه سه آيات است سوره انا اعطيناک الكوثر است وقتيكه اين سورت ويا امثال اين سورت بعد از فاتحه دريک ركعت گفته شود واجب نماز اداء ميگردد وعلامه ختم ايت به اين شكل حلقه دائروي است ومثال ايتهاي كلان آية الكرسي وآية مداينة وامثال آن ميباشد ومثال آيتهاي كوتاه ثم نظر ثم عبس وبسر ثم ادبر واستكبر ميباشد. [1] فقط

سوال: (٤٥٦) **اگر به نستعين وقف نكند چه حكم است؟** زيد به اياک نعبد واياک نستعين با اينكه درنستعين وقف است وقف نميكند واين قسم ميخواند نستعين اهدنا الصراط المستقيم وقل هو الله احد نِالله الصمد ميگويد آيا به اين قسم قرائت درنماز كدام نقصان نمايد واين قسم تلفظ ازقراء ثابت است يانه؟ به اين قسم تلفظ درمعنى كدام نقصان ميايد يانه؟

جواب: اصل حكم اين است كه به نستعين وقف كردن ونكردن هردو جائز است وبه همين قسم به قل هو الله احد وقف كردن ونكردن هر دوثابت است پس اگر وقف كرده شود دراين صورت (اهدنا) و(الله الصمد) خوانده ميشود واگروقف كرده نشود دراين صورت (نِاهدنا) و(نِالله الصمد) خوانده ميشود در معنى هيچ فرق نمايد وقاريان الفاظ مذكوره هم به وقف وهم بدون وقف ميخوانند لكن دراكثر اوقات به نستعين واحده وقف ميكنند واهدنا الصراط المستقيم والله الصمد را جدا جدا ميخوانند لهذا به زيد هيچ ضرور نيست كه آن را (نِاهدنا) و(نِالله الصمد) بخواند بلكه هر قسم كه قاريان آن را ميخوانند زيد هم آن را به همان قسم بخواند لكن اگر زيد بطور اتفاقي آن را اين قسم ميخواند در اين صورت بر او اعتراض كرده نشود وتلفظ آن را غلط گفته نشود.

سوال: (٤٥٧) **اگر در ركعتهاى نماز ركوعهاى سورتهاى مختلف خوانده شود هيچ بدى ندارد:** اگر كدام امام از هر پاره يک يک ركوع را ياد داشته باشد ودر هرنماز يک ركوع ميگويد وبه ترتيب همه ركوعها را ختم كند وبعدا از سر آن را باز شروع كند به اين قرائت نماز جائز است يانه؟

جواب: به اين قسم قرائت هم نماز جائز است مگر بهتر اين است كه در هر ركعت يک سوره

---

[1] وضم اقصر سورة كالكوثر او ماقام مقامها وهو ثلاث آيات قصار نحو: ثم نظر ، ثم عبس وبسر ، ثم ادبر واستكبر الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة واجبات الصلوة ص٤٢٧ ج١، ط.س. ج١ ص٤٥٨) . ظفير

را مکمل بخواند موافق آن طریقه که فقهاء آن را نوشته اند درنماز صبح وظهر طوال مفصل ودر نماز دیگر وخفتن اوساط مفصل ودرنماز شام از قصار مفصل یک سوره را بخوانند.[۱]

سؤال: (۴۵۸) جواب حدیث فاتحه خلف الامام: عند الاحناف فاتحه خلف الامام ناجائز است مگر غیر مقلدین دو حدیث را پیش میکنند یک حدیث عباده رضی الله عنه ویک حدیث ابو هریره رضی الله عنه که این مسئله در این دو حدیث ذکر شده قسمت الصلاة بيني وبين عبدي جواب این دو حدیث را مفصل تحریر فرمائید؟

جواب: جواب حدیث عباده رضی الله عنه در مشکوٰة باب القرائت في الصلاة بعد ازحدیث عباده ذکر شده است وعبارت حدیث این است: وعن أبي هريرة قال قال رسول الله انما جعل الامام ليؤتم به فاذا كبر فكبروا واذا قرا فانصتوا [۲] دراین حدیث مطلقا وعموما این حکم را فرموده است که امام قرائت میخواند شما چپ باشد پس معلوم شد که قبلا آن حضرت صلی الله علیه وسلم صرف اجازه سوره فاتحه را داده بود بعدا درنماز جهري آن را ممنوع فرمود، مثلیکه در حدیث ابو هریره ذکر گردیده که فانتهى الناس عن القرائة مع رسول الله صلی الله علیه وسلم فيما جهر فيه بالقرائت من الصلاة حين سمعوا ذلك من رسول الله صلی الله علیه وسلم [۳] این حکم ثابت است بعدا آن حضرت صلی الله علیه وسلم به امر: اذا قرا فانصتوا، درتمام نمازها اعم ازجهري وخفیه مطلقا خواندن فاتحه وغیره را خلف الامام ممانعت فرمود وحکم سکوت وانصات را بر آنها استوار ساخت مثلیکه این حکم از کلام پاک الله جل جلاله: واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا ([۴]) این حکم ظاهر میگردد وهمین جواب ازجمله: اقرأ بها في نفسک [۵] هم شده میتواند که درحدیث ابو هریره رضی الله عنه قسمت الصلاة بيني وبين عبدي، واقع است ومراد از اقرأ في نفسک تصور درنفس هم شده میتواند. فقط

سؤال: (۴۵۹) به خواندن سوره فاتحه فرض قرائت اداء میگردد: آیا به خواندن سورة فاتحه فرض قرائت اداء میشود یانه؟

جواب: فرض قرائت به خواندن فاتحه اداء میشود.[۶]

([۱]) واستحسنوا في الحضر طوال المفصل في الفجر والظهر واوساطه في العصر والعشاء وقصاره في المغرب الخ الافضل ان يقراء في كل ركعة الفاتحة وسورة كاملة في المكتوبة الخ (عالمگیري مصري الفصل الرابع في القرائت ج۱ ص۷۲ – ۷۳، ط. ماجدية ج۱ ص۷۷). ظف

([۲]) مشكوة باب القرائت في الصلوة، فصل ثاني ص۸۱. ظفير

([۳]) مشكوة باب القرائت في الصلوة، فصل ثاني ص۸۱. ظفير

([۴]) سورة الاعراف ركوع ۲۴. ظفير

([۵]) مشكوة باب القرائت في الصلوة، فصل اول ص۷۸. ظفير

([۶]) وفرض القرائت اية على المذهب هي لغة العلامة وعرفا طائفة من القران مترجمة اقلها ستة احرف ولو تقديرا كلم يلد (درمختار) قوله =

سوال: (٤٦٠) <u>صیغه واحد را به لفظ جمع وجمع را به لفظ واحد خواندن غلط است</u>: وقتیکه در نماز در قرائت کلام پاک لفظ جمع مفرد ولفظ مفرد جمع تلفظ شود نماز صحیح خواهد شد یانه؟ مثلا کلمه (آیة) را (آیات) وکلمه (جنة) را (جنات) بخواند.

جواب: لفظ واحد را به صیغه جمع وجمع را بصیغه واحد خواندن غلط است قصدا این عمل ناجائز است واگر به خطائي این قسم خوانده شود نماز صحیح است یعني نماز جائز است مگر این عمل غیر مناسب است. [1] فقط

سوال: (٤٦١) <u>قرائت وامامت درنماز منفرد</u>: شخص منفرد که درکدام جا نماز میخواند قرائت وتکبیرات براي او به جهر مناسب است یانه؟

جواب: درنماز جهري براي منفرد یعني تنها گذار دراین حالت درقرائت وتکبیرات جهر بهتر است مگر زیاد جهر نکند در جهر اندک حرج نیست. [2]

سوال: (٤٦٢) <u>درنماز فرض چرا دورکعت پر ودو خالي است</u>؟ در چهار رکعت فرض چرا دو پر ودو خالي خوانده میشود.

جواب: از احادیث ثابت شده وجناب رسول الله ﷺ همین قسم خوانده است لهذا به ما پیروي او دراین باره چون وچرا مناسب نیست. [3]

سوال: (٤٦٣) <u>اگر قرائت رکعت دوم صبح از رکعت اول دراز شود نماز مکروه میشود یانه</u>؟ علماء دین ومفتیان شرع مبین دراین مسئله چه میفرمایند که اگر امام درنماز صبح در رکعت دوم قصدا چند آیات را از رکعت اول زیاد بخواند آیا دراین سورت بدون کراهیة نماز صحیح است؟

جواب: دراین صورت دون کراهیت نمازصحیح است درشامي آمده که درسورتهاي کلان زیادت

= على المذهب اي الذي هوظاهر الرواية عن الامام (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص٥٠١ ج١، ط.س. ج١ ص٥٣٧) . ظفير

(1) قال في البزازية ولو زاد حرفا لايغير المعنى لاتفسد عندهما الخ (ردالمحتار زلة القاري ص٥٩١ ج١، ط.س. ج١ ص٦٣٧) . ظفير

(2) ويخير المنفرد في الجهر وهو افضل ويكتفي بادناه ان ادي وفي السرية يخافت حتما على المذهب (درمختار) قوله وهو افضل ليكون الاداء على هيئة الجماعة ولهذا كان اداءه باذان واقامة افضل وروي في الخبر من ان من صلى على هيئة الجماعة صلت بصلاته صفوف الملائكة (ردالمحتار فصل في القرائت ص٤٩٨ ج١، ط.س. ج١ ص٥٣٣) . ظفير

(3) الول قد اخرج البخاري ومسلم رحمهما الله عن عبدالله بن ابي قتادة عن ابيه ابي قتادة رضي الله عنه ان النبي صلى الله عليه وسلم كان يقرء في الركعتين الاولين من الظهر والعصر بفاتحة الكتاب وسورتين وفي اخريين بفاتحة الكتاب ويسمعنا الاية احيانا حاشيه هدايه الخ ودر زيلعي آمده: وفيما عدا الاولين اكتفاء بفاتحة الكتاب بقول ابي قتادة انه عليه الصلوة والسلام قرء في الاخيرين بفاتحة الكتاب ص١٢٢ ج١. ظفير

سه آیات اعتبار ندارد البته در سورتهاي کوتاه اگر رکعت دوم زیاد تر از سه آیات دراز شود مکروه تنزیهي است [1] فقط والله اعلم کتبه عزیز الرحمن عفي عنه.

سوال: (٤٦٤) **<u>کراهیت قرائت به خلاف ترتیب</u>**: استفتاء نمبر ٢٤٩٥ به ما وصول شد شما در شماره نمبر ٣ آن نوشته بودید که فقهاء تقدیم وتأخیر را درفرائض وواجبات مکروه نوشته کرده ودرنوافل مکروه نیست من دراین باره یک سخن دارم امروز یک حدیث شریف بخاري از نظرم تیر شد که یوسف بن مالک آن را روایت کرده که عائشه رض به آن حضرت ﷺ گفت که قرآن خود به ما را نشان دهید آن حضرت ﷺ گفت که چرا؟ عائشه رض گفت: تا اینکه موافق ترتیب آن تلاوت کنم چرا که مردم بي ترتیب قرائت میکنند حضور ﷺ فرمود که به شما هیچ حرج نیست کدام آیت را که خواسته باشد پیش بگوئید وبه یاد دارم که دربخاري شریف یک حدیث است که حضرت عمر رضی الله عنه نماز داد در رکعت اول سوره کهف ودر رکعت دوم سوره یوسف را قرائت نمود از این معلوم شد که این تقدیم وتأخیر مکروه نیست؟

جواب: بنده که کدام چیز را درباره خلاف ترتیب درفرائض نوشته است مطابق مذهب حنفي است ودر مراعت ترتیب احتیاط درنظر است ومطلب این نبود که دراین باره کس اختلاف نکرده ممکن است بعض حضرات خلاف این ترتیب بیان شده را مکروه نگویند مگر مذهب احناف آن است که بنده آن را تحریر نموده است مثلیکه در الدر المختار تشریح ووضاحت این مسئله شده است. [2]

سوال: (٤٦٥) **<u>خواندن تمام قرآن درنمازهای چند ماهه</u>**: زید درنماز فرض امام شد وتمام قرآن کریم را در داخل نماز درسه یا چهار ماه ختم نمود درپاره آخر چند سوره را دریک رکعت ودر رکعت آخر پاره اول را از الم تا مفلحون قرائت نمود در این صورت در نماز فرض کدام کراهیت است یانه؟

---

(1) بل الذي ينبغي ان الزيادة اذا كانت ظاهرة ظهورا تاما تكره والا فلا للزوم الحرج في التحرز عن الخفية ايضا قال والذي تحصل من مجموع كلامه وكلام القنية ان اطلاق كراهة اطالة الثانية بثلاث ايات مقيد بالسور القصيرة المتقاربة الايات لظهور الاطالة حينئذ فيها اما السور الطوالة والقصيرة المتفاوتة فلا يعتبر العدد فيها بل يعتبر بظهور الاطالة من حيث الكلمات وان اتحدت ايات السورتين عددا. فقط (رد المحتار ص٥٠٧ ج١، ط.س. ج١ ٥٤٣. ظفير

(2) ويكره الفصل بسورة قصيرة وان يقرء منكوسا الخ ولا يكره في النفل شيء من ذلك (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص٥١٠ ج١، ط.س. ج١ ٥٤٦). ظفير

جواب: دراین عمل کدام حرج نیست اگر در رکعت اول قرآن کریم راختم کند مثلا قل اعوذ برب الناس را قرائت نمود ودر رکعت دوم از سوره بقره چند آیات را قرائت نمود دراین باره در شامي، چنین فرموده: کما في الشامي عن شرح المنية من يختم القرآن في الصلاة اذا فرغ من المعوذتين في الركعة الاولی يركع ثم يقرا في الثانية بالفاتحة وشيء من سورة البقرة لان النبي ﷺ قال: خير الناس الحال المرتحل ای الخاتم المفتتح [۱] الخ لکن در یک رکعت فرائض خواندن چندین سورت خوب نیست یعني خلافة اولی است. [۲] فقط

سوال: (٤٦٦) **<u>برای امام حکم کردن به سورتهای مخصوص</u>:** اگر به امام حکم کرده شود که درنماز سوره فلان وفلان را بخوان وامام مطابق فرمایش عمل نمود جائز است یامکروه؟

جواب: اگر سوره موافق سنت را امر نمود کدام حرج نیست. [۳]

سوال: (٤٦٧) **<u>احادیث قرائت خلف امام ودرجه آن وبه عدم قرائت ثبوت استدلال به آية</u>:** احادیث قرائت خلف امام که اکثر در صحاح وارد است منسوخ میباشد ویانه؟ واین مسئله را واضح فرمائید که دراصول حدیث کدام مرتبه حدیث ناسخ حدیث صحیح شده میتواند وسند این سخن که آیت (واذا قرئ القرآن فاستعموا له وانصتوا لعلکم ترحمون) خاص درباره نماز نازل شده است در این باره احادیث معتبره واقوال صحابه کرام را تحریر فرمائید که اطمینان حاصل شود، غیر مقلدین بدون صحیحین احادیث صحاح دیگری ومسندات کتابهاي هستند لذا این موضوع رانیز تشریح فرمائید که بدون صحیحین بخاري ومسلم درکتابهاي دیگر احادیث هم احادیث صحیحه موجود است بدون آن احادیث که بخاري ومسلم آن را استخراج نکرده اند ودرباره منسوخیت حدیث آمین بالجهر نیز همین قسم فکر میشود بکدام احادیثي که حدیث آمین بالجهر منسوخ شده است:

اندکي پیش تو گفتم غم دل ترسیدم ٭ که دل ازرده شوی ورنه سخن بسیار است

---

(۱) ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵٤۷. ظفیر

(۲) ولو جمع بين سورتين في ركعة لاينبغي ان يفعل ولو فعل لاباس به (فتح القدير فصل في القرائت ص۲۹۹ ج۱). ظفیر

(۳) وعن جابر قال كان معاذ بن جبل يصلي مع النبي ﷺ ثم ياتي فيؤم قومه فصلى ليلة مع النبي ﷺ العشاء ثم اتى قومه فامهم فافتتح بسورة البقرة فانحرف رجل فسلم ثم صلى وحده وانصرف فقالوا له انافقت يا فلان؟ قال لا والله ولأتين رسول الله صلى الله عليه وسلم انا اصحاب نواضح نعمل بالنهار وان معاذاً صلى معك العشاء ثم اتى قومه فافتتح بسورة البقرة فاقبل رسول الله صلى الله عليه وسلم على معاذ فقال يا معاذ افتّان انت؟ اقرء والشمس وضحها، والضحي، والليل اذا يغشي، وسبح اسم ربک الاعلى متفق عليه (مشكوة باب القرائت ص۷٦). ظفیر

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم، درقرائت خلف امام اختلاف ائمه است امام اعظم رحمه الله واتباع وموافقين اودرباره قرائت خلف امام به عدم وجوب وعدم جواز قائل اند ودليل امام اعظم آيت قرآني است كه واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا [۱] وهم حديث صحيح مسلم شريف: واذا قرا فانصتوا [۲] وحديث شريف: من كان له اماما، الحديث [۳] ودرشامي از خزائن نقل شده: وفي الكافي منع المؤتم من القرائة مأثورا عن ثمانين نفرا من كبار الصحابة منهم المرتضى والعبادلة وقد دون في الحديث اساميهم [٤] ودرباره نزول آيت قرآني: واذا قرئ القرآن الاية درفتح القدير منقول است: واخرج ابو الشيخ من طريق سعيد بن جبير عن ابن عباس ﷺ نزلت هذه الاية في صلاة الجمعة وفي العيدين قال محي السنة والاولى انها في القرائت في الصلاة لان الاية مكية والجمعة وجبت بالمدينة وهذا قول الحسن والزهري والنخعي واخرج البيهقي عن احمد انه قال: اجمع الناس على ان هذه الاية في الصلاة واخرج ابن مردويه في تفسير الخ عن معاوية بن قرة قال سئلت بعض اشياخنا من اصحاب رسول الله ﷺ واحسبه قال عبد الله بن مغفل ﷺ كل متسمع القرآن وجب له الاستماع والانصات قال انما نزلت هذه الاية في القرائت خلف الامام كذا في فتح القدير [٥] وآمين بالجهر وبه خفيه هر دو به حديث ثابت است مگر امام ابو حنيفة نظر به آية مباركه: ادعوا ربكم تضرعا وخفية [٦] به حديث اخفاء ترجيح داده است. مثليكه درشرح منيه آمده: ويخفونها اي ويخفى الامام والمقتدون آمين لقول ابن مسعود ﷺ اربع يخفيهن الامام التعوذ والتسمية وآمين وربنا لک الحمد وهذه الاربعة رواها ابن ابي شيبه عن ابراهيم النخعي وقد روى احمد وابو يعلى والطبراني والدار قطني والحاكم في المستدرک من حديث شعبة عن سلمة بن كهيل عن جعفر بن العنش عن علقمة بن وائل عن ابيه انه صلى مع رسول الله ﷺ فلما بلغ: غير المغضوب عليهم ولا الضالين قال: آمين واخفى بها صوته، وقال الشافعي واحمد رحمهما الله يجهر الامام والماموم لما روي ابن ماجه كان عليه الصلاة والسلام اذا تلا غير المغضوب عليهم

---

(۱) پاره ۹ رکوع. ظفير

(۲) مشكوة باب القرائت في الصلوة فصل اول ص۷۹ وفصل ثاني ص۸۱. ظفير

(۳) آثار السنن باب في ترک القرائت خلف الامام ص۸۷ وفتح القدير فصل في القرائت ص۲۹۸ ج۱. ظفير

(٤) ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في القرائت ص۵۰۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥٤٤. ظفير

(۵) فتح القدير فصل في القرائت ص۲۹۸ ج۱. ظفير

(۶) الاعراف رکوع ۸. ظفير

ولا الضالين قال امين حتى يسمع من في الصف الاول فيرتج المسجد قلنا تعارض روايتا الجهر والاخفاء في فعله فيترجح الاخفاء باشارة قوله: فان الامام يقولها بانه الاصل في الدعاء وآمين دعاء فان معناه استجب [1] انتهى علاوه از صحيحين دركتابهاي ديگري احاديث صحيحه صرف در صحيحين غلط است عدم قبول صحاح ومسندات ديگري جهالت واضح ميباشد.

سوال: (٤٦٨) **خواندن رکوعها وسورتهای مختلف درنماز چه حکم دارد**؟ اگر رکوع کدام سورت دررکعت اول ورکوع ديگري همين سورت يا رکوع سورت ديگري وياكدام سورت مكمل در رکعت دوم يا یک سوره در دو رکعت خوانده شود جائز است يا خلاف اولی؟

جواب: جواب اول اين است که تمام اين صورتها خلاف استحباب است به نزد احناف مسنون ومستحب اين است که در هر رکعت موافق ترتيب فقهاء خوانده شود كدام قسميكه دركتابهاي فقه مذکور ومعروف است: قال في الشامي لانه السنة في الحضر في كل ركعة سورة تامة [2] كما يأتي فيه بعد صفحة مع انهم صرحوا بان الافضل في كل ركعة الفاتحة وسورة تامة، لذا خواندن جزء سورت خلاف اولی وخلاف مستحب است كه نتيجه آن كراهية تنزيهي است نه كراهية تحريمي. [3] فقط

سوال: (٤٦٩) **درقرائت فاتحه خلف امام احناف نمّيگويند وچرا**؟ در قرائت خلف امام چه قول است؟

جواب: به نزد احناف خواندن فاتحه خلف الامام جائز نيست: عن انس ﷺ قال صلى رسول الله ﷺ ثم اقبل بوجهه فقال أتقرأون والامام يقرأ فسكتوا فسألهم ثلاثا فقالوا: انا لنفعل قال لا تفعلوا الخ، قال علي من قرأ خلف الامام فليس على الفطرة الخ عن عبد الله بن دينار عن عبد الله بن عمر ﷺ قال يكفيك قرأة الامام فهولاء جماعة من اصحاب رسول الله ﷺ قد اجمعوا على ترك القرائت خلف الامام. [4] فقط

---

(۱) غنية المستملي معروف به كبيري ص٣٠٢. شَبير

(۲) ردالمحتار فصل في القرائت ج١ ص٥٠٣، ط.س. ج١ ص٥٣٩. ظفير

(۳) وفي الخلاصة اذا قرأ سورة واحدة في ركعتين اختلف فيه والاصح انه لايكره ولكن لاينبغي ان يفعل ولو فعل لاباس به وكذا لو قرأ وسط السورة او آخر سورة في الاولى وفي الثانية وسط سورة او اخر سورة اخري اي لاينبغي ان يفعل ولو فعل لاباس به وفي نسخة الحلواني قال بعضهم يكره (فتح القدير فصل في القرائت ص٢٩٩ ج١) . ظفير

(٤) شرح معاني الاثار باب القرائت خلف الامام جلداول ص١٢٨ - ١٢٩. ظفير

سوال: (٤٧١) **برای زن در تراویح خواندن قرآن به جهر جائز است یانه؟** اگر زن حافظه قرآن، نفل یا تراویح را درداخل خانه خود به جهر بخواند که درخانه بدون محارم شرعي زن کسي دیگري هم نباشد این عمل براي او جائز است یانه؟ نمازش صحیح است یانه؟

جواب: کدام زن که حافظه قرآني هم باشد نماز به جهر برایش جائز نیست چرا که کلام واواز زن به نزد بعض فقهاء عورت است: شامي جلد اول: وعلى هذا لو قيل اذا جهرت بالقرائت في الصلاة فسدت كان متجها [1] الخ. فقط

سوال: (٤٧١) **برای خواننده فاتحه خلف الامام کافر گفتن غلط است:** یک مولوي صاحب از افغانستان به این جا آمده او مگوید که خواننده فاتحه خلف امام کافر است؟

جواب: در مذهب امام ابو حنیفة خواندن فاتحه براي مقتدي خلف الامام جائز نیست ومقتضاي آیة کریمه واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا [2] ومقتضاي احادیث صحیحه صریحه: واذا قرأ فانصتوا، وغیره نیز همین است با وجود این همه دلائل حقه ومنصوبه براي خواننده فاتحه مرتد وکافر گفتن سخت جهالت وگمراهي است کسي که چنین میگوید درحق خودش خوف کفر است باید بزودي از این زغم وقول توبه کند این مسئله دربین امامان دین مختلف فیها ست امام شافعي خواندن فاتحه خلف امام را واجب میگوید [3] لذا به کافر گفتن به خود اوخوف کفر است الله تعالى ما را از این جهالت محفوظ بدارد فقط والله اعلم سبحانه وتعالى من کل عیب.

سوال: (٤٧٢) **جواب آیتها درنماز:** مردم غیر مقلد که جواب آیتها را میدهد مثلا جواب آیت (سبح اسم ربک الاعلى) را به سبحان ربي الاعلى میدهند، این عمل جائز است یانه؟

جواب: جواب سوال مذکوره درنماز به نزد احناف جائز نیست البته بیرون از نماز اگر کسي آیت مذکوره را بخواند در این صورت جواب دادن مسنون ومستحب است واز حضور سرور عالم ﷺ اکثر این جوابات بیرون ازنماز منقول [4] شده است درکدام موارد که درنماز ثابت

---

(۱) ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب في ستر العورة ص۲۷۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤٠٦. ظفیر

(۲) سورة الاعراف رکوع ۲٤. ظفیر

(۳) فقرائت الفاتحة لا تتعين رکنا عندنا الخ خلافا للشافعي رحمه الله في الفاتحة الخ والشافعي قوله عليه السلام لا صلوة الا بفاتحة الكتاب (هدايه) قوله خلافا الشافعي الخ حتى لوترک منها في رکعة لا تجوز صلاته (حاشيه هدايه باب صفة الصلوة ص۹۷ ج۱) . ظفیر

(٤) عن ابن عباس رضي الله عنهما ان النبي صلى الله عليه وسلم كان اذا قرأ سبح اسم ربک الاعلى قال سبحان رب الاعلى رواه احمد قلل المظهري عند الشافعي يجوز مثل هذه الاشياء في الصلوة وغيرها وعند ابي حنيفة لايجوز الا في غيرها قال التوربشتي وكذا عند مالک يجوز في النوافل آهـ (مرقاة المفاتيح شرح مشكوة المصابيح ص٤٣٦ باب القرائت في الصلوة) . ظفیر

شده خاص براي تعليم ميباشد، يا اينكه اين حال درابتداء اسلام بود كه گويا مردم درنماز يكي همراه ديگري سخن ميگفت وركعتهاي رفته شده ويا فوت شده جماعت را زود ميخواندند وهمراه امام شريک ميشدند وغيره وعمل ميكردند كه درآن زمان اين قيودات وآداب درنمازها بميان نيامده بود بعدا به تدريج به محنت ائمه عظام رحمة الله عليهم تمام امور غير مناسب دراين عبادت مطهر منع شد. فقط

سوال: (٤٧٣) **در دراز شدن رکعت دواعتبار بكدام چيز است؟** چونكه درنماز زيادت قرائت ركعت دوم از ركعت اول مكروه است اين كراهيت به حساب آيتها است يا به حساب حروف ويا به حساب كلمات؟

جواب: اگر آيتها با هم برابر باشد يا به برابري نزديک باشد دراين صورت حساب آيتها معتبر است كه دراين حال آيتهاي ركعت دوم از اول زياد تر از سه آيات نباشد واگر آيتها متفاوت باشد دراين صورت حساب حروف وكلمات معتبر است. [1] فقط

سوال: (٤٥٥) **خواندن دوسورت دريک رکعت چه حکم دارد؟** اگر امام درنماز صبح وخفتن دريک ركعت دو سورت را بخواند دراين صورت درنماز كدام كراهيت پيش نخواهد شد؟

جواب: خواندن دو سورت دريک ركعت خلاف اولى است اگر چه نماز صحيح ميشود ومراد از خلاف اولى مكروه تنزيهى است: قال في الشامي وذكر شيخ الاسلام لا ينبغي له ان يفعل على ما هو ظاهر الرواية وفي شرح المنية الاولى ان لا يفعل في الفروض ولو فعل لايكره اي لايكره تحريما [2] فقط قبل از اين عبارت چنين آمده: اذا جمع بين سورتين في ركعة رايت في موضع انه لا بأس به.

سوال: (٤٧٥) (١) **قرائت خلف الامام جائز است يانه؟** قرائت خَلف الامام جائز است يانه؟

سوال: (٤٧٦) (٢) **آمين به جهر جائز است يانه؟** گفتن آمين بآواز چه حكم دارد؟

جواب: (١) به مذهب امام ابو حنيفه براي مقتديان خواندن فاتحه وغيره ممنوع است [3] امام

---

(١) واطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا ان بثلاث ايات ان تقاربت طولا وقصرا والا اعتبرت الحروف والكلمات الخ بافل لايكره (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص٥٠٦، ط.س. ج١ ص٥٤٢) . ظفير

(٢) ردالمحتار فصل في القرائت ص ٥١٠ ج١ وكذا لو جمع بين سورتين في ركعة واحدة الاولى ان لا يفعل في الفرض ولو فعل لايكره (غنية المستملي ص٤٦٢) ولو جمع بين سورتين في ركعة لاينبغي ان يفعل ولو فعل لا باس به (فتح القدير فصل في القرائت ص٢٩٩ ج١) . ظفير

(٣) والمؤتم لايقرء مطلقا ولا الفاتحة في السرية اتفاقا فان قرء كره تحريما (الى قوله) بل يستمع اذا جهر وينصت اذا سر لقول ابي هريره =

شافعي خواندن فاتحه را براي مقتدي ضررر ميگويد براي احناف جائز نيست كه دراين باره وغيره به مذهب شافعي عمل كنند درحديث مسلم آمده: وإذا قرا فانصتوا [۱] يعني كدام وقت كه امام قرائت ميكند شما چپ باشد، درحديث ديگري آمده كه: قرائت امام قرائت مقتدي است.

جواب: (۲) گفتن آمين به جهر به نزد احناف مسنون نيست [۲] مثليكه تقاضاي كلام حق ادعوا ربكم تضرعا وخفية [۳] هم مذهب احناف را تائيد ميكند. فقط

سوال: (۴۷۷) **حكم فاتحه خلف الامام است يانه؟** خواندن الحمد لله خلف امام چه حكم دارد؟

جواب: خواندن فاتحه وسورت خلف الامام هيچ مناسب نيست مثليكه درحديث شريف واذا قرأ فانصتوا [۴] وحديث شريف: من كان، له امام فقرائة الامام له قرائة [۵] نيز اين ادعاء حقه را ثابت ميسازد. فقط

سوال: (۴۷۸) **اگر درنماز جهري چند آيات را خفيه بگويد چه كند؟** اگر امام سهوا درنماز جهري چند آيات ويا كم وزيادت را به خفيه بگويد دراين صورت به مجرد ياد شدن قرائت را از اول به جهر اعاده كند ويا قرائت حصه باقي را به جهر بگويد وسجده سهو بكند يانه؟

جواب: قرائت بعدي را به جهر [۶] بگويد وسجده سهوه بكند. [۷]

سوال: (۴۷۹) **فاتحه خلف الامام ودستها را زير ناف بسته كردن:** خواندن الحمد شريف خلف الامام جائز است يانه؟، ودستها بايد زير ناف ويا بالاتر از ناف بسته شود وبستن زير ناف را

= رضي الله عنه كنا نقرء خلف الامام فنزل واذا قرئ القران فاستمعوا له وانصتوا (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتارص۵۰۸ ج۱،ط.س ج۱ ص۵۴۴ – ۵۴۵) . ظفير

([۱]) مشكوة باب القرائت في الصلوة ص۸۱. ظفير

([۲]) والثناء والتعوذ والتسمية والتامين وكونهن سرا (درمختار) جعل سرا خبر الكون المحذوف ليفيد ان الاسرار بها سنة اخرى (ردالمحتار ص۴۴۴ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۷۵ – ۴۷۶) . ظفير

([۳]) الاعراف ركوع: ۸. ظفير

([۴]) عن ابي هريرة قال قال رسول الله ﷺ انما جعل الامام ليؤتم به فاذا كبر فكبروا واذا قرء فانصتوا رواه ابو داؤد والنسائي وابن ماجه (مشكوة ص۸۱) . ظفير

([۵]) موطا امام محمد ص۲۸. ظفير

([۶]) درمختار: ويجهر الامام وجوبا بحسب الجماعة فان زاد عليه اساء ولو ائتم به بعد الفاتحة او بعضها سرا اعادها جهرا بحر ودر شامي آمده است: (قوله اعاد جهرا) لان الجهر فيما تقي صار واجبا بالاقتداء والجمع بين الجهر والمخافة في ركعة واحدة شنيع (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص۴۹۷، ط.س. ج۱ ص۵۳۲) .

([۷]) چونكه تاخير فرض شده براي آن سجده سهو كند: وتاخير الواجب عن محله وهو موجب لسجود السهو. ظفير

بعض غیر مقلدین اعتراض وطعن میکنند؟

جواب: خواندن فاتحه وغیره تمام قرائت خلف امام به قرآن شریف واحادیث صحیحه ممنوع ثابت شده است: قال الله تعالی: واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا، الاية وفي حديث مسلم: وإذا قرا فانصتوا الحديث [۱] ودر حدیث صحیح دیگر آمده: من كان له امام فقرائة الامام له قرائة [۲] وبستن دستها در زیر ناف ویازیر ناف هر دوقسم دراحادیث موجود است البته یک امام به یک حدیث وامام دیگري به حدیث دیگري عمل کرده است، به هیچ کس اعتراض شده نمیتواند (ایضاح الادلة) را مطالعه فرمائید دراین کتاب تمام این مسائل موجود است این کتاب بسیار اهم ودرجواب غیر مقلدین بسیار بي مثل است در هرمسئله اختلافي احادیث را جمع کرده است واحادیث مؤید ومؤکد امام صاحب را مفصل تحریر فرموده است.

سوال: (٤۸۰) **قرائت خلاف ترتیب چه حکم دارد؟** اگر دررکعت اول فرض قل هو الله شریف ودر دوم قل أعوذ برب الفلق بخواند جائز است یا مکروه؟ ودر رکعت اول تراویح خواندن قل أعوذ برب الناس ودر دوم به خواندن چند آیات سوره بقره چه حکم است؟ ودر رکعت اول سهوا رکوع پاره پانزدهم را قرائت نمود ودر دوم رکوع پاره پانزدهم را قرائت نمود این صورت مکروه است یا چه قسم؟

جواب: خواندن قل هو الله در رکعت اول وقل اعوذ برب الفلق در دوم بدون کراهیت جائز است. [۳] وبه همین قسم خواندن قل اعوذ برب الناس دررکعت اول تراویح ودردوم چند آیات اول سوره بقره جائز است [٤] واگر سهوا در رکعت اول رکوع پاره شانزدهم ودر دوم رکوع پاره پانزدهم خوانده شود دراین صورت نیز کدام کراهیت نیست البته درنماز فرض قصدا این عمل جائز نیست بلکه مکروه است اگر سهوا باشد کدام حرج نیست. [۵] فقط

([۱]) مسلم ص۱۷٤ ج۱. ظفیر

([۲]) موطا امام محمد ص۷۸. ظفیر

([۳]) دراین صورت کدام سبب کراهیت نیست چرا که مطابق ترتیب است البته خلاف ترتیب مکروه است: يكره الفصل بسورة قصيرة وان يقرأ منكوسا. الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلاه فصل في القرائت: ج ۱ ص ۵۱۰.

واگر شبه داشته باشد که قل هو الله شریف کو تاه وقل أعوذ برب الفلق دراز است این سخن صرف براي نام است وبراي کراهیت زیاد شدن سه آیات شرط است اطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا ان بثلاث آيات الخ وان باقل لا يكره ايضا: ج ۱ ص ٦. ۵. ظفیر

([٤]) واذا قرء في الاولى قل اعوذ برب الناس ينبغي ان يقرأها في الثانية ايضا الخ وفي الولوالجية من يختم القران في الصلوٰة اذا فرغ من المعوذتين في الركعة الاولى يركع ثم يقوم في الركعة الثانية يقرء بفاتحة الكتاب وشيء من البقره (غنية المستملي ص٤٦۳) . ظفیر =

سوال: (٤٨١) **منفرد در نماز قرائت را به جهر بخواند یا به خفیه؟** اگر کسي باهر کدام عذر به مسجد نرود ودرخانه نماز بخواند براي او بآواز بلند یعني به جهر نمازکردن جائز است یا نه؟

جواب: براي منفرد در نمازهاي جهري مثل شام، خفتن وصبح جهر کردن بهتر است، لهذا در صورت مسئله جهرجائز بلکه افضل است [۱] البته ترک جماعت بدون عذرشرعي گناه است.[۲]

سوال: (٤٨٢) **درنماز از پاره هاي مختلف قرائت جائز است؟** من دربسیار فرائض رکوعهاي پاره هاي جدا جدا وآیتهاي پاره ها وسورتهاي مختلف را خوانده ام این عمل جائز است یا نه؟ اگر جائز نباشد درنماز فرق بیسار آمده نخواهد بود؟

جواب: کدام عملیکه قبلا از شما صادر شده که آیتهاي جدا جدا را درنماز فرض خوانده اید در این عمل شما گناهکار نشدید ودر نمازهاي شما هم هیچ فرق نیامده البته درآینده در هر رکعت فرائض جدا جدا سورت مکمل بخوانید که این عمل طریقه مسنونه است یک سورت را در دو رکعت نخوانید رکوعا وآیتهاي متفرق را هم نخوانید اگر درنفل بخوانید جائز است.[۳]

سوال: (٤٨٣) **حکم خواندن آیتهای متفرق دروتر وسنت؟** درسنت مؤکد ووتر خواندن آیتهاي جدا جدا چه حکم دارد؟

جواب: درنماز وتر وسنت مؤکد بهتر این است که در هررکعت سورة مکمل خوانده شود بلکه خواندن آیتهاي متفرق در این نمازها نیز جائز است.[٤]

سوال: (٤٨٤) **قرائت در نماز صبح جمعه:** در نماز صبح جمعه سورة جمعه وسوره منافقون

---

(٥) الاد ان التكيس او الفصل بالقصيرة انما يكره اذا كان عن قصد فلو سهوا فلا كما في شرح المنية (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص٥١٠) . ظفير

(١) وان كان منفردا فهو مخير ان شاء جهر واسمع نفسه لانه امام في حق نفسه وان شاء خافت لانه ليس خلفه من يسمعه والافضل هو الجهر ليكون الاداء علي هيئة الجماعة (هدايه فصل في القرائت ج١ ص١٠٥) . ظفير

(٢) والجماعة سنة مؤكدة للرجال قال الزاهدي ارادوا بالتاكيد الوجوب (درمختار) قال في النهر الا ان هذا يقتضي الاتفاق علي ان تركها مرة بلا عذر يوجب اثما الخ (ردالمحتار باب الامامة، ط.س. ج١ ص٥٥٢) . ظفير

(٣) الافضل ان يقرأ في كل ركعة الفاتحة وسورة كاملة في المكتوبة الخ ولو قرأ بعض السورة في ركعة قيل يكره وقيل لايكره وهو الصحيح ولكن لاينبغي ان يفعل ولو فعل لاباس به كذا في الخلاصة ولو قرأ من وسط سورة او من اخر سورة وقراء في الركعة الاخري من وسط سورة اخرى او من اخر سورة اخري لاينبغي له ان يفعل ذلک علي ماهو ظاهر الرواية ولكن لو فعل ذلک لاباس به (الى قوله) هذا كله في الفرائض واما في السنن لا يكره (عالمكيري كشورى فصل رابع في القرائت ص٧٧ ج١، ط. ماجدية ج١ ص٧٨ – ٧٩). ظفير

(٤) عالمكيري كشورى، فصل رابع في القرائت ص٧٧ ج١، ط. ماجدية ج١ ص٧٨ – ٧٩. ظفير

سنت است آيا بدون اين دوسوره خواندن سورتهاي ديگر خلاف سنت نيست؟

جواب: از رسول الله ﷺ اكثرخواندن اين دوسوره ثابت است نه بطور هميشه اگر درنماز مذكور علاوه از اين دوسوره سوره هاي ديگري خوانده شود خلاف سنت نيست [1] بلكه به خواندن سورتهاي ديگر عوام زياتر از غلطي محفوظ ميماند واز همين سبب به نزد احناف تعين سورت براي نماز معين ممنوع است. [2]

سوال: (٤٨٥) **فاتحه خلف الامام:** براي مقتدي به قرائت خلف امام چه حكم است؟ بعض صاحبان ميگويند كه بدون فاتحه نماز مقتدي صحيح نميشود وبعض صاحبان ميگويند كه قرائت امام براي مقتدي كافي است قول كدام شان صحيح است؟

جواب: كدام صاحب كه ميگويد كه قرائت امام براي مقتدى كافي است قولش صحيح است براي مقتدي قرائت خلف الامام جائز نيست اين مذهب امام أبو حنيفة است كه به حديث شريف: واذا قرأ فانصتوا، موافق ميباشد.

سوال: (٤٨٦) **مقدار قرائت درنماز صبح:** در نماز صبح چه مقدار قرائت سنت است؟

جواب: خواندن طوال مفصل درنمازصبح سنت است يعني ازسوره حجرات تاسورة البروج. [3]

سوال: (٤٨٧) (١) **اگر ضاد را به ظا بخواند چه حكم است؟** اگرضاد را درنماز به قسم ظاء بخواند نماز چه قسم ميشود؟

سوال: (٤٨٨) (٢) **كه ضاد را در مخرج ميانه ميخواند امامت او جائز است يانه؟** بكر آمين بالجهر ورفع اليدين نميكند وبه مذهب حنفي كاملا پابند است مگر در ولا الضآلين حرف ضاد را طوري ميخواند كه نه دال ظاهر شود ونه ظاء، آيا اقتداء به اين قسم امام جائز است يانه؟

جواب: (١) كسي كه ازمخرج به خواندن حرف قادر باشد اواز مخرج حرف را اداء كند وقصدا تلفظ ظاء نكند در اين مسئله بيسار احتياط ضرور است در شرح فقه اكبر در بعض روايات ظاء

---

(١) واذا فرغ من الخطبة اقام الصلوة وصلي بالناس ركعتين على ما هو المتوارث المعروف وفي التحفه وغيرها يقرء فيهما قدر ما يقرأ في الظهر لانهما بدل منه ان قرء بسورة الجمعة واذا جاءك المنافقون او سبح اسم او: هل اتك حديث الغاشية تبركا بالماثور عنه عليه الصلوة والسلام على ماهو في صفة الصلوة كان حسنا، لكن يتركه احيانا لئلا يتوهم العامة وجوبه (غنية المستملي ص٥٢٠). ظفير

(٢) مشكوة ص٧٩. ظفير

(٣) وليس في الحضر لامام ومنفرد طوال المفصل من الحجرات الى اخر البروج في الفجر والظهر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار، ص٥٠٣ ج١ مطلب السنة تكون سنة عين وكفاية) . ظفير

خواندن ضاد را کفر گفته است [۱] اعاذنا الله من ذلک.

جواب: (۲) براي امام جمعه دراین امور احتیاط مناسب چه ضرورت است که او به خلاف عام علماء احناف چنین عمل را اختیار میکند که درعام نماز گذاران تشویش را ایجاد میکند آیا به نزد بکر نماز آن مردم صحیح نمیشود که به الرحمن الرحیم، واهدنا الصراط المستقیم وقف نمیکنند یا ضاد را مثل ظاء نمیخوانند اگر بکر این قسم فکر داشته باشد معنی این است که نماز تمام اهل اسلام عرب وعجم به نزد اوباطل است درحالیکه این قسم فکر وعقیده خودش ظاهرا باطل است شما متوجه شوید که چه قسم علماء محقق ومختار وممتاز دراحناف گذشته است آیا امام مذکور تحقیق خود را از همه آن علماء محققین زیاد میداند که درمقابل تحقیق خود سخن هیچ کس را نمیشنود وبه خلاف همه علماء محققین راي خود را قابل اعتماد وصواب میداند.

سوال: (۴۸۹) **در رکعت سوم وتر سوره ضرور است یانه؟** در رکعت سوم وتر که دعاء قنوت هم درآن خوانده میشود ضم سورة هم در آن لازم است یانه؟

جواب: در هر سه رکعت وت رضم سوره به فاتحه. ضرور وفرض است درتمام رکعات وتر همیشه به فاتحه ضم سوره لازم است: هکذا في عامة کتب الفقه. [۲]

سوال: (۴۹۰) **از اصحاب پاک حضرت ﷺ آمین بالجهر وبالاخفاء ثابت است یانه؟** از اصحاب رسول الله آمین بالجهر وآمین بالاخفاء ثابت است ویانه؟

جواب: در آحادیث شریف آمین بالجهر وآمین به خفیه هردو روایت شده است وبعض ایمه مجتهدین آمین بالجهر را وبعض آمین بالاخفاء را را ترجیح داده اند [۳] وامام ابو حنیفة بالخفیة را سنت میگوید وآمین بالجهر رابراي تعلیم ویاضرورت محمول میکند. مثلیکه دربعض وقت رسول

---

(۱) وفي المحيط سئل الامام الفضلي عمن يقرأ الظاء المعجمة مكان الضاد المعجمة هو يقرأ اصحاب الجنة مكان اصحاب النار فقال لايجوز امامته ولو تعمد يكفر قلت اما كون تعمده كفرا فلا كلام فيه اذا لم يكن فيه لغتان ففي ضنين الخلاف. شامي، واما تبديل الظاء مكان الضاد فيه تفصيل (شرح فقه اكبر ص۲۵۵) . ظفير

(۲) وهو ثلاث ركعات بتسليمة الخ ولكنه يقرأ في كل ركعة منه فاتحة الكتاب وسورة احتياطا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ص۶۶۲ ج۱، ط.س. ج۲ ص۵) . ظفير

(۳) عن وائل بن حجر قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا قرأ ولا الضالين قال امين رفع بها صوته رواه ابوداؤد والترمذي واخرون وهو حديث مضطرب وعن ابي هريرة قال كان النبي صلى الله عليه وسلم اذا فرغ من قراءة ام القران رفع صوته وقال امين وقد قال الله تعالى ادعوا ربكم تضرعا وخفية عن ابي هريرة قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يعلمنا يقول لا تبادروا الامام اذا كبر فكبروا واذا قال ولا الضالين فقولوا امين واذا ركع فاركعوا الخ رواه مسلم قال النيموي يستفاد منه ان الامام لا يجهر بامين واخفى بها صوته رواه احمد والترمذي وابوداؤد واخرون واسناده صحيح وفي متنه اضطراب (آثار السنن باب ترك الجهر بالتامين ص۹۴ ج۱) تفصيل دركتاب مذكور بين. ظفير

الله ﷺ درنماز خفیه یک اية را به جهر قرائت نمود تا اینکه به مقتدیان معلوم شود که او فلاني سورة را میخواند وآیه مبارکه: ادعوا ربکم تضرعا وخفیة، مذهب امام صاحب را تائید میکند، والبحث فیه طویل فأکتفی علی هذا الدلیل.

سوال: (٤٩١) **درفرائض ونوافل به ترک یک سوره درمابین قرائت جائز است یا نه؟** در فرائض ویا نوافل ترک سورت درما بین جائز است ویانه؟

جواب: درفرائض ترک یک سورت کوتاه مکروه است ودرنوافل ترک سوره کوتاه مکروه نیست کذا في الدر المختار.[1]

سوال: (٤٩٢) **حصه اول آیت را ترک نمود وقرائت کرد نماز شد یانه؟** امام بعد ازسوره فاتحه آیت آخري رکوع آخر سورة انا فتحنا کلمات محمد رسول الله، را ترک کرد وبعد از این کلمات آیت متباقي را تا آخر قرائت نمود یعني تا: منهم مغفرة واجرا عظیما، آیت مذکور را تلاوت نمود نماز صحیح شده یانه؟

جواب: نماز صحیح شده مگر ترک ابتداء آیت عمل خوب نشده.[2]

سوال: (٤٩٣) **اگر در رکعت اول سورة اذا جاء ودر دوم سوره قل هو الله شریف بخواند حکم چیست؟** امام در رکعت اول سوره اذا جاء ودر دوم سوره اخلاص را قرائت نمود دراین صورت اعاده نماز لازم است یا چه قسم؟

جواب: درفرائض قصدا این عمل مکروه است اگر سهوا از پیش کسي این عمل سرزد کدام کراهیت نیست واعاده نماز لازم نمیشود.[3]

سوال: (٤٩٤) **اگر یک سورت را در مابین ترک کند یا بی موقع وقف کند حکم چیست؟** اگر کسي درقرائت نماز یک سوره را بخواند سوره دوم را ترک کند وسوره سوم را بخواند ودر قرائت بي موقع وقف کند حکم ایت چیست؟

---

(۱) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرء منکوسا الخ ولایکره في النفل شيء من ذلک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في القراءة ص۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵٤٦) . ظفیر

(۲) الافضل ان یقرأ في کل رکعة الفاتحة وسورة کاملة في المکتوبة الخ ولو قرأ في رکعة من وسط سورة اومن اخر سورة وقرأ في الرکعة الاخري من وسط سورة اخري او من اخر سورة اخري لاینبغي له ان یفعل ذلک علی ما هو ظاهر الروایة ولکن لو فعل ذلک لاباس به کذا في الذخیرة (عالمکیري مصري الباب الرابع في صفة الصلوة فصل رابع ص۷۳ ج۱، ط. ماجدیة ج۱ ص۷۸ – ۷۹) . ظفیر

(۳) ویکره الفصل بسورة قصیرة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، جلد اول ص۵۱۰، افاد ان التنکیس او الفصل بالقصیرة انما یکره اذا کان عن قصد فلو سهوا فلا کما في شرح المنیة (ردالمحتار فصل في القراءة جلد اول ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵٤٦) . ظفیر

جواب: ویکره الفصل بسورة قصیرة الخ ولا یکره في النفل شيء [1] في الدر المختار، حاصل این است که فاصله سورة کوتاه مکروه است مگر درنفل مکروه نیست اگر درمابین آیت نفس اوختم شد واز این جهت وقف کرد دراین صورت اعاده کلمه موقوفه ضرور است واحکام تفصیلي دراین باره از کدام قاري صاحب مناسب است.

سوال: (۴۹۵) **خواندن ترجمه قران درنماز چه حکم دارد**؟ یک عالم زبر دست بیان کرده که کدام آیت درنماز خوانده شود نماز اداء میشود چرا که قرآن شریف کلام الله نیست بلکه ترجمه کلام خدا است که رسول مقبول به زبان عربي آن راترجمه کرده است وذریعه نزول را این قسم بیان میکند که خداوند قرآن را درقلب او انداخت واو به زبان خود آن رابیان واظهار نمود، بیان این مولوي صاحب صحیح است یاغلط؟

جواب: کدام مسئله را که شما به حواله این مولوی زبردست نوشته کرده این بالکل غلط است از بیان او معلوم میشود که این صاحب عالم دین نیست بسیار افسوس است که این قسم مسائل غلط بیان یک عالم نامدار باشد به خواندن ترجمه الحمد شریف ویا کدام سوره دیگر نماز جائز نیست چرا که قرآن شریف تام آن کلام الله عربي است که در مابین دفتین یعني در مابین دو وقایه ها میباشد همین قرآن شریف کلام الله است وعقیده اهل سنت والجماعة همین است [2] پس گفتار این مولوي صاحب که گویا این قرآن شریف عربي کلام الله نیست بلکه ترجمه آن است بالکل غلط است وبه خداوند افتراء کرده ودرحکم (ومن أظلم ممن افترى على الله کذبا) شامل است. خداوند پاک فرموده است (إنا أنزلناه قرآناً عربیا) [3] به همین قسم خداوند پاک دربسیار آیت این کلام پاک را به نام کلام عربي یاد کرده ودر ارشاد پاک (ولو جعلناه قرآنا اعجمیا لقالوا لو لا فصلت ایاته أأعجمي وعربي) یعني الله میفرماید که اگر قرآن را به زبان عربي نازل نمیکردیم وبه زبان عجمي مي بود یعني بدون عربي بکدام زبان دیگري آن را نازل میکردیم

---

(1) الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القراءة، جلد اول ص ۵۱۰ ، ط.س. ج۱ ص۵۴۶. ظفیر

(2) کما صح لوشرع بغیر عربیة الخ او قرأ بها عاجز فجائز اجماعا قید القراءة بالعجز لان الاصح رجوعه الى قولهما وعلیه الفتوى قلت وجعل العیني الشروع کالقراءة لاسلف له ولاسند له یقویه (درمختار) وانما المنقول انه رجع الى قولهما في اشتراط القراءة بالعربیة الا عند العجز الخ لان الامام رجع الى قولهما في اشتراط القراءة بالعربیة لان المامور به قراءة القران وهو اسم للمنزل باللفظ العربي المنظوم هذا النظم الخاص المکتوب في المصاحف المنقول الینا نقلا متواترا الخ (ردالمحتار، باب صفة الصلوة فصل تالیف الصلوة ص۴۵۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۸۳ – ۴۸۴) . ظفیر

(3) سورة یوسف: رکوع ۱. ظفیر

پس کافران چنین اعتراضي میکردند که به پیغمبر عربي قرآن عجمي نازل گردیده است این سخن تعجب است ودرکتابهاي فقه واضح گردیده که اگر ترجمه قرآن را در نماز بخوانند نماز صحیح نمیشود واگر بکدام شخص جدید الاسلام که زبان سخت دارد وکلمات عربي را به زبان آورده نمیتواند برای او روا است که در نماز ترجمه قرآن بخواند تا وقتیکه الفاظ عربي نماز را یاد گیرد چرا که او معذور است واین گفتار مولوي صاحب مذکور که گویا الله تعالی قرآن را در دل پیغمبر انداخت وپیغمبر ﷺ به الفاظ عربي أن را بیان کرد این عقیده او بالکل خلاف اهل سنت است ونامبرده معتقد نیچریت ومرزائیت معلوم میشود عقیده اهل سنت این است که قرآن شریف به واسطه جبرئیل علیه السلام نازل شده است ودرخود قرآن کریم آمده است: نزل به الروح الامین، یعني جبرئیل ﷺ از طرف الله تعالی نازل کرده غرض اینکه شنیدن وقبول کردن کلام صاحب این قسم عقیده براي هیچ مسلمان مناسب نیست.

سوال: (٤٩٦) (۱) **زن در نماز جهری قرائت را به جهر بخواند یا به خفیه**؟ زنان درنماز خفیه وجهري قرائت را به جهری بخوانند ویا به خفیه؟

سوال: (٤٩٧) (۲) مقدار فرض قرائت کدام است؛چونکه درنماز قرائت فرض است برکدام اندازه ؟

سوال: (٤٩٨) (۳) **اگر در یک رکعت نماز صبح یک رکوع بخواند ودردوم جزء یاکلا یک سورت بخواند حکم چیست**؟ که در نماز صبح وغیره در رکعت اول رکوع یک سورت ودوم جزء یا کلا یک سورت دیگري را بخواند جائز است یانه؟

جواب: (۱) زنان درتمام نمازهای خود قرائت رابه خفیه بخوانند: فی الکبیری قال ابن الهمام خرج بالنوازل بأن نغمة المرأة عورة إلی قوله وعلی هذا لو قیل اذا جهرت بالقرآن في الصلاة فسدت کان متجها. [1]

جواب: (۲) مطلق قرائت باندازه یک آیت فرض است: کما في الشامي اي قرائت آیة من القرآن وهي فرض عمل [2] خواندن الحمد لله شریف وضم سوره یا ضم یک آیه دراز وسه آیات کوتاه بی الحمدلله شریف واجب است وبه ضم سوره کوتاه مثل إنا اعطیناک واجب اداء میشود:

(۱) ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب في ستر العورة جلد اول ص۳۷۷، ط.س. ج۱ ص٤۰٦. ظفیر

(۲) ردالمحتار، باب صفة الصلوة مبحث القراءة جلد اول ص٤۱٥، ط.س. ج۱ ص٤٤٦. ظفیر

وتجب قرائة الفاتحه وضم سورة او ما يقوم مقامها من ثلاث آيات قصار او آية طويلة في الاوليين عالمگيري ج۱ ص٦٦.

جواب: (۳) مستحب این است که در هر رکعت سوره مکمل قرائت کند: والافضل أن يقرأ في كل ركعه سورة تامة ولو قرأ بعض السورة في ركعة وباقيها في ركعة قيل يكره والصحيح انه لا يكره کبیری ص٤٦٢.

سوال: (٤٩٩) **قرائت خلف الامام جائز است یانه؟** قرائت خلف الامام جائز است یا نه ؟ اگر جائز نباشد چه دلیل است؟

جواب: قرائت خلف الامام به نزد امام اعظم صاحب جائز نیست لقوله ﷺ : من كان له امام فقراءة الامام له قراءة، رواه الطحاوي والامام محمد في موطائه واسناده صحيح كما في آثار السنن وقوله عليه السلام : واذا اقرا فانصتوا الحديث رواه مسلم [1] وغيره، والله تعالى اعلم كتبه عزيز الرحمن مفتي مدرسه عاليه ديوبند. (ويكره عندهما لما فيه من الوعيد ويستمع وينصب، هدايه، قال العلامة بدر الدين العيني في شرح الهداية: وفي شرح التاويلات عن سعد بن ابي وقاص رضي الله عنه : من قرأ خلف الامام لا صلاة له، وروى ايضا نهي ذلک عن جماعة من الصحابة رضي الله عنهم . جميل الرحمن).

سوال: (۵۰۰) **برای مسبوق درقرائت ترتیب امام لازم است یانه؟** به ذمه مسبوق ترتیب امام لازم است ویانه؟ مثلا امام یک سوره را خوانده است آیا مسبوق ما قبل از آن کدام سوره را بدون کراهیت خوانده میتواند یانه؟

جواب: ترتیب امام به ذمه مسبوق لازم نیست چرا که مسبوق درنماز خود درحکم منفرد است: والمسبوق من سبقه الامام بها او ببعضها وهو منفرد فيما يقضيه درالمختار.

سوال: (۵۰۱) **درحدیث مشکوٰة وبخاری راه تطبیق چیست؟** درباره نخواندن سوره فاتحه لفظ خداج آمده ودر بخاری شریف: لا صلاة لمن لم يقرا بفاتحة الكتاب، آمده مطلب این را واضح فرمائید.

جواب: این حکم برای امام ومنفرد است ممانعت قرائت برای مقتدی دراحادیث صحیحه دیگری موجود است مثل حدیث شریف: واذا قرا فانصتوا [2] ، الحديث وحديث شريف: من كان له امام

---

(۱) مشكوة باب القراءة في الصلوة ص۷۹ وص۸۱ او اثار السنن باب في ترک القراءة خلف الامام جلد اول ص۸۷. ظفير

(۲) مشكوة باب القراءة في الصلوة ص۷۹ وص۸۱. ظفير

فقراءة الامام له قرائت [1] الحديث وقال الله تعالٰی: واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا. [2]

سوال: (۵۰۲) **قرائت خلاف ترتیب چه حکم دارد**؟ اگر درقرائت نماز اول سورة الم نشرح لک را بعدا سورة والضحی رابخواند جائز است یانه؟ واگر سهوا این چنین کرده شود سجده سهو لازم است ویانه؟

جواب: قصدا الم نشرح را از والضحی پیش نکند واگر از روی سهو این عمل صادر شده باشد سجده سهو نیست. فی الدر المختار: ویکره الفصل بسورة قصیرة بان یقرأ منکوسا قال الشامی لان ترتیب السور فی القرائت من واجبات الصلاة، الی ان قال: انما یکره اذا کان عن قصد فلو سهوا فلا، شامی ج۱ ص۵۱۰.

سوال: (۵۰۳) **اگر مابین سوره را بخواند بسم الله رابخواند یانه؟ هم چنین درقنوت وجنازه درشروع دعاء گفتن بسم الله چی حکم دارد**؟ اگر کسی از مابین کدام سورة قرائت راشروع کند وهکذا در وتر وجنازه که دعاء قنوت ویا دعاء جنازه راشروع میکند در این وقت بسم الله را بگوید یا نه؟

جواب: اگر قرائت را از مابین سورت شروع میکند ویا در وتر دعاء قنوت میخواند ویا درنماز جنازه دعاء ودرود میگوید، وهر کدام آن را به بسم الله شروع کند کدام حرج نیست. [3]

تمّت بحمد الله تعالی



---

(1) آثار السنن باب فی ترک القراءة ص۸۷. ظفیر

(2) سورة الاعراف رکوع ۲۴. ظفیر

(3) یعنی اگر چه در تمام این صورتها گفتن بسم الله مسنون نیست لیکن اگر گفته شود حرج هم نیست کما فی الشامی ص۴۵۸ ج۱ فی بیان مفسدات الصلوٰة: قوله سمع اسم الله تعالی فقال جل جلاله الخ لان نفس تعظیم الله تعالی والصلوٰة علی النبی ﷺ لا ینافی الصلوٰة ویزیده ما فی الدرالمختار فی بیان تالیف الصلوٰة لا تسن البسملة بین الفاتحة والسورة مطلقا ولو سریة ولا تکره اتفاقا الخ. جمیل الرحمٰن غفرله